



بازرسی شد
۲۶ - ۲۷

بازدید شد
۱۳۸۴

کتابخانه مجلس شورای ملی	
کتاب: جمال الصالحین	
موضوع:	تاریخ: ۱۳۹۶
مؤلف:	۲۳۹۶
شماره ثبت کتاب:	۲۱۳۴۸
۱۱۴۸	

نقلی - فهرست شده
۱۳۳۰۸

مهد الكتاب اقل من ذي...

ابن...
...
...

٤٩

٢٣٩٤
ت

٢

کتابخانه
امیر قیصر



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين
محمد وآله الطاهرين

کمال الصالحين

اخرج عماد الفضل ربه حسن بن عبد الوهاب جده
التميز المظهرين جده من عباد الله كبري اين مجموعه
بجاء القاصدين بيان فضائل آداب اعمال حسن اخلاق وفعال
که مومنان را در اکثر اوقات احوال مراعات بايد نمود
آن عقل بايد بود بتوفيق الله تعالى وعونه نوشته ميشود در کتب
جمعي از مومنان که زبان عربي ندارند و استنباد آثار کتب اخبار
نموندند انشاء الله از فضائل آن محرم نموده و در آثار

احاديث و اخبار و کتب آداب آثار اهل بیت اطهار صلوات الله عليهم
صلوات باقيات الي يوم الدين قاطب ميشود و وجهه انکه مومنان بسياري
بي مومنت قبول کلام برادر نميکنند و در اکثر مواضع تفريح و لعب
صديقه رويت امثال آن نموده و گفته بر ترجمه آن ميشود و اين کتاب
انشاء الله در مذهب و دوازه باب خاتمه بيان شود و فضيل آن
بر نيجهت مقدمه در ذکر احاديث و اخبار و نکات و اسرار چنانکه پس
اجمال عت رغبت بقاء و فضيل اعمال موجب کرامت معاصي
و در ذيل افعال کرد و بيا اول در فضيل عقل و حکم و کرامت اخلاق و صفات
و در ذيل افعال نمايند معاصي و دای ذنوب و سيئات و اين مجموع در باب
بيان شود انشاء الله و فصل اول در فضيل عقل و علم **فصل دوم** در صفات
مومنان پس اجمال **فصل سوم** در کرامت اخلاق و صفات **فصل چهارم** در بر آيد
فصل پنجم در صلوات رحم **فصل ششم** در حق جوار **فصل هفتم** در اقامت و محبت زيارت
مومنان **فصل هشتم** در آداب ملاقات و عبادت **فصل نهم** در سکوت و کلام **فصل دهم**
در اکرام و توقير مومنان **فصل يازدهم** در سر و مومنان و فضائل و آيات **فصل يازدهم**
و در ذيل بعضي معاصي و بعضي سيئات پس اجمال **فصل نهم** در ذيل بعضي معاصي

۱۴

بسیار تفصیل **فصل دوم** در دواهای معالجات **فصل دوم** در تخفیف بدن جانداران
و انباشت طامری و تطهیر حربه دل از کدورات و احداث لطیفی و این مجموع در ده
بیان شود ان شاء الله **فصل اول** در فضیلت نفاث **فصل دوم** در کولیا
و سترج آنچه در اینجا باید جای آورد در **فصل سوم** در غنیت شاکرین و اخراج چیدن
و آداب آن **فصل چهارم** در فضائل خضاب آنچه آن تعلیق است **فصل پنجم** در فضائل
موی شانه کردن و آداب آن **فصل ششم** در فضائل سر کشیدن آنچه آن کفرج آداب آن
فصل هفتم در بیان فضایل حاجت و آداب آن **فصل هشتم** در فضائل مسواک کردن
و آداب آن **فصل نهم** در فضائل وضو غسل و آداب آن **فصل دهم** در فضائل بوی خوش
و آداب استعمال آن **فصل یازدهم** در فضائل ناز و مقلقت آن و ذکر بعضی ذنوب
مخصوصه بستانها و فضائل قرآن این مجموع ان شاء الله **فصل دوازدهم** در فضائل آن
فصل اول در فضائل غزالی خزینه یومیه و ذکر جماعت فضائل این خزینه
فصل دوم در ذکر نوافل یومیه و فضائل این خزینه **فصل سوم** در اوقات نماز
و فضائل آن و احکام آن متعلق آن **فصل چهارم** در فضائل سجده و آداب آن **فصل**
و کیفیت توجه نماز و فضائل از آن اوقات و احکام متعلق آن **فصل پنجم** در کیفیت
استغفار نماز و آداب آن **فصل ششم** در اشاره با سر و مدهومات و اعمال نماز و ذکر کیفیت

ادب

و آداب آن **فصل هفتم** در فضائل تکیب و خضبت آن **فصل هشتم** در فضائل ذکر اوقات
شبانه روز و اورا و صبح و شام و ذکر فضائل شبانه روز جمعه و اذیت و خوش
آن و میان این و یام **فصل نهم** در خواب و عید پیش از فصل و میان ذکر آداب و عید
متعلق آن **فصل دهم** در ذکر بعضی اعمال در شای نماز توان کرد **فصل یازدهم**
در آداب جماعت **فصل دهم** در احکام سهو و سستی عرض بعضی حوادث و نماز
فصل یازدهم در ذکر بعضی دیگر از نمازهای غیر و ضعیف و مندر **فصل بیستم** در فضائل آن
و آداب تلاوت قرآن **باب چهارم** در فضائل کرد دعا و احکام متعلق با آن
مجموع ان شاء الله و در فصل بیان شود **فصل اول** در فضائل ذکر **فصل دوم** در فضائل
بعضی از دعا مخصوصه **فصل سوم** در ذکر فضائل احسن است صلوات بر ائمه و فضائل
مناسبات آن صلوات الله علیه **فصل چهارم** در فضائل دعا و بعضی امور متعلق با آن
فصل پنجم در حساب حاجت دعا و بعضی احکام متعلق با آن **فصل ششم** در ذکر جمیع دعا
مستجاب شود و جمیع مستجاب نشود **فصل هفتم** در فضائل عباری و **فصل هشتم** در ذکر
بعضی از دعیه و وسایل حاجت **فصل نهم** در تقوید و حرز از غفلت و کمالات **فصل دهم**
در بعضی از دعیه که ناظر به **باب پنجم** در آداب تلاوت و نمازهای احوال سائر عبادت
و سوا آن اعمال این مجموع ان شاء الله و در و از فصل بیان شود **فصل اول** در احوال

۱۰

۱۲

بهر آداب پوشیدن آن **فصل** در قدر طعام خوردن **فصل** در اوقات طعام خوردن
 و آداب متعلق بآن **فصل** در فضیلت بعضی انواع مأكولات **فصل** در فضیلت آب آشامیدن
 متعلق بآداب **فصل** در فضیلت نیابت کردن احکام متعلق بآن **فصل** در آداب
 مکن احکام متعلق بآن **فصل** در وفای عهد بآداب خواب بیداری **فصل** در آداب
 پرویشدن رخساره و راه رفتن و سوار شدن و آداب حیوان **فصل** در فضیلت
 و آداب یکک معاصات **فصل** در فضیلت مرقع عیادت مریض معاصات **فصل** در فضیلت
فصل در سائر جزئیات عبادت **باب ششم** در حقوق اموال رعایت احوال عیال این
 مجموع انشاء الله در ده بیان شود **فصل** در وجود کمال **فصل** در فضیلت کفایت
 و عقوبت منع آن **فصل** در حدیث اهل بیت ظاهرین در تبت طیب و اتباع ایشان
 مؤیدین سلام الله علیهم **فصل** در فضیلت معروف الح **فصل** در فضیلت صدقه
فصل در زینت سوار و رسائل **فصل** در رعایت حال عیال **فصل** در احسان
 مومن بطعام و جامه **فصل** در فضیلت قرض دادن احکام متعلق بآن **فصل** در سائر جزئیات
 خیر و بر **باب هفتم** در فضیلت روزه و احکام متعلق بآن از آداب ثواب فضیلت
 و متعلق بآن از آداب ثواب این مجموع انشاء الله در ده بیان شود **فصل** در فضیلت
 در فضیلت طلق روزه **فصل** در فضیلت روزه ماه رجب **فصل** در فضیلت روزه

ع
۱۰

۷
۱۰

ما

ماه شعبان **فصل** در فضیلت روزه ماه رمضان **فصل** در آداب عیال **فصل** در سحر
فصل در اوقات روزه **فصل** در تعظیم صایم **فصل** در فضیلت انقضای کردن برای هر مومن
فصل در احتیاط **باب هشتم** در اعمال شهر و اعمال دیاری و ایام و مقصود
 بایان نشاء الله در ده و از ده فصل بیان شود **فصل** در اعمال روزه روز روز
 و فضیلت آن **فصل** در اعمال هر ماه که ختم ماهی ندارد **فصل** در اعمال
 محرم الحرام **فصل** در اعمال ماه صفر **فصل** در اعمال ماه ربیع الاول **فصل** در اعمال
 ماه رجب **فصل** در اعمال شهر شعبان المعظم **فصل** در اعمال ماه مبارک
 رمضان **فصل** در اعمال شبانه روزی غیر فطر **فصل** در اعمال شهر و ایام
فصل در اعمال شهر و ایام غیر فطر **فصل** در ذکر حدیثی و فضیلت اعمال شهر و ایام
 دیاری و ایام بیسبیل اجمال **باب نهم** در ترویج و احکام متعلق بآن و مقصود
 بایان نشاء الله در ده و از ده فصل بیان شود **فصل** در فضیلت ترویج و کرم
 عزوبت **فصل** در فضیلت متعه و سیر **فصل** در اختیار رزوجه و صفات آن
فصل در اوقات ترویج و آداب آن **فصل** در آداب فاف **فصل** در آداب
 تباشیرت آداب اوقات آن **فصل** در طلب زهد **فصل** در فضیلت حمل و ولادت
 و احکام متعلق بآن **فصل** در آداب آل طفل نام گشتن و عقیقه و ختنه کردن **فصل**

۷
۲

۷
۲

و فضایل و احوال و تربیت ایشان **فصل** در حقوق نزدیک بر یکدیگر **فصل** در حقوق
 فتنه باین باب **باب** در آداب سفر و احکام متعلق بآن این مجموع انشاء الله
 در فضیلت باین شود **فصل** در بعضی مقدمات سفر **فصل** در اختیار سوار ساری سفر
فصل در تحصیل فتن و تمسک باین فضیلت باین باب **فصل** در دست تاج
 بر عا و صدقه **فصل** در مدد و معارف **فصل** در آداب ارشدن
 و راه رفتن **فصل** در آداب مقلوب منزل **فصل** در آداب سفر دریا **فصل** در کما
 اخلاق و آداب عفت و سفر **فصل** در رجوع از سفر **باب** در **فصل** در فضیلت
 حج و عمره و زیارت مقصود از این باب انشاء الله در فضیلت باین **فصل**
 در فضیلت حج و عمره **فصل** در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم **فصل**
 در زیارت اهل بیت بر پس اجمال **فصل** در زیارت حضرت امیر المومنین
 صلوات الله علیه **فصل** در زیارت حضرت امام حسین **فصل** در زیارت حضرت
 امام رضا **فصل** در آداب کجی زیارت اهل بیت طایفه صلوات الله
 علیهم **فصل** در زیارت شرکت در حج و عمره و زیارت **فصل** در فضیلت زیارت
 اماکن مقدسه که در آنجا خود واقع است **فصل** در فضیلت زیارت خربت
 طین و صلیحی مومنین **باب** در **فصل** در احکام متعلق بابوت و زیارت بر

۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

مورث

مومنان بعد از وفات و این مجموع انشاء الله در فضیلت باین **فصل**
 در وصیت و صحیفه شهادت **فصل** در آداب استحقاق و فضیلت بعضی اوقات
 و احوال و وفات و در آن اتفاق افتد **فصل** در تجویز نیت **فصل** در شنیدن
 خبر وفات و دیدن جنازه پیش و ترسیدن آن **فصل** در نیت **فصل** در کمال
 قبر و آداب حق **فصل** در ثواب نیت و غرض **فصل** در ثواب تغزیه و اگر می نم
 در هدیه برای میت و اعمالی که با و بغیر رساند **فصل** در نیت **فصل** در نیت **فصل**
 در عطا و نسیح و فوائد متفرقه **فصل** در ذکر احادیث و اخبار و نکات
 و اسرار چه که بر پس اجمال بحث رغبت لطافت و فضیلت اعمال موجب
 کراهت معاصی و در ذایل افعال کرده **فصل** در احادیث اهل بیت علیهم السلام
 صلوات الله علیهم بجمیع ثواب و محقق گشته که خداست که ایما را بر اعضا ایشان
 قمت نموده و به عفو و جزای ایشان فرموده و در این باب یک کلام
 یقین کردن و عتقا و نمودن بکذا خدای ثواب نیت از کلام و از تکرار غیر
 و شبیه و در این باب یا اصدیر و حکمت سلط او و خلقی تقری و تقیر و تکرار
 تواند بود و بی راده او و مقدس است که عیب عا و تصور و انکار بجا
 جلال او کذا تواند نمود و غنی تر از آنکه احتیاج و افتقار بعبادت ایشان بجز

مقدمه

عظمت و جبروت را که در دو غیر از آنکه مکان و زمان حرکت و انتقال و تغیر
 احسان و یک حوالی بکریای او شود و قوی تر از آنکه ظلم و زور و غیر و قوت
 بجز قدرت او از دور تو تمام بر نماید و اعتقاد نمودن باینکه حضرت محمد
 خاتم نبیین است و پس از آنکه او را این آفرین است نه چه گفته از خداوند
 و بر این و ندانم همه را از جانب خدای تعالی گفته و بر حق صحت و باینکه است
 طبرین و عیدم تسلیم او صیای و خلفای خدای اعلم رشا و ائمه پند
 و بعد از آنکه هیچ اهل علم و شرافت که در نوع نبی آدم اند و ایشان و
 فیض رحمت و در وسط فضل و محبت خدایند در دنیا و آخرت و هر که ایشان
 کرده و غضب حق ایشان نموده و هر که ایشان را کرده و از حق آن بوده که
 و محبت و منافق و مطعون و بدعت بعضی او و بر او تاز و نیز بر آن
 که دایمه راضی بودن و تسلیم نمودن به هر چه خدای تعالی بپسند و خلفای او
 گفته و کرده و خواسته اند و بر زبان اجب کرده اند و اگر کردن اعتراف
 نمودن به هر چه دل آن اعتقاد کرده و بپسند و کوشش دست بیاورید
 اعضا عباد حق و طاعتی اجب کرده و هر یک را خدمتی فرموده و بر هر یک
 اعضا امری چند حاکم کرده و از آن نمی فرموده که محمل تعظیم آنها باشد

پس جبرئیل بدین حیثیت شایسته خود بر وی گفته خدای تعالی از حق تعالی
 عقل داده و هر جا عقل باشد ما را زمام بنیم هر کس عقل بیشتر بهر چیز چون عقل
 مشاغل روز و روزه و غیر آن چنانکه کند با آنکه عین کسیت فضل و ثواب بقدر تقاضا
 عقل متفاوت باشد عبادی متماثل و بر بریه عبادت میکرد و در شش روز نظر بر او
 و اگر کثرت عبادت او تعجب نموده و بختیای آبی خواست که کثرتش را بشناسد
 بهر چند چون با او نمودند در برابر آن عبادت قلیل نیست پس خطاب رسید که
 نزول نمود و عقلش را امتحانی پیش از آمدن صحبت آغاز کرد و گفته خوبانی
 و خوش مکانی داری عابد گفت علی ما کاش خدای تعالی بودی و درین بره
 رعایت کردی و آنچه علف با این لطافت صلح کنستی چون ملک این کلام
 شنید رجوع نموده گفت این همه فضل و جود هر صلا این عقل است نسبت
 که لطف مرحمت الهی بمقتضای سست خود با عباد و مخالف کند کسی که کثرت عبادت
 ستایش نموده حضرت امام و نمود عقلش چون گفت گفتند آندری نیستی نموده
 از آن عبادت نیز آندره بهر همت و مثال این عبادت و اجبار بسیار است
 و از حضرت امام پرسیدند که عقل که هست فرمود آنگاه در مورد این بود که کار
 عقبتی نباشد و آن کتاب جان و حجت نباشد زیرا حاصل شود که عقبتی نباشد

معاویه داشت چه بود فرمود که طاعت بود و هم از ایشان علم اسلام نزد
 که طلب علم و خدمت بر سر مسلم و عالمی که مردم را علمش منفعه شود بهتر است از
 عفا و عاید و فضل علم بر عبادتش فضل ماه چهارده است بر سایر کتب
 روز قیامت یاد علم را یاد ما می شود و از آن گشته یاد علم را چه
 چون کسی ایستاد و علمی را تعلیم کسی کند اگر آن در تمام عالم منتشر شود
 و همه خدایان تا روز قیامت آن عمل کنند مثل ثواب همه شان برای او
 ثبت گردد و بی آنکه از ایشان چیزی کم شود و همچنین اگر راهی را بطول علمی تعلیم
 کند و علم را بهیست راست تا بهیست و نویست در وحشت و مصاحبت
 در غربت و هشیج صحبت و همزان خلوت و زینت اجتناء و صلح و عدل و پیرش
 و قوت بدن و حیوة دل و فکر و علم بر ابریت بهیسمام و مدارسه اش
 باقیام و تعلیم صد قدرت و تلاش حسنه و مذاکره شریف و عمل خجسته
 جدا و اگر مدد کند با علم تحت نمایند و برای ایشان دهانند و فضیلت
 برای ایشان استغفار کنند حتی ماهیان دریا و سباع صحرا و حوانات
 عبادت و مطالعه علم و فضل است از عفا و عاید و عبادت و دو کت عالم
 افضل از عفا و عاید و کت عابدش و نشستن افضل از عبادت

کردن

کردن و نظر بر روی عالم و خدمت ایشان اشکاف در مسجد اطراف در این فصل
 از عفا و عاید و عمره چون کسی عبادت کند در شبش بنده نشاند و عبادت
 بر و رحمت فرستند و بهشت و جبار که داند چون کسی طلب علم رود در این
 برایش تا بهیست گشوده شود و علم را بهیست گشاید تا بران کند و اول سال
 در این حتی ماهی در این برایش تمام استغفار کند و اگر عالم کیورقی علم کند
 آن ورق میان او و کتبش بر و عبادت باشد و بعد در حرف را بخواند
 در بهشت مدینه عطا کند و حق فرمود هیچ تر از تمام دنیا و چون علمی را بهیست
 و بقاء زمین که در آن عبادت دیگر و در راهی آسمان که اعمالش با جمعی است
 همه بر و بگردند و رزق در این پیدا شود که هیچ چیز علی آن نکند و علم را
 بولند و عبادت چند است از جمله تقوی و ورع و صلح و طاعت و عمل کردن
 بقصای آن که علم بی عمل زرد و بال است بچکان علم حیرت و ضلال
 و عظیم ترین حسرت و روز قیامت حسرت عالمیست که دیگران علم او را
 و او خود خرم مانده و عفا و عاید از جمل امر زیده شود تا یک ساله علم
 امر زیده شود و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل شد که
 فرمود روز قیامت خدای تعالی از سیدکان سوال کند که خیر و حق امیدستید

و هر کس بپروی ستم و نایاق آفریند و چون مومن اهل حق بشود نماز و روزه
راست و پایسته و زکوة بر او بپسند و در سرش سایه کند و همه در کارهای او
گوید شاد و جواب بگوید و نعمات عاجب بخشد و اگر چه از ایشان اولاد و پسران
و سر کس بکند و بقضای خدا در رفع و خیر و در شر و رها دهد و غیر از آن تسلیم
چیزی با غیرش خطور نکند خدای تعالی برای او غیر خیر راضی نشود و هیچ از خدا
خواهد که اگر کس عجب باشد خدای تعالی برای عباد خود نخواهد که اگر کسی را با نفع عبادت
مبتدا سازد و خیرش در آن باشد و اگر دیگر را پادشاه مشرق و مغرب است
در آن بود و فرموده هر کس بقضای من ایضا دهد و بر پستی من بکند و نعمای مرا
شکر کند و در روزی از جمله صدیقان باشد و هر کس بقضای خدا راضی باشد و بقضا
برویند و در پیش عظیم بود و اگر بقضا راضی شود و قضا بگوید و در پیش
باطل شود و فرموده هر کس من قطع امید کند و طبع برگیرد و توکل و اعتماد
بر من بکند و پناه من آرد و من در پیش صادق باشد که تمام موت ارض و دل
آن در صد دید که و در خوار و بستانند و از ایشان خط نکند و هیچ ضرر را
نرسد و اگر اعتماد بر تو کند و تو بستاند و امید بستاند و تو قطع کند و چه
بر سرش آید بر تو کنم و حضرت صادق فرمود که هر کس خواهد که هیچ چیز از خدا سوال

نمونه که از عطا کند باید قطع این از هر کسی ناید و باید بفرموده اند و چون چنان کسی
باشد و این مساوی باید هر چه موافق عطا فرماید و منی توکل نیست کسی که
سوی کسی که را کند که چنین کسی که را کند مستجاب شود و چنانکه آنرا باید بگوید
که کسی بجهت و هر چه مقدور باشد و نظریه خداوند میکند و باشد اما عطا فرماید
و بر هیچ چیز خداوند نیست و غیر از این هیچ چیز و بگوید که اگر سازد و بگوید
و غیر از آنکه در هر دو وسیله چند اند که خدای بر این صفت از نظام خلق مقدور
فرموده تا هر کس حکم و رعای او را در آن رعایت کند و با رعای نماید و فضل
و توان نعمی بی حساب شود و هر کس نصیب آن کند و باقی بعضی موافقت
شیطان ناید و بگوید که خداوند در هر چه از دست خود بفرموده و عطا کرد
حضرت امیر که گفت همیشه دعا کنی خداوند ترا از جمله معاصین گرداند و از حد
تقصیر بیرون یار و آنکه گفت معاصین میدانم آنرا که ایمان در حق بیست
عاریت و بعد از آن سلب شود اما معنی هر چه از تقصیر است و فرموده
در چند عبادت بیشتر کنی خداوند در آن مقصود را که حق تعالی عطا کند و بگوید
و خداوند حق تعالی فرموده که بگوید بر عبادت خود که تمام عمر عبادت
کن گذراند و حق تعالی نباشد هنوز مقصود باشد و بگوید که تمام عمر عبادت

۱۲
 افتاد بر حق می کند و می بخشد و می بخشد و می بخشد و می بخشد
 بندگان خود را بهر خوبی که می تواند باشد به ایشان بخشد و می بخشد
 آنچه را میسر است بخشد و می بخشد و می بخشد و می بخشد و می بخشد
 خوف از باری و ترس از عتاب او که بندگان را می بخشد و می بخشد
 و می بخشد و می بخشد و می بخشد و می بخشد و می بخشد
 بقدر ذره یا دانی که بخشد و می بخشد و می بخشد و می بخشد
 میکند و می کند و می کند و می کند و می کند و می کند
 و می بخشد و می بخشد و می بخشد و می بخشد و می بخشد
 بگوید که در آنکه می بخشد و می بخشد و می بخشد و می بخشد
 یا حضرت پیغمبر روزی فرمود ای نبی خدا را طلب کن که بندگان را بخشد
 تا به پیش تو آید که او بایستی که بخشد و می بخشد و می بخشد
 آن هر روز که بخشد و می بخشد و می بخشد و می بخشد و می بخشد
 آید شمار آنرا و خوشی شمار داند و می بخشد و می بخشد و می بخشد
 روزی خط خواند فرمود که ای مردمان الله که من بیکم ایمان شما نصیب
 عیسی را بدو حضرت جانشین خود را و بسیار جانشین را بر می داری فرمود و می بخشد

و می بخشد

بسیار از ترس بسیار جانشین را بر می داری و می بخشد و می بخشد
 سوال کردند از غیر آیه و قلنا انما الی ما علی الخلق انما الله و الله و الله
 یعنی از حقیت توحید اهل ایشان شویم و چون عباد را بدو می فرمود که الله
 که ایشان جمعی اند که اهل ایشان و عباد ایشان و چون بندگان سید و ما
 چون مانع از ایشان ایشان نیست بر خیزد و خستند و خستند و خستند
 خود در ایشان عظیم است و می تواند که از این است که می تواند که روزی
 نفس خود را بگذرد و من حفظ اعمال خود نماید و می تواند که بگوید که روزی
 قیامت بجا می آید و می تواند که برای حساب تفرست که هر که می تواند که حساب
 که می تواند که حساب خود کند و می تواند که حساب خود کند و می تواند که حساب
 و می تواند که حساب خود کند و می تواند که حساب خود کند و می تواند که حساب
 خود کند و می تواند که حساب خود کند و می تواند که حساب خود کند و می تواند که حساب
 که چنانکه با شریک خود پیدا کرد و می تواند که حساب خود کند و می تواند که حساب
 و می تواند که حساب خود کند و می تواند که حساب خود کند و می تواند که حساب
 خود را بگذرد و می تواند که حساب خود کند و می تواند که حساب خود کند و می تواند که حساب
 بر این پنج و عتاب نمی و می تواند که حساب خود کند و می تواند که حساب خود کند و می تواند که حساب

شری در دیوان عت است ماند ایست از آن فوت شود و مکاری که نمی آید
 تا کسی که نفع آخرت باشد یا دنیا بزرگی که آخرت مضرت کند و در باشد متوجه آن
 شوی و اگر آخرت مضرت کند بلکه همین نفع کند از آن که در جمیع عمر خود است
 آن ساز می که شغل بی منفی اگر چه در وقت باشد همین مضرت از بسبب
 که مانع خیر منفی شود که روز قیامت بیکس آخرت و نعمت غایب باشد و خیر
 حرام که چه پیر کند و اند و بعد از آخرت تا که چه باید کرد و اند که کسی که قبل
 و توفیق الهی ضبط ساعات عمر عزیز کرده و آن از صرف بطل می باشد
 و نفع نموده در طاعت و عبادت که نیست باشد پس چون از امثال این
 امور باید فارغ سازی و مشغول عبادت طاعت محمد از هر چه ضایع خدا
 در آن بینی که دانی هر کسی خود را از اهل می باشد برای عبادت طاعت خدا
 فارغ کرده اند و این مانع مکاری داند ضایع طاعت و شش از خوف خود بگریز
 و بغیر از خلق مملو کرده اند و مشغول حرام و مطالب شود و کار او را بیکری کند
 و هر کس از بی طلبی مشغول بچیز است عبادت و طاعت کند و از طاعت داند
 ضایع قالی و شش مشغول دنیا و محبت آن کرده اند و او را از کفایت رحمت
 خود بخورده اند و نهاده باشند چون کسی خدا را بخورد و اندازد از جیب خیرات

و شرب می کنند و فرموده اند و اما آنکه از حیوان مردم نصاب ندارد و با
 و عبادت می دهند و بهشت دارند چون دیگران از اخلاص و صیفت و سیم که بی
 عادت بعضی محبت با بندگان بکنند یعنی آن حدیث است که هر کس می باشد
 اعمال خیر خواهم بسیار کند و خواه که در دل بهشت شود و نیز فرموده اند و اما
و اما و اما که جمعی که دعوی محبت و ولایت می کنند و در عمل ضلالت
باشند و در زیارت ایشان را با هم در کجی نزل نرود و باید بکند و بگوید که
نشود و نیز از یکی از ایشان عظیم القدرم مرویت که فرموده اند اگر شیعیان از غیر
کنیم و بکنیم و ایشان را از هم جدا سازم و از هر کس یکی خالی باشد که اگر
ایشان اسلقتند و اسلقتند میان ایشان بسیار است و در هر یک بر می خیزد
کنند و بر احوال و تن بر روی بر آیند و گویند ما شیعه علی بن ابی طالبیم و شیعه علی
بن ابی طالبیم و شیعه علی بن ابی طالبیم و شیعه علی بن ابی طالبیم
مرویت که فرموده اند فضل عبادت تکرار تکرار و تکرار تکرار و تکرار تکرار
و هم و فضایل این قوم از حدش بیرون است و نه از آن فضل اقل است
و هم تکرار را خداوند با و بی عیب است و آن و بی حاصلی است و بهشت آن یک است
این تکرار فضل است اگر عبادت که بر سر هر در دنیا و بی عیبی آن شود و عیب

و تصور آنرا خاگر کند و محبت آن از دل پرورن برود و دل آشتی آید
 کرد اند و موجب طاعت و عبادت ترک متابعت هوا و نفس شهوات
 باشد و کسب دنیای رقت شود و خدای تعالی پیش از آنکه بگوید
 مملوک گرداند و از دنیا ببرد و آن قدر بر او رسد که منزلت او را بخواهد
 و راقع جادو دانت رود و در طاعت برود و در صلوات ایمان را بداند
 دنیا از پرورن زدود و حضرت صادق فرموده کسی هیچ طلب نکند
 افضل از زهد و رزقا و ترک محبت آن و هیچ خبر بعد از معرفت خدا و رسول
 و اصل الهی و بعد از آن افضل از بعضی نیابند و که چون موی از محبت دنیا خاشاک
 از محبت خدا پر شود و انتابت بهیچ غیر خدا و هر چه رضای خدا در آن
 نکته آید که اهل دنیا گویند و یا آنکه شده و چون در او اثر و حال آنکه
 محبت خدا در او اثر کرده باشد و هم بخت فرموده که از جمله غیظ لغوی
 با پیش این بود که تو در دنیا بنده ای و تو فرموده اند و با جری و
 نموده پس خود را با جری تو ده که در دنیا شکی نیستی و شکی نیست
 چرا که و میگوید که خود را بده و در دنیا شکی نیستی و شکی نیست
 که از آن بگذری و هر که آن وجهی بماند که از دنیا در پیش خدای تعالی

پیری رساندی و عمر بچرخ کند ایندی
 و در کمال کمال بودی پس چندی جوابش و از نعم دنیا فارغ باش
 از بهر آنکه ترک حرام کند از خوف خدا بهر آنکه حلال از بیم حسابگر بگذرد
 و از آن که تربیت تر آنکه دست از حرام باز دارد و هر یک بقدر عمل و طالب شود
 و با هر یک بقدر عمل حاضر نماید هر یک خدا بقیلی روزی رضای شود و خدا بزرگو
 بقیلی عمل رضای شود و هر یکس اجابه و الی استیاری باید اعمال و عبادت بسیار بگذرد
 شیعان خالص را در آن دولت بطل هر چه بشرق و مغرب روند و یاد از
 توفیق غیب باشد و هر چه کسی ایمان یابد و تربیت برود که ترک تمام دنیا
 و هر چه خدای تعالی اعتبار آن کسی میداشت شری از آن بجا و خوشایند خدای
 مومنان چنان فیض شری از غنیمت ایشان در این محبت شوقی محبت نمیشد
 و غنیمت ایشان در موقف گرفتار حساب باشد و در وقت که کفر و کفر است
 یعنی کفر رسالت هم از ایشان بگذرد و در وقت که دومی با هم حساب آنند و غنی
 و دیگر بی غیر فقیر گوید خدا و خدا تو میدانی که نصیبی این دادی و نه هیچی عدل
 یا جگر که ده و تو بمانی که جوید یا بخیل و زبده باشم فرماید رت میگوید دست از
 برارید پس خدای گشته و خشن شود و غنی مشغول حساب کرده و آنقدر

توقف کند که از عین حق سر بر آید پس در این حال بگوید در حق
 فیضش که یابین همه چار دیواری که در کمال حساب که تمام دشت حدای
 هر یک عمل می باشد عمل دیگر پیش می آید تا آخر همه چشیده و رحمت فرمود که بخت
 یافتیم **روایت** که چون فضل در جنت نغمه اش پدید شود و در کمال کمال
 در دنیا زیاده از قوتی نیست و هم از این عالم السلام **روایت** که در کمال
 از خدا و پیش نه که هر کس از اینان در دشت اوج و ایمان یابد و کمال
 آن بخاطر غایتی که در کمال است خدا پیش او کرده باشد و اگر اظهار بخوشی کند که
 قادر بر تمام حاجت باشد و کند چنانست که او را کشته باشد و روزیت
 خدای تعالی مثل کسی که از دست کسی خدای تعالی می بیند که بفرست
 خدمت که من در دنیا شما از روی حقارت بفرستادم که بر این حقان و در جنت
 بخت که در دوزخ بپایند چون تلافی آن هم می کند از شما رخصت و مثل آن که از
 ابتدای دنیا انقضای آن به این دنیا داده ام عطا فرمایم و هر کس در دنیا بپایند
 و احسان کرده و پیش را گرفته به جای بخت خواهد بود و هم از این عالم السلام
 هر دیت که در دوزخ و در میان کسی است که خدای تعالی بپایند و بعد از
 پیش عمل بهتر از خلق خویشیت و صاحب خلق خوش در جنت ایمان و جویبار

و اکرامات به جنت و جنت شت و تقوی و حسن خلق و حسن خلق خطی که در
 چنانکه از این دنیا را حسن خلق و بر موجب در از این عمر معموری به داشته و چهار
 که در کمال باشد این شش که این را کند و خال که در اگر چه سر تا پا باشد و خدا
 از و را می باشد اگر چه بخواهد و کند و راست که می باشد و از این دنیا و پیش خود دم
 می کند و از این خود و سایر این شش خلق باشد و خلق بدین عالم که چنانکه هر که
 عمل به این جنت به این صورت است و در از و جرح نباشد یکی جرح خشمی که بکلمه کنی
 و دیگر جرح خشمی که بکلمه دفع غایبی و یکی خشم فرموده که از خدای تعالی در دنیا
 و آخرت خشمش بفرستد و چون قادر بر تمام باشد و خشم فرموده خدای تعالی اجر
 تنبیه می عطا فرمایند **روایت** که در این عالم از این دنیا و از این دنیا که در کمال
 غیب خود را حفظ کند خدای تعالی عذاب روز قیامت از دیگر و در جنت
 بپوشد و خدای تعالی در این جانات بفرستد و موعی فرموده که در جنت غیب
 یو که این دوزخ و جنت ترایا و کنم و غیب کلید بر ترست و ایما را فایند
 چنانکه هر که عمل و چون دو کس هم نماز خوانند و در جنت از این شوند و هر کس که این
 که نماز خواند و خوشی پیش کند یا گویند هر چه هستی خود را در ولایتی آنی در دوزخ
 باشد که جرای او بیای و با آن یک که هر چه علم و روز گویند و داشته که در کمال

در زنده شود اگر صلح خود را تمام کنی تو نیز نشاء و سعادتی کنی و دشمنان جانی
 هیچ مکافات بهتر از این نیست که ایشان محبت کنند و تو نیز بر حق مانی و بر حق
 اخلاق دنیا و آخرت نیست که چون کسی بر تو ظلم کند تو عفو مانی و اگر از تو
 قطع کند و دوری کند تو وصل فرما و اگر از تو نفرتی هر دو هم سازد
 و وصل کند تو جو دو عطا کنی و اگر با تو بدی کند تو نیکی احسان مانی و چون
 باین صفات آریستی خدای تعالی عزت زیاده کند و حضرتت کرد
 که کسی باشد عمل و عیش تمام بود و در یکی او را نصیب باز دارد و خلقی با هم
 کند و یکی که صاحبان را دفع نماید و در بار دوم نصیب از دست و دولت ایشان
 نصیب از ملک مانی و هر کس را دولت نصیب است ایان نصیب است و چنانکه نصیب
 نصیب باشد که از کار و کوشش و جعیرا که دولت روزی شود و در روزی ان
 و پس شود و چون از این بی نصیب باشد خیر از ایشان بی نصیب باشد چون
 و او که هم صاحب کند آنکه در او نصیب نیست بود و اگر نصیب بود و بر او
 که اگر دولت خلقی می بود که دید می شد بر خلقی چون از نصیب بود و در پس
 در شتی نصیب شود ایمان از و محبوب کرد و در خلقی می بود که دید می شد
 خیر از و نصیب بود و در پس می شد از و نصیب کند خدا او را بداند که در پس

بکری کند و در پست که اند و نزدیکی ترین مردم بجهت او شفاعت و دورترین
 بکری آن برسد که که تو از نصیب تمام فرمود و در جات بسیار است از جمله
 این که کسی خود را بشناسد و زیاده از مرتبه خود توقع نکند و با مردم چنان
 که می خواهد با او چنان کند و چون با او بد کند نیکی دفع کند و چشم فرزند
 و عفو کند و باشد و دیت که از جمله تو از نصیب نیست که در مجلس این ترانه
 مرتبه خود نشیند و هر کسی می سلام کنی و بر کسی کنی که بر حق باو باشد
 و تو نمی تراویع و شاکند **و دیت** که روزی حضرت امام رضا علیه السلام
 و خدا را بسیار و خیر را جمع فرمود و با هم بر کجایان نشسته کسی گفت کاش
 این مانی با بر این ایشان طعام بکشدند فرموده خدایکی است و این یکی پدر
 و مادر یکی و جوانی که بر خدایک باشد و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که
 که چهار صفت از من غایب شود مانی برای او چارخانه در شبستان شود و طعام
 در آن فقره فرستد و انشائی سلام کند و با هم در بر کسی که اگر حق
 باشد و از اخلاف کند و در هر کس اینها باشد و با فقره و از آن
 کند بحقیقت مؤمن باشد و خدای تعالی عزتیش کرد و اند و نیز دفع و در شبستان
 حضرتت انصاف و امانت و در خدا در حال نه بین نهاسان باشد و در

و لا انا الله و الله که بگوید در حال احوال خدا را یاد آرد و اگر غایب خدا را
 باشد کند و گرنه از آن بگذرد و هر کس مضطرب و عصبانیت کند و چیزی از آن
 احوال بخرد و سب نماید کسی او را پیوسته ای تقدیم و تاخیر کند تا رضای خدا و آن
 نماند در سایه عرش خدا باشد روزی که بچشم پاناسی برسد و کسب و بیکترین
 و دین بخندد و روزی که کسی که در حال غضب نباشد و خفا داشته و بر رزق
 ظلم کند و کسی که چون در معاملاتی و کسب و بیطرفی نکند و کسی
 در معاملاتی و منافقان و منافق و حق نکند و در خدا را بهشتی است که در حال
 نشو و نما کسب می آید که بر نفس خود حکم می کند که در عهد و عین ندرت که بر سر
 نگذاشته و در دیگر ذرات سر کس خلف و عهد کند اول باشد اخلاف کرده
 و متوجه خطا و گشته باشد و حضرت پیغمبر فرموده از این است کسی که آیت
 خلاف کند و امانت عبد رزق و خانت علیه نفر نماید و حضرت سجاده فرمود
 که قاتل پدرم بیشتر می که حضرت را بآن شهید کرده و این بابت بسیار در آینه
 آنرا و او کنم و حضرت صادق فرموده که قاتل علی ای بابی طاعت باقی
 مشورت کند و خیر جوید و بیشتر این بابت و هر دوی قبول کرده باشند مرا آینه
 و دایه نامش کنم و چاه صفت که در روزی که باشد خدای تعالی او را در احوال

علین در یاد ترین عرفای شریف و کرامت ساکن کرده اند یکدیگر می تمیز بپذیر
 خود را آرد و برای او بپذیرد که بر باشد و برضاعت رحم کند و اعانت خرج می آید
 نماید و والدین را نطق دهد و با ایشان سعادت و ملاطف کند و حدیثی
 که هر کس بخواند و بگوید که خدایتان را دعا می نماید و الله اعلم **فصل چهارم در بیان**
والدین مردی است از اهل بیت که در میان مردم است و کبر و والدین و صلوات رحم
 سکونت و تاسان کند و در تمام عمر بر پایشان رخص کند و والدین روزی
 آید و بقوت و قدرت تمام فرزند صاحب برابر داشته و اصل است که روزی
 جوانی حضرت پیغمبر آمده گفت جوان تو ایتم و شوق جهاد و فرمود
 جهاد کنی اگر گشته شوی در پیش خدا رانده و در نعمتای بهشت متقسم باشی
 و اگر بهیز می جوی و ثواب بر خدا باشد و اگر از کارهای گناهان پاک کردی بچانه
 از دست گرفته و بوی چنان است یا رسول الله و والدین بر این پس دارند و پیوسته
 و در پیش ایشان ششم فرمود و با هر یک یک شب پس ایشان تا به جنت رخصان
 در راه خدا و پیوسته حضرت را همیشه بود و رخصتی روزی بجزرت حضرت
 چو او را دید گفت که گفت و فی خود را از جهت تا بران نیست و پیوسته که گشته
 ملاطف و مکتبی میفرمود و چون در وقت بر او پیش آمد حضرت آن ملاطفی با او

بیش خدا از دوام یکی بعضی که در راه خدا است که در دو یکی بر جی که قطع کرد
 باشد **فصل ششم در حق تعالی** و در ویست از سلسله عظیم عالمین عظیم قسم که از است
 کسی که مسایکی را خوب کند که جنب کردن مسایکی غرض از آنست که در رزق
 بفرزاید و بسبب محوری و یا را باشد و بر کس آن بخدا و آخرت و در دایه
 مسایه را نه بخاند و مهارا کرامی دارد و چون تکلم کند چنانکه یا سکت
 باشد و بر کس مسایه را نه بخاند و یا را در خدا می توانی روز قیامت شرف
 و خطای و در آخر فرماید و حضرت پیغمبر فرموده که هر کس از آنکه در راه
 ویت نموده که کان کردم کار و در ادا شمن خواهند کرد و نیز فرموده که
 ایان من مدار و کسی که شب سیر بخوابد و مسایه پیش گرفته باشد روز
 قیامت خدای تعالی نظر کند با سلسله قرین که در میان ایشان سلفهای کردند
 باشند و حضرت عیسی بن ماریا جات کرد و گفت خدایا بر من رحم کنی چنانکه
 کنستی و دیرم را بر روی خدای تعالی فرموده که برایت مرده می بودی بزرگی
 زنده و بیکدم آقا تو بیا و نمی آری که خدا تر تو که سوختی فریاد کردی و بی بران
 که در سائل کردی فلان مسایه است صایم بود و با بخش تراوی بعد ازین
 هر جاست و شام تراوی حضرت عیسی بن ماریا فرموده که ای که در هر کس که باشد

بخاند بعضی مسایه در حضرت امام موسی که فرموده و خوبی مسایه نیست که مسایه را
 آید که کسی که در آن راه باشد و بر کس مسایه را نه بخاند و یا را در خدا می توانی روز قیامت شرف
 آید و ازین عظیم در روز قیامت طوق کرد و شرف کند و بر کس مسایه را نه بخاند و یا را در خدا می توانی روز قیامت شرف
 بر و هر که شود و بر کس مسایه را نه بخاند و یا را در خدا می توانی روز قیامت شرف
 در روز قیامت از روزی که در راه بود و او را بخودش و او که از او هیچ عذر ندارد قبول کند
 که اگر مسایه چری که باریت یکدیگر و ضایع کند که در بنویس توان از وضع نمود
فصل هفتم در اوقات و بخت و نیازت و مصلحت و در ویست از اهل بیت طاهرین که
 معاشر مومنان یکدیگر اوقات و بخت کنند که خیریت در کسکی اوقات کنند و با او
 اوقات کنند بعضی که برای خدا با هم محبت و دوستی کنند و روز قیامت
 در پیشانی از بر یکدیگر در سایه عرش از جات راست بر مسایه فرموده و بخت
 در پیشانی از جات کوشش باشد و بر کس محبت و بخش و عطا و بخش برای خدا
 باشد از جمله صفای او باشد و روزی حضرت پیغمبر از اصحاب پرسید که کلمه ترین
 عروقه ایان که است بعضی گفته اند که بعضی صوم و بعضی زکوة و بعضی حج
 و عروقه بعضی جهاد و فرموده که ایان را افضل عظیم است آنرا نیست که پرسیدم
 که آن محبت نیست برای خدا و قول با و یا است و تیرا را هدایا الله و چون

مومن با هم ملاقات کنند آنکه محبتش بیشتر شد ترش عظیم تر بود و هم شبانی زود کرد
 ای مومن این همه گفت و محبت یکدیگر را زیارت کنند و ذکر خدا و ذکر
 قضای کنند با احادیث ما صحبت دارند که موجب جود و نیست و دل شما
 پر شود چنانچه دل ایس جویش را آنقدر جرات کند که زیارت مومنان
 چون سر موی باشد با هم احتیاج کنند با آنکه ملائکه با ایشان حاضر شوند پس اگر
 و آنکه آید یکدیگر را در از سر تیستاده کنند و آنکه ملائکه را که حاجتی باشد
 نمایند شمع باشند و چون مومنی برای خدا از برای عرض نیاید برای زیارت
 مومنی از خانه بیرون رود و حق و عزت او بشناسد هم کام که بر دارد
 خدای تعالی برایش حسه نویسد و سینه محو کند و در شمع کند که دانه و خاد
 نزار ملک بر او مکل که دانه تا بخیزد در محبت کند اگر چه یکسال در راه باشد
 و گویند خوش باش خوش باش ترا بهشت و چون در خانه بود در ایام سال
 گوشه و شود و چون ملاقات و ملاقه و ملاقه کند خدای تعالی صوابه ایشان را
 و ایشان را بر ملائکه بابت کند و گوید ای ملائکه به پندارین و دینداران
 برای آن چون هم محبت می کنند لازم شد بر آن که بعد از این ایشان را بهشت
 و چون بخانه خل شود و زباید ای بنده کن تعظیم حق و تباست پندار که می کرد

سوال کنید و ملائکه هم را که ملائکه عبادت فرمایم و اگر سالت باشی خود را بنده کن
 راجعت کند بعد و در تعظیم کشیده و کلامی که بر داشته و ملائکه که گفته ملائکه با و
 کنند و آنکه از از سال آئینه از بلا مانی یاد حضرت می فطرس نمایند و اگر درین
 سال بعد از حسابان رخ باشد و چون حسن خانه شود و خدای تعالی ثواب
 ای بنده مومن که تعظیم حق کن کردی بهشت تو و یک بندهم و ترا شمس کن
 خود کردم و اگر آنکه حق این چنین بشناسد برای ذخیرش این بهشت
 شود و خدای تعالی را بهشتی است که یکدیگر داخل آن شود و ملائکه اسفل که کشت
 و ملائکه زیارت بر او مومن کند برای خدا و کسی که بر او مومنی اذیخه
 جنتی را کند و زیارت مومنان برای خدای تعالی بهتر است از آنکه دین
 مومنی را نکند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که میان شما و صبر
 چند راه است گفت از دریا اگر با و موافق باشد چرخ و زوار خوشی شد روز
 راجعت فرمود و چه نزدیک بوده راه برادران مومن یکدیگر را بر پند و محمد
 آینه کنند که روز قیامت هر کس که ای و کار است که شهادت برایش می دهد
 و اگر مومنی بعد از زیارتش برای حاجتی بخانه کسی رفته و او در خانه باشد و آن
 نهد و دوست خدا باشد و تو حق که با هم ملاقات کنند و هر که میان خود و ملائکه

و شرف خویشند خدا و ملاک بر و صلوات فرستند تا و تحید بر خیزد
 که چون کسی روی بر اکر ای کند قبول کند که با نشستن و رویت دیگر
 آمد که هر صاحب خانه گویند بنشینید که در عیوب خانه خود را بهتر نموده
 و توقیع میان این دو حدیث و الله اعلم ثم از آن سخن فی العلم بایستاد
 که در اگر معلوم باشد که عرض صاحب خانه شخص خلقت قبول نماید که
 و که زاعت باید نمود چنانکه لفظ اکرام و عیوب مشورت بر آنست
 جاس است که روی بجهت باشد **و بیت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله**
 سه بیات می نشست یکی دو را نو دوم آنکه سابقا از زمین بردار دو
 از پیش ساق گذر نمیده بر ساعد گیر و سوم آنکه یکی بر برای دیگر گذار
 و احادیث متعدد آمده که بعضی از طرق برین بیات نشسته بودند که گفت
 این فرسخ نشستن که در وقت فرمودند این قول بود که میگویند خدای تعالی
 از خلق سوات و از فرغ خیزد چنان نشستن که استرحت کند من برای ملک
 چنان نشستم و خدای تعالی را من نشستی باشد و رویت که اگر بگوید بنشینید
 منبستی و اینگونه که چون کسی در مجلس برخیزد و تعظیم کند و بجا نشاید که تعظیم
 و مجلس بوقت و در وقت تعظیم کند مثل ششم و در آستان میان راه و کس

کسی

نشستن مقدس که در این خانه باید که نشستن که اگر از آن کند و اگر کوتاهی
 حرف نمونی در آید چنانست که روی او را نه نشسته باشد و هر کس وقت
 نشستن بگوید **بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علیه و آله**
 یا الله خدای تعالی مکن بر من و قتل فرماید که در این مجلس او را از غیبت کن
 حفظ کند و اگر وقت بر حاشی که بگوید که **سبحانک ربک رب العزیم**
یصلون و صلاصلا علی المنین و علیهم و علیهم و علیهم که در
 این مجلس باشد و بعد از هر سلامی او را احسان باشد و خدای تعالی بر پیشین بگوید
 و پیشین بگوید **فصل ششم و سکوت و کلام** در رویت از اهل بیت هاین
 که سکوت بامت از ادب و محبت و حب محبت میکند و دلیل بر عزت
 و شیمان ماحولان باشند و کسی حقیقت ایمان را نشانت تا زبان را لغو
 نمید و در نجاست مومن در حفظ زبانت و زبان کلید در زیر و شریک
 زبان را میگویند چنانکه در زمان امد می کنید و مومن ساکت سخن
 نشسته شود و چون تکلم کند محسن باشد یا مستی و هر کس کلام را از خطر اعمال
 خود نشود و در اعمالش خطا باشد و در پیش متیاب و هر کس کلام خود را
 از جمله اعمال نشسته که نکند که آنچه نافع باشد و حضرت امیر المؤمنین عزی

گذاشت که عرضهای نمود بیخنده میگفت فرمود ای مرد سر به میگوئی
 لیکن می نویسد و بر خدای تو عرض میکنند که پوده کوئی کنی بخشی
 نفع در آن باشد و شرم دار ازین که چون نه اعمال تو بر خدا معروض شود این
 سخنان درو باشد حضرت پیغمبر کسی گفت میخوای چیزی بقیامت کم گزینی
 نبشت شوی گفت بلی فرمود سخاوتمند باش کن گفت شاید من محاسن را نبینم
 مظلوم را نصرت کن گفت شاید عاجز تر باشم فرمود جاهد از اهل بیت
 کن گفت شاید جاهد باشم فرمود زبان به بند مکر از غیر خدا را نبرد
 میخوای یکی ازین صفات در تو باشد که ترا بهشت بر دهم آنحضرت فرمود
 خدای تعالی زبان را عذاب کند که هیچ عضو را نکند چه بسا باشد که کلام
 از زبان بیرون آید که در مشرق و مغرب پهن شود و خون با آن ریخته
 شود و فرجهای حرام چورت گردد و خون کفایت حق فضیلت از سکونت
 در باطن و در کسب ریش ریش که باشد غلغله گیرنده شود و در رویت که
 بنابر روز و طول رکوع و سجود مردم فریخته شود که بسا باشد که
 آن عادی باشد که گشت موجب خست باشد بکوه عقل و صدق کلام
 انقضای آنکه کند درویت که بسا باشد که آنقدر در ریش کوید که از جگر جگر

نویسد و بسا باشد که آنقدر در ریش کوید که از جگر جگر
 بنده لذت یابان نیاید و دروغ را مطلقا عدم درخش را ترک نکند و
 ایضا از اهراب کند خدای تعالی بر سر شتری تعالی زده و کلید شود انبار
 گزیننده و کذب و بر تر از سر آب و روز قیامت از سر کذب دل
 گزیننده مگر سر کذب کی کند و مگر که جاد و با خفتم گویند دوم آنکه زاری
 اصلاح میاید و کس گفته شود و سیم آنکه با اصل خود و عده که دارد
 کردن آن فرشته باشد و چون کسی گوید و الله که خدا افغانی را نیز زد
 خدای تعالی فرماید کیت که از جانب من قسم میخورد که او را نیاموزم او را
 آموخیم و عمل این باطل کردیم و اگر کسی را لغت کند یا شایسته گشت
 و چند اگر چنان باشد راست گفته باشد و گرنه بگویند بگرد و اگر نمی
 نقش گوید خدا برکت از رزقش بگوید و همیشه را فاسد گرداند و نظر
 رحت و تربیت از برادر دارد و اگر در روی مومنی طعن کند بدترین صبی
 و نماز او را آن باشد که مگر بخیر باز نکرد و دو بهشت حضرت بر خاش بچاک
 پروا کند از سر چه گوید و با و گویند و ریت که چنان کسی اگر نقیض کنی
 دل از نماز یا سر که شیطان باشد خدای تعالی و شمشیر و سر خاش سخت کورا

برترین مردم کسی است که هم خود را خسته و غمناک نکند و هم کوشش را بر
 نهد و بدتر از آنکه بگوید این را از من است این بنا می شود ترا و در
 کوشش اگر کسی پیش او ظاهر شود که شو و من کند و چون او پیش مردم
 شود و خلق نکند و حضرت صادق را دوستی بود که هرگز از خدمت حق
 نمی نوزد و روزی در خدمت آنحضرت براسی می رفت و غلامی همراه داشت
 مرتبه خانه کرد و او را ندید مرتبه دیگر خانه کرد و آمده بود گفت یا ابن النعمان
 بوی پس حضرت دست بر روی مبارک زده فرمود سبحان الله که
 دشمنانم دادی تو خود را متوجه منی و می معلوم شد که دروغی در شده
 گفت جفت و آن مادرش مرگت فرمود باشد تو عیدانی که تو می در میان
 بگنجی دارند که خود را از دنیا باز دارند و در شوال می رانوی گوید که
 او را در خدمت آنحضرت ندیدم تا از دنیا رفت و خدای تعالی دست
 دارد و فرج را که پیش در میان نباشد و فرج از حق خلقت و سبب بر زمین
 و کثرت فرج با آنکه مقصودش بایکدب است و از محبت حق هیچ باطلی
 و قار و آب رود و ایمان بر دو صورت استخفاف و دولت باشد و سبب
 و کینه شود که باشد که کسی گوید که مردم را بخنداند بقدر این می آید

و در آن نیست و در کردار و در دوزخ آنکند و حضرت پیغمبر فرمود
 که کثرت گفتن این کلمه از دنیا که آب نمک را آبرو برود و رویت دیگر
 که هر کس که این کلمه را بخواند از عیش و شادی و غفلت و غم و غنا و فقر
 و غم و بلا که کسی خسته و بیچاره باشد و روز قیامت که پیش می آید
 و بسیار کسی که آن کلمه را پیش می آید و در شب خسته و سرگردان
 بسیار بود و فرمود ای صاحب علمای رسوا شرم دار از خنده و غم
 ای که بسیار که ده سیئه تا این باشد از کین حادثات **فصل دوم**
و توبه و مومنان و رویت را نقل است طاهرین که هر کس منی را اکرام
 کند اهل خدا را اکرام کرده باشد و روی شیطان خرسیده و دلش
 جرات شود که هر کس بر روی منی تنیم کند برایش حسنه ثبت کرد و اگر
 کسی قتی از رویش بر دارد و حسنه ثبت شود و اگر بخوبی بگوید و حبا
 خدای تعالی آن رویت برای درجت نویسد و اگر با او نجای ازینا
 عاف کند از خدمت عطا فرماید و اگر کلام گوید که موجب شگفتی منی
 باشد در سایه رحمت خدا باشد و اگر کلام قتی از راه منن بر دارد اجر
 قتی چهار رتبه از فرکان یابد که هر حرف از آن ده حسنه است و اگر حرف

بهرین شکر عالم یا جامه یا غیر آن ملاطفت و اکر کم کند بهشت ارجا
در آید که کفایت آن کند پس ضایعی قالی فرماید من نعمتهای ترا بر اهل
دنیا حرام کرده ام مگر بر نبی و وصی و چون روز قیامت شود فرماید
او ایامی مرا بکفایت کن پس چون رو عثمان از بهشت بیرون آیند در دست
طبقهای پر از نعمتهای گوناگون سر می آن بار پوشتهای نو و نو و جوهر
پوشیده چون بهشت و نعمتهای آنرا پسند عقل نشان میورند و چون
جنتهم را پسند از هوای آن دست نموانند در از که دلیس از جانب عرش
نزد آید که بخورید که هر کس طعام بهشت بخورد و در فرج بروی حرام شود
پس دست دراز کرده تناول فرماید و هر کس جمعی از مومنان را احضار کند
تا آن عدد از خدمت حجت عطا فرماید و خادم مومنان در طاعت خدا را در
در قبر کند از آنکه پیش ضایعی قالی بر بند و آنجا باشد تا روز قیامت و هر کس
مومنی میسن سفید را تعلیم و توفیق کند از فرخ و روز قیامت ایمن کرد و
و اگر با او استخفاف کند ضایعی قالی کسی ابر و مسلط کرد و آنکه با او استخفاف
کند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود از مانت کسی که بیکار تو قیوم و بر
تا ترحم کند و هر کس من قیوم را ببیند عرش تفریح کند ضایعی قالی روز قیامت

در از میان خلق رسوایند فصل نهم در سرد و مومنان قضا حجت
ایشان در دیت را اهل بیت طاهرین علیهم السلام که بچکس عبادت خدا نموده
بهری فضل از سرد و مومنان کا دای و بیش کند یا که رسد اش را بر کند یا غیر
آن در حقیقت عقیقه بود و فصل دهم در هر کس مومنی را مسرور کند ضایعی
روز قیامت و را مسرور کرد و اند و خدا و پیغمبر خدا و ائمه اهل بی صلوات الله
علیهم را مسرور کرده باشد و همچنین اگر مومنی را از زده کند یا از زده
کرده باشد سرد و مومنان هزار هزار باشد ضایعی قالی در دنیا جای کفایت
مومنی فرمود و هر کس مومنی را مسرور کند در بهشت او را حاکم و پیر کرد و هم
و حضرت پیغمبر فرموده دل مومنان عرش خدایت و هر کس دل مومنان را خوش کند
ضایعی قالی فرشته خلق کند که هزار بدن داشته باشد و در بدن هزار
و در بدن هزار و در بدن هزار و در بدن هزار و در بدن هزار و در بدن هزار
باز از لطف را بکسی که ضایعی قالی را پیش کند و استغفار نماید تا روز قیامت
و در دیت را اهل بیت طاهرین علیهم السلام که مومنی در محبت تجاری بود
از ظلم و جور او که بخندید یا راسل سرگشت و رفت مشرکی او را بجان خود برده و
که او چنانکه دنیا رفت ضایعی قالی فرمود که تو سرگشته بودی تا در بهشت آید

تا پشت بر سر گمان رحمت پیش آتش و در رخ امیر نماید که او را برادران
 و همواران و سرسبز و شمع رزقش را خسته راوی گوید بر سیدم که
 رزقش از پشت آید حضرت مأمور شود از هر جا که خدا خواهد و هر کسی دفع
 بفرقی آبی یا آتشی از مومنان کند خدای تعالی پشت بر او و جیب گرداند
 و هر کس غمی و شدنی از مومنان بر دارد خدای تعالی مفاد و دو قرینش
 نوید گیرد و دنیا بخیل کند که انصافش را با آن مصلحت نماید و مفاد و دیگر
 برای احوال و زقیات خیره فرماید و روز قیامت مثلین خاطر خوش گرداند
 و هر کس عذرت و عیب مومنی بپوشد خدای تعالی مفاد و عیب در دنیا و آخرت
 بپوشد و هر کس قضای حاجت مومنی کند خدای تعالی روز قیامت نیز
 حاجتش را بر آرد که اول آنها این باشد که او را قربان داشته باشند و در پیش
 پشت بر او اگر حاجتی باشد و قضای حاجت مومنان بهتر است از آنکه بپوشد
 از او کند و هر از بس در راه خدا بپوشد و پشت از پشت چ
 که در هر چه در راهم حرف کند و روایات دیگر آید بهت که کیون
 که شش هزار حسنه است و شش هزار سیئه بخور شود و شش هزار درجه ببرد
 و در رویت دیگر شش هزار حسنه بر آرد و شود و چون پیش از آن

وقت در از روی پشت بر پیش کشود و شود و قضای حاجت مومنان
 از و چنین مومنان هر کس حاجت مومنی بپوشد و قادر بر قضای آن باشد
 و از خسته و دیگر شود خدای تعالی بسبب آن دیگر ای در پشت عطا فرماید
 و هر کس سعی و حاجت مومنی کند از هر از حسنه پیش نوشته شود که در آن
 میان با قربان و مساکین انجامش نمایند آنرا بپوشد و هر که کسی
 در حاجت مومنی بر دارد حسنه نوشته شود و سیئه بخور شود و در هر چه بپوشد
 و اگر آن حاجت در دست او بر آید ثواب یک چ و دیگر و دو ماه روزه
 و عتکاف و مسجد اطعم داشته باشد و اگر بر نیاید ثواب یک چ و دیگر و دو
 باشد روزی حضرت مأمور است در عتکاف بود و مردی آمد و از کسی شکایت کرد
 و التماس کرد که در باره من با او عتکاف کن حضرت بر جسته روان گشت
 کسی گفت یا بن رسول الله مگر فراموش کردی که عتکاف داری فرمود
 فراموش نکردم اما کسی که سعی در حاجت مومنان کند بپشت کند که هر سال
 عبادت کرد که روزی روزه ده شسته و شبها نماز بر خاسته باشد
 و هر کس اعانت مومنی کند خدای تعالی مفاد و سیئه بخور شود و غصه از او برگیرد و یکی
 در دنیا و مفاد و دو روز قیامت که هر کس بپوشد و در مانده باشد

و هر کس است عاجز که نتواند یا مسجد یا حاجتی دیگر بر دهر که بر دارد
و بگذارد و عتیق رفته نوشته شود و در آنکه بر و صلوات دستند و هر کس
عاجز که گفایت کند خدای تعالی او را برایت از اتفاق و از تهنیت عطا
فرماید و عطا و هر حاجتش را بر آرد و مستغرق رحمت گرداند تا از آن
فارغ شود و هر کس قادر بر قضاای حاجت مؤمنی باشد و کند خدای تعالی
در قهر و عظیم بر و تسلط گرداند که او را می گرداند باشد تا در وقت
بعد از آن که خواهد بخت و گردنه غنایش کند و اگر حاجت او را عطا
نماید و طاعت دیگر بر باشد در و هیت دیگر آنکه هر کس حاجت مؤمنی
از خود یا از دیگری منع کند و قادر بر آن باشد در وقت رسیده
نور چشم دستار بر گردن بسته بخور شود و پس چنان و را پند گویند
که باشد او رسول خدا یا خدایت که در پس پیش آفکنده و هر کس در بر
مؤمن باشد و کند مبتلا با غایت و نشان خدایت و در وقت بر تهنیت
باشد و هر کس را غایت باشد و از مؤمنی حاجت منافی کند خدای تعالی فرماید
تا آنکه بر پند کند و بنده مؤمن چون در غایت باشد مؤمنی بخل و زید بغیرت و صلوات
که هر که در پشت مسکن کند **فصل دوازدهم در بیان بعضی منافی معاصی**

در ویت از این جهت صلوات است و صلوات بر هر کس که در خدا است
و این عتسائی کند خدای تعالی روز قیامت با او تخلف و بی استسائی نماید
و خدای تعالی و بر دل زری خدایه چون کسی می کند غلظتی در دلش هر چه
اگر توبه کند آن غلظت زایل شود و ایمان نور خود کند و اگر بخواند محبت
می کرد باشد بر تهنیت غلظت زیاد شود تا نور را پوشد و تمام دل سیاه
غدا می گردد و چون لغو باشد چنین شود و هر کس خیر نپذیرد و بخت نماید
و بیایند که بنده می کند خدای تعالی فرماید بغیرت خودم که این
برگزیده اند از مردم و بیایند که روز قیامت بنده را بر یک کمال
مهر کنند و اصل خیال و دوستان خود را پند که در روز قیامت بخت
شعرا نعمت و عشرتند و هر کس که فریفته یا از کتاب بکشد که عت
شیطان گردانند و با او در جهنم باشد و هر کس حکم حلال و حرام قرآن
داند و برای عت و شہوت و قیافه لغت آن کند مستوجب عذاب الهی گردد
و باید بود و نصاری در یکدیگر باشد و خانه که در آن محبت کنند
تا زشت بر حق تعالی که آنرا ضرب کند و معاصی مورث فقر و حاجت
در فقر و زوال نعمت و کوتاهی عمر و خرابی بدن و زلزله و طغیان و غلظت

و انقلب باران غلظت هوا و سارنگار و درین ایام شود و موجب عمل ابرق
 و اوجاع و اسقام و حسرت و ذمت و تعلق اهدا و کم آبی رود و چشما
 و آفات مزاج و فساد و زاین تبارات و مصالحت گردد و درود عا کند
 و بسیار کند و عا کند و خدای تعالی تقدیر اجابت آن فرماید پس
 معینی کند و خدای تعالی فرماید بنده من متعز غنبت من گشت و
 مستوجب حرمان شد و محسوس شد و تقاضای حاجت من مکیند و اگر حاجی
 شایع شود ابرار و خیار عا کند و مستجاب گردد و هر یک پیشه کند و
 و شقت که با دمی رسد بصورت کن باشد حتی اگر جاری و بار و
 و یاد می در بدن جدید اگر اگر گن نان بعضی رحمت الهی عفو شود
 کمر و لیا و است که برای نشان برای زیادی توید و در جاست چون
 خدای تعالی بایند و اراده و خیر و رحمت دشت باشد هرگاه کنی کند
 و عقیق آن را بصورت بلیه خبر دار کند تا توبه و استغفار نماید که
 بیاورد و اگر بایند و اراده غنبت و هدای دشت باشد او را تعلق
 کند یعنی عیبهای پائی نوازش نماید تا در هر در تیر تیر کنش نداد
 شود و مغرور گردد و استغفار و توبه را فراموش کند که حضرت عاقبت

مردنی و شست که چند مرتبه از خدای تعالی مسئلت نمودم و همیشه دعایم مستجاب
 شد می رسم است راج باشد فرمود و است که اگر حمد و شکر کنی مستجاب
 بنود و چون خدای تعالی بایند و نظر رحمت دشت باشد عفو یا
 کن باشد در دنیا یا سگرات موت یا در قیام و عالم برزخ بخت غفرت
 مراتب کن باشد کند تا روز قیامت اگر گناه بک باشد حتی اگر عظم و قبح
 و کلا و رت و اندوهی او را رسد یا خواهی چند که از آن بکلی شود که شایع
 و اگر بکسی نظر غنبت دشت باشد حسای که کرده باشد در دنیا نیست صحبت
 و غیر آن از یکی محکافات فرماید و عقوبات کنی مشایع گنار
 و بسیار باشد که مومی کن عظیم کند که مستوجب عقوبت دنیا و آخرت شود
 خدای تعالی برای مصلحت و عقوبت آخرت را نیز در دنیا کند و گناه که
 در دنیا تقدیر مصائب بیا نمود و باشد بعد از آن چون که غنبت
 و عقیق را پسند بر و رحم فرمود و مصائب بیا یا را بعد از آن که مستغفار
 رفع نماید و توبه بیا یا نیز و غیره روز قیامت کند و هیچ گاه را
 سهل و حقیر نماید انگشت من که گوید گناه می کنم و بعد از آن استغفار
 خواهم کرد یا گوید گناهش غیر ازین گناه میباشم یا گوید گناهش همگن نان

و انقطاع ابرار از دشت مراد سارنگاره و بی یاشود و موجب میل و انزاع
 و اوج طبع و مقام و حرمت و ذمت و تعلق اهل و کم آبی رود و غایت
 و اوقات مزاج و احوال و زبان تجارت و معاملات کرده و در دوا کند
 و بیا باشد که بنده و دای کند و خدای تعالی تقدیر اجابت آن فرمایند پس
 بصیحتی کند و خدای تعالی فرمایند و من تفرق غضب من کتب و
 مستوجب مرمان باشد و شکر و شکر و تقاضای حاجت من بکند و اگر حاجی
 شایع شود و ابرار و اخیار دعا کند و استجاب کرده و در عین و عین و عین
 و شفقت کرد و می رسد بصیحت کن و انش باشد حتی اگر جاری دارد
 و یارگی در بدن جدید با آنکه اگر کنان بعضی و رحمت الهی عفو شود
 که اولیاء الله که بنیای ایشان برای زیاده و ثواب و جرات و چون
 خدای تعالی بایند و از دین و رحمت و شفقت باشد هر که کن بکند
 در عقب آن اورا بصیحت و بلیه خبر در که تا قیوم و استغفار نماید که باشد
 باید زد و اگر بایند و اراده غضب و عذاب و دشت باشد و او را تامل
 کند یعنی بختی پای تو از من نماید تا درجه و درجه و مرتبه که تامل
 شود و عفو و کرد و استغفار و توبه را فراموش کند که بختی و عفو و توبه

موفق و دشت که چند مرتبه از خدای تعالی مسئلت نمود و بختی و عفو و توبه
 شدی رسم است و راج باشد فرمود و است که اگر حمد و شکر کنی است و راج
 شود و چون خدای تعالی بایند و نظر رحمت و شفقت باشد عفو و توبه
 کن و انش در دنیا یا سکرات موت یا در قیوم عالم بر رخ عجب تفاوت
 مراتب کن و انش کند و روز قیامت اگر کنایه بکند باشد حتی اگر غم و غم
 که در وقت و اندوهی او و در سینه با خواهی بکند که از آن بگذرد و کنش را بگذرد
 و اگر کسی نظر غضب و دشت باشد حتی اگر کرده باشد در دنیا یا نیست بخت
 و غیر آن از یکی مکافات فرماید و عفو و توبه کن من را بقیه است و از
 و بیا باشد که موی کن عظیم کند که مستوجب عفو و توبه و دنیا و حرمت شود
 خدای تعالی برای مصلحت او عفو و توبه آخرت را نیز در دنیا کند و کاه باشد که
 و در دنیا تقدیر مصائب بیا نموده باشد بعد از آن چون شکر و عفو و توبه
 و انش را پسند بر و رحم فرموده مصائب بیا بیا را بعد از آن که بگذرد
 رفیع نماید و ثواب بیا بیا را نیز و خیر و روز قیامت کند و بخت کنایه را
 سهل و خیر نماید انکاشت من آنکه گوید کنایه می کنم و بعد از آن استغفار
 خواهم کرد و یا گوید کاش غیر از من کنایه میباشتم و یا گوید کاش همه کنایه من

مثل این بود و بشداید آن گناه خیر نکاشته شود و آفریده نشود و پنج
 طاعتی مقبول نشود اگر کسی هزار مرتبه گفت و در صغیر که بر آن صلوات کند
 شود و خدای تعالی بر هر بنده چه بد چه در رحمت پوشیده که کسی که این
 و عیشش اقلع نیاید چون چهل کعبه کند و ده ماه روزه داشته شود و در صغیر
 حکم را فرماید که با لباسی خود او را بپوشد و اگر همان منصفی قیام کند
 باشد تا خدای تعالی فصلی بکند و آنرا حسن بپارد و توقع مدح داشته باشد
 فرماید که حکم تیرا با لباسی خود او را بپوشد و اگر آنرا در شرف و بزرگواری
 اصلیت نماید و گناه سه مرتبه بکشد که آفریده شود و با کمال است
 که خدای تعالی در دنیا عقوبت آن کرده و که تیرا نیست که گناه را بدو
 عقوبت کند پس در آخرت آنرا بپایند و دو مقام عباد اگر چه کسی که
 بر کسی از دنیا حیاتی شایع دارد و چون بی شایع کند که خدای تعالی استقام
 آن بکشد و امید غرور و مغرور داشته باشد حضرت امام فرموده و نایز مثل
 خودش بر می رستم و امید مغرور دارم و با حسن معاصی و بخلی است
 که قادر بر دفع آن نباشد باینست که مبادا غضب و خدای بر ایشان
 نازل شود و او را نایزدان میان فرود گیرد و حضرت امام میفرماید که از دنیا

ترا در پیش فلانی دیدم اینجا چه میکنی گفت او خالوی نیست و نموده است
 خدای کند یا باید که گناهی و پیش او بروی یا ترک گناهائی و پیش آتی
 گفت هرگاه آنچه گوی کنی من بکنم چه ضرر دارد فرمود و بیشتر کسی برو
 غضبی نازل شود و ترا هم با او بکشد و نمیدانی که هر دو از جهای جوئی که پیش
 از تو فرعون بود و چون فرعون را نبوی رسیدند آنرا دایستاد و که پدر
 خود را مخطو نموده پیش موسی بر و چون پدر را رسیدند آنرا را فرار گرفت
 و غرق شد و خدای تعالی چنین را در سوره او خدای کند که اگر از کمال
 عاصی بود آن عیزه و فصلی در **فصلی در بیان معاصی و سیئه**
 در بیت زاصل است معصیت حلوات است عیدیم هیچ کس از آخرتی و دنیا
 میر شود اگر خستیا را آخرت کند خدا از ورهانی شود و سیئات را پیش
 باید زد و اگر اختیار دنیا کنی هیچ خنده او را نباشد که حجاب و پیشش شود اول
 چیزی که سیئه است خدا باشد شش چیز است اول حب دنیا و دوم حب دنیا
 سوم حب نام چهارم حب جواب پنجم حب جهت ششم حب نام و در کمال
 دنیا در کمال عالمی آنقدر ضرر کند که حجت دنیا و جاه و ترفیع بزرگی
 دنیا و دین مومن طاعت هر کس است دنیا کند و هر کس را دنیا بکشد

۳۳
و هر کس از اینها طهر کند روزه هر چه از دنیا زیاده بر قدر کفاف باشد بخورد
مفسر یعنی تقریبی که شد که هر کس آن دو واجب بپوشد و هر کس که نشسته
و دفن کرده یا قافیه بوند بر بلندای برآمد و ایستاد آواز داد و یکی از
ایشان جواب گفت فرمود اعمال شما چه بود و چه چیز مبتلا شدید گفت آنست
که من معاصی حب و دنیا و طول این خوف قلیل ضعف از خدا شوق نمود
فرمود و حقیت شما چون شد گفت و عین لغت و عاقبت بودیم که
خود را در غایب دیدیم فرمود و ما ویر چیت گفت که سبای آتش که با خود
و هر چند تضرع میکنیم که یکبار دیگر ما را بدینا بر نهد تا زهد و رزیم و عیت
کنیم میگویند دروغ میگوئی فرمود چرا و یکی غیر تو جواب گفت
گفت ایستاد با آتش عیال کرده اند که کلام خوانند که درین دستان
بودم آه ایشان نه در این بودی و در کن جنتم آویخته اند میزدیم که در جنت
از قادیانیت خرافیت و هر کس این طهر کند با طهر طهر بخورد یا با
طهر بپوشد و عیت از قبول نشود نه فرایضه و نه ناکله و بقدر آن روز
بر و نویسد و هر چه از اینان باشد و بگذارد که شسته بشود و هر کس که
باشد و از ترس خدا دست بردارد و خدای تعالی او را دوست دارد و دوست

خودش ملو کند و از اینها شست کرد اند و هر کس یک طهر طهر بهتر است از خود
رکعت نماز و در یک رکعت آن طهر بر برکت با عیت قبول و خدای تعالی
یعنی کرده که یکی که را بدو و یک یک که و یک یک که از او نویسد و یک یک که
بر آن باشد و در با عیت و جزوت و حسن ترین آن مثل آنست که یک کلاه
خود را کند در خانه خود و یک رهم را با عظیم ترست از عیت و از ناکمه
با خیرتین مثل غم و خال باشد و پنج عبادت فضل از عیت بپوشد
که از طهر خط کشی و هر کس این طهر بپوشد و بدو و عیت و بدو شود
یکی در دنیا که خدای تعالی غلظی بر او لا و شمس ملطاف کند و دوم در آخر
آتش جنت و در پنج خانه حیانت یا زدی یا زنا یا شراب خمر را و نباید
که اگر برکت از آفتاب نایل شود و در خراب کرد و هر کس که شربت مسکری
یا شام چوبین روز نمازش مقبول نشود و اگر درین ایام ترک نماز کند و شربت
مضا عتف کرد و درین ایام تو بر شست قبول نشود و اگر بپوشد که فراموش
و اگر بپوشد و یک یا شام خدای تعالی از هر کس که ری که در جنتم از فرج زین
می آید با و بیست شامند و اگر دست بر آن کند مثل شربت پرت باشد و شراب
روزی و شربت سبزه از رقی چشم و منش که شده عیت و منش روان است

پیشانی بر پشت پاست بخت آید بیانی که اول خشم از او برسد و خشم
 پنجم در کس از خرابی فرموده است کسی که گاه گاهی باشد و کسیکه
 می گفتند و کسیکه خشمش را پیش باشد و کسیکه برای کسی برود
 برش برند و کسیکه باج و شتر می باشد و کسیکه قیاس را بخورد و فرموده
 باشد رب الطمعات کینه و دختر با و دهد و از او بخوابد و امانت با و
 مبارک و عیادتش کند و بخار از پیش خضر شود کسی از خضر از خضر
 صادق پرسید که مردی از خجستان و مالی ثبات اما شرب می خورد
 اگر میزد برو نماز کند و هر شرب با یکدیگر دیگر و خنجر می خورد
 شود و خدای تعالی آن عرق را سینه و شفت نوع عذاب کند و هر کس
 شرب با یکدیگر دیگر بگوید که و خدای تعالی او را از جیم بیاورد جیم
 است و جیم که چون نزد یک آرد منور برب کند شربت از دست
 حرارت و پوست اندازد و هر کس کمال هر که شرب با یکدیگر دیگر در
 باشد و جیم که روزی یک میلی از شرب و چرخش شود و هر کس که شرب کند
 برای خدا بگوید برای صفت خود خدای تعالی او را شکر کند و از حق محرم
 بنویسد که شربت خاصه از شربهای بهشت که خدای تعالی بر شرب با یکدیگر

فرموده است و برای خاص خود و خضر فرموده است و از حضرت امام رضا
 علیه السلام که چون سر با یکدیگر حضرت امام علی را بشام می بردند و زیاده بلیغ
 فرمود که آنرا او پیشی که نهشته رو پوشی بر آن انداخته بر روی آن شرب
 می خفت و فطاع می شامید و در جام را پیش ملت بر زمین می ریخت پس
 شسته باشد باید از فطاع و شرب اجتناب کند و هر کس از فطاع بر فطاع
 و شرب افتد بریزد و آل و ملت کند که دانش آرد زنده شود اگر چه
 مثل ستاره آسمان باشد و خیر و دیت که شرب در راه بارگشتان
 خدای تعالی جمعی بسیار از شرب آزاد کند که یکبار فطاع بر یکدیگر کند و شرب
 شرب باشد یا صاحب بدعتی باشد و سر جان فطاع کند مثل آن بود و شرب
 صدق محمد بن ابوبکر رحمة الله تعالی و کتاب می با یکدیگر الفقیه گفته زنده شد
 از شرب و دشمن شرب که عزت و باریش هرگز تعلیش کمره موبقه و سلام
 بر کسی که آن بازی کند مصیبت و نظر بر آلات آن مثل نظر بر فنج مادر
 و هر چه آن فطاع کند مثل این باشد حتی بازی گشته و گردان و غیر آن
 مسخ زنده شیان او رفیق شود و ملاک میگزیند و از حضرت امام محمد باقر
 علیه السلام که وقتی که آدم جنت نمود و ابلیس قایل محبت او شد و شامت نمود و هم

اسباب بود لب خراج گردید بعد از آن فرمود هر چه ازین قبل باشد که فرم
از آن مسلمند و شوند مثل آن بود و در خانه کسی که در بر بربط نوازند
تقد نام بر وسط کرد که هر عصبی خود را بر عصبی از او که دارد و در وید
بعد از آن حضرت جیاز را زایل شود تا حدی که زنا کند و پروا نکند
و خوشتر شود و امثال آن اتفاق در اول ~~سجده~~ کجا که آب کیه را که
دیگر روایت شده که کجای را بماند نکند و در آن دفع بزند و شنیدن
لهو و غایب لطفی رو بماند چنانکه آب کیه را و اصل آن بی بر اینصورت
نباشند و دعای آن کتاب نشود و خدای تعالی بر ایشان نظر نکند و مرسته
و مثل نشود و غدا اجل جز نیست که خدای تعالی فرموده که برای اصل آن
عذاب من حیث است و در بهشت و جهنم که خدای تعالی بدارد اگر کند آنرا
حرکت دهد پس نموده که پیش از آن نشیند باشد مترم شود و راجعی که
در دنیا از غمازه باشد و یکدیگر از آن جناب بگردانند ایشان
مردم باشد و نیز روایت که کبریا که خدای تعالی بدارد و معلوم است که اگر ایشان
بوز و وسیع شای حرام و شرای همان حرام و قیامتشان که فرشته انانیتان
و قیامتشان محنت و حضرت امام علیه السلام فرموده که هر کس که عبادت کند

ایشی اگر حق گوید و از خدا گوید عبادت خدا کرده باشد و اگر باطل گوید و از شیطان
گوید عبادت شیطان و عبادت بسیار نیز در موع صوت حرم تریتل قرآن صوت
و خوشتر رخت ترتم وار شده مثل آنکه خوب نعمت صوت حق بر حق
صوت نشد و کربا و خوشتر مثل آن که امید علم السلام از همه ناسخ آنرا
ترند و اگر امام اندکی حسن صوت خود را طهارت کند بچگونگی آن که در حضرت
سجاد و چون تلاوت قرآن میفرمود و مترو دین را حسن صوت او پیشتر
می افتادند و مثل آنکه قرآن بخواند از آنکه شسته بجزن تلاوت کند و در
تراوت قرآن ترجیح صوت کند که خدای تعالی دوست میدارد صوت
حسن را که ترجیح کنند و حضرت پیغمبر فرمود قرآن را با طمان عذر
بخوانند و با جان اصل مشوق و کبار تر خوانند و بعد از آن جمعی بنشینند
که قرآن را ترجیح نهند و نوحه ترجیح کنند و بای ایشان و جمعی بایستد
خوش دارد و برگشته است و کسی از حضرت سجاد سوال نمود از نظرین
جاری خوش آواز فرمود و قصوری ندارد اگر خبری ترا بیا دشت اندازد
و نیز جناب بسیار دارد و شده که باکی نیست و در کتب نیست که در کتب بسیار باشد
نه مثل آن نیست که مردان بر ایشان اورد شوند پس مجموع این احادیث معلوم است

از هر چه که خداوند در کلام طرف باشد سائل گفت در طرف باطل فرمودند خود
 ماکه نمودی و از آنجا که جمعی از امامان از خدا سوال نمودند فرمودند شما تعالی
 که نام باشد شما را باطل چکار است و الله علم شمس از سخن فی العلم و چون
 از شایع شود و موت یافت او جلع غریب قبل از آن در میان آن نبود
 نشان شود و زاتی را خدا تعالی شمس عجب کند سه روز دنیا که نور از
 دلش برود و بفرستد شود و چشم نزدیک که دود و سر و آخرت
 غضب خدا و سختی حساب ملود و در پیش نیز حریت که سید خدا در
 از جنت بفرستد شود و شود که شدای آتش و عذاب حیات از
 و فرج آیند و نه پیش کنند و روز قیامت بعد از آن بدو فرج بخشد
 و چون روز قیامت شود در میان محشر شوند و بوی در غایت
 عظمت از فرج ایشان آید که بواسطه محشر متاخر شوند و بیکس نماید
 که که ایشان را نمی کند و هر کس از آنی نامحرم مکمل کند بهر یک که گوید
 در سال روز فرج مجوس کرد و اگر از آن برغت خود اطلاع کند
 هر چه در میان ایشان کند و دنیایش بشکند و مرد باشد و اگر مجبور باشد
 که او نیز برود و نوشته شود و هر کس چشم از نگاه حرام بر کند خدا تعالی

از هر چه که خداوند در کلام طرف باشد سائل گفت در طرف باطل فرمودند خود
 ماکه نمودی و از آنجا که جمعی از امامان از خدا سوال نمودند فرمودند شما تعالی
 که نام باشد شما را باطل چکار است و الله علم شمس از سخن فی العلم و چون
 از شایع شود و موت یافت او جلع غریب قبل از آن در میان آن نبود
 نشان شود و زاتی را خدا تعالی شمس عجب کند سه روز دنیا که نور از
 دلش برود و بفرستد شود و چشم نزدیک که دود و سر و آخرت
 غضب خدا و سختی حساب ملود و در پیش نیز حریت که سید خدا در
 از جنت بفرستد شود و شود که شدای آتش و عذاب حیات از
 و فرج آیند و نه پیش کنند و روز قیامت بعد از آن بدو فرج بخشد
 و چون روز قیامت شود در میان محشر شوند و بوی در غایت
 عظمت از فرج ایشان آید که بواسطه محشر متاخر شوند و بیکس نماید
 که که ایشان را نمی کند و هر کس از آنی نامحرم مکمل کند بهر یک که گوید
 در سال روز فرج مجوس کرد و اگر از آن برغت خود اطلاع کند
 هر چه در میان ایشان کند و دنیایش بشکند و مرد باشد و اگر مجبور باشد
 که او نیز برود و نوشته شود و هر کس چشم از نگاه حرام بر کند خدا تعالی

آن چشم را از آتش بکند و هر کس بنی انجام در آید و او را بشیطان در نبرد
 آتش کشند پس در آتش اندازند و هر کس از زمان مردم عقیقه نباشد و در نبرد از
 عقب زان و در روند و هر کس با مردم معامله کنند با او چنان معامله کنند و هر
 چند فرموده با فلان طاعت بروج کند که در انسان عقیق و زان نشان
 چنانکه هر کس نظر بر زنی انحراف افتد چشم او بگرداند و چشم بر بوم
 باشد که خدای تعالی او را ایامی عطا فرماید که زشتش در یابد و از خود
 امین بر پیش بروج نماید و هر کس اولی که از بی حرام یا با مردی بروج
 و از خدا قبول نشود و از عقوبت رانج او اس حشر متاخر باشد که
 باشد و بر سترق و حریر بهشت نشیند که با او اولی که در هر کس
 کس از عذاب حق بکشد چنانست که جمیع ناس را کشته باشد و در پیش چشم
 بود و خدای تعالی قبول را از همه کنان پاک کند و هر را بر تامل گوید
 و در کشش برین مردم از خدای کیت که کسی را بناحق بکشد یا زند و اگر تامل
 بهت و ارض و قلم مسلم شرک باشد و آن را منی باشد خدای تعالی
 سر از زده و در نوح نکند و هر کس کلاه عاقبت حق مسلم کند روز قیامت
 از روی خوشی خود کند و هر کس با بر منی در جانش رفاقت کند و خوار دارد

عاقبت کند با خدا و رسولان که ائمه اطهار صلوات الله علیهم قیامت کرده باشد
 و ایشان روز قیامت با او قیامت کند و هر کس با شرکاری برای ایشان
 شود و از ضایع کند خدای تعالی او را ضایع کند و هر کس بی دین و هر چه
 اگر چه همین دو کس باشد و میان ایشان عدل نکند روز قیامت شربت
 و پاسته در سوراخ ماسی کرده و بجزشش آرد و هر والی که از عقیق
 در حلال ایشان رویشان کند خدای تعالی روز قیامت از او و از جانش
 و اگر کسی کند و اگر در کار سازنی از ایشان بید بکشد و خدایت کرده باشد
 و اگر در حکم حق میان ایشان رشوه بگیرد و مرگ باشد و اول کسی که
 چشم شود پادشاه و حاکمیت که با بریت عدالت نکند و صاحبان
 حق مال و اکند و فیهی که با جرم باشد و هر کس کس غم کند خدای تعالی
 او را بران و نفس بدینال یا در ملک یا در ولده و لدش مویخته
 نماید و ظلم در دنیا طاعت در آخرت و صراطیست که بکس با مظهر
 انسان نتواند شکست و هر کس که کسی با ظلم و غضب بکشد خدای تعالی
 از روی رحمت بگرداند و هیچ طاعت چندان قبول نفرماید و در
 عملش ثبت کند تا آنکه توبه کند و هر کس ظلم او ظلم معذور دارد و حکم

کند خدای تعالی غایب را بر دست خط که داند و درین حال مظلوم باشد و چنانچه
مستحق باشد و در آن خلجی بر وی شود و اگر نه باشد و اگر کسی از غایتی
کند در کسب شکر باشد و او محو شود و حتی یک یقه در دستش کند
یا قتی برایش نویسد یا سر کسب کند و کسی را ضعیف باشد مثل غلام بود
و خدای تعالی در زمان پادشاهی جبار پیغمبری و کسی که در این پادشاهی
من ترا پادشاه کند و هم که خون مردم بریزی و مالشان بگیرد و بگوید که
دادم که با مظلومان و منی من از مظلومان بخوانم که گشت اگر چه من
باشند و هر کس طاعتی را بر جور و دلاست کند یا غایب را متوالی مظلوم کند و
دو رخ قرین باشد و هر کس سبب بریزد و مظلوم کسی را خطا بر نه باشد
کمان از و شش آفریند و شود و هر کس از غایب غلامان معاصرت کند
و حدیث غایب از خدای تعالی دور شود و هر چند بایشان نزدیک را چند
دو و تر باشد و خدای تعالی مریع از کس بر من برد و چه شکر کرد
و حدیث مادی فرمود و حقیقت بر خدای تعالی که شمار از اهرت با کسی ضعیف
که داند که زندگانی با او کرده و کسی را بخت پر سید که شیعیان از
پیشانی که ای که راه مثل بنای عمارت و خضر و با غایبی برای غایت

فرمود که اگر تمام مدینه را بخت کند که برای شایسته بنده و قدری
کام عیان غایتین روز قیامت در بر سر پادشاهی باشد تا وقتی که خدای
میان جبار حکم کند و هر کس صاحب سلطنتی را برای طمع مدح کند و خضر
او باشد و هر کس شایسته صاحب سلطنتی یا غنی در دین برای طمع نقل
را غایتی کند خدای تعالی او را ذلیل گرداند و برکت از او بردارد
و اگر با آن لجاج یا غنی و قبیله یا سائر وجه بکند و اگر نیاید اما اگر
پیغمبر تسلیم روایات که اگر از غایتین اهل جور مالی کسی سببی کند
او در آن سعی و قدس کند حال باشد و روایت دیگر آمده که مالی از آن
بهر خود است آید خضر ای پیغمبر بدیدتم بر شما صلوات باشد
و حدیث حضرت امام محمد باقر مع و من است که قتی در دیوان غایتین
حکومت کرد و هم هیچ کاره داشتند فرمودند تا حق هر کس را بایشان
نمایان و کسی بخت تمام جعفر صادق عرض نمود که من در دیوان غایت
توقی نویسنده بودم و مال بسیار از آن بستم آمده که چشم از ناخدا
پوشیدم فرمود که اگر تین نویسنده و خدم و حشم نیامد که برکت
یابد و حق را غصب کند گفت و بی از آنکه که دام خضر می داشته باشیم فرمود

آنکه بگویم یکی گفت علی فرمود از هر چه در این مجلس گردیده پروانگی سرش
 این شناسایی خوش را به او در کارهای شایسته پیش تقدیر کن که برای تو فرات
 نسبت می شود پس آنروز در قیام که در حق الهی که در بدن و بهشت پرورگی
 تا آنکه بهشتیان در میان خود در پیش قوت و باطنی چه کردند و اندک
 وقت بعد از آن پادشاهی از اینجانب حضرت که بدینا پیش زخم خیم بایز
 کرد و گفت و الله که حضرت به عده خود و خانواده و دولت کرد
 پس بجزیت حضرت زخم همین که مرادید فرمود که و الله که بوجه نما
 ده کردم **و در این میان** روایات آمده که اگر کسی بوفت فیاض
 و فایده مستند و گفته در این است که قضای حاجت و توفیق مفعول از این
 و بعد از این بایشان کند تا شمس در برابر شمس باشد و چون در آن روز
 و می مگر شایع شود قضای طالبی ایشان عا که کند و چون کمال و روان
 کنند بفرقه خط و جو رسد آن به شد و چون زکوة قطع کنند زین
 خیرات و برکت خود کند شایع و آثار و معادن چون قطع کردند
 احوال برت اثر از منقل شود و در هر صبح رت خیرانی بار در روز و بهشت
 قضای طالبی عیش فرماید که در انصورت روح بدید و نواله و فرقی

میان سایه دار و غیر آن شود بهشت ایش در حدیث معلوم است که شمس
 بر دستهای ایشان شد و بگویم سلام از تو مخلص بود و با عرا به پادشاهی شود و کن
 گاه از روی غضب بگوینی کند که او را ترسانند قضای طالبی انصاف
 او را به ترسانه و هر کسی که بگذرد در پیش باشد و اصل بهشت نشود و بگویند
 و در قیامت بصورت مورخ شود و اصل بهشت بر ایشان که کردند
 و پادشاهان باشند و قضای طالبی از خاست صلیق فارغ شود و در جنت
 در نصیبت برای بیکتر آن که سقر نام بهشت از شدت حرارت نکات
 که در آن جنت است یعنی کشید از فضل او تمام جنت موقت و بگویند سرش
 صاحب خود را می کشد تا بجهنم بگوید پس در وقت بقی و حمد و بیان
 انسان بگوید که برایت با سر کش و بچ چیز یعنی زیادتی کند که آنکه
 قضای طالبی دلش کرد اند و حمد و یا از اسبوز و چاکر بهشت بهر را که
 بقدر خود دل عصیت در دلش باشد با کفار و جاهلانه محو شود و در وقت
 کند و الله ایان از که در من مخلص شود و آفت حربا فقا رت و روزی کسی
 خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام می فرمود صاحب جیب عالی و در وقت
 بزرگ و عزیزم فرمود و چه رت می نمی بر ما قضای طالبی ایان بگویند

هر که بوی باشد و بگوید که در دنیا هر که که فریاد کند و بگوید که ای خداوند
که توفیق و هر که بگوید در روز و در زبان باشد روز قیامت او را در روز
از پیش باشد و حضرت میرزا یحیی فرمود اگر نه که خود و چه هم می بود
می از هر کسی بکار بود و در دین که همین عیب است و میرزا که عیب
مردم را بیند و از عیب خود چشم پوشد و عیب کند دیگر را چنانچه که
خود ترک آن نماند و همین را بی سبب بر جانده و نزدیک ترین صفات
یکم از آنست که عیب خطای مومن را حفظ کنی تا روزی بر آن نرسد
و تفریق کنی و هر کس در پی عیب مصلحت باشد خدای تعالی در پی عیب
باشد تا رسولش کند و حضرت پیغمبر فرموده جمعی عیب بسیار داشته
چون از عیب مردم خاموشی و نه خدای تعالی مردم را از عیب
خاموشی که دانند و اگر مردم عیب را نهان در میان مردم بود و چون
جمع عیب نهانند و عیب کوئی مردم بگوید خدای تعالی عیب خطای
اظهار فرمود که بر زبانهای مردم افتاد و از دنیا فرستند و هر کسی
و مصیبتی اگر کسی نشاند که چنانست که خود آزار دهد باشد و هر کسی
بر عیبی سرزنش کند از دنیا نزد خدا خوشتر آن مبتلا شود و خدا

در دنیا

در دنیا و آخرت و از سرزنش کند و وایت که مومن از نور عظمت و جلال خدا
معمول می گشت هر کس در طبعی بود که بخواهد کرده باشد و سرزنش باشد
و در دین که اگر کسی غیر مومن را طعن کند بدترین جبهی میبرد و دیگر از مومن
چیزی را وایت کند که باعث خفت او باشد و در نظر خدای تعالی او را
از دلاست خود دور کند و ولایت شیطان و شیطان نیز قبولش کند
و هر کس در مصیبت مومن شامت کند از دنیا نزد خدا تان مبتلا شود
و هر کس مصلحتی را غیبت کند چنانست که گوشت میوه او را بجز در روز قیامت
از دستش بوی پروانی آید بدتر از بوی چغندر که پس خشم خدا را
مناوی شوند و از جمله آنان باشد که خدای تعالی فرموده جمعی که بخوانند
سعیت در میان مومنان متابع شود و بعد با ایمان باشد و هر کس
مومنان را بشنود و قافله بر اعانت آن باشد و کند خدای تعالی در دنیا
و آخرت و پیش گرداند و اعانتش کند و کنش صفا و مرتبه مثل کسی باشد
که غیبت کرده و اگر اعانتش کند و غیبت را از دفع نماید خدای تعالی
منازعه بر وی در دنیا و آخرت از دفع نماید و از آتش آزارش گرداند
و غیبت است که صفی را که در دنیا باشد و او خود پنهان دارد و مردم را

کو در کند و اگر چه پنهان دارد و غیبت باشد و اگر آن صفت در او نباشد
پنهان باشد هر کس نمی یابد و رایتان کند و در قیامت بر سر قیامت
کامش از آنکه از کارگاه پاک شود و در وقت حرام است بر کسی که عیب
مردمان کوید و غیبت کند ایمان ایشان قهر بگیرد و کسی که بر جهم بند
و از جهم جهم باشد و نه که از جهم از ناله و غمان ایشان زاری کند و گویند
ایمان چه کند که از این همه عذاب آزار می کند پس ایشان گویند که اگر
آبوت ایشان و بخت کس است که مال مردم بر کوشش بود و اگر او را
کردن هم نه شده و اگر او را پیش که خسته و روان گشته از بول اجتناب
و بولات نمیکند و اگر چه چون خون زدنش رویت نمی دردم حکایت
میکند و میان ایشان قسیمی نیست و اگر گوشت خود را میخورد و غیبت
و قاتمی یکدو و هر کس در حق را از عاقل برساند و از آن کم ضرری ببرد
چون نه چشم باشد و اگر ضرر رسد با دعوی آن ملعون در جهم باشد و اگر
تذاریت بر جهمی زنده خدای تعالی تا زمانه آتش برزند و اگر چنانچه زنده
روزی قیامت نهایش از جهم گشته و بر دستهایش که شعله خور شود
تا جهم رود و اگر او توبه کند و هر کس تا زمانه یا حوی در دست گیرد و چنین حکم

جائز نیست خدای تعالی آزار ندهد کسی که طارش نفاذ و ذریع باشد
در در قیامت بر دست او شود و خدای تعالی فرموده هر کس متفرق قسیمی
در دفع شود از رحمت من بی نصیب باشد و بکس از بند که قهر خدای
خورد و در قسم بخدای تعالی نیز برای هر مطلب رسول اگر چه راست باشد
نشد جزو که موجب استخفاف بخلت آن خدایت تعالی عیب نکند
و هر کس حق مؤمنی را حبس کند و بی عذر تاخیر کند برکت رزق بر
حرام شود و هر کس از کار خیر کند مثل روز غنای بر و نویسد و روز
قیامت پانصد سال او را بر پای دارند تا روزه از عرقش بر او
شود و مادی ندا کند که اینست ظالمی که حق مؤمن را حبس کرده پس از
توبه بخش کند پس آتش از فرزند و هر کس نیت ادای عین نکرده باشد
مثل دزد و حرامی بود و همچنین کسی که ترک زکوة کند و کسی که مهر زن را
بر دو کسی نیت ادای عین داشته باشد و ملک بخت ضرر
مکمل شود که فطرتش کند و آتش نماید و اگر نیتش از ادای عین
کوتاهی کند ملکین نیز بقدر آن در آتشش کوتاهی کند و چون کسی
در راه خدا کشته شود و قطره آبی که از خوشش بریزد و کفاره هر کس که

باشد که درین کفره نثار و مکار و آبی آن یا اگر صاحب حق حلال کند بکسی
بعد از آن که دیگر دو صاحب حق رضی آن شود و هر صاحب نیکی که بکس باشد
از پیش او رضای بر کرد و آب نین و ماهی و دریا بر صلوٰه فرستند
و اگر آرزو بر کرد و در حال آنکه قادر باشد سر شبانه روز کشتی او را
بلند کند غلظی بر او نرفته شود و در رضای طلبکار نیست که اگر مقدر
باشد هشتاد را او کند و اگر مقدر نباشد بمقت و همواری
عذر خواهی کند و هر کس را اجیر در اجرتش ظلم کند بوی شب بر
حرام شود و هر کس را از نماز جمعه منع کند کنش بر باشد و اگر
نافع نشود در خوشیش نیک باشد و در دادن اجرت تعجب نماید
نموده و بدیت که هنوز عرقش خشک نشده باشد که هر کس را بد
و پیش از آنکه اجرتش را معامله کند کار نباید فرمود و هر چند گوید
هر چه بد بهید رضیم و مضایقه ندارم و نیکه بلیغ درین و اگر شده
و هر کس شهادت ناحق و پهلوان در درک اصل جستم بر پیش آید
و هر کس کتان شهادت کند خدای تعالی در میان اصل عذر کوشش باو
بخوراند و زبان خود را بنیاید باشد تا بجهنم رود و خوردن کل مور

ملکوت

ملکوت و تیغ سودا کند و وقت ساق و قدم هر دو از جادوای کشتی
ازین میگذرد هر چه درین وقت بب صفقا نقصان یابد بران حساب
و عذاب کند و هر کس منصفیت خالق اعانت مخلوق کند و رضای او
جوید از دین خدا بیرون رود و خدای تعالی چنان کند که هر کس
میگذرد و ندانمش کند و مومن کند که بهتر است از آنکه بعضی عبادت
عجب و رزق و در کینه چنین بودی خدای تعالی هر گز نیاید و چون بگوید
و حضرت امام فرمود که عابدی و عاشقی با هم بجهنم نرسند چون بر آن
عابد عاشق و عاشق صادق بود و زیر که عابد عبادت خود فرمود و عجب
و عاشق از صفت خود در میان و پشیمان بود و استغفار می نمود و نیز
فرموده و عالمی از عابدی پرسید که عبادت تو چیست گفت کشتی
منی سوال علم و تکه من چندین سال است عبادت میکنم پرسید که عبادت
چراست گفت استسار چشم و دست عالم گفت اگر خداوند و ترسان بودی
بهر از آن بود که مشغول و گریان باشی که چون کسی به مشغول و خوش
راضی باشد هیچ عمل از او قبول نشود این بود که مرا صاحبی را بیل آن بی
نیز و سوال صابانه کشت و بعضی نیز در صفت خود است و باید

نموده اند چندین فصل چهارم در دایمیت و سیت و حوت
 از اهل بیت طاهرین که هر یکی را دو بیت و دوی ذنوب استغفار
 استغفار بهترین دعاست که آن را بریزد مثل بر کازدخت و بر
 استغفار بسیار کند تا نه عملش را نوری و درخشان باشد و نه خفا کسی
 روز قیامت در نامه عملش در پای کسی استغفاری باشد کسی حضرت امام
 محمد باقر عرض نموده که مرا چیزی تعلیم فرمای که چون آن عمل کنم در دنیا
 و آخرت باشد با شرم فرمود آنکه از نماز بسیار بجزان و لب استغفار
 تر و تازه دارد و نیز از نهان عیلم لکم در دیت که پنج شنبی بهتر از توبه
 نیست کسی که اگر نه توبه کند چنانست که گناه کرده باشد و کسی که
 توبه نصوح کند یعنی بعد از توبه دیگر بر جرم بگناه نکند و اگر ناه خطای
 مسا و در شود باز توبه کند و برکن مهر باشد خدای تعالی او را توبه
 دارد و بر جرم خود بپوشد و گناش را از یاد بلیک بر و چون بر دوی ^{عطا}
 و بیکالی که گناه کرده امر فرماید تا گناش را بپوشیده و دارد توبه
 قیامت پنج چیز شهادت بر گناه اذنه دهد و اگر بر گناه مهر باشد در گن
 کند و استغفاری کرده باشد چنانست که خدای تعالی استغفار کند و خدای

سنت نبوت بپندگانه عطا فرمود که اگر یکی از آن تمام من آسمان ^{عطا}
 فرمودی نه نجات می یافتند یکی کند بیش از اوست و هشتاد و یک
 خدا دوست دارد و خدا بکند و دم بکند و جگر عرش فرموده برای
 ایشان استغفار کند و دعای ایشان را از آفت اجابت فرماید سیم کند
 فرمود که سیتات ایشان را بحضرت بدل فرماید و هم از ایشان عیلم ^{عطا}
 در دیت که هر کسی آن می بخند و در شود و پس خدا را یاد آرد و از ^{عطا}
 کرامت الهی شرم کند و آزارش کند کنش آفریده شود و اگر چه شکر
 تمام چن و پس باشد و هر کسی صیتی کند پس در دل از خدای برتر شود و بگوید
 که خداوند است بر عتوبت کنش را بیاورد و پیش را نکند استغفار کند و چون
 بر من کن کند آنرا فراموش کند اگر چه بعد از بیت سال باشد بیاورد
 و استغفار کند آنرا زید شود و چون کافر کن کند بر و از آن کند
 فراموش کند حضرت صادق فرمود که باشد خدای تعالی بگناه بگوید
 ببت بر کسی رسید یا حضرت چون شود که گناه موجب ببت شود و فرود
 که گناه کند و پشیمان شود همیشه ترسان باشد و با خود دشمن شود و خود را
 عاقبت تو می کند پس خدای تعالی بر تو رحم فرماید و ببت ^{عطا}

عادت بر تو کردید هیچ میدانی استغفار که هست استغفار نشستی شرط دارد
اول آنکه از کرد و پشیمان باشی **دوم** آنکه غم داشته باشی که دیگر هیچ
کنی **سوم** آنکه حق مردم را داده باشی تا هیچ کس از پیش تو مغرور نباشد **چهارم**
آنکه بر فریضه که در آن تغییر کرده قاضی کنی **پنجم** آنکه کوششی که از مردم در دست
رستیده بغم و اندوه بگذرانی تا پوت بر استخوان چیده و در میان
گشت تازه بروی **ششم** آنکه بدزدانم وقت طاعت بجائی چنانکه
لذت در دست مصیبت چشایند چنانکه این شرط عمل کنی استغفار کرده
باشی و بپایه دست که اگر کنایه حق آنرا نباشد استغفار و توبه تنها
کافی نباشد چنانکه چند صیحت باین معنی در فصل سابق گذشت فرمود که
اصول مردم کفارند و اگر از کرد و کردی شناسی چنانکه در این
و هر که این شناسی از جانب او تفقد کنی و نیز کسی از حضرت صادق
پرسید که اگر کنی با عاریت دیگری زنا کند توبه بشی صفت فرمود که
و دیگر این عمل نمکند و از صاحب جاریه معذرت خواهد داشت که اگر
صلای نماید گفت اگر صلای کنی چون باشد فرمود زانی و زانیان باشد گفت
پس چنانچه خواهد رفت فرمود شفاعت حضرت پیغمبر و شفاعت مادر که آن

نما

شفاعت کند اما تکیه بر شفاعت نمکند که چون کسی این عمل کند و استغفار
تا ابد عذاب و موال جهنم نپذیرد شفاعت او را در نیاید و مثال این
و عادت بسیار رویت شده و نیز رویت که اگر کسی قاضی غلیم
کرده و موافق برای مظلوم استغفار و طلب آمرزش کند کفار و آن
باشد و اگر کسی رعیت کرده باشد هر مرتبه که بخاطر رسد برای او
استغفار کند کفار و آن باشد و حضرت امیر المومنین فرمود و بپای
که کسی طلب توبه کند و دستش بآن رسد بهتر که گناه کنی و از پیرمرد تو
خارج شوی **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ** **باب دوم**
در تطهیر بدن و لباس و اوقات و اجابت حاجت و توبه و تطهیر
در آن ذکر و رات و اوقات باطنی و این مجموع است و استغفار
آنکه یکم در دو فصل بیان شود **فصل اول در تطهیر اوقات** حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه روایت که فرمود و پاک کنید جامه و
از بوی بد که خالص است **فصل دوم در تطهیر بدن** و بوی بد را و نیز فرمود
شستن جامه و عیگری می برد و جامه را برای نماز پاک می کند و لذت
اول است طهارت صلوات الله علیه جمیع روایت که پاک کردن جامه

۴

و بدین کثافت از جلد خلق بابت فصل دوم در آداب محرم روزه
و آنچه باید آید آوردن از اسرار پنهانی علم تمام مرویت که چون
داخل محرم شوای چپ پیش گذارد و بسم الله بگویی بگویی اَعُوذُ
بِالله مِنَ الْخَيْبِ الْخَبِيْثِ الْخَائِفِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ ^{که}
که در محرم با غیر محرم کنی از شستن و درختن و غیر آن هر چه باشی
بگویی و از شرکت شیطان نا امن شوی در وقت غروب آفتاب سان
ناز تمام و ختن تمام نباید رفت که شیاطین درین دو وقت
در زمین تفرق باشند و چون جوانی جاد پیر و ن کنی بگویی اَللّهُمَّ
اَنْتَ خَيْرُ رَقِیْقَةٍ اَتَتْكَ وَ تَشِيْكُنِي عَلٰی الْاِيْمَانِ ^{که}
سپیدی عورت پرستیده باشد از حضرت رسالت مرویت که
هر کس ایمن بخندد روز رقیات دارد و باید بی زار و دل تمام شود
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویت شده که چون بنده
شود عورت در پیشگاه شیطان نگرند و طبع نماید چون بخاند اول
محرم روی بگویی اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسٍ وَ اَسْتَعِيْذُ
بِكَ مِنْ آذَانِ ^{که} چون بخاند دوم روی بگویی اَللّهُمَّ اَذْهِبْ

قَتْلُ الْيَتِيمِ وَالْجُرْ وَكَفَرُ جَدِي وَقَلْبِي مَقَرِّي أَكْبَرُ
 و تقدیری نیز برای پی ریزد و اگر تواند جزو جنبه نبوده که شانه را یکبار
 و درین خانه اندکی توقف کند و چون بجای سوم روی بوی تعفُّ
 یا طَهْرٍ اِنَّا وَكُنَّا لَمُتَّةً مَسْكُومٍ که در حمام با شستن
 سیم جای بوی و در حمام آب سرد خوش که معده را خفاصه گرداند و بخیال
 بر دست خاله که کسی می آرد و برای خاله که مورت خدام باشد و فوط
 و حمام بر روی خاله که آب روی میرسد و کل صبر بر سر خاله که بی غیرت
 و مورت کند و در حضی که مظهر آمدن فاضلین حذب و زنا کند که آن
 را مثال ایشان باشد زود که باعث خدام شود و شانه بر روی زن که زود
 تنه شود و بد زنا که به خانه آن یک یک کند و یک و زود میان حمام رفتن
 به فراخ باشد و هر روز فحش مورت سیل شده و بی فوط و هر خانه
 افکار حرمت پوشیده باشد بقصودی ندارد و بی فوط آب زود
 که در آب کباب باشد و چون خواهد حمام رود اندک چیزی تناول کند
 که صغیر و عوارث فحش کند تا سگم پیا باشد که مرغ با و بدین خفیف شود که
 باشد که کم سگ باشد و نظر بر عورت مسلمانان کند و فوط کشاید که عورت

اورا به چینه کز این مرد و مویان بسته و فرزند با پدر تمام زود که با او بود
 اورا به چینه و در تمام سوگن کند که در آن صیغه و پیوست شود و مستحق
 نوزده بخادون و یکید بسیار در آن وار و شده که شیطان را دور کند
 و اوقات و مراض دفع نماید و بدن را کثافت و چرک بوی بد پاک شود
 و از جمله جنات نهایت و ست نیست که هر دو هفته نوزده یکبار بخواند
 و سه روز نیز روایات بسیار شده و اگر میگوید روز یکبار و دوپول شده
 بسته و فرست کند که ادا می آن قرض بر خدای تعالی است و زیاده از یکماه که
 نوزده نباید که در فضل ثواب نماز بسیار کم شود و اگر گویا نماز کرد و
 و روایت شده که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد و موی چهار بار
 یک هفته بیشتر کند و در هر هفت و یکبار که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت
 دارد و موی چهار بار پیش از چهل روز و زمان زیاده از هفت روز بخواند
 و زیر بغل برآید و اگر نوزده کند و فضل باشد و کند آن چشم و شانه
 صیغ کند و موی بغل را در آن کند که شیطان در آن پنهان نشود و چنانچه
 خواهد نوزده یکبار بر دوش اولی بکشد بر دوش و بر سر یعنی کلاه که گویند
 اللَّهُمَّ احْمِ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ كَمَا احْمِ الْيُودِيَّةَ بِدَرَسُورِ

پنهان

و چون نوزده کند و گوید اللَّهُمَّ طَيِّبْ مَاطَهُمْ قِيَّ وَطَهُرْ مَاطَابَ
 وَابْلَيْتِي عَنْ الْأَيْتِيكَ اللَّهُمَّ إِنِّي تَطَهَّرْتُ بِغَاثَةِ سُنَّةِ
 الْمُسْلِمِينَ وَابْتِغَاءَ رِضْوَانِكَ وَتَغْفِرْ لِي وَتَغْفِرْ لِي
 عَلَى الْأَنْدِ وَطَهَّرْ خَلْقِي وَطَيِّبْ خُلُقِي وَزَكِّ عَمَلِي وَاجْعَلْ لِي
 مَعْنً يَكْفِيكَ عَلَى الْخَفِيَّةِ النَّعْمَةِ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ
 وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَبِيبِكَ وَتَوَكَّلْ
 عَامِلًا بِرَأْسِكَ فَإِنَّكَ تَبْتَغِي نَبِيَّكَ أَخِيَّ أَيْمُ مَتَّادِيَا
 يَحْيَى قَادِيكَ وَتَقَادِي بِرَأْسِكَ الَّذِينَ عِنْدَ عَمَلِكَ
 وَرَزَقْتَ لِقَائِهِ فِي صَلَاتِهِ هَيْمَةً وَجَعَلْتَهُ مَعَادِي لِحَالِكَ
 صَلَاتُكَ عَلَيْهِمْ جَوْنٌ دَانِجَانَهُ بِكَ كَرَامَةِ خدای تعالی او دارد
 دنیا از کدورت های و عیبها و کنه ها و بدل کند موی او را بموی گزنی
 کند و بعد و هر موی که در بدن داشته فرشته یا فرید که خدای
 تسبیح کند و روز قیامت ثواب آن هزار گن باشد و هر یک تسبیح عادت
 بر آید تسبیح از تسبیح همین تسبیح تا مدتی که نوزده در بدن داشته باشد
 بسیار گوید لا حول ولا قوة الا بالله که بدن نوزده و روز چهارشنبه

اگر اولی گشت کوچک است بعد از آن گشت میان بعد از آن گشت بزرگ را
 پیروی کوچک بعد از آن سبب و دست چپ اول گشت بزرگ و بعد از آن
 بعد از آن کوچک دست است شارب را بر آید اگر گشت اول گشت و دست
 محوس ریش را بسیار بکشد تا عکس آن کند تا ایشان شسته نشود و اینک
 مشهور است استحباب بقیض برای ریش اصل این از احادیث معلوم نیست بلکه
 در حدیث همین قدر است که زیاده اگر بقیض نباشد که زیاده ای در ریش
 باشد و موی سفید از ریش کند که دهت ردهت شده که موی سفید
 در راهم نوزد و در رقیقت گرفتن موی پنی چنان بفراید و نباید کند
 که چشم رقیض کند مستحب است دفن کردن ناخن موی از هر جا که باشد
 و خون در حاکم **فصل چهارم در خضاب** آنچه متعلق است بدان از آداب
 از اصل چپ و برین صلوات است ندیم هر دیت که یکدیگر هم که خضاب
 خضاب شود افضل است از هر آنکه در راه خدا صرف شود و چنانچه
 خضاب و خضابت بوی دماغ برود و پرده چشم صاف دهد و دماغ را
 ملایم کند و بوی دهن خوش کند و گوشت دندان سخت کند و بیماری
 برود و دوسه شیطان کم کند و طهارت خوش و شوند و موم از ناخوش آید

که از آن خضاب کند و زیت بفراید و شستنی باشد و همان از خضاب بود
 و مکر و نیکو از آن شرم و لاند و رویت دیگر آمده که اگر بوی نیکو آید و
 قوت دهد و فرزند را نیکو کند و خضاب کردن ریش بخواب و رویت
 نوز و حمام و ایمان و موجب رجا و عثمان و حجت زمان باشد و مستحب است
 زمان سر را خضاب نمایند که حیض است را بکشد و دست ایشان باید مرکز
 از خضاب نباشد اگر چه می باشد نماند باشد حاله شوهر و شسته
 برای زیت و اگر نه شسته باشد یا پیر باشد برای آنکه دست ایشان شسته
 مردان نشود اما احتیاج خضاب است برای مردان چنانکه معروف است و مشهور است
 از احادیث معلوم نیست بلکه بقیض احادیث هشتم است که است آن میشود
 چنانکه از حدیثی مذکور و حدیثی دیگر رویت شده که مردی است را
 خضاب کرده بجهت یکی از آنکه طهرین رفت حضرت فرمود اگر کسی که
 دست ترا باین رنگ خلق میکند و ترا خوش می کند گفت ز من بود پس آن
 چه عیب داشت که چنین کردی و جوابی نشاید که خضاب کنند شیطان
 بر ایشان دست نیابد **فصل پنجم در خضاب موی شانه** که در آن آداب است
 که برین موی شانه رویت که موی را با یکبار که کند از رویت

چنانکه چون مسح پای کنی گمان پاسبان بریزد و از هر طریقی که در دور
 که در همان بلغزد و چون بر پای نماز سجده وضو که نماز کن آن آید
 باشد سبوی بار بار در وضو پشت باشد و آنکه در شی رود و هر چه بد وضو
 کند خدای تعالی توبه او را بپذیرد که بی استسغاری وضو بر سر وضو نشود
 بر سر نورود حسنه دارد و هر که خواهد وضو کند چون نظر را بکشد
 لا اله الا الله جعل لنا طهورا و لا نجعله نجسا چون
 دست در آب کند بگوید بسم الله و یا الله اللهم اغفر لی التوابع
 و لا تجعل لی من الظالمین اگر در شست که وضو کند تسبیح است
 بیاید راست که در واقع است و آینه بشود اگر بعد از نماز بویان
 بگوید بعد از غایت و در مرتبه بعد از غایت سه مرتبه و چون مسنه کند
 بگوید اللهم لقی بحجی یوم الفراق و اطلب لی فی یدک الفراق
 و چون استسغاری کند بگوید اللهم لا تحرق فی طیبات الجنان فی
 سجن یتیم و یتیم و یتیم و یتیم و یتیم و یتیم و یتیم و یتیم
 اللهم صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر
 فی صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر و صبر

[illegible]

بوی خوش کردن و اگر مقدور نشود بگردان و یکصد شتر تفر
 نماید و حضرت پیغمبر را مشک دانی بود که بعد از مرگ و قتل آن احتمال
 میفرموده و اگر بوی خوش میزد شتر متعنه را از آب گرمی که در
 او بر روی مبارک می مالیده و فرمود که کسی آید بوی مرگش بوی گل
 میزدنش و نیز فرموده است که گل سفید از عرق من روئید و گل
 سرخ از عرق جگر من گل زرد از عرق راق و در این دیکر آیه که در
 سورع عرق حضرت برین یکصد گل سرخ ارمان روئید و چون کسی
 تکلیف بوی خوش کند در دنیا بد که در آن بوی خوش اگر هست و
 اگر نام نماید که حمار و اگر کل و ریان کسی نهد بگوید و چشم
 که آرد و ملکات بر پیغمبر و اس پیش فرستد منو از دست کند شتر
 باشد که گناهش آرد بد و شود و در دیت دیکر آیه که بگوید و چشم
 که آرد و ملکات فرستد بعد از یک بیابان عرق خدای تعالی برای او
 حسنات ثبت فرماید و سیئات محو نماید و عاقبت بیابانیت که در یک
 بی نهایت دارد و باب دوم در فضایل آن و در بعضی اوجیه
 مخصوص به احوال و فضایل قرآن این مجموعه نهاده و چند فضیلت بیان شود

فصل اول در فضایل آن و در بعضی اوجیه و در بعضی اوجیه
 از اسب است که درین جمیع اقسام آن در است که بعد از این و در وقت پیغمبر
 نبی از آن از دست و چون درین مشغول آن نشود و خدای تعالی توجیه آن را
 و از اطراف آسمان و اطراف زمین رحمت بر دوزل شود و اطراف را
 از پیش قدمش و اطراف آسمان را که فرو کند و ملک کند و ملکهای
 نبیه که درین که مشغول غار گشته که بدانی که کثرت که توبه توبه که بدانی
 که ملکهای که در آنجا بجای دیگر زوی و یک تا بدست از آن که در آنجا
 از تمام دنیا و در هر دست از تعبیه و در تمام دنیا و تمام عالم
 استون چو تپ که اگر حکم بر جای باشد بر ده و دنیا بنا و دنیا بر بر آن
 بر پای باشد هر چند کند و زبون باشد و اگر استون بر جای باشد چو تپ
 و کسکی باید خیر فرستد بریزد و تمام دنیا و هر چند بیکه و نه باشد و در
 که از فریضه را بجا آید و بعد از آن شیه و حکم که در آنجا و تمام دنیا
 و در آنجا گشته تا از آنجا فارغ شود و خدای تعالی را در شتر است که
 در هر وقت که از آن خدای تعالی برات شان کیر و در آن برات شتر
 که منم خدای پند و ای نیکان من شما در پناه منید و شمارا حفظ و حمایت

کند و امام عادل و شسته باشد در ایام حیات یا بعد از وفات من خدای تعالی
 جمیعش را پیرایش کند و لحاشی نظم دهد و کارهایش را مبارک کند
 و نماز روز و روزه و رکوع و سجده و هر چیزی را قبول نشود و تا آنکه توبه
 کند و هر کس به جود رایی در پی بی علقی ترک کند خدای تعالی او را بخشاید
 نفاق هر کس که در روزه و حج و زکوة و صدقه و انفاق و نماز و طهارت
 و کفایت نفعه بر در مسجد یا بر کرسیهای نورانیته و نام جامعگی نماز
 جود و نماز نشود و نویسنده بر تیرگی بیشتر شود و بیشتر نویسنده و هر کس در تیرگی
 آخر تر نویسنده بر تیرگی روز جمعه بیشتر را این بنده و زینت کند
 جوی که نماز جمعه روزه و هر کس زود تر داخل شود و زود تر در نماز
 شود و هر کس نماز جمعه رود و در آن یک سو و هر قدمی که نماز
 جمعه حرکت کند خدای تعالی جمیعش را بخشاید **هر کس که نماز جمعه**
 بکشد که او گفت چند مرتبه تسبیح کرده ام مقدور نشده و نمود نماز جمعه
 بجز آنکه هیچ تمسک نیست و مساوی که نماز جمعه بجز واجب نیست
 بآن ثواب بعد نماز جمعه مقیم با و عطا فرماید و کسی که وضو نیکو سازد
 و نماز و یک با نام نشیند و گوش خطبه دارد و نمازش باشد از نماز و نماز

دیگر

دیگر و سه روز زیاده بر آن که با شش آفریده شود و خدای تعالی او را
 ثواب دهد و اگر در روز نشیند و نمازش باشد و گوش کند یک فصل توبه
 و اگر نماز و یک نشیند و حرف زنده و گوش کند و گوش فرزند شتاب
 و اگر یک کجی نماز و گوشش باشد حرف زنده باشد و هر کس حرف زنده نماز
 جمعه پیش مقبول نباشد و اما اگر کسی شود رسیده که خطبه را نام معصوم است
 و اقامت جمعه و برب حرامان که هر سال یک شمشیر از فیض این خلیفه
 عظمی توفیق کرد از تفسیر شیعیان در زمان غلبه جبر و طغیان ارباب
 نفاق و عدوانی نباشی شده و در حدیث و قرآن بهیچ وجه صلی ندارد
 بلکه در قرآن و حدیث بهیچ وجه فرموده اند و یکبار نیز هر کس که نماز
 شد با اینک محفل تفسیر باشد خفت ترک نداده اند بل در احادیث
 امام عادل و امام فاضل و دیگران که در نماز جماعت نیز وارد گشته است
 و کلام است نماز را بجماعت کرار و نیکو گفت با جماعت بهتر است
 از بیست و چهار رکعت بی جماعت که هر رکعتی بهتر است از بیست و چهار
 عبادت و هر کس مسجد رود و برای اینکه نماز بجماعت کرار و هر کس
 بردارد و عطا دهد از حسنه برای او ثبت نماید و عطا دهد از حسنه

از آنکه کند و اگر درین حالت میرد ضایع الهی می افتد و در آخرت نیز محکوم
گردد و آنکه او را در قبر میاد و کند و بشارت دهند و با او ممنت نمایند
و برای او استغفار کنند آنکه از قبر برآید و هر کس از این پنج نوع فحش را
بجای آید کرد و در امان خدا باشد پس هر کس بدخل کند برخدا شکم کرده
باشد و هر کس از این حقیر شمار و تحقیرهای کرده باشد و هر کس از این پنج
بجای آید کرد و در جای نماندند و اگر خدا بخواهد طلع آفتاب از پشت
خود کس می افتد و در جبهه که میان هر دو درجه افتد رصاف باشد که
اسب دو نده را امور و خفا و سال می کند و اگر نماز ظهر بجای آید کرد
و رجات حد آن چنان درجه باشد و اگر که با هر دو درجه بجای آید
اسب دو نده را امور را باشد و اگر نماز عصر بجای آید کرد و در آن آید
باشد که شمشاد از نواد و سمیع از آن کند که همه صاحبان عیال
بهند و اگر نماز شام بجای آید کرد و ثواب کج و دیگره مقبول داشته باشد
و اگر نماز صبح بجای آید کرد و همچنان باشد که در سید القدر عبادت کرده باشد
و بهترین صفوف صف اول است و بهترین مواضع آنکه با نماز مذکور
بود نماز در صف اول مثل جهاد است و در راه خدا که یک محافظ صف اول است

اولی تا بیست و پنج که اگر مؤمنی کند ثواب مؤمنان ده شده باشد در دنیا
و آخرت و ثواب مؤمنان را تا ابد و آنست چهارین باید و فضل جانب دست
بر جانب پیش فضل هاجد باشد با نغز و فضل دوم و در ذکر نور علی
تقریب بیست و پنج از اصل بیست و پنج مهم است و ثواب که بعد از آن
ششم دارد که از عبادات بندگان کمتر است را قبول نماید باین کیفیت
در شبانه روزی هجده رکعت نماز است که در این دو برابر فرموده است
تا که در قرآن سه و نقصانی باشد خدای تعالی آنرا قبول نماید و در
آن هجده رکعت و بعد از هر رکعت باشد هجده مرتبه نور علی نماز
شب که از بندگان روز و رحمت بدان و موجب رحمت و رحمت و رحمت
و رحمت مؤمن است در دنیا و آخرت و هر کس نور علی نماز شب نکند که در
از اصل بیست باشد و نماز شب موجب رضای حضرت و چشم رحمت دهد
و در روزی که کند و هر کس عشر شبی عبادت کند برای رضای خدا
و امید ثواب خدای تعالی گوید ای خدا که گشت نبویسید برای اینند و این
عبود و دانند و یکی و دیگری که هر چهارین دید در شب که هر کسی
شهر عبادت نماید خدای تعالی ده دعا را و اجابت نماید و روزی که

ناله و غمناش بابت آتش دهند و اگر کسی عبادت کند خدا را
 اجرش بیدای که در راه خدا صبر داشته باشد و بقیه نموده و به نیت خلاق
 خالص عباد کرده باشد با عطا فرماید و او را شایسته است خود را در
 و اگر کسی عبادت کند روز قیامت چون از قبر برون آید رویش
 مثل ماه شب چاره باشد و همراه موافق که همیشه از سوال آرزو
 از صراط بگذرد و اگر کسی عبادت کند از جمله او این نوشته شود
 و کند آن گذشته او را هرگز نیند و اگر کسی عبادت کند با نیت
 خلیل در پشت بدو می کند و اگر کسی عبادت کند در اول صفت
 نمازین باشد و چون با دست از صراط بگذرد و عیب و خلل نباشد
 و اگر کسی عبادت کند هیچ نوشته نماند که این که رستگ بر بخت
 و از هر در پشت که خواهد درون رود و اگر کسی عبادت کند عباد
 هر بار بر تمام روی زمین و بر هر ثوب و نیت و فضل از آن باشد که
 عطا و نده از اولاد اسمعیل آن کند و اگر کسی عبادت کند عباد
 یکسان با آن عباد حسانت بود و همه که بیکدیگر آن حسانت در تیره بزرگتر
 از کوه باشد و اگر کسی عبادت کند آنقدر ثواب دهند که کفر آن

این باشد

این باشد که اگر کسی عبادت کند و چنان روزی که از مادر متولد شده بود
 سر چرخ که خدای تعالی فریده حسانت برای او نویسد و در جات بند کند
 و کند و خدا از دلش بیرون رود و قبرش را زانی باشد و از عبادت
 این باشد و از آتش و درخ خلی بود و در زمره مومنین نباشد که در جات
 که برای او که به چندان بنده مرا این نیت را برای رضای من احیا
 داشته و او را در جنت فرود میسجای دهد و در آن جنت هر که
 شده بود و نده که در هر شهری هر چه دل خواهد و چشم را از دیدن آن خوش
 و از یک ناله و عجب که گذشته باشد حیات باشد و خانه که در آن نماز کند
 برای او که آسمان در خاتمان باشد و چنانکه سستار که برای من برین
 و هر کسی شب بخیزد و وضو که کل بسازد و به نیت صادق دل سیم
 و بدن عاشق و خیم که این نماز کند و نصف ملک و ثروت را نماز کند
 که یک طرف بر صفی در شرق و طرف دیگر در مغرب باشد و صد و بیست و یک
 نماز بخیزد و این و چون از نماز فارغ شود و بعد از آن ملک در جات او
 بیک کند و کسی که نماز بخیزد و خوب بود و عبادت بخشی که برست
 و چنانچه و در جنت بنده خدای تعالی از فرماید که در ای آسمان باشد

و تورا نصیحت کند و نصیحت از وقت گذرد و تو نشستی ظهر و عصر و پیش از آن
 چنانچه که چو بی رست متوئی محو از غلب کند و مقدار چوب را که از زمین بر
 بر روی زمین وقت نماند هر قسمی که بگذرد و آنجا چون طلوع کند
 نمایان فرزند که آن را زنی باشد آهسته آهسته کم شود و وقت ظهر بگذرد
 و آنرا مکتب نشو و آن حد را نشان کنند همین که از آن حد شش وع در آن
 کند اول ظهر باشد پس آنجا و می شود و بعد از دو قدم رسد وقت ظهر
 بود و سائیل ظهر که نهایت حد کوهی بود و در آن حد باشد فصل دوم
در فضایل مسجد و آداب آن از سبب طاعت برین عظیم قدیم مرویت رکعت نماز
 در مسجد جامع برابر است با صد نماز در مسجد محمد با پیست پنج نماز و مسجد
 باز آباد و از ده نماز و چون کسی مسجد رود در هیچ موضع قدم نکند
 مگر ایستاده و ازین موضع برای تسبیح میکند و کسی که در نماز خطا
 بکند و مسجد رود و ازین نماز که شود و زیارت خدای که با
 و حجت بر من و هر که اگر نماز نماید و هر کس مسجد توبه نماید و هر کس
 یکارشت نعت با و عطا فرماید یا برادرش را یا علم تازه یا یا بچند
 یا که که او را برادر استی استی کند یا رقت تازه که پیش از آن نبوده

یا که

یا که که او را از مسجد بخت دهد و هر کس که از مسجد خدا را از روی شرم
 و بهترین خانه مسجد است و بهترین اصل مسجد آنست که پیشتر و پیشتر
 و پست تر و چون آید هر وقت که هر کس از آن در مسجد بشود و نماز
 کند از ده بیرون رود و نماز باشد مگر آنکه از ده بیرون در مسجد باشد
 و بهترین مسجد برای زنی خانه ای نیست و پسینه خانه فضیلت
 از اصل خانه و اصل خانه فضیلت از ایوان و ایوان فضیلت از حجره و حجره
 فضیلت از بام و چون توبه شود و از خانه بیرون آید بگوید بسم الله
خَلَقَنِي مِنْ نَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ
مَرِضَةٍ فَكُنْ بِمَقَامِي وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ
أَطْعَمَنِي أَنْ لَمْ يَكُنْ لِي رِزْقٌ فَكُنْ بِمَقَامِي وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ وَنَفْسٍ
وَلَقَدْ جَاءَنِي مِنَ الْغَيْمِ نَفْسٌ وَنَفْسٌ وَنَفْسٌ وَنَفْسٌ وَنَفْسٌ وَنَفْسٌ وَنَفْسٍ
 خدای قائل و را بایمان و حق هدایت کند و از اطعمه و از شراب و از شراب
 و کفاره کند و نشانی باشد و خدای قائل و از شراب و از شراب و از شراب
 شل مسجد که در اندوه خطیه که کرده باشد بیاورد و اگر چه پیشتر از کف دریا

و حکمت و علم باو عطا فرماید و بصلای گذشتہ و آئندہ بخش سازد و او را
از جملہ اهل حقان ثبت نماید و منزل کرم و جنت نعیم باو کرامت فرماید
و کنه آن پیر و مادرش را بر سر او چون خواهد و نعل مسجد شود و کفن
در خط نماید که کفایت و کفا حق باشد باشد و پای راستش کف کند
و بگوید بسم الله و علی الله و معن الله و لی الله و خیر الامم
کلها الله توکل علی الله لا حول و لا قوة الا بالله اللهم صل
علی محمد و علی محمد و افتخ علی ابواب رحمتک و توکل علی خلق
علی ابواب تعینک و لعلک من ذوارک و عماد صلیک
و معین بناجیک فی اللیل و النهار و معین الذین هم و صلیک
خاشعون و اذعن علی الشیطان الرجیم و جود ایلک اجمعین
و چون نعل مسجد شود بگوید یا محمد ان لا اله الا الله و حده لا
شریک له و الله اکبر کبیرا و الحمد لله کثیرا و سبحان الله
تکبره و اصیلا و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و ارباب کلمه حق و اگر
در آن وقت است ای طهارت در نعل نموده و در مسجد شریف بخواند

یا اباکلی

که اگر کسی در مسجد شریف خواند روایت شده که باو بگویند حق است که ای طهارت
در نعل نموده و اگر کسی در مسجد شریف خواند روایت شده که باو بگویند حق است که ای طهارت
و نعلش کند و اگر برای تعظیم مسجد آب و هیچ دماغ را فرو برد و خدای تعالی برای
او حسن ثبت نماید و سستی بخورد نماید و وقت برایش بفرماید و هیچ کس
و حقش رسد مگر این که از نعل که اندود و در وقت خوشحال و خندان
مبعوث شود و نامه عیش انداخت رات دهند و ظرف بمل گفتوی
دنیا کنند که مسجد جای جد است و جستجوی کم شده کند روایت که اگر
جستجوی کم شده کند باو بگویند لا رآه الله علیک یعنی خدای تعالی
کم شده است را توبه سازد و آواز بلند کند و اطفال و دیوانگان بیخ و شورا
از مسجد دور کنند و اگر کسی در مسجد تجارت کند باو بگویند لا یرح الله
بجارتک یعنی خدای تعالی تجارت را سود ندهد و هر کس چرخ می در مسجد روشن
کند تا روشنی از آن باقی باشد عمل عرش ملائکه را برای او مستعار کند
و هر کس مسجد را جاروب کند ثواب آن دارد که بنده آرا کند و اگر بقدر فرقه
در چشم انداخته حق پرده بر خدای تعالی دو کف از رحمت باو دارد
و اگر در نعلش ثبت جد جابر کند و بقدر سرده که در چشمش شده است

که برای خداوند کونیه برای جرت و ریاد روز قیامت و ریت برای
 قل منشا بایستد و در میان آن اوقات جبر شیدی که در راه خدا و چون
 خود عقیده باشد خداوندی با و در کسی گفت یا رسول الله مردم و آن
 پیش سستی میکنند و وقت نمیدهند حضرت فرمود زانی باید که از آن
 گفتن را از روی کبر صفا و اندازند و گوشت ایشان را خداوندی برای پیش
 دهم که دین و کسب برای خداوند کونیه خداوندی برای و چون چهل هزار
 شهید و چهل هزار صدیق با و عطا فرماید و چهل هزار کی که را بشمار
 او بشت بر و چون بگوید یا شهادت آن لا اله الا الله عطا فرماید
 برای او و کند و استغفار نماید و روز قیامت در سایه عرش خداوندی
 تا حسنات مردم تمام شود و چون بگوید یا شهادت آن محمد رسول الله چهل
 فرشته برای او و عطا کند و استغفار نماید و روز قیامت در سایه عرش
 خداوندی باشد و چهل هزار فرشته و ثواب از آن بزرگوار و اگر کسی از شهرهای
 از شهرهای اسلام اندان کونیه که با شش آمد زنده شود و اگر چه پیش که دین
 باشد و ریت او را و چوب شود و او از آتشی و بلند بایست که او را شش
 در جنگ و تری که برسد برای او ثواب دهد و هر قدر بلند شود و آنگاه

که بپوش

که با شش آمد زنده شود و هر کسی او را که از آتشی و بلند بایست که او را شش
 با و برای بر او آن مصلحت که دین و کونیه که از آتشی و بلند بایست که او را شش
 کونیه این را از جهت محبت که توحید خداوندی کند پس برای ایشان استغفار
 کنند تا آنکه از نماز فارغ شود و اگر در خانه او آن بلند کونیه شش را زد
 کند و برای اطفال بخوابد که خداوندی او آن و بختایان عطا کند و چوب
 و پایشانی را بپوشد که او را کونیه که از آتشی و بلند بایست که او را شش
 و کونیه که چهل هزار شهید و کونیه که از آتشی و بلند بایست که او را شش
 پیاد و کونیه که از آتشی و بلند بایست که او را شش و پیاد و کونیه که از آتشی
 حضرت امام رضا علیه السلام که در فرموده در خانه خود او آن بلند کونیه
 که در پایشانی را بپوشد و اولادش بسیار شد و اقامت را آتشی و بلند
 کونیه که از آتشی و بلند بایست که او را شش و اقامت را آتشی و بلند
 بپوشد و او از آتشی و بلند بایست که او را شش و در راه و بی طهارت و غیره
 اگر در کفین مشا و چوب رو بپوشد باشد توان گفت اقامت را بپوشد
 و بیات ناز بگوید و در آتشی او آن اقامت و چوب حرف زدن است
 اما کونیه فصلت تجنیض در آتشی اقامت و چون قدرات الهی و کونیه

در او شده و در حرف زدن حرام شود و برودن سائر حقایق می کند
 بر این حالت کسی گویند پیش از این بعضی از علمای توحید حرف زدن برای
 سائر چیزهایی که متعلق به خدا باشد نیز نمودند و اگر حرف زدن را
 اعاده کند و اگر چیزی از او ان یا اقامت را فراموش کند رجوع
 نماید و از آن کلمه بگوید و اگر در حال نماز شود و بجا پیش رسد که
 گفته صلوات بر پیغمبر برشته و اقامت بگوید و بعد از آن نماز کند و اگر
 هنوز شروع در قرائت کرده باشد و رویت دیگر آمده که اگر
 کسی کرده باشد رجوع نماید و از آن اقامت بگوید و برای خواندن آن
 و اقامت اقرار بکند و اگر در اثناء قرائت بگوید و میان آن و آن
 و اقامت بخواند که قش اینک بعضی بگویند یا الله یا الله یا سبحان الله
 یا عیشة یا سجده کند اگر نیت بگوید **اللهم اجعل قلبی باقرا**
و رزقی ذارفا و اجعل لی عند خیرینک صلی الله علیه
و آله منقرا و قرا اگر چه کند که **یا لا اله الا انت ربی**
تحدث لك خاصا خاصا ذلک لا فصل علی محمد و آله
و اذین و اذین علی ایاک انت الغائب الرحیم صلی علیک

در این

هرگز آن را زیاده نبرد و اگر در میان آن و اقامت شش نیت می کند
 در راه خدا و چون حرف غلطی باشد و در غیر وقت شش نیت ظاهر باشد
 از او آن کلمه را نبرد و در وقت راسخ آن اقامت را کرد و جماعتی باشد
 که برودن او آن کلمه جماعت می نیتند و چون در وقت اقامت بگوید
 بر خیزند و بایستند و چون برودن آن کلمه بگوید که بایستد و هر چه برودن
 اقامت بگوید رویش زیاده شود و چون برودن شهادت بگوید که بایستد
 بگوید و وی تصدیق و اقرار و انما الله ان لا اله الا الله و محمد
 محمد رسول الله اینها نیت آن و بعد از این بیان اقرار و نیت
 بعد در هر کس شهادت داده و ایا آن آورده و هر کس اقرار بخود و ایمان
 نیارده و در هر کس شهادت باشد و روایتی آمده که چون برودن حجت
 بگوید که حجت که برودن آن صبح و شام شود و بگوید **لا اله الا الله**
ای اشیاء یا قبالی عمارک و اذین یا رب لیلتک و حصو صلی علیک
و اصوات دعا فک و تسبیح ملائکک ارضی علی محمد
و آله محمد و آله تسبیح علی ایاک انت الغائب الرحیم و در شام بگوید
یا قبا عمارک و اذین یا رب لیلتک و اذین یا رب لیلتک و اذین یا رب لیلتک

کند از وقت قبل از این باشد و چون بر آن رکوع بر دارد و دست راست را بر سر رکوع
 رکوع پشت راست کند تا رکوع دهم باشد و دست راست را بر سر رکوع دهم
 حَسْبُكَ اللَّهُ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَهْلُ الْبَيْتِ وَالْكَافَّةِ
 وَالْعَظَمَةُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ پس چنان بگوید و سر را بر
 سجده دوم و دست راست را بر سر از نو بر زمین گذارد چنانکه
 بر آن رکوع و از نو باشد و نشان هم چیده برابر قبل باشد و ساعده را
 از زمین بردارد و باها کشاید چنانکه پنج عضو بر عضو دیگر کشیده و در آن
 اول نشسته و از نو از پیشتر از دست بر زمین گذارد و بعد از آن سجده
 کنند و عقاب را جمع دارند و ساعده بر زمین بخوابانند و سجده ششم
 عضو باید کرد پشانی و دو کف و سینه و دو نو و دو پشت بزرگ پای
 و سر یعنی هفت اول و جهت و آخرت و مرویت که هر کس غنی را بر چنان
 پشانی میکند از رکوع دهم تا رکوع دهم باشد و دست راست را بر
 چیزی که نشستن که سجده بر آن مسح باشد تا روز قیامت عمل بر آن کند
 و در سجده ستر به یا پنج یا هفت یا بیشتر بگوید سبحان ربنا الاعلی
 و سبحان ربنا العظیم و یک سجده را طول دهد و پیش پای او کند و گوید ای وای

درین حالت که دم او سجده کرد و زمین سر کشید که دم و سجده است که سجده بر
 حضرت امامین باشد که در میان بنده و خدای تعالی باشد و چون از
 سجده بردارد و پشت راست کند و بر جانب چپ نشسته چنانکه مرد و پسر را
 راست بر و آن بد و پشت پای راست بر کف پای چپ بند و نشسته یک رکوع
 پس بگوید اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّیْ وَ اَوْفُوا لیکو پس چنان نشسته یک رکوع
 و سجده دیگر همان دست و رگبند و چون سر بردارد و یک رکوع دیگر بخیزد
 پس رکعت دیگر بخیزد و از سجده راست بر پای خیزد و آن بر حق جاست
 و در وقت برخاستن سر و کف و پشت بر زمین گذارد و گوید سبحان الله و
 تحمید الله اَوْفُوا لَعَدْوِ اَوْفُوا لَعَدْوِ اَوْفُوا لَعَدْوِ اَوْفُوا لَعَدْوِ اَوْفُوا لَعَدْوِ
 و اَقْعُدُوا اَوْفُوا لَعَدْوِ اَوْفُوا لَعَدْوِ اَوْفُوا لَعَدْوِ اَوْفُوا لَعَدْوِ اَوْفُوا لَعَدْوِ
 تا رخ شود یک رکوع و دست راست را بر سر توت بخواند مرد و دانی که خواهد
 بخواند باشد اَقْعُدُوا اَوْفُوا لَعَدْوِ اَوْفُوا لَعَدْوِ اَوْفُوا لَعَدْوِ اَوْفُوا لَعَدْوِ
 و توت بیشتر بود و فصل از آن است که توتش طویل تر باشد و از فصل و کرای
 توت کلمات فرج فصل بسیار دارد و آن کلمات نیت لا اله الا الله
 الْعَلِیُّ الْعَظِیْمُ لا اله الا الله الْحَکِیْمُ الْکَرِیْمُ سُبْحَانَ اللَّهِ

یکی باین چاکر و یکا کشته و اگر باشد این سلام در کافیت **صلوات**
 در شاره بر سر صفات و اعمال نادم و کربیه و آب نعل آن را برکت
 عادت صلوات علیهم جمیع و ریت که برین جامها و بریت ترین جامها
 برای مومنان لباس تقوی و پیر میر کایت از هر چه خدای تعالی هرام کرده
 و از کرده و هشتمه لباس طهری نیست که هست فرموده عورت
 بدن و عضا و عیوب بقیع آن بان پوشیده شود و دستور کرده و توبه
 که هست که حسان فرموده که باین دساده خلق و هوسای قاف
 و از روی باطل باین پنهان کرده و مخفی نماند پس چون عورت و عیوب
 از خلق پوشیده داری و پیش کسی اظهار آن نیازی شرم دارای که امر
 و توبه باین راه پیش خدای جلوه دهی از آن پس از نرم داری و توبه
 از آنجه مستلح گویند که بدن در آنجا از نقل نجاسات پاک باید و از
 که و رت که شافت اسیر است ناید پس بوی چون پند که لطیف ترین
 نعمتای دنیا و لذت ترین لذتها باین باین زودی چنانچه میشود
 باید عورت کبر و از آن دست را جمع کردن آنجا و از دو دل از تن
 آن نافرمان سازد بجهت خاطر مشغول عبادت خدای شود و توبه

باقی نماید چه حالت است که ستم از نجاست دنیا خانی نمی وید ترا اگر آنی آن
 راحت دهی دل را از وسوسه آن بیز سازی و از توشیش اندیشه آن
 نیز داری و خدای تعالی ابرار بطور کرده اند تا فضیلت نجاست آن
 بشویند و از که و رت احداث و کثافت تیره یابی و جدول توبه و
 جاری سازی نجاست و توبه و سیئات باین نظیر دهی و از شست
 آتش و خلیات و از هیچ چیز نیندیشی که از آنجا است ظاهر کنی و رت
 و در و در وضو نشوئی قابل آن نباشی که روی بدن عیوب کردی و با
 ظاهر و فعل مجده شوی و بر جای ده نشینی و باز بآن دهان تسبیح و مناجات
 نانی پس از آن نجاست باطن نموده و خاطر ارضت بخت بخت
 و شرم داده و ریت را برای خدای تعالی بگردانیده چگونه لایق
 آن باشی که روی دل سوی خدای تعالی و با طریقت کرم تیر نانی
 و در حضرت عزت حدیث اسرار است از آنکه و از آنکه شافت
 آنرا طعم حلاوت و لذت از کرم بوی و از آنکه و از آنکه حلاوت
 از نجاست عیسان و نجافت خنده دل را از نجافت شیطان و خفت
 دنیا بفرغ و خوشه و انبساط و خضوع طهارت ندی و چون توبه بگردان

و برپای ایستای روی از چرخ چرخه که دانی و روی دل از دوشه دنیا که دانی
 و پستان روی موقت عرض اعمال بودی گشتن خفایت از راه یاد کنی چون
 ازان نماز شب نوئی از غمائی روزی قیمت یاد آور چون روی بید کنی
 روی دل از هر چه غیر حیات باز آور چون برپای ایستای از روی محال
 و خصوص بایت و هر چه غیر ضلالت چنان پذیرا گشت در خدمت خدا
 ایستاده و با حضرت او در محکم و دانست که هر طاهر و باطنی اندوخت
 که هر چه باطنی که از آن تواند و پادشایت که استیلا برین روی و محبت
 او در نهایت و هر دو جهان از بخار غرائز است و نظره در خدمت
 چنان بایت که ضعیف ترین بنده در خدمت عظیم ترین پادشاهی که گشت
 بخار و غبار و دگر دلش بود و یکدگر که در او دل و خواب او که درین
 بر خیزد که این از جمله صفات ناقص است و باریش و دست بازی که گشتن
 در میان یکدگر میار که این همه از نماز ناقص است و دست بازی که گشتن
 که این عمل شیوه و محاسن و خیزه و باده و محاسن که از جمله اعمال
 شیفت است و اگر کسی در نماز گشت بشکند بعضی از نمازها باشد و چون
 یکدگر که بزرگی و عظمت خدا را یاد آور و هر چه غیر اوست و درین روزی

نه چندان متعارف اگر دول بکوی داری و دیگر بر اثر کثرت ساری نداری
 گوید ای دروغ گو ای فریبی زبان تشاکر میگوئی و دل بکوی میدی
 بخت بصال خود کم را شیرینی دگر خود محروم کنم و از تو بکوی جاب خود
 دور و از لذت مناجات بی نصیب میجوگردم و در غار خسته را بزی
 ران بینداز و انگشتانم چسپیده باشد و سر درون کمرز است بکوی بطنی
 میں پخری کیکه گنج زبان دستار آینه سپیاند تا بستان نفس شود
 ذبیحی بستان نماید و در شاهی غار آینه ای دران میکنی که کس را بی غم
 نداری و غار دفع آن کند خدای تعالی او را به وقت محنت محقق بدان کرم
 فرماید یا دارا بر ابرام بگذار که بشنویس باشد و بضرورت چیزی بر دوش
 کو نقصان نازد و نظر در مضححه خود بر مدارد با طرف تعانت نمی کند کس را
 با طرف نگاه کند خدای تعالی گوید ای بنده من کی گاه میکنی و کرامت طلبی یا
 خدائی غیث من بخانه ای جوای می سویی منم اگر من منم چه جوای
 و منم تیرین منم که آتذر تو را به هم ترا که چکلی حق دران نازد روی بجای
 می کنی که من روی با تو دارم و دعا کنی روی با تو دارند پس اگر روی
 و متوجه نازد کند یا بگوید که بود و زایل شود و اگر با بر اوقات بطرف نماید

خداي تعالی همان مکالمه فرماید و چون آنچه در مرتبه و مرتبه چیدم خدای را
 بگردانده و مکالمه کرد و بگردانده و فرماید که ای بنده من و اگر چه شوم ترا با آنچه
 میخوانی رویت و بگردانده که در مرتبه سوم خدای تعالی رو بگردانده و این
 مرکز را و نظر کند نموده باشد که در نماز دل از خدای در خفا
 نماز بخاطر میار که در وقت نماز با تکرار هر مرتبه از قیام پس هر کس در وقت
 نماز گزارد و بداند که چو بگوید میان او و خدا هیچ مانده نمائید که نماز
 شود و هر قدر نماز که دل آن باشد حساب شود و هر چه از آن فعل باشد
 بر دم چند در روی چشمش ننهد و در هر یک چشم را پیش یا نظر در آن
 هر دو پای بار و در از کردن کردن غنیش است که کردن از بندگی خدای
 گنشم و مرا از غت از هیچ اگر چه که درم زند و هیچ بنده که در کجاست
 کند که مرا ایستد خدای تعالی او را بنورهای خویش عزیز کند و بدهد و بگوید
 که ای خدای خود پایش اوده و خلعت اصفا بر او پوشانیده و در کوع است
 و اطلاق و سجود و قربت غت کیست که او بفرمان کند ایتلیت و بنده شد
 باشد و سر سجده کند شستن و شستن نیست که خدایا اهل من همین خاک است
 که هر کس را بگردانده و چون سر بردارد یعنی در این حال آفریده و در این

الحمد

بر دستش و چون سجده و دم کند یعنی بر دیگر بر این و با جان گنجان
 و چون سر بردارد یعنی مرتبه دیگر از آنده سازد رویت که و است که
 زبان کرد و کسی که سجده بجهت کبریا که اگر چه در تمام عمر بکند باشد
 و سر و خود کسی که حق آن خلیل نموده باشد و مانند فرشته کائنات
 از مرتبه ساجدان باشد اخلاص نموده سر گزارد و در نشود کسی که در
 بجای دست زده و بر دارد و خود را یکبارگی کند بسیار و در هر کجا
 نزدیک کند و کسی که در حق سجده و ضایع کند در احوال دل بغیر خدا و
 عارفی که در کوع و دعوی بندگیست و در سجده بعد از آن دوشا بدین
 و چون قوت بخوانی او بآن رعایت نمائی و بداند که چو بگوید و با که
 در کشتن می باشد و هر چه بر زبان رانی بر سینه هر چه در دل کند زانی پس
 یکسان حیات کن و آنچه می طلبی خیر و بخت باشد و زمان در دلهای غیر
 خدا نباشد که دعای دل فاعل آن مستجاب کند و چون تسبیح خوانی هرگز
 یکا نمی و پادشاهی خدا کنی و هر وقت ربانست و نبوت پیغمبر خوانی و عید
 بندگی و طاعت خود بجهت سازد و چون صلوات بر پیغمبر خوانی و شستی
 ایشان را تسبیح خویش که دانی پس چنانکه بر زبان قرار بکنی دل اینها را آن

موفق دارد و از این سبب که فی نفس خود را نماند فرموده که این بخت بختیست بر
 نماید و در مقام دیگر که میگوید که شقی است بر نفس انسان تا از آداب
 و اسرار آن **مردیت حضرت امام حسن بن علی** که در آنجا خود
 از حضرت پیشتر که در نزد چنان بنده مومن توبه مصداقی خود شود تا نماز
 که از خدای تعالی بگوید ای ملک که بر پند این بنده مرا که از من خدای تعالی بدید
 و امید رحمت و شفقت تری روی نیازی نمی آرد که او باشد که او را رحمت
 و کرمش خویش مخصوص کرد و نام و چون است بر دار و دانست که بگوید ای
 که بر پند چنان ترا و بر آری می نماید از نسبت شرک و شپه و نظیر این
 چنانکه اعدای می نسبت می کنند و در از ان بزرگی و منزله می آرد که او باشد
 که او را از آن بزرگانی یکسانم و در محکمت بزرگی خود بزرگ کرد و نام
 و از خدا به چشم بخت دهم و چون حمد و سوره و دیگر بخواند فرماید بنده
 بنده مرا که چون از قیامت کلام من لذت می یابد که او باشد که
 روز قیامت با او بگویم که بخوان در بخت کلام مرا و بالا را و در بخت
 جان پس بعد در هر فری که خواند در جوار فضل و نعمة و در جوار ثلوث
 و در جوار کرم و در جوار بزرگی و در جوار از سر و سر و در جوار از سر

ربا لغزته با لار و در و چون سر از رکوع بر دارد فرماید به پند چنان بر خدای
 من ترغیب میکند چنانکه برای من تواضع می نماید و در من است
 که او باشد که عاقبتش را نصیب می دهد که او نام و در بخت خویش را و عطا
 فرماید و چون سجده نماید فرماید به پند که چون تواضع میکند و میگوید که
 در دنیا کین و جلیل اما چون حق و عظمت تو بر من ظاهر شود حقیر و ذلیل
 که او باشد که با حق بنده نام و باطن با او دفع کرد و نام و چون از سجده
 اول بر دارد فرماید به پند چنان میگوید که چنانکه در پیش عظمت تو تواضع
 نمودم و در حضرت خدوت تو برای بندگی و طاعت بخت و ذلت را
 شتم و در مقام خوار و غبار حق از تنهای این حدیث افتاده و کویا این
 منقول باشد که او را غرض از ذکر نام و در بخت خویش اخلاقی هم و چون
 سجده دوم کند فرماید به پند بنده مرا چون تواضع من نمود که او باشد
 که رحمت خود را بر او افاده فرماید و چون برای کثرت دوم از جای برخیزد
 فرماید ای ملک که به پند چنان بر خات نماز او را از ذلت بر دارم و در بخت
 بند کرد و نام و در رکعتی که گرازد خدای تعالی بپایان فرماید آنکه به شرمند
 بنده خدای تعالی فرماید ای ملک که بنده من خدمت و عبادت را بپایان

وَجَاءَ رَجُلًا عَلَى غَيْرِ مَنَاقِبِكَ مَشْهُورَةً وَأَمْسَأَ نَافِي خَاصِلَةٍ
مَشْهُورَةً وَجَاءَ بِهَا لَدَيْكَ مَسْعُودَةً وَأَذْرَأَ قَانِصًا تَلِيكَ
مَذْهُورَةً أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَعَدَدُ فَارِجٍ مِنَ الْوَالِدِ
وَسَعِيدٍ نَاجِيكَ وَرَجُلٍ مِّنْ نَّادِيكَ وَظَمَرٍ مِّنْ رَّجَائِكَ وَغَمٍّ
مِّنْ مَّصْدَقِكَ وَرَجُلٍ مِّنْ فَاجِرِكَ وَكُلٌّ مِّنْ بَهَائِزِ مَنَاقِبِكَ يَأْتُونَ
لَا يَسْأَلُونَكَ سَمْعًا عَنْ سَمْعٍ يَأْمَنُونَ لَا يَغْرِطُهُ السَّائِلُونَ يَأْمَنُونَ
لَا يَسْأَلُونَكَ الْفَلَاحَ الْيَقِينِ أَدِيقَ بَرِّ عَقُوبِكَ وَجَلَاوَةَ وَجْهِكَ
مَنْ يَنْشُرُكَ مِنْ مَرِيدِهِ وَتُؤَدُّ وَكَرْبِهِ دَسْتَرُهُ أَمَانٌ وَظَرُّهُ بَارِدٌ
رَحْمَتُهُ يَنْبَغِي وَدِيكَ يَأْمَنُ بِأَشَدِّ وَكُلٌّ مِّنْ بَهَائِزِ مَنَاقِبِكَ يَأْتُونَ
وَمَا لِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَذَارِي وَكُلُّ مَا هُوَ مَعِي بِالْإِلَهِ الْخَلِيقِ
الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَلِدُ وَلَا يُولَدُ وَلَا يَكُنْ لَهُ كُفْلٌ أَمَدٌ
وَأَجِيرُ نَفْسِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَكُلُّ مَا هُوَ مَعِي بِرَبِّ الْعَالَمِينَ مِنْ
شَيْءٍ مَّا خَلَقَ أَأَفْزُورُهُ وَبَرِّتَاسُ أَفْزُورُهُ وَبَرِّتَاسُ الَّذِي
لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَيْثُ أَفْزُورُهُ أَفْزُورُهُ وَهَاجِرُ لَدُنْكَ لَدُنْكَ
كَرْمٌ فِيهِ زِينَةٌ مَنَاقِبُهُ يَأْتِيكَ وَصَيْبٌ بِالْهَوَا وَكُلُّ قَانِصٍ وَكُلُّ

17

[illegible]

53

وہی ہے جو کہ

۸۳
 لا اله الا الله والله اكبر رخصت فرقی شدن خراب ماندن
 دوزخ و دوزخ نوران درنده و مردن بوجی بد و ناخوش و بی کمال
 روز نازل شود این باشد و دیت که مسا در این شجاعت را بعد از
 نماز که قصر میکند می برده بخانه نمازش آن تمام میشود و هر که بعد از نماز
 صبح و شام پیش آنکه حرف زند و بار از وضعی که نشسته تعیین و حد
 بگوید بسم الله الرحمن الرحيم لا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم صد نوح بخواند و دفع شود که سحرترین آن بر من و خدا شریف
 و جبار سلطان باشد و اگر گفت در تب بگوید فوقه یا ارو دفع شود که
 سحرترین آن خون و جگر و بر من باشد و اگر شفی باشد از دیوان شقی محکوم
 و در روزه سعادت شود و اگر بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید بسم اعظم
 نزدیکتر باشد از سیاهی چشم بعلی شمس اعظم و آن و حل باشد و اگر بعد از
 نماز صبح و شام پیش آنکه حرف زند بگوید یا اکبر یا الله و صلوات
کثرت بگویند على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه
وسلموا سليما اللهم صل على محمد و آل محمد و در وقت صبح یا در وقت
 روز و روزه و در دنیا و آخرت اگر بعد از نماز صبح و شام بگوید اللهم

اصلاح

استكبر بحسب مقامه و الى محمد صل على محمد و آل محمد و اجعل
الله في بصري و البصيرة في ديني و البعير و قاطع الاغلا
في عمل و النعمة في رزقي و انك لامة في نفسي و انك
لك ابدنا ما ابقيتني از روز و شب هر کس این باشد و در دنیا و آخرت برای
 جمع شود و اگر بعد از نماز صبح و ظهر بگوید اللهم اجعل صلواتك و
صلواتك و ملائكتك و رسلك على محمد و آل محمد و اجعل
 از دنیا زود و بخت حضرت حاجات را برسد و اگر بعد از نماز صبح
 پیش آنکه بگوید بسم الله و صل على محمد و آل محمد
 صدای قالی روی و راز از پیش آتش و دفع نگاه دارد و اگر بعد از
 نماز صبح و در تب بگوید سبحان الله العظيم و بحمد الاحول
قوة الا بالله العظيم از کوری و دیوانگی و خشم و پریشانی و
 پیری بکشد و اگر بعد از نماز صبح یا در وقت حاجتی بخواند
 برآورده شود و صدای قالی که نیت برایش فرماید بسم الله و
يا الله و صل الله على محمد و آل محمد و افوض امری الى الله ان الله
بصير العباد و قوته الله سيئات ما كنو و الا اله الا انت

ثبت نماید و صد هزار سینه جو نماید و صد هزار درجه بکند که دانه و صد هزار سال
 بر آرد و بعد هر کسی در آن سینه باشد و اعمالش در آن روز مقبول گردد و چون
 روز قیامت بیاید آن مرد و پیش تو بر آید و چون از آن روز قیامت
 آن فارغ شوند منت تو که هست بعد از آن که در آن روز بماند تو شود
 و موجب رضای خدا باشد و ملائکه را از آن خوش آید و خدای تعالی بجا بآورد
 او و ملائکه را و او را و گوید بر پند بند مرا عبادت من بجا آورده
 و اکنون بعد میکند مرا بگذارد اینک تو قیامت داد و دهم بر خدای تعالی
 باشد ملائکه گویند خدای رحمت تو فرماید و دیگر چه گویند بخت فرمایند
 گویند که خدای تعالی من چنین خدای تعالی سوال کند و ملائکه هر یک بگوید که
 پنج چندی نماند که ملائکه گفته شود باز سوال فرماید گویند خدای تعالی این
 علم ما ده که بر خدای تعالی فرمایند که اینک ملائکه را و دشمنی میکند
 و بعضی از ایشان روی او کنم و جمال خود با و نایم و نیز مریت که خدای تعالی
 بخت تو می خدای تعالی و عذر اندام و می فرمود و گفت میدانی چه سبب ترا
 بمنجات و کلام خود را بنمایانم و گفت خدای تعالی اینم فرمود و بعد از آن را
 بخش کردم و امتحان فرمودم بیکس از صغیر و بزرگ از تو یافتیم زیرا که

نار از برای هر دو روی خود بر جان می نهد و بعد از آن که هر دو
 رسیده و شکم ممتلئ رزق باشد و در سجده اول صد مرتبه بگوید اللهم انی
 و هر دو مرتبه بگوید بحسبک اللهم بحسبک و چون صد مرتبه تمام شود بگوید یا اکتف
 اللهم لا یقطع انی و لا یخیر و غیره و یا اکتف و یا اکتف و یا اکتف
 اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف
 انی اکتف و لا یخیر و لا یخیر و لا یخیر و لا یخیر و لا یخیر و لا یخیر و لا یخیر و لا یخیر
 الحسان منک الی فی حال الحسنة یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف
 و یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف
 و چون روی رات بر روی خود بگوید اللهم لا تسلی ما انعمت به
 علی من و لا یخیر و لا یخیر و لا یخیر و لا یخیر و لا یخیر و لا یخیر و لا یخیر و لا یخیر
 بر روی گذارد و چون بگوید یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف
 طریقه دیگر اینکه در سجده اول بگوید یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف
 علیه و آله الا انک تسلی ما انعمت به و یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف
 و چون روی رات بر روی گذارد و بگوید یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف یا اکتف

وَلَعَلَّ لِيَا الْقَبِيحَ يُطِيقَ تَجْلِيهِمْ وَمَرَحَ قَطْعَ الدَّلِيلِ الْمُظْلِمِ
 بِغِيَاهِدِ تَجْلِيهِمْ وَأَتَقَرُّ صُنْعَ الْعَدْلِ الْقَوِيمِ فِي مَعَادِ بَرٍّ وَنَجِيهِ
 وَتَفْتَحُ خِيَاةَ الشَّمْسِ بَوْرًا تَجْمَعُ يَامِنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِأَنَّهُ
 وَتَرَاهُ عَنْ مَجَانِسَةِ عَدْلِهِ يَوْمَ تَجْلِي عَنْ مَلَأَمَةٍ كَيْفِيَّتِهِ بِأَنَّهُ
 وَتَرَى مِنْ خَطَائِلِ الظُّلُومِ وَتَعْدُ عَنْ مَلَأَمَةِ الْعُيُونِ وَعِلْمِ
 بِمَا كَانَ وَقِيلَ أَنْ يَكُونَ يَامِنْ أَوْ قَدْ بَرَّ وَمِنْ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ
 وَأَيْتَقِنُ إِلَى مَا تَعْدِيهِ مِنْ مَنِيَّةٍ وَخِيَانَةٍ وَكَلَّمَكَ اللَّهُ الْخَوَفِ
 عَنِ يَدَيْهِ وَمَا ظَنَّا بِصَلِّ اللَّهُ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي الدَّلِيلِ الْأَلَمِ
 نَيْلٍ وَتَمْتَلِكُ مِنْ سَائِبِيكَ بِجَبَلِ الشَّرَفِ الْأَعْلَى وَالْقَابِضِ
 لِقَسْبِ فِي رَوْحِ الْكَامِلِ الْأَقْبَلِ وَالنَّائِبِ الْقَدَرِ عَلَى رَحْمَةٍ
 بِعَيْنَاهُ وَالْقَوِي الْأَقْلَمِ عَلَى أَلْوِ الْأَخْيَارِ الْمُضْطَعِقِينَ الْأَكْرَادِ
 وَأَفْتَحَ اللَّهُ لِيَا أَرْبَعَ الصُّلُوحِ بِمَغَاتِيحِ الْقَمَرِ وَالْقَلَامِ
 أَلْسِنَةً وَأَفْضَلَ خَلِيعِ الْهَدَايَةِ وَالْأَضْلَاحِ وَأَغْرَبَ اللَّهُ لِقَبْلِكَ
 فِي غَرَبِ جَانِبِ سَائِبِ النَّسَبِ وَأَجْمَعُ بَيْنَكَ مِنْ أَمَانٍ رَقْدَ الدُّنْيَا
 وَأَكْمَرُ نَفْسَ الْفَرَقِ مِنْ بَرَاءَةِ الْقَتْلِ الْخَوِيَّ لَمْ تَنْدِ بِخِيَاةِ الْوَحْيِ

وَالْمَسَاكِينِ

لَنَا
 اللَّهُمَّ
 اللَّهُمَّ
 اللَّهُمَّ

مِنْ

مِنْكَ بِحَبْلِ الْوَقْفِ وَمَعَانِكَ إِلَيْكَ بِإِلَيْكَ لَوْ صَحَّ الْقَرِيبُ وَالْأَقْرَبُ
 أَسْلَمْتُ بِأَنَّا نَأْتِيكَ لِقَائِي الْأَمَلِ وَالْمُنَى مِنَ الْمُفْعِلِ عَمَلِي
 مِنْ كِبَرَاتِ الْهَوَى وَإِنْ خَذَلَنِي قَصْرُكَ عَنْدَ خَارِبِ الْقَبْرِ
 وَالْإِطْلَاقِ فَقَدْ وَكَلْتَنِي خَيْرًا لَأَنَّكَ إِلَى حَيْثُ الصَّبِّ وَالْإِطْلَاقِ
 الْخَيْرَ أَتَى بِأَنَّا نَأْتِيكَ الْأَمِنْ حَيْثُ الْأَمَالِ أَمْ عَلِمْتَ بِأَسْبَابِ
 جِنَايَةِ أَنَا مِلَّ وَلَا بِي الْأَحِبِّ بَاعَدْتَنِي دُونَ عَرَفِ الرَّبِّ
 حَالٍ فَيَسِّرَ لِمَطِيئَةِ الْوَقْفِ أَمْ طُنَّتْ قَسَمٌ مِنْ مَنَاهَا قَوْلَهَا
 لَهَا لِمَا سَوَّيْتُ لَهَا ظَنُّهَا وَمَنَاهَا وَمَنَاهَا وَمَنَاهَا لِمَا سَوَّيْتُ
 عَلَى مَنِيَّةِهَا وَمَنَاهَا لِمَا سَوَّيْتُ بَابَ قَسَمِكَ بِسَيِّدِهَا
 وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ لِأَحِبِّائِي مِنْ قَطْرِ أَهْلِي وَعَلِمْتُ بِأَطْرَافِ
 جِنَايَةِ أَنَا مِلَّ وَلَا بِي فَاصْخِرْ اللَّهُ عَفَاكَ مِنْ دَلِيلِي
 خَطَايَايَ وَأَقْبَلْنِي اللَّهُ عَفَاكَ مِنْ مَرُوحَةِ دَلِيلِي فَإِنَّكَ
 سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَمُغْتَلِبِي وَمُغْتَلِبِي
 وَأَنْتَ عَالِمُ مَنَاسِكِ الْهَوَى كَيْفَ نَظَرْتُ مَكِيدَتَكَ إِلَيْكَ مِنَ الْمَنَاسِكِ
 هَارِبًا أَمْ كَيْفَ سَخِبَ مِنْ سَيِّدِي أَفْصَلُ الْخَبَائِكَ سَاعِدَا

أَرَأَيْتَ شَرُّهُمَا نَارًا وَدَرًا إِلَى جِوَارِكِ شَارِبًا كَلًّا وَصَلًا
مُتْرَعَةً وَفَضْلُكَ الْحَوْلُ وَبَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَالْعَوْدِ
وَأَنْتَ غَايَةُ السُّؤْلِ وَنَهَايَةُ الْمَأْمُولِ الْهَجْرُ مِنْهَا رَاقِبَةٌ
تَنْبَسُّ عَنْهَا بِعِزَالٍ تَسْتَبْكُ وَهِيَ أَعْيَانُ دُوبِ وَأُجْمَا
بَهْتِكُ وَهِيَ الْأُمُورُ الْمُضْلِلَةُ وَكَلِمَةُ الْإِنْبَاءِ الْبُطْلُ
وَرَحْمَتِكَ قَابِلُ الْأَنْفِ صَبَاحُ هَذَا نَارًا عَلَى بَصَائِرِ
الْهَدْيِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَالْدُنْيَا وَمَا فِي جَنَّةٍ مِنْ كَرَمٍ
الْعَدَى وَوَقَايَةٍ مِنْ مَرَدِّ بَابِ الْهَوَى إِنَّكَ فَادِرٌ عَلَى كَلِمَةٍ
قَابِلَةٍ لِلْإِجَابَةِ جَدِّ الْأَلَمِ مَا لَكَ الْمَلِكُ وَفِي ذَلِكَ مِنْ تَشَاءُ
وَمِنْ بَيْعِ الْمَلِكِ مَوْتًا وَفِي ذَلِكَ مِنْ تَشَاءُ وَفِي ذَلِكَ مِنْ تَشَاءُ
يَبْدُكَ الْغَيْرَ فَإِنَّكَ عَلَى كَلِمَةٍ قَدِ رَوَّحَ اللَّيْلُ فِي الْهَرَاوِجِ
الْمُتَارَةِ فِي اللَّيْلِ وَفُجَّحَ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَفُجَّحَ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ
وَدَرْتُ مِنْ تَشَاءُ يُعْرِضُ بَابُ الْهَيِّ مِنْ دَايِعَةٍ قَدَرَا
قَلَامًا فَإِنَّكَ وَمَنْ دَايِعُهُ مَا أَنْتَ فَلَا تَحْمِلُكَ الْكُفْرُ نَقِيَّةً
الْيَوْمَ وَقَلْبُهُ هَتَكَ الْفَلَقُ وَأَزَتْ بِكَ مَكَّ دَايِعُ الْغَيْبِ

۱۸۸۷

من ضم الصاد

[illegible]

۱۸۸۸

تَقُولُ يَا إِلَهِكَ وَتَقُولُ يَا رَبَّكَ وَمَا رَعَيْتَ أَمَّا لِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ
 وَأَتَابِهِمْ مِنَ الْخَائِطِينَ بِرُؤُوسِهِمْ وَأَعْيَادِهِمْ أَسْرُوحًا عَلَى
 أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْطُرُوا مِنْ حِمْلِهِمْ إِنْ أَلَّاهُ تَعَفُّوا لَكُمْ وَجَمِيعًا
 إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَخَذَرْتُ الْفَاسِقِينَ مِنْ قَوْلِكَ
 قُلْتُ وَمَنْ يَنْقُضُ مِنْ بَعْدِي رِيحَهُ إِلَّا الضَّالُّونَ ثُمَّ قَدِّمْنَا
 بِحَبْلِكَ إِلَى دَعَائِكَ فَقُلْتُ أَدْعُوكَ أَنْتَ بَلَّغْتَ
 نَيْتِي وَمَنْ عَمِلَ بِهِ سَيَخْلُوقُ حَبْلَهُ وَالْخَيْرُ لِقَدَمِكَ
 ذَلِكَ الْيَوْمَ لِي مَسْجِدًا وَالْقُرْآنُ مِنْ حَيْثُ كَانَ فِي الْحَقِّ الْخَيْرُ
 وَخَدَرْتُ الْخَيْرَ وَظَنَنْتُكَ قَرِيبًا وَأَعْدَدْتُ الْمَسْبُوحَةَ لَكَ
 عِثَابًا أَلَّامًا وَقَدْ سَبَّلْتُ مَعَ حُسْنِ الظَّنِّ بِكَ فِي عَمَلِي
 مِنْ ثَائِرٍ وَفَعَلْتُ لَكَ وَأَقَالَ لِعَمَلِي وَقُلْتُ وَمَا لَكَ الْحَقُّ
 الَّذِي لَا تَخْلُقُ لَهُ وَلَا تَبْدِيلُ يَوْمَ تَدْعُو كُلَّ نَاسٍ بِأَسْمَائِهِمْ
 ذَلِكَ يَوْمَ الْقُودِ إِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ وَتُعْرَضُ الْقُودُ أَلَّامًا
 إِنْ أَوْفَى وَتُعْصَى وَتُعْرَفُ وَلَا تَحْجَدُ وَتُرَوِّقُ وَتُطْلَقُ
 وَتُطِينُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَدَلُكَ لَا شَرَّ بِأَنَّكَ

وَأَنْتَ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَإِنْ عَلَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَبَدَلُكَ
 وَوَارِثُكَ عَلِيمُ الْقَبِيلَةِ وَقَاتِلُ الْمُشْرِكِينَ وَآمِنُ الْمُتَّقِينَ وَمُجَاهِدُ
 الشَّاكِكِينَ وَالْفَاسِقِينَ وَالْمَارِقِينَ أَمَامِي وَخَيْرُ عَمَلِي وَرَبِّي
 صَلَاحِي وَدَلِيلِي وَخَيْرُ وَفْقِي لَا أَقُولُ بِالْأَعْمَالِ وَإِنْ كُنْتُ لَا
 أَلْهِيَ سِوَاكَ فِي وَاقٍ صَلَّيْتُ إِلَيْكَ يَا إِلَهِكَ يَا إِلَهِي يَا إِلَهِي
 بِفَضْلِكَ وَالْقُبُولِ مِنْ حَمَلَتِنَا وَالسَّلَامِ لِرُؤُوسِنَا أَلَّامًا وَفِي
 بَارِعِيَانِهِ مِنْ بَنَائِهِ أَمَّةً وَمُجَاهِدَةً وَرُجَاءً وَأَعْلَامًا
 وَمَنَازِلًا وَسَادَةً وَأَنْبَاءً وَأَوْفَى مِنْ بَرِيحِهِمْ وَهَيْبَتِهِمْ
 وَبَاطِنِهِمْ وَخَيْرِهِمْ وَمُسْتَعِيمٍ وَشَاهِدِهِمْ وَمَنَازِلِهِمْ لَا تَنْتَكُ فِي ذَلِكَ
 وَلَا زِيَابَ وَلَا تَحُولَ عَنْهُ وَلَا انْقِلَابَ أَلَّامًا فَادْعُوهُ
 حَسْرَةً وَحِينَ تَشْرِي بِأَسْمَائِهِمْ وَتَحْسُرُ فِي رُؤُوسِهِمْ وَكُنْتُمْ
 فِي أَصْحَابِهِمْ وَاجْعَلُوا مِنْ أَعْمَالِهِمْ وَأَنْفَعِي بِهِمْ مِنْ جَرَانِ
 لَدُنْكَ وَفَوْزِ دُوحِ الْخِيَانِ فَإِنَّكَ إِنْ تَعْتَقِبَنِي مِنْ ثَائِرٍ كُنْتُ مِنَ
 الْفَاسِقِينَ أَلَّامًا وَقَدْ أَصْبَحْتُ فِي رُؤُوسِي فَمَا لَا نَفْعَ لَكَ وَلَا رَجَاءَ
 وَلَا مَنَافِعَ وَلَا مَخْلُوعًا وَلَا مُتَوَجِّعًا مِنْ تَوَلَّكَ مِنْ إِلَهِكَ وَهَمَّ رُؤُوسَكَ

وَاللهُ عَلَى امْرِ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدٌ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ سَيِّدَةُ
النِّسَاءِ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيٌّ وَ مُحَمَّدٌ وَجَعَلَهُمُ مَوْعِدًا وَعَلَى
وَمُحَمَّدٌ عَلَى الْحَسَنِ وَهُمَا الْمُحْتَمَدَانِ مِنْ بَعْدِهِمُ الْخَلْفَةُ الْمَشْرُوعَةُ
مِنْ وَلَدِهِمُ وَالْمَرْجُو لِأَمْنِهِمْ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ
فَاَجْعَلْهُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَمَا بَعْدَهُ حَضِيَّةً مِنَ الْمَكَارِهِ وَمَقِيلًا
مِنَ الْخَوَافِ وَجَعَلْهُمْ مِنْ كُلِّ عَذَابٍ مُطَاعٍ وَقَاسِقٍ بَاحٍ
وَمِنْ شَرِّ مَا عَرِفَ وَمَا أَنْكَرَ وَمَا اسْتَرْعَى وَمَا أَنْصَرَفَ
مَا أَنْكَرَ وَمَا اسْتَرْعَى وَمَا أَنْصَرَفَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَاسٍ
أَنْتَ رَبُّنَا خُذْ بِنَاصِيَتِنَا إِنَّ رَبَّنَا عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُتَعَدٍّ اللَّهُمَّ
فَيَسِّرْ لَنَا حَيْثُ نَحْبُوهَا لَكَ وَتَقَرُّ بِحَبِيبِهِمْ وَتُحْضِرُهُمْ بِأَمْرٍ مَتِينٍ فَتُخْرِجَ
عَلَيْهِمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَبْوَابَ رِزْقِكَ وَتَنْشُرَ عَنْهُمْ رَحْمَتَكَ
وَتُغْفِرَ لَكَ وَحَبِيبِي إِلَى خَلْقِكَ وَحَبِيبِي عَدَانَتِهِمْ وَبَعْضُهُمْ
إِلَيْكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ وَكُلُّ شَيْءٍ قَرِيبٌ وَإِكْلَافٌ مُتَعَدٍّ
حَقٌّ قَسَمُكَ بِمَنْ جَعَلْتَهُمُ إِلَيْكَ سَبِيحًا وَنَهْيًا أَمَّا صَلَاتِي
أَنْ تُعَفِّقَ بَرَكَةَ يَوْمِي هَذَا وَتُعَفِّقَ هَذَا يَوْمِي هَذَا اللَّهُمَّ

مَعْرُوفٌ

تُعَفِّقَ يَوْمِي هَذَا وَتُعَفِّقَ هَذَا يَوْمِي هَذَا اللَّهُمَّ
يَقْطَعُ وَتَقْطَعُ قَائِمِي وَعَسْرِي وَبُكَرِي وَعَمَلِي وَبُكَرِي
عَبَاحِي وَنَسَائِي وَمَقْلَبِي وَمَوَاقِي اللَّهُمَّ فَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ ذَلِكَ
وَلَا تُخْلِفْنِي مِنْ نِعْمَتِكَ وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُؤَخِّرْ
مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تُفَتِّرْ بِإِعْلَانِ أَوْجَابِ الرِّزْقِ وَأَنْتَ دَائِمًا
لِكُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ فَتُخْرِجَ مِنْ دُونِ كُلِّ قَتْلٍ وَتُخْرِجَ
وَأَجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَيْرًا وَآلِي كُلِّ شَيْءٍ مَنجِيًّا وَرَحْمَةً
يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ لِي لَيْلًا وَنَهْيًا وَخَلْقًا
وَرَحْمَةً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَكُلُّ شَيْءٍ
بِرِسْمِكَ نَاشِئٌ كَمَا بِرِسْمِيَّانِ وَدُوسَانِ صَبْرًا مِنْ دَعَائِلِ
أَفْضَلِ حُرُوفٍ وَدَارُ دَاوُدَ وَكُلِّ حُرُوفٍ وَدَاوُدَ وَكُلِّ حُرُوفٍ وَدَاوُدَ
تَوَسَّلْ بِكُلِّ مَتِينٍ لَيْتَ وَتَسْكُنَ لِعَرَفَةَ وَتَقْبَلُ أَمْتًا ثَانًا رَمِيًّا وَتَسْكُنَ
وَسَادَاتٍ وَدَعَائِلَ عِبَادَتٍ وَكُلِّ حُرُوفٍ وَدَاوُدَ وَكُلِّ حُرُوفٍ وَدَاوُدَ
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَتُخْرِجَ مِنْ دُونِ كُلِّ قَتْلٍ وَتُخْرِجَ مِنْ دُونِ كُلِّ قَتْلٍ
وَأَكْرِشَ لِرُطُونِ رَحْمَتِكَ بِمِيرٍ دُرِّ زَمَانٍ خَدَامِي قَائِمِي لَذَّةً كَرَامَةً

95

تبریزی

[illegible]

۹۳
 استان میماند که آنکه بجان عرض سدهایان زین در کماند که
 بر این کلمات را بخواند و این اقبال مومن بسیار دارد و این فرست
 ثبت نماید که این کلمات فرست است و هر کس در صبح و عصر بخواند
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 فِي الْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَكِ الْأَعْلَى وَصَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَائِكَةِ اللَّهُمَّ أَهْطِ مُحَمَّدًا لَوْ سَبَّحَهُ
 وَالْعَصِيَّةُ وَالشَّقُّ وَالرَّفْعَةُ وَالْكَذِبَةُ الْكَبِيرَةُ اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّهِ أَنْ تَرْفَعَهُ فِي رُفْعَةٍ رَفِيعَةٍ
 وَأَنْ تَرْفَعَهُ فِي حُجَّتِهِ وَتَرْفَعَهُ عَلَى لَيْلَتِهِ وَتَرْفَعَهُ فِي مَاءِ حَوْضَةِ
 رَوْيَا نَمَا يَهْدِيهِ إِلَى الْأَعْلَى بَعْدَهُ أَتَدْرِي عَلَى كَيْفَةٍ هُوَ
 اللَّهُمَّ وَمَا أَسْأَلُكَ إِلَّا أَنْ تَرْفَعَهُ فِي رُفْعَةٍ رَفِيعَةٍ
 رُفْعَةٍ عَمَّا فِي حَقِّهِ كَيْفَهُ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَلَدِهِ
 هر که در روز و شب بخواند و در زمان قدرت باشد بسیار بر او
 متنازل شود و از او پیش آید و در پیش میسر گردد و در روز قیامت
 و از او باشد و از حق و جود حق و در پیش است و در پیش است

در میان قلوب و در میان خواندن این تسبیح لا اله الا الله و الحمد لله
 که که الملك و که الحمد لله و که الحمد لله و که الحمد لله
 بگوید آعوذ بالله السميع العليم من همل من الشياطين و آعوذ
 بالله ان يحضروني ان الله هو السميع العليم و اگر در پیش
 خدا کند چنانکه در زمانه خدا کند و در روز قیامت که در کس این تسبیح
 در مرتبه پیش از طلوع و غروب با قیامت بخواند که در پیش از طلوع و غروب
 پیش از طلوع و غروب با قیامت بخواند که در مرتبه پیش از طلوع و غروب
 و هر کس در صبح و شام مرتبه بخواند بخواند الله حین تسبیح و
 حین تسبیح و که الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله
 و حین تسبیح و که الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله
 شری با و نزد و هر کس در صبح و شام چهار مرتبه بخواند که الحمد لله و الحمد لله
 و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله
 که الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله
 که الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله و الحمد لله
 خبر آورد و دیگر می خواند و همین خبر آورد و در هر سه مرتبه بخواند

96

۱۰۰

مِنْ مَا يُؤْتِي أَصْلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْلَى الْأَمَمِ مِنْ شَرِّهَا
 أَتَيْتُ بِأَعْلَى عَجْرَتِ الْخَادِي عَمِّي بِبَيْعِ الشَّعْبِ وَالْأَرْضِ
 وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ سَكَاةً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ
 فَهْمًا فَيُصْرِفُونَ وَوَرَدَتْ شَامُ بِلَادِي أَمْسَتْ كَمَا بَدَأَتْ
 وَكَارَ الْيَمِينُ شَوْدُ أَسَاءِ اللَّهِ تَعَالَى وَارْضَعْتَ لَهَا حِفْظًا وَمِنْ بَيْنِ
 كَرَامَتِهِ وَبَيْنَ كُنْهَانِ أَعَارِجِ رُوحِ شَامٍ مَكْنَى الْكَمَالِ
 أَصْبَحْتَ نَسْفَةً فِي هَذَا الصَّبَاحِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ لِأَعْلَى
 رَحْمَتِكَ وَأَبْنَى أَلْيَالِكَ مِنْ أَهْلِ قَسَمِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَبْنَى
 أَلْيَالِكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الصَّبَاحِ مِنْ مَحْبُوبِينَ ظِلْمًا
 وَمِنْ مُشْرِكِينَ وَمِثْلًا وَأُتَيْدُونَ أَهْمًا كَأَنْ أَوْفَرْتَهُ
 فَأَيُّ عَيْتِكَ اللَّهُمَّ أَنْجَلْ مَا أَرْزَلْتَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ
 هَذَا الصَّبَاحِ وَفِي هَذَا الْيَوْمِ بَرَكَةً عَلَى أَوْلِيَائِكَ وَوَعْدًا بِمَا
 عَلَى عَدَائِكَ اللَّهُمَّ وَالْإِنِّي وَالْأَنْوَاعُ وَمِنْ عَادَاتِكَ اللَّهُمَّ
 لِي يَا لَأَمَنَ وَالْإِيَّانِ كُلُّهَا طَلَعَتْ شَمْسُ أَوْفَرِيَّتِكَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي
 وَمَا لِي وَأَوْفَرْتَهُمَا رَبِّي يَا صَغِيرَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مِنْ عَدَائِكَ

90

وَاللَّكَاذِ وَبِجَانِبِ بْنِ دَرَادِقْتٍ شَامٌ خَائِدَةٌ وَرَوَاهُ مَوْضِعُ جَانِبِ صَحْبَتِ
أُمِّتٍ وَجَانِبِ بَابِ الْيَوْمِ وَبَابِ جَانِبِ أُمِّتٍ شَامٌ أَوْفَتْ عَنْهَا أُمُّ
يَا قَبْلَ لَا تَقُولَ كَيْدٌ وَفِيهِ مَرْسُوعٌ وَشَامٌ كَوَيْدٌ لِقَوْلِهِ الَّذِي يَقُولُ
مَا يَأْتِيهِ وَلَا يَقُولُ مَا يَأْتِيهِ وَلَا يَقُولُ مَا يَأْتِيهِ وَلَا يَقُولُ مَا يَأْتِيهِ
الَّذِي كُنَّا نَحْبُو اللَّهَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا نَحْبُو أَهْلَهُ الْكَلَمُ أَفْخَلُ فِي
كُلِّ جَيْزٍ أَفْخَلْتُ فِيهِ مُحَمَّدًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ فِي كُلِّ مَوْضِعٍ
أَفْخَلْتُ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
وَحُضْرَتِ سَيِّدِ عَالَمِينَ أَقَابَ بِرَبِّهِ كَوَيْدٌ كَزُرْدَةٍ كَرِيخٍ بِكَاشِ
رَوَانِ شَدِيدٍ وَكَفَى أَمْسَى كُلِّ مُسْجِرٍ أَيْغُولُكَ وَأَمْسَى ذَوْبِي
مُسْجِرٌ أَيْغُولُكَ وَأَمْسَى فِي مُسْجِرٍ أَيْغُولُكَ وَأَمْسَى ذَوْبِي
مُسْجِرٌ أَيْغُولُكَ وَأَمْسَى فِي مُسْجِرٍ أَيْغُولُكَ وَأَمْسَى ذَوْبِي
مُسْجِرٌ أَيْغُولُكَ وَأَمْسَى فِي مُسْجِرٍ أَيْغُولُكَ وَأَمْسَى ذَوْبِي
وَحَمْدُكَ وَحَمْدُكَ كَرَامَتِكَ وَقُوَّتُكَ خَلْقِكَ مِنَ الْمَلِكِ وَالْإِن
يَا اللَّهُ يَا قَبْلَ يَا رَحْمَةً رَوَيْتَ كَرُورَتِ فَهَرَمَنَ بَيْنَ سَبْعِ
يَنْفَتَ نَافِئِ نَجْمٍ خَمْرُ خَدَايَ نَفْتٍ يَكُونُ جَنَّاتِ اللَّهِ وَلَا تَالِهَا

بَلِّغُوا إِلَهُيَ الْحَقَّ وَكَلِّمُوا مَنْ يَكُونُ لَهُ شَرٌّ فِي الْمَلِكِ وَكَ
 يَكُنْ لَهُ وَكَلِّمُوا مَنْ يَكُونُ لَهُ شَرٌّ فِي الْمَلِكِ وَكَ
 مَرُورِ الْبَلَدِ عَلَى الْقَوْمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكَ
 وسید روزگات و خدای تعالی در روز جزا حیات و مصافح کند
 و سیئات محو نماید و درجات بلند گرداند و دعوات حاجت فرماید و بیای
 رفع کند و حاجات عظیم برآورد و رحمت و فضل بپاشد که داند و کس
 درین روز دعا کند و طلب نماید و حال کس حق و صحت این روز باشد
 که اینک خدای تعالی لازم باشد که او را از پیش از او گرداند پس اگر در روز
 جعد یا شب آن ببرد شهید باشد و از خدا بجزایش و فرزندش باشد
 و هر قدر تواند درین روز طاعات و عبادات و سائر خیرات زیاده
 کند که توپ حیات و مصافح باشد و هر که حاجتی منافی و هیچ طاعتی یا
 که عقوبت سیئات و مصافح گردد و دویا باشد که مومن دعا کند و خدا
 تا خیر حاجات آن کند تا روز جعد و دیگر برای فضیلت و شرف آن روز و جعد
 نیز و فضل و شرف مثل روز شنبه و خدای تعالی هر شب جعد را اول
 طلوع صبح از بادهی خوش بپاشد و گوید ای بنده مومن که حاجتی را می

برای آخرت یا دنیا طلب نماید حاجت کند و اگر کسی که در روز شنبه دعا کند
 کند و اگر حاجت سنگ بود سوالی نماید زیاده فرماید و اگر چاره ای در کس
 باشد و هم و اگر محبوس منعم باشد حاجت بپاشد و اگر محبوس باشد
 استخاره نماید تا نصرت هم و در شب آخر هر شب و در شب جعد را اول
 طلوع صبح حکمی را فرستد از جانب جنابا نداند که گوید هر کس
 حاجتی باشد بخدا دعا کند و اگر کسی که در روز نماید بقول
 کرد و ای طالبان خیر متوجه خیر شوید و ای طالبان شر متوجه شر
 و چون صبح طلوع کند بمقام خود در حکوت سمار جوع نماید و توبه
 در روز جعد بجزایان اطفال میوه و تخمه ناز که در روز نیمی یک
 بنده باشد آوردن درین روز شنبه و خدای تعالی بپاشد و حاجتشان
 بآن زیاده کرد و هر کس استخاف بجزایان روز کند و حق آنرا اصلاح
 گرداند برضای لازم باشد که او را بجزایان روز کند و اگر درین
 روز یک پت شعر بخواند نصیب از فضل آن همان باشد و فضل آن
 شبانه روز جعد صلوة فرستاد و بر پنج پرتویش چون عصر پیش
 کند که آنرا همان روز شنبه و مو بر آب قند می ملا و لوحای نقره و کرب

شب که رشان می باشد که هر صلوته فرستد نویسد این دعا را در
روزهای دیگر نازل نشود و سنت است روز جمعه هزار مرتبه و سایر روزها
صد مرتبه صلوته فرستادن و هر کس هر شب جمعه سوره بنی اسرائیل بخواند
از عذاب حضرت نوح جان بران صلوات الله علیه که دو و هر کس شب جمعه یا
روز جمعه بعد از عصر سوره کهف بخواند تا مجده دیگر محفوظ باشد و اگر شب
جمعه بخواند در پیه شد یا به روز زمره شد انحرش شود و گناهان پاک
باشد از جمعه سابق تا این جمعه و هر کس هر شب جمعه یا هر شب عید طهر و
دفعه بگوید یا ائمه الفضل علی البریه یا الماسکین یا الماسکین
یا العطیة یا صاحب المواهر السینة صل علی محمد و آله
خیر الوری بحیة واعرف لنا یا ذا العلی فی هذه العشیة
هزار مرتبه بر او ثبت نماید و هزار مرتبه بخواند و هزار
هزار درجه بلند گرداند چون روز قیامت شود با ابراهیم خلیل علیه السلام
نجات نماید و روزی این روز را بر است ایامه روز را در روزهای
مبارک و محبت روز جمعه زیارت حضرت پیغمبر و آل بیتش و چون
زیارت کند غسل کند و جامه پاک بپوشد و بوضو ایستادن و روزه

روایت دیگر بخانه و در رویت دیگر در اندرون خانه که کسی چند مرتبه
و چهار رکعت نماز نیکوکار و پس روی بقبله ایستد و بگوید اَللّهُمَّ
عَلَيْكَ اَتَجَمُّ الْبَيْتِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَللّهُمَّ عَلَیْكَ
اَتَجَمُّ الْبَيْتِ الْمَكَلِّ وَالْوَصِيِّ الْمُرْتَضَى وَالسَّيِّدَةِ الْكُبْرَى
السَّيِّدَةِ الزَّهْرَاءِ وَالشَّيْطَانِ الْمُخْتَبَانِ وَالْاَوْلَادِ الْاَعْلَاءِ
وَالْاِمَاءِ الْمُخْتَبِينَ وَحَيْثُ انْفِطَاعًا اَتَاكُمْ وَالْاَبَاءَ اَبَاكُمْ
وَوَلَدَكُمْ لَعَلَّكُمْ عَلَى بَرَكَاتٍ لَعَلَّكُمْ قَقْلِي كَمَا مَسَّكُمْ وَبَصُرَ
لَكُمْ مَعَكُمْ وَحَتَّى يَكُنَّ اللهُ لِي بِكُمْ مَعَكُمْ لَعَلَّكُمْ
اَللّهُمَّ اَلْقَائِلِينَ بِفَضْلِكَ مَعْرِ بَعْضَكُمْ لَا اَنْكُرُ لَكَ
وَلَا اَنْعَمُ الْاِمَاءُ اَللّهُمَّ سُبْحَانَكَ اَللّهُمَّ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ
بِسْمِ اللهِ يَا اَمَنَّا يَا جَمِيعِ خَلْقِهِ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ وَآلِي
وَأَجَادِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ
روز جمعه از هر طایفه تغیر و تنقیف و تنبیح چنانکه بقبض در باب اول ایشان
و بهترین جامه که مقدور باشد پوشیدن و با سینه و دقارت
مسجد شدن و چون تنیده نماز و توبه بجهت خود بگوید اَللّهُمَّ سُبْحَانَكَ

وَقِيَامًا عِنْدَ وَسْعَدٍ وَقَادِي إِلَى الْخَلْقِ رَجَاءً رُفِينًا وَلَيْلٍ
 نَائِلِيهِمْ وَجَوَائِرِهِمْ وَفَوَاضِلِهِمْ قَائِلِيكَ يَا سَيِّدِي وَقَادِي وَ
 تَحْيِيَّتِي وَتَحْيِيَّتِي وَقَادِي وَاسْتَعْدَادِي رَجَاءً رُفِينًا
 وَجَوَائِرِيكَ وَفَوَاضِلِيكَ قَائِلِيكَ يَا سَيِّدِي رَجَاءً رُفِينًا
 سَائِلِيكَ وَلَا تَقْصِدْهُ نَائِلِيكَ فَإِنَّ لَكَ الْيَوْمَ بِعَرِيضَةٍ
 وَلَا شَفَاعَةَ خَلْقِي بِحُجَّتِهِ وَلَكِنْ أَسْأَلُكَ بِأَلْفِ لَيْلٍ
 الْإِسَاءَةِ لَا تُجِبْنِي وَلَا عَذْرَكَ أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تُعْطِيَنِي
 سَائِلِي وَتَقْبَلَنِي بِرَحْمَتِكَ وَلَا تُزِدْنِي حُجَّتِي وَلَا خَائِبًا
 يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ
 أَنْ تَقْبَلَنِي يَا عَظِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُ صَبَرْتُ عَلَى عَذَابٍ
 عَظِيمٍ وَأَرْزُقْ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي تَرْزُقُهُ وَعَظَمَتُهُ
 وَتَقْبَلَنِي فِيهِ مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ
 إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ وَرَزَقْتَهُ دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ
 شَرِكِي وَتَزَوَّجْتَهُ دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ
 سَائِلِيكَ يَا رَبِّ دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ

عَلَى أَنْ تَقْرَأَ بِحَمْدِكَ كَرِيمٍ دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ
 دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ
 دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ دُونَكَ
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْعَظِيمَةِ الْعَظِيمَةِ الْعَظِيمَةِ الْعَظِيمَةِ
 الْأَكْرَمَةِ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَعَالِي الْأَرْوَاحِ وَالْأَلْبَابِ
 لِلْفَتْحِ انْفَتَحَتْ وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَصَافِيهِ الْأَرْوَاحِ
 لِلْفَتْحِ انْفَتَحَتْ وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الصُّلْبِ انْفَتَحَتْ وَإِذَا
 دُعِيَ بِهِ عَلَى الْأَمْنَانِ انْفَتَحَتْ وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى
 كَفِّهِ انْفَتَحَتْ وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْوَجْهِ انْفَتَحَتْ
 أَلَمْ يَكُنْ الْوَجْهُ وَالْوَجْهُ الَّذِي عَسَى لَهُ الْوَجْهُ وَخَصَّتْ
 لَهُ الرِّقَابُ وَخَصَّتْ لَهُ الْأَعْنَافُ وَوَجِلَتْ لَهُ الْعُلُوبُ وَخَصَّتْ
 قَبْلَهُ وَيَقُولُكَ الْوَجْهُ يَا السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ
 بِإِذْنِكَ وَتَسْكُنَ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أَنْ تَرَوْا وَيَسْكُنَ الْوَجْهُ
 لَهَا الْعَالَمُونَ وَيَكُونُ الْوَجْهُ خَلْقًا يَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ
 وَيَكُونُ الْوَجْهُ خَلْقًا يَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ

لَيْلًا بَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَخَلَقْتَ فِيهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَارًا
 وَجَعَلْتَ فِيهَا زُكُورًا وَسُورًا بِخَلَقْتَ فِيهَا النُّسْرَ وَجَعَلْتَ
 النُّسْرَ ضِيَاءً وَخَلَقْتَ فِيهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا وَخَلَقْتَ
 فِيهَا الْكَوْكَبَ وَجَعَلْتَهُمْ قَمَارًا وَرُوحًا وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَجَعَلْتَ
 وَجَعَلْتَ لَهَا مَسَارِيقَ وَمَغَارِبَ وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِغَ وَبَحَارِي
 وَجَعَلْتَ لَهَا أَفْلاكًا وَمَصَابِيحَ وَقَدْ رَفَعْتَ فِي السَّمَاءِ مَسَارِيقَ فَأَخَذَتْ
 قَبْضَتُهَا وَصَوَّرَهَا فَأَخَذَتْ قَبْضَتُهَا وَالْحَصِيَّةَ بِأَسْمَائِكَ
 أَحْصَاءَ وَدَرَجَاتٍ بِحِكْمِكَ تَبَيَّنَ فَأَخَذَتْ مَدِيرَهَا وَتَحَرَّهَا
 بِطَلْطَانِ لَيْلٍ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَتَعَرَّفَتْ بِهَا عِدَّةُ الْبَنِينَ
 وَالْبَنَاتِ وَجَعَلْتَ رُؤُوسَهُمَا لِيَجْمَعَ النَّاسُ مِنْهُمَا جَدًّا فَاسْتَلَكَ
 الْقَوْمَ بِحَيْدِكَ الَّذِي كُنْتَ بِمِ عِنْدَكَ وَرَسُولَكَ مُسَمًّى بِمَوْلَانِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ وَقَدْ خُتِبَ لَكَ فِي بَيْنِ قَوْمِي
 النُّورُ قَوْمِي تَابُوا بِالنَّمَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَبِطُورِ سِيْنَاءَ وَفِي
 جَبَلِ حُورٍ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِينَ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ طَابِ
 الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الْجَبَرَةِ وَفِي أَرْضِ صُرٍّ بِمِغِيبَاتِ تِيْنَاتٍ قَدِيمَةٍ

مَرَّتْ لَيْلًا بِرَأْسِ الْجَبَرَةِ فِي الْمَجْجِيَّاتِ أَوْصَعَتْ فِيهَا الْعَالِيَةَ فِي مِ
 سُوقٍ وَعَقَدَتْ مَاءَ الْخَرَجِ قَلْبَ الْقَوْمِ بِالْجَارَةِ وَجَاوَزَتْ بِمِ
 أَسْرَارِ الْجَبَرَةِ كُنْتَ لَكَ لُحْنٌ عَالِمٌ بِمَا صَبَرُوا وَأَوْصَعَتْ
 مَسَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَ النَّارِ بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ وَأَغْرَقْتَ
 فِي عَيْنِ وَجُودِهِ وَمَرَاكِبَهُ فِي لَيْلٍ وَبَارَكْتَ الْعَظِيمُ الْأَعْظَمُ لَا
 عِزَّ لِأَجَلِ الْأَكْرَمِ وَبِحَيْدِكَ الَّذِي بَجَعَلْتَ بِمِ لَوْحٍ بِكَلَمِكَ عَلَيْهِ
 مِنْ قَبْلِ أَنْ يَسْجُدَ الْخَلْقُ وَلَا يَخْفَى صَفِيَّةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مِشْرِعِ
 وَبِصَفْوَةٍ بِبَيْتِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ بَابِلَ وَأَوْصَعْتَ لِأَرْهَمِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَيْتِ بَابِلَ وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحَيْدِكَ وَبِصَفْوَةٍ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَيْتِ بَابِلَ وَلَا يَخْفَى عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَيْتِ بَابِلَ وَلَا يَخْفَى
 فَأَخَذَتْ بِحَيْدِكَ الَّذِي طَهَّرَ لَوْحِيْنَ عَمْرَانَ عَلَى قَبْرِ الرُّومَانِ
 وَيَا بَيْدِكَ الَّذِي وَقَعْتَ عَلَى أَرْضِ صُرٍّ بِحَيْدِكَ الْقَوْمِ وَالْقَلْبِ بِبَابِلَ
 عَزِيزَةٍ وَسُلْطَانِ الْقُوَّةِ وَبِغَيْرِ الْقُدْرَةِ وَبِثَابَةِ الْكَلِمَةِ النَّارِ
 وَبِطَلْطَانِكَ الَّذِي فَضَّلْتَ بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَهْلَ
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَجَعَلْتَ فِيهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبِ

که در رکعت اول نوبت قتل هوا شده و در دوم قتل ایما الکا فزون بخواند
و در اول نوبت عصر از اجاء نصرات یا ابیکم انکه شرو در اول نوبت
قل هوا شده و در دوم قتل ایما الکا فزون در ویت دیگر آمده
اول سقل هوا شده و در دوم یکتا از نانه و در رکعت سوم اول سوره
صدید یا تو فیکم بابت القصد و در چهارم آخر سوره خشر و از نزل
پدا لکون تا آخر و در رکعت اول و تیر سوره المکک یا قد و در
دوم قتل هوا شده و در اول نوبت قتل هوا شده و در دوم قتل
ایما الکا فزون در ویت دیگر آمده که هر کس در ویت اول
نوبت شب در رکعتی سیم قتل هوا شده بخواند یا ای و خدا می توانی پیوستگی
خدا که آنکه آمرزیده شود و در رکعتی دیگر که تبهت خواندن سوره طویل
کش کهضا و سیم فائده آن اگر وقت و ناکند و اگر وقت و ناکند و در
قل هوا شده کافی بوده در رکعت ششم و تین و در رکعت و قتل هوا شده
که هر کس برین سوره که این سوره بخواند فرشته ندا کند که ای بنده من
خدا به تو که در تری مقبول گشت و در ویت دیگر آمده که در هر رکعت
قل هوا شده بخواند و در رکعت اول نوبت قتل ایما الکا فزون در دوم

قل هوا شده بخواند و در ویت که هر کس سوره اذ از لاله در نوبت
باشد هر که بر لاله مست نشود و بر لاله و صاعقه و هیچ از انکه تیر
تا آنکه با جمل مقدر از دنیا رود و چون وقت مرگش رسد فرشته که می
از پیشش ای قالی آید و برایش نشیند و گوید ای ملک الموت با و ای خدا
ما نمیت و ما را کن که ما بسیار می کرد و سوره اذ از لاله بسیار بخواند
و سوره تیر همین کلامه نماید پس ملک الموت گوید من از جناب طعی نامم
که احاطه و نایم و تا اذن ندی و قرض روشن کنم پس بجای پیش نظرش
برگردد تا منزل خویش در پشت مخطه نماید پس اذن دهد و قرض
روشن نماید با کمال سلامت پس هفتاد هزار فرشته شعیش نمایند و اذن
بشست شود و هر کس سوره و عصر در نوبت بخواند رویش در پشت در و
قیامت نورانی باشد و شکفته شود و مان بهت رود و هر کس سوره طویل
در فرات نوبت بسیار بخواند خدا می توانی اگر که تو کشت بد و معاش
سایه طوبی در پیش حضرت پیغمبر باشد و فیصل بعضی دیگر از سوره فی قرآن
خراصین و نوبت انشاء الله بعد ازین بیاید و هر کس نوبت قتل ایما الکا
بخواند و در ویت که هر کس سوره باشد یا شکر یا در ویت که شاکت و انکه

ثم تشبه مسجدك في المسجد
وتدعوا فيها وتبديها
بما سبق

وَأَعِدُّنِي لِلَّذِي تَعِدُّونَ لِمَنْ كَفَرَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى هَذَا النَّبِيِّ الْكَافِي فِي هَذَا النَّبِيِّ الْكَافِي
 وَجَمِيعِ رُؤَسَاءِ الْعَالَمِينَ وَوَالِدِهِمْ مَنْ يُعَالِي مَنْ تَعَالَى مِنْ رُؤَسَاءِ الْعَالَمِينَ
 وَتُعْتَمَدُ مَنْ تَعْتَمِدُ لَهُ الْعَالَمِيَّةُ مِنْكُمْ وَهَذَا أَفَّا ذَا عِبْدِكَ
 الْعَقِيمِ إِلَيْكَ الْبَاقِلِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى هَذَا النَّبِيِّ الْكَافِي
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى هَذَا النَّبِيِّ الْكَافِي
 صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى هَذَا النَّبِيِّ الْكَافِي
 وَجَدَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى هَذَا النَّبِيِّ الْكَافِي
 وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى هَذَا النَّبِيِّ الْكَافِي
 عَنْهُمْ الرَّحْمَنُ وَطَعْنَهُمْ فَطَعْنُوا إِلَيْكَ حَبِيبُ اللَّهِ
 إِنْ أَدْعَوْكَ كَمَا أَمَرْتُ فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي إِنَّكَ لَا
 تُخْلِفُ الْمِعَادَ وَدَرَسْتُ وَتَرَكْتُ لِي لَإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيمُ الْكَافِي
 لَإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ عَلَى الْعَظِيمِ سُبْحَانَ شَرِيفِ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ
 وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا يَحْتَضِرُ رُؤَسَاءَ الْعَالَمِينَ

۳
وَأَمَّا بَنُو إِدْرِيسَ

اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ وَالسَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَأَنْتَ اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ خَالِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ غَاوُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللَّهُ فَاوُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ
 اللَّهُ صَرِيحُ الْمُتَضَرِّعِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ غِيَاثُ الْمُشْتَغِيثِينَ وَأَنْتَ
 اللَّهُ الْمُنْجِي لِمَنْ لَمْ يَرْبُ وَأَنْتَ اللَّهُ الْمُنْجِي لِمَنْ لَمْ يَرْبُ وَأَنْتَ
 اللَّهُ حَاجِبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَأَنْتَ اللَّهُ إِلَهُ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ اللَّهُ
 الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللَّهُ كَاثِمُ السُّعَى وَأَنْتَ اللَّهُ ذِكْرُ كُلِّ
 حَاجَةٍ يَا اللَّهُ لَيْسَ بِكَ عُصْبَةٌ إِلَّا عَلَيْكَ الْإِلهُ لَا يُخْفِي عَنْكَ
 الْإِرْهَاقَ وَلَا يُخْفِي عَنْكَ الْإِلْقَاعَ إِلَيْكَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ
 إِلَهُمْ وَرَحْمَتُكَ تَنْهِي عَنْهَا مَنْ سِوَاكَ يَا الْقُدْرَةُ يَا الْعِزَّةُ
 أَصْبَحْتَ جَمِيعَ مَا فِي الْبِلَادِ وَهِيَ أَشْرُسُ الْعِبَادَةِ وَالْهَيْكَلِ
 عَمَّا حَقَّ تَعَبُورُكَ وَوَقُوفُكَ فِيهِ فِي الْأَسْبَابَةِ وَدُعَاؤُكَ
 رَفْعُ الْعَافِيَةِ إِلَى الْعُثْمَانِيَّةِ وَالْقِيَامُ عَزْرُكَ وَالْأَسْمَاءُ
 عُدْوُكَ وَالْمُنَافِقَةُ مِنْ رَفْعِي إِلَهُمُ إِلَى رَفْعِي نَزْلِي إِلَهُي
 يَصْعَقُونَ وَإِنْ وَضَعْتَنِي فِي ذَلِكَ الَّذِي يَرْفَعُونِي وَإِنْ هَلَكْتُ فِي

1875

۱۱۴
ذَا الَّذِي جَوَّلَ بَيْنَكَ وَبَيْنِي وَسَبَّحَكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَقَدْ
عَلِمْتُ أَنَّ لَيْسَ فِي هَذِهِ عِلْمٌ وَلَا فِيهِ نَفْسٌ وَلَا فِيهِ عِلْمٌ وَلَا فِيهِ عِلْمٌ
مَنْ جَاءَ وَأَلْفَتْ وَأَتَتْ حَتَّى أَطْلَمَ الضَّعِيفُ وَقَدْ قَالَ
عَنْ ذَلِكَ يَا أَيُّهَا الْعَالَمُونَ لَا تَحْمِلُوا لِي لَأَوْعَضُوا وَلَا يَحْمِلُوا لِي لَأَوْعَضُوا
وَيَقُولُونَ وَيَقُولُونَ وَيَقُولُونَ وَلَا تَحْمِلُوا لِي لَأَوْعَضُوا وَلَا يَحْمِلُوا لِي لَأَوْعَضُوا
مَنْ جَاءَ وَأَلْفَتْ وَأَتَتْ حَتَّى أَطْلَمَ الضَّعِيفُ وَقَدْ قَالَ
وَأَسْجُدُ بِكَ مِنْ أَلْفِ قَائِمِينَ وَأَسْجُدُ بِكَ مِنْ أَلْفِ قَائِمِينَ
وَعَبَادُ اللَّهِ وَتَسْبِيحُ اللَّهِ وَتَسْبِيحُ اللَّهِ وَتَسْبِيحُ اللَّهِ
فَقُلْ لِلْمَلَائِكَةِ وَالْأَرْضِ خُفِّيًا مِثْلًا وَمِثْلًا مِثْلًا
إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمَقَرَّبِينَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنَ
الْمُسْلِمِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالنَّبِيِّينَ وَالْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ وَأَهْلِ بَيْتِهِ
وَأَهْلِ عِلْمِهِ اللَّهُمَّ عَذِّبْ قُلُوبَ أَهْلِ الْكُتَابِ وَجَمِيعِ الْمُشْرِكِينَ
وَمَنْ ضَلَّ عَنْهُمْ مِنَ الْمُنَافِقِينَ فَأَتَاهُمْ يَتَقَلَّبُونَ فِي نَفْسِكَ

محلون

وَيَجْعَلُونَ لَكَ لِيْلَكَ مَعَالِيَهُمْ قَوْلًا وَمَعَالِيَهُمْ قَوْلًا
عَلَّمَ كَبِيرُ اللَّهِ الْعَزِيزُ وَالْقَادِرُ وَالْقَادِرُ وَالْقَادِرُ
وَالْأَجْرُ الَّذِينَ صَلَّاهُ عَنْ سَبِيلِكَ اللَّهُمَّ أَنْزِلْهُمْ بِأَسْرَةٍ
بِقُدْرَتِكَ فَأَتَاهُمُ الْكَلْبُ عَلَى رِجْلَيْهِ وَقَبَّلُوا بِغَضَبِكَ وَأَفْعَدُوا
عِبَادَكَ وَجَعَلُوا كِتَابَكَ وَغَيْرَ سِتَّةٍ سِتَّةٍ اللَّهُمَّ الْعَفْوُ
أَتَاهُمُ الْكَلْبُ فَدَقَّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ يَا
خَلِّصْ صُلَحَاءَكَ وَصَلِّ عَلَى أُمَّةٍ مُبَارَكَةٍ لِيُذَيِّبَ الْكَافِرِينَ
بِهِ إِنَّ بَابِي مِنْ لِسَانِ مُرْمَنِ دَعَا كُنْ بَعْدِي يَا مَارِجِي حَبْرِي
بُرُوكُ بَعْدَ زَوْجِي جَمْعُ مِنْ دَعَا كُنْ بَعْدِي يَا مَارِجِي حَبْرِي
رَبِّ جِبْرِائِيلَ عَزَّ وَجَلَّ وَجَلَّ وَجَلَّ وَجَلَّ وَجَلَّ وَجَلَّ وَجَلَّ
مَرْجَبُ كُوبِي سَتَعْرِفُ أَمْرِي وَأَنْتَ يَا رَبُّ كَيْسَالٍ وَتَقُوتُ وَتَرْجُو
اسْتَغْفِرُ مَا مَرَّتْ غَيْرُ خِيَابِ الْمَلِكِ مَغْفِرَتُكَ لِي وَتَجِبُ وَتَرْجُو
جَبْرِ مُرْمَنِ بِأَسْرَةٍ كُنْ قُلِي دُرِّ قُرْآنٍ حَبْرِي وَصَفَا عَزَّ وَجَلَّ
وَالْمُسْتَعْفِينَ بِالْأَفْعَالِ وَجَمْعُ مِنْ سَرَارِ كُوبِي بِرَدِّ دَسِيكِهِ كُوبِي
هَذَا مَقَامُ حَسَنَةِ لَيْسَ لَكَ وَسَيَأْتِيكَ لَيْسَ لَكَ وَسَيَأْتِيكَ لَيْسَ لَكَ

وَشَكَرَهُ قَلِيلٌ وَلَقَدْ لَوْلَاكَ الْإِعْفُوكَ وَرَحْمَتُكَ الْهَيْمُوتُ
الْأُنَالُ قَدْ خَابَتْ إِلَّا كَذَلِكَ وَمَعَا كَيْفَ الْهَمُّ قَدْ نَقَطَتْ إِلَّا
عَلَيْكَ وَمَذَاهِبُ الْعُقُولِ قَدْ نَمَتْ إِلَّا إِلَيْكَ قَانَتْ الرِّجَاءُ
وَالْإِيكُ الْمَلْبَغَا يَا أَكْرَمَ مَشْهُورٍ وَيَا الْبُحْرَ مَنْبُولٍ هَرَبْتُ
إِلَيْكَ تَتَجَسَّيُ فِي أَسْجَادِ الْخَائِبِينَ يَا مُنَالِ الدُّنْيَا أَيْمَانًا عَلَى
كُلِّ رَجُلٍ إِلَّا إِلَيْكَ شَافِعًا سَوِيًّا مَعْرِفَتِي أَنَّكَ أَقْرَبُ مِنِّي
لِحُبِّ الدُّنْيَا الْمُضْطَرُونَ وَأَمَلُ مَا لَدَيْهِ الرَّاعُونَ يَا مُنَقِّحَ
الْعُقُولِ بِعَرَفِهِ وَأَطْلُقِ الْأَلْسُنَ بِحُجْرٍ وَجْعَلْ مَا أَمَانِيهِمْ
عَلَى قُلُوبِهِمْ كَيْفَ لَا تَأْتِيهِ حَقِيقَةُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
تَجْعَلُ لِلْهَمِّ عَمَلًا عَلَى عَقْلِ سَبِيلًا وَلَا لِلْبَاطِلِ عَلَى عَمَلِي
دَلِيلًا اللَّهُمَّ إِنَّكَ مَلَكٌ فِي حُكْمِكُمْ كَيْفَ مَلِكُ الْمَنْزِلِ عَلَى لِيَانِ
نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ عَلَيْهِ وَالْمُتَلَدِّ كَانُوا أَقْلَابًا كَمَلِ الْبَلِ
مَا يَجْعَلُونَ وَيَا لَأَسْخَاؤِهِمْ تَبْعُفُونَ طَالَ هَجْرُهُمْ وَقَرَأِيهِ
وَهَذَا التَّحَرُّوْنَا أَسْتَغْفِرُكَ لِدُنُوِّي بِاسْتِغْفَارٍ وَمَنْ لَا
يَعْلَمُكَ لِقَابِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَرًّا وَلَا خَيْرًا وَلَا شَرًّا وَلَا شَوْكًا

وَبَارِكْ وَسَلِّمْ دَائِمًا فِيكَ يَا مُجِيبُ دُعَائِي كُلِّ مَكَانٍ لَعَلَّكَ تَسْمَعُ
نِدَائِي قَدْ عَظُمَ حُجْرِي وَقَلَّ خِيَابِي يَا مُوَلَّيَّ يَامُوَلَّيَّ
الْأَقْبَالِ أَنْتَ ذُرْوَاهَا أَنْتَ وَكَوْنُكَ تَكُنُ إِلَّا الْمَوْتُ لَكُنِي كَيْفَ
وَمَا تَعْدُ الْمَوْتُ لَعَظُمَ وَادَّهَى مُوَلَّيَّ يَامُوَلَّيَّ حَقُّ مَوْفُوقِي
مَنْ أَوْلَى لَكَ الْعُسْرُ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى ثُمَّ لَا يَحْدُثُ عَيْدٌ عَيْدًا
وَلَا وَفَاءٌ فَيَا عَوْنًا تُقَوِّمُ عَوْنًا يَا إِلَهَ مَنْ مَرَى قَدْ عَلِمَ
وَمِنْ عَدُوِّي قَدْ اسْتَكْبَلَ عَلَى وَمِنْ دُنْيَا قَدْ رَيْتُ لِي وَمِنْ
أَمَانَةٍ يَا شَرِيًّا إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي مُوَلَّيَّ يَامُوَلَّيَّ إِنَّ
رَحْمَتَ مَنْزِلِي أَهْوَى وَإِنْ كُنْتُ قَلْتُ شَيْئًا فَيَا قَلِيلَ
التَّحَرُّوْنَا أَسْتَغْفِرُكَ لِدُنُوِّي بِاسْتِغْفَارٍ وَمَنْ لَا
يَعْلَمُكَ لِقَابِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَرًّا وَلَا خَيْرًا وَلَا شَرًّا وَلَا شَوْكًا
صَلِّ عَلَى سَائِرِ رَحْمَتِي وَفِيهِ أَمَلُكَ وَفِيهِ أَسْخَاؤُكَ إِلَيْكَ تَسْمَعُ
مَقْلِدًا أَعْمَلِي قَدْ تَبِعَ جَمِيعُ الْمَلَائِكَةِ وَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّي وَأَمْرِي وَفِيهِ
لَهُ كَدِّي وَسَعْيِي فَإِنْ لَمْ تَخْتَفِ مِنِّي رَحْمَتِي وَمَنْ يُؤْمَرُ بِالْقِيَمِ
وَحَقِّي وَمَنْ يُطَوَّلُ لِيَابِي إِذَا خَلَوْتُ بِعَلْمِي وَسَائِرِ عَمَلَاتِ
أَعْلَمِيهِ مِنْ قَانِ قُلْتُ نَعَمْ فَإِنْ الْمَهْرَبُ مِنْ عَدْلِكَ فَإِنْ قُلْتُ

[illegible][illegible]

This image shows a blank, aged, cream-colored page, likely an endpaper or flyleaf of a book. The paper has a slightly textured appearance with some faint smudges and discoloration, characteristic of old paper. The left edge of the page shows the binding of the book.

و در حقه نوشتند و در حقه نوشتند که هر کس را نشانی از ضلوعه
 بجای نیاورد باشد تا هر کس را که نصیب باشد ثبت کند و هر حاجت که خوا
 برای دنیا و آخرت و نشانی نماز توان خفت مخصوصا در سجده کند
 در سجده نزد دیگر تبت بخای تقالی از هیچ اهل کبریا کردن در نماز است
 خدا و برای شوق جنت و خوف نار و در پیشم موی و فصل اعمال است
 اما برای ذکر احوال نماز را قطع کند و اگر کسی بر سلام کند و بگوید بجان
 نطق که او کلام سلام علیه السلام علیه السلام و آواز بلند کند بلکه اگر تواند
 است بگوید و بجان و بکشت اشاره کند اما روایات آمده که چون کسی
 در نماز باشد بر سلام بکشد **فصل در آداب جماعت** و آن دو
 قسمت یکی آداب تعلق با امام دوم آداب تعلق با امام و چون امام بگوید
 خود اعتراف از آن که درین جموع حاجت بزرگ باشد گفتند که آداب امام
 نموده گوئیم و ریت از اسب است ظاهرین علیه السلام که اگر کسی را بخواهد
 کرده باشد و بعد از آن جماعتی رود و فصل تبت که اعاده کند که در آن
 هر کس را دوست تر دارد و بفریضه و آن دیگر را بنا بر حساب کند و اگر در وقت
 بانها را کرده بود نیست نافذ کند و سلام دهد پس بجماعت بزرگ و اگر

بگوید

یک کس که کار و باشد نیست نافذ نموده دیگر آن شک کند و سلام دهد
 و اگر امام میگوید باشد در پیروی راست امام بایستد و اگر کسی را باشد
 در پشت سر بایستد بجا ب راست و اگر میگوید باشد و زن خواندگی و
 پیشتر مرد در پیروی راست و زنان و عقب بایستد و اگر زیاد از
 یکم باشد همه در عقب بایستند و اگر امام مرد در پیروی امام بایستد
 و در نشانی نماز دیگری برسد یا امام پیشتر رود یا مردم پس آید و این
 مرد و آخر بعد از رکوع رکعت آخر برسد یا امام پیش رود و در امام
 پس آید بگوید این مرد در پشت امام بنشیند و چون امام سلام دهد بجا
 نماز خود را تمام کند و میان امام و حضا اول و پنجم هر دو نصف ضلوعه
 از آنکه سجده توان کرد باشد و ریت که اگر فاصله پیشتر باشد آن
 امام برایشان نباشد و اهل هر صف دو شمر و پیش بایستد و پیش
 نباشند و در میان هر صفی که اندازد و پیشتر از پیشتر ایشان دست
 نیابد و اگر در نشانی نماز و نصف پیشتر از پیشتر ایشان دست
 موضع را بگیرد اما نصف عقب نتوان رفت مگر آنکه یا تنگی کند که درین
 وقت پیشتر بر جا و پیشتر کان کند تواند حرکت کرد و یکس تنها

بایستد که آنکه در خوف جاناید که در وقت تواند تنه ایستد و آنجا
 بایستد که خا دی نام باشد و اگر نام در زمین پست بایستد و موی در زمین
 بلند شایم یا سکونی بایستد جائز بود و اما عکس آن جائز نبود مگر آنکه یک
 زمین سرازیر باشد که بعضی ضعیف بقدر یک انگشت یا کمتر یا بیشتر پست تر باشد
 که در وقت جائز نیست که نام در موضع پست تر بایستد و میان نام دوم
 اگر پرده یا دیواری یا صلابت نماز نام دوم جائز نباشد مگر کسیکه در برابر
 و باشد آنستو نه که در صلابت میان خوف واقع شود و ضرر ندارد و چون
 نام قرائت کند نام دوم را نیز جائز نباشد قرائت کردن **رویت** که اگر کسی
 یا نامی که با و راضی باشد و اقامه ای کند قرائت کند چون میر و غیر فطرت
 پس مشورت شود بکار نماز احتیاتی باشد نام دوم برای خود ذکر کند و اگر چه جای
 باشد و صدای نام بشنود اگر چه همین نموده باشند و و کلماتی که میگویند
 کند و اگر چه بجای باشد و صدای نام حتی محض باشد هم ترسه فضل نیست که نام
 خود آهسته قرائت کند و اگر اکثفا بقرأت نام نیز کند چیزی بود و
 اگر کار و افعال خود بجا بیاورد و باید در همه افعال قیام تقوی و در رکوع و سجود
 تابع نام باشد بیشتر کند و بیشتر سر بردارد و مکرر نشیند که اگر نام نشیند

عمل و چه نام دوم را ضرورتی باشد تواند که پیش از نام سلام دهد و بدو
 و نام دوم باید ادعیه و اذکار را آهسته گوید و صدای خود با نام نرسد
 و چون نام از قرائت حمد فارغ شود و همچنین چون بعد از رکوع جمع است
 این حمد که گوید نام دوم بگوید الحمد لله رب العالمین نام دوم جمع است و حمد
 گوید و اگر نام دوم در آستانه نماز با نام رسیده باشد هر کس بگوید و دخل نشود
 هر جای نماز که باشد پس اگر رکوع را با نام در باید آن رکعت را با نام
 و اگر بعد از رکوع نام دوم در سجود یا نشیند و دخل شود آن فصل را با نام بجا بیاورد
 اگر چه حمد آخر باشد یا نشیند آخر نماز باشد که فضل جماعت را با آن باید
 و اما آنرا بر کف حساب کند و آن زیادتی بنامش ضرر نکند و چون نام سلام
 دهد او سلام نداده بر خیزد و هر چه از نمازش مانده تمام کند اگر چه بعد از
 سلام حمد اصراف هم زده باشد چون سلامش از روی سهو شده باشد
 ضرر ندارد و بعد از نماز سجده سهو کند اگر بکبر رکوع را از نام نشیند
 باشد همیشه تا قیامت که در آن رکوع دخل نشود بلکه چون نام سر بردارد
 دخل شود و هرگاه عالم نشیند خواند او نیز بخواند اگر چه موضع نشیند و نشیند
 نباشد که نشیند بر کسب نام درین صورت بر سر نشیند و درت بر زمین نشیند

و چون موضع تشهد خواندش رسد نشسته تشهد بخواند و زود بر خیزد و با نام
 شوه اگر در رکعت دوم نام برسد با نام قنوت بخواند و همین قنوت آخرت
 خودش خواند و اگر رکعت سوم و چهارم نام اول دوم او باشد پس اگر نام
 پیش بخواند خود را بخواند و بخواند و اگر نام رکوع کند و فرصت شود
 خواندن نشود همان طه بفرماید و اگر قنوت کند نام دعا را بخواند
 باشد و قنوت کند و اگر چه می باشد چون قنوت نام نشود خود را
 کند و اگر کسی از دور رسد و بیند که نام در رکوع است یا رکوع می رود و در
 کتاب نصف رسیدن نام سر بردارد و در همان جا که باشد رکوع کند و اگر
 خواهد خود نیز کند بعد از آن بر حاشیه نصف می شود پس اگر استیاده باشد
 بایستد و اگر نشسته باشد بنشیند و اگر خوابیده چنان در رکوع بروی می
 شود و اگر پیش از آنکه نام سر از رکوع بر دارد نام دوم سر بردارد و با نام
 بخواند و با نام بر خیزد و اگر کسی نام رکوع کند و بسبب کثرت و از نام
 بخواند و خواند که آنکه نام در رکعت دیگر شود درین رکعت با نام رکعت
 کند و بریت رکعت سابق بخواند با نام کند که آن رکوع با این بخواند
 یک رکعت شود و اگر سجده بریت همین رکعت کرده باشد این سجده بریت

حساب شود بلکه سجده دیگر بریت رکعت سابق کند تا آن تمام شود و اگر
 بسیار و نام رکوع نیز از قنوت شود و قنوت رکوع و سجده کند و بعد از آن
 با نام می شود و اگر در نماز سجده یک رکعت را با نام در یا بعد از آن نام سلام
 یک رکعت دیگر قنوت بخواند و اگر بعد از رکوع آخر با نام رسد چهار رکعت
 ظهر گزار و فصل سیم در احکام سه رکعت و غرض بعضی خواندن نماز
 اما احکام سه رکعت بدانکه احادیث اولی است و اول صلاهی که درین
 احکام جنات و عظیم دارد و نه نشاء آنچه اصول احادیث است
 و با حیات اقریب باشد درین فصل بیان نمایند و پیش از شروع در مکتب
 این الفاظ نموده گوئیم سه رکعت که بعضی دانند که چیز را ندانند که کرده
 و شک است که خاطر متردد باشد میان دو چیز یا بیشتر بختی که ترجیح
 کدام را بر دیگری ترجیح نمواند و در وطن است که بعضی از جهان دهد
 و کاشف آن شیهه باشد تا اهل حق ندانند و ظن در جمیع احکام می کند و
 خواهد شد حکم بعضی دارد و بعضی که بر جای حق داشته باشد باید کرد
 و اگر ظن داشته باشد همان کند چنانچه جمله و حتی بدانکه سه رکعت نماز
 یا محتاج است بعد در رکعت یا برای نماز اگر در عدد رکعات باشد پس اگر

یک رکعت یا بیشتر از نماز نقصان کند خواه نماز در رکعتی باشد خواه پیش از آن
 روز از قبل که دایمه باشد بخواهد نقصان شده بجای آورد تا نمازش تمام باشد
 اگر چه نماز بسیار شده باشد تا اگر حرف زده باشد بعد از نماز بجهت بگوید
 و اگر حدیث کرده باشد و نحو و اگر روز قبل که دایمه باشد حیاط است
 نماز را اعاده کند و اگر یک رکعت یا بیشتر در نماز نقصان کند زیاد شده نماز
 که باشد پس اگر در رکعتی سلام بابت داده باشد و نماز تمام بود
 و چیزی بر او لازم باشد و این نماید که اگر یک رکعت باشد اگر چه یک رکعت دیگر
 بآن هم کند تا نماز گردد و اگر در آن رکعت تشهد خوانده باشد بلکه رکعت
 زیادی را باصل نماز متصل کند و باشد نماز را اعاده نماید و اگر نماز کند
 تشهد خوانده یا نه پیش از تشهد بخواند و سلام دهد و بعد از آن دو رکعت نشسته
 بکند و باز رکعت را بدو ضلعه کند تا نماز شود و بعد از آن شوق در صورت
 که سه رکعت تمام شدن رکعت را به خاطر رسد تا اگر در میان دو سجده خاطر
 سه سجده است یا نه که بعضی تعیین عمل نماید و اگر بعد از رکوع یا پیش از آن خاطر
 سلام دهد و سه سجده بجا کند و اگر تک کند که نماز کم از زیاد شده باشد
 کند که تمام یک یا زیاد شده و بگوید یا صبیح یا نه سلام دهد و سجده بکند

و اگر نماز

و اگر در نماز دو رکعتی خواهم بسم و خواهم حمد و خوانم نماز سفر بچند نماز
 شام و بچند دو رکعت اول نماز چهار رکعتی است که بچند رکعتی که بچند رکعتی که
 رکعت تمام کرد و فصل و اقرب حیاط است که نماز را اعاده کند تا اگر
 در نماز چهار رکعتی دو رکعت تمام کند و بسم یا میان سه یا چهار یا میان
 یا میان دو یا سه یا رکعت کند بنا بر آنکه نماز دو یا چهار رکعت تمام کند
 و بعد از آن اگر تک یا میان دو یا سه یا میان دو یا چهار باشد و اگر نشسته
 و اگر در میان دو یا سه یا چهار باشد و رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته
 پس اگر نماز تمام باشد رکعتی است یا نماز تمام باشد و اگر یک باشد رکعت
 احتیاط تمام شود و در رکعتی احتیاط سه رکعت یا چهار رکعت بگوید و تشهد بخواند و در
 پنج کدام این شوق چه سه سجده نماید و اگر سه سجده یا فصل از نماز باشد
 در هر سجده که سه یا تک کند و محل آن محل نشسته باشد آن فصل یا چهار رکعت
 بعد از آن خاطر رسد که آن فصل کرده بود و تمام این ایهی هر رکعت و پنج
 بر او باشد و محل یا چهار رکعت و قیامت که شروع و قیامت کند و محل قیامت
 تا وقتی که برای رکوع و سه یا بر او رسد و اگر هنوز دست بر او رسیده باشد

اگر چه نموده باشد عقل قوی بود و عقل کوی که برای سحر و سحر زنده اگر چه
 سر سجده رسیده باشد و عقل قوی و تشریف در سحر و اگر در رکعت دیگر که
 رود اگر قرائت قوت کرد باشد و در رکعت اگر راست باشد اگر چه
 شروع بقرآن کند باشد و اگر عقل قوی نشسته باشد و شک کند بسیار
 ندارد و هیچ کم نیست نازل تمام کند و اگر بعد از آن چیزی بخاطر رسد که
 چنانکه بیان میشود و اما اگر سوکرده باشد و بعد از آن شیئی بخاطر رسد که
 سو دینیت یا کبریا را بخاطر رسد یا در دو سجده یا هم در یک رکعت کند نازل را
 اعاده کند و اگر در قرائت حمد یا سوره یا هر دو باشد و بعد از رکوع
 بخاطر رسد یا غرضی بود و بیانی ندارد و اگر بعد از سوره پیش از رکوع
 بخاطر رسد که چه بخواند و بخواند و ظاهر نیست که بعد از آن سوره را اعاده
 باید کرد و اگر کلمه یا آیه از سوره فراموش کند پس اگر خواهد بجا بیاورد
 خواند و گفتا نماید و اگر خواهد آنرا که فراموش کرده در میان بگذارد و
 تمام کند و اگر خواهد بر جمیع سوره دیگر کند هر سه شیئی صحیح باشد و اگر قوت
 فراموش کند بعد از رکوع بخواند و رکوع را اعاده نباید کرد و اگر بعد از آن
 بخاطر رسد اگر چه از جای خود بر خاسته و رفته باشد هر جا که بخاطر رسد

و بقیه نموده قوت بخواند و اگر در رکعت سجده را تنها سو کند و عقل قوی نشسته
 باشد آنچه را گفتا کند و اگر نشسته سو کند در رکعت دوم بعد از نماز سجده
 سو کند و ظاهر احادیث نیست که همین نشسته ای که در سجده خوانده شود و اگر
 باشد و محتاج بقضای نشسته دیگر نباشد اگر چه اگر علقه را در سجده بگذارد
 و اگر نشسته رکعت آخر را سو کند در همان مکان که در رکعت دیگر باشد و اگر در
 یک جا باشد نشسته نشسته بخواند و در صورت سجده سو نباید کرد
 و اگر در شای نماز سو کند که غیر ذکر و دعا بخواند سجده سو کند اما در
 افعال نماز مثل قرائت رکوع و سجده و سلام و غیر آن اگر سو می شود و حکم نماز نازل
 صحیح بود و روایتی دیگر آمده که هر یک از اینها در قضای که در نماز نشسته
 در پیشان قرائت کرده و غیر آن سجده سو کنند و این روایت صحیح
 و آنچه در عبارتی ندارد و اگر باین عمل غایب قنوی ندارد و اما این که در بیان
 نقیض مشهور است که زبانی و عقل در رکعت نماز سو کند و بعد از آن در سجده
 اعاده است و این حدیث را بخاطر اینست که حدیث است عیدم معلوم نیست که
 حقیقت آن بر وجهی است اخبار و روایت حدیث است عیدم معلوم نیست که
 و اندک از حدیث تصواب و اگر مسافر نماز نازل تمام کند پس اگر در نماز نشسته باشد که

جهت تارخ مسجود و اگر دست باشد اعاذ کند و وقت باقی باشد
 و خواهد نه و اگر سهواً تمام کند پس وقت باشد اعاذ کند و اگر گذشت باشد
 صحیح باشد و در فراموشی حرکت حسیه سهواً و شکر استبانه در دهن
 سجده سهو در رکعت چهارم باشد و همچنین کسی که در رکعت اول
 کند و آنچه را شک کرده در دست حساب کند اگر چه وقت باقی باشد هر وقت
 شک از شیفتن و شیطان غیبت را بگوید اعاذ و بوسه دهد و بگوید
 یا هدی که هر چند تیرا غش کند تیرا برکت کند و سوره فایده و چون
 کنی لغت می کنی و اعتراف می کنی دست زشته باز و از کسی از بسیار
 شک شکایت بحضرت رسول نمود فرمود چون در خلوت شوی بگو
 شت را ان چپ را بپوش و بگو یا ینیم الله و یا الله تو کلت علی
 اعداؤک یا الله الصبح العظیم من الشیطان الرجیم شیطان و دشمن
 و از سوسه دهی که در کجاست و اندک کسی که بحضرت امیر خیر عالم شکایت
 کرد از سهو در نماز منبر فرمود بعد از حمد قل هو الله اول الایات انکار
 بخوان چنان که دعای یافت و کیفیت سجده است که دو سجده کند و در هر سجده
 ینیم الله و یا الله اللهم صل علی محمد و آل محمد یا کبریا ینیم الله و یا الله

السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته و بعد از هر سجده
 تسبیح خفیف بخوان یا ینیم الله یا الله یا الله یا الله یا محمد
 رسول الله اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از هر رکعت چنان
 سجده کن که از دو چوین بر دارد و تیرا بگوید یا هدی که هر دو سجده
 سهو بعد از نماز است یا صلیت علی و عرف زدن و اگر فراموش شود در هر نماز
 رسد و یا **الحکم حادث** و نماز اگر در زمانی نماز شدی که در وقت
 باشد یا خن از نعل یا عسوی و دیگر و آن آیه هر یک که از هر طرف زدن یا
 تمام بدن را در قبضه کند و اندک و وضو یا از آن نجات کند و تسبیح نماز هر چه
 تمام کند و اگر هر طرف زدن یا از قبضه کند تمام بدن نماز را از هر یک که
 درین عرض سهواً حرف زدن سجده سهو کند و از سر بناید گرفت و اگر خوان کند
 و جاری نشود و تمام تسبیح نباشد بلکه بجز قریب یا چیزی دیگر پاک کند و نماز را بگذرد
 و اطمینان بگوید **فصل چهارم** در ذکر بعضی نمازهای مخصوصه و مندرج
 نماز کسوف و خسوف و زلزله و آیت مثل آیه عظیم و غلظت می شد و غیر آن کسب
 خوف اکثر مردم شود و این نماز در رکعت یک تسبیح و سلام در هر رکعت پنج
 و دو سجده و در هر دو رکعت یک تسبیح و سلام در هر رکعت پنج و دو سجده

و قرائت آن بدو وجه جازبهت یک آنکه در هر کوی که باشد بخانه و بعد از آن سوره را
 پنج خسته کند پیش از هر کوی یک خسته را بخواند که در مجموع نازده خسته و در سوره
 خوانده شود و در دوم آنکه پیش از هر کوی یک خسته بخواند و سوره تمام بخواند که مجموع
 ده خسته و در سوره باشد و هر بار که بکوی رود و هر بار که برسد و در هر کوی
 بخواند و بعد از هر کوی سبع آنکه بخواند که در هر کوی پنج و در هر کوی ازین دو کوی
 یکبار باید گفت و سبع آنکه همه باید گفت و چون سوره در دست بخواند و گفت
 این نازده روز را تمام کرد آن که سفت نباشد و بجای آن که ازین طریق
 و این بقدر آنکه آیت منجلی شود و اگر نوزده روز نازده خسته شود و سوره تمام
 کردن تا آنکه منجلی شود پس اگر تمام قرص گرفته باشد و خبردار باشد و در نازده
 بقصر کرده باشد بخانه ای غسل کند و نازده خسته کند و اگر خبر بدست نباشد
 نازده خسته کند و غسل نماید که اگر بعضی قرص گرفته باشد و بقصر کند نازده
 خسته کند و اگر خبر بدست نباشد خسته نازده و اگر این نازده روز وقت خسته واقع
 شود پس اگر وقت خفت فریضه گشت نباشد یا تا اول این نازده بخواند و
 و اگر در آنجا هیچ باشد که وقت فریضه گشت شود نازده خسته کند و فریضه را
 بخواند و بعد از آن هر چنان نازده تمام کند و ازین باید گرفت و چون از آنکه

کذا

کزار و بعد از هر نازده که در سجده بخواند یا هر یک از این تسبیحات
 وَالْأَرْضِ أَنْ تَوُفَّيْكَ وَأَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ إِنَّكَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ
 إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُفْسُكَ يَا مَنْ يَكْتُبُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى
 الْأَرْضِ لِأَيِّ ذِيخٍ أَنْتَ الْعَاقِلُ إِنَّكَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ
 و در هر نازده حضرت ایمان علی است که هر کس این نازده بخواند و از آن به یک
 شود و چهار نازده در دست و هر کس را آورد و شود و آن چهار کویست و در
 یک نازده از هر کوی خواند و چهار نازده و چهار نازده و چهار نازده و چهار نازده
 و در دست از هر کوی سبحان من لا یبید معالیه سبحان من لا یفنی
خداوند سبحان من لا یفنی سبحان من لا یفنی سبحان من لا یفنی
 عینده سبحان من لا یفنی و که احدی از این سبحان من لا یفنی بخواند
 و این نازده هر وقت که خواهد خواند که در فضل او پیش نباشد و در هر روز
 و صفات که صفات مضاعف باشد بسم نازده حضرت ه طر صراط است سبحان من لا یفنی
 این نازده را بخواند و میان او و خدای تعالی پنج کفه نامه که اگر نوزده شود و آن
 و در کویست و در آن بعد از هر صد مرتبه آنرا و در دوم صد مرتبه آنرا و در
 و بعد از آن پنج کویست که بخواند سبحان من لا یفنی و این نازده را حضرت سبحان من لا یفنی

۳۰

وسته اند ما را بی نجات بجز از تو نجات را بعد از آن که بگوید می خرد
 کرد سجده آخر این نماز بعد از نجات بگوید که سبحان من لیس العز
 و الوفا سبحان من عطف بالمجد و تکریم به سبحان من لا
 یسبح الا له سبحان من یخصی کل شیء علیه سبحان
 ذی المی و التیم سبحان ذی القدره و الکرم سبحان ذی
 الفضل سبحان ذی القدره و القوی اللهم انی استأجرت بمعایده
 العز من عرشک و تسبیح التیم من کتابک و اسمک الاکظم
 و کلما ذکرتک اما بالقیمت حدیثا و بعد لکن فصلی علی
 صغیر و العز و ان تفعل لی ما انت اهلک در حاجت من و جواب
 و توبه بعد از این نماز از نذرین دعا سبحان من لیس العز و
 سبحان من عطف بالمجد و تکریم به سبحان من لا یسبح
 الا له سبحان من یخصی کل شیء علیه و حلقه
 بعد از آن سبحان ذی المی و التیم سبحان ذی القدره
 و الکرم اللهم انی استأجرت بمعایده العز من عرشک و تسبیح
 التیم من کتابک و اسمک الاکظم و کلما ذکرتک اما بالقیمت

التَّحَنُّنَ مِنْكَ قَدْ وَدَّ أَنْ يَصِلَ إِلَى عَمَلٍ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
 مَا تَجَمَّعَ لِي بِغَيْرِ اللَّهِ مَا وَالْآخِرَةُ بَعْدَ غَيْرِ طَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى
 الْقِيَمَةُ الْعَلِيَّةُ الْعَظِيمُ لِلْمَالِ وَالزَّادِ الْخَيْرِ الْمَحْسَبُ الْمُبْدِي
 الْبَدِيعُ لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْعِزُّ وَلَكَ الْمُنَى وَلَكَ الْبُورُ وَلَكَ
 الْأَمْرُ وَحَدُّكَ لَمْ يَكُنْ لَكَ بَأْسٌ وَلَا وَاحِدٌ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ يَا أَحَدُ
 يَا أَحَدُ وَلَا يُؤَلِّدُ وَلَا يَكُنْ لَهُ نَصْرٌ أَحَدٌ يَا أَهْلَ الْقُرَى وَيَا
 أَهْلَ الْمَغْفَرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا عَفُوَّ يَا عَفُوَّ يَا وَدُودٌ يَا شَكُورٌ
 أَنْتَ بِرَبِّكَ يَا بَاقِي دِينِ النَّاسِ أَجْمَعِينَ يَا قَرِيبُ يَا جَدُّكَ اللَّهُمَّ
 إِنْ صَلَّيْتَ هَذِهِ الصَّلَاةَ ابْتِغَاءً مَرْضَاتِكَ وَجَلَبَ قَائِلُكَ
 وَمَعْرِفَتِكَ وَرِجَاءَ رِفْدِكَ وَجَاهِزَتِكَ وَعَظِيمَ عَمَلِكَ وَقِيَامِ
 عَمَلِكَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْقُمْهُمْ فِي عِلِّيِّينَ
 وَتَقَبَّلْ مَا يَتَعَلَّقُ بِجَعْلِ قَائِلِكَ وَمَعْرِفَتِكَ وَرِجَاءَ مَا أَسْأَلُكَ
 مِنْكَ فَكَانَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَالْفَقْرِ بِالْجَنَّةِ وَمَا جَعَلَ
 فِيهَا مِنْ أَرْوَاحِ الْعَمِيمِ وَمِنْ خُسْرِ الْحَوَارِثِينَ وَجَعَلَ جَارَتِي
 مِنْكَ الْعَفْوُ مِنَ النَّارِ وَعَفْوَانِ دُونِي وَدُونِ وَالَّذِينَ مَعِيَ

وَجَعَلَ

أَوْ جَمِيعِ الْخَوَارِجِ وَالْخَوَارِجِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَ
 الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَأَنْ تَحْبِبَ دُعَائِي وَتَحِبَّ
 صَدِّقِي وَتُبَايَعِي وَلَا تَرْكَبِي خَائِبًا خَاسِرًا وَأَقْلِبْنِي مُغْلَمًا
 مُنْجِمًا مَوْجُودًا مُسْتَجَابًا دُعَائِي مَغْفُورًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ قَدْ عَظُمَ اللَّهُ بِكَ عَمَلُ عَبْدِكَ الْخَلِيسِ
 الْعَلَوِيِّ نِيكَ يَا حَسَنَ الْخَبَائِدِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ
 يَا فَخْرَ الْوَسْطَاءِ يَا فَخْرَ الْوَسْطَاءِ يَا مُعْطِيَ السُّؤْلِاتِ يَا فَكَّالَ الرِّقَابِ
 مِنَ النَّارِ وَالْعَظِيمِ عَمَلِي وَتَحْبِبْ دُعَائِي وَارْحَمْ صَدِّقِي وَ
 تَصَدَّقْ بِوَدَائِي وَاقْضِ لِي حَاجَتِي كُلَّهَا إِلَيْكَ يَا وَدُودُ
 أَهْلِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهَا وَمَا ذَكَرْتُ وَلِجَعَلَ لِي ذَلِكَ الْخَيْرَ
 وَلَا تَرْكَبِي خَائِبًا خَاسِرًا وَأَقْلِبْنِي مُغْلَمًا مُنْجِمًا مُسْتَجَابًا يَا
 دُعَائِي مَغْفُورًا لِي عَمَلِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مُجِدُّ يَا أَبَا
 الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا عَلِيَّ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا عَبْدَ كُنَا وَمَنْ
 لَا كُنَا عَبْدٌ مُسْتَكِينٌ وَلَا مُسْكِينٌ وَلَا خَائِفٌ وَلَا يَلِيَّ عَبْدٌ خَائِفٌ
 تَبَلَّ عَمَلِي مَغْفُورًا مِنْكَ بِحَبْلِكَ مَغْفُورًا مِنْ دُونِي وَلَا يَكُنْ لِي

اَنْ لَّا يَلَهُ الْاَلَاءُ شَيْءًا اِنَّكَ تَكُنُّ عَلَى الْعَالَمِينَ قَائِمًا مِّنْ بَيْنِهِمْ
 وَمِنَ الْعَمَلِ مَا كَانَ لَكَ لَيْسَ لَكَ شَيْءٌ مِّنْهُ وَكَرِهْتَ دَوْمًا لِّمَنْ يَجْعَلُكَ
 عِنْدَهُ مَنَاجِي الْعَبِيدِ لَا يَكْفُلُهَا اِلَّا هُوَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْغَوْرِ
 مَا نَسُفُطُ مِنْ رَوْحِهِ اِلَّا يَهْلِكُهَا وَلاَ يَحْيِيهَا وَطَائِفَاتُ الْأَرْضِ لَرَبِّكَ
 وَلاَ يَأْتِيَنَّكَ الْاَلَاءُ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ وَذُرِّيَّتُكَ اِيْنِ عِندَ الْاَلَمِّ الْاَلَمِّ الْاَلَمِّ
 مَنَاجِي الْعَبِيدِ اَلَمْ يَكُنْ لَهَا الْاَلَاءُ اَنْ تَصَلِّيَ عَلَى الْعَمَلِ بِطَلْعِ الْاَمَلِ
 وَانْ تَجْعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ مَّا وَلاَ يَحْزَنُ وَلاَ يَحْزَنُ وَلاَ يَحْزَنُ وَلاَ يَحْزَنُ
 بِرَبِّهِمْ وَهُمْ فِي حَرْجٍ مِّنْهُ لَعَلَّكَ تَبْهَتُ بِهِمْ وَبَعْدَ اَنْ يَكُونَ الْاَلَمُّ اَنْتَ وَكَانَ
 نَعْمَتِي وَآلِ الْاَمَلِ وَكَانَ لَكَ لَيْسَ لَكَ شَيْءٌ مِّنْهُ وَكَرِهْتَ دَوْمًا لِّمَنْ يَجْعَلُكَ
 اَهْلًا لِّبَيْتِهِ صَلَاتُكَ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ
 كَرِهْتَ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ
 شَاءَ اَلَمْ يَكُنْ لَكَ لَيْسَ لَكَ شَيْءٌ مِّنْهُ وَكَرِهْتَ دَوْمًا لِّمَنْ يَجْعَلُكَ
 زَلَّ اَلَمْ يَكُنْ لَكَ لَيْسَ لَكَ شَيْءٌ مِّنْهُ وَكَرِهْتَ دَوْمًا لِّمَنْ يَجْعَلُكَ
 نَارًا وَرَأَى اَلَمْ يَكُنْ لَكَ لَيْسَ لَكَ شَيْءٌ مِّنْهُ وَكَرِهْتَ دَوْمًا لِّمَنْ يَجْعَلُكَ
 كَبَارًا وَرَأَى اَلَمْ يَكُنْ لَكَ لَيْسَ لَكَ شَيْءٌ مِّنْهُ وَكَرِهْتَ دَوْمًا لِّمَنْ يَجْعَلُكَ

اَنْ لَّا يَلَهُ

اَنْ لَّا يَلَهُ الْاَلَاءُ شَيْءًا اِنَّكَ تَكُنُّ عَلَى الْعَالَمِينَ قَائِمًا مِّنْ بَيْنِهِمْ
 وَمِنَ الْعَمَلِ مَا كَانَ لَكَ لَيْسَ لَكَ شَيْءٌ مِّنْهُ وَكَرِهْتَ دَوْمًا لِّمَنْ يَجْعَلُكَ
 عِنْدَهُ مَنَاجِي الْعَبِيدِ لَا يَكْفُلُهَا اِلَّا هُوَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْغَوْرِ
 مَا نَسُفُطُ مِنْ رَوْحِهِ اِلَّا يَهْلِكُهَا وَلاَ يَحْيِيهَا وَطَائِفَاتُ الْأَرْضِ لَرَبِّكَ
 وَلاَ يَأْتِيَنَّكَ الْاَلَاءُ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ وَذُرِّيَّتُكَ اِيْنِ عِنْدَ الْاَلَمِّ الْاَلَمِّ الْاَلَمِّ
 مَنَاجِي الْعَبِيدِ اَلَمْ يَكُنْ لَهَا الْاَلَاءُ اَنْ تَصَلِّيَ عَلَى الْعَمَلِ بِطَلْعِ الْاَمَلِ
 وَانْ تَجْعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ مَّا وَلاَ يَحْزَنُ وَلاَ يَحْزَنُ وَلاَ يَحْزَنُ وَلاَ يَحْزَنُ
 بِرَبِّهِمْ وَهُمْ فِي حَرْجٍ مِّنْهُ لَعَلَّكَ تَبْهَتُ بِهِمْ وَبَعْدَ اَنْ يَكُونَ الْاَلَمُّ اَنْتَ وَكَانَ
 نَعْمَتِي وَآلِ الْاَمَلِ وَكَانَ لَكَ لَيْسَ لَكَ شَيْءٌ مِّنْهُ وَكَرِهْتَ دَوْمًا لِّمَنْ يَجْعَلُكَ
 اَهْلًا لِّبَيْتِهِ صَلَاتُكَ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ
 كَرِهْتَ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ اَنْ تَكُنْ عَلَيْهِمْ
 شَاءَ اَلَمْ يَكُنْ لَكَ لَيْسَ لَكَ شَيْءٌ مِّنْهُ وَكَرِهْتَ دَوْمًا لِّمَنْ يَجْعَلُكَ
 زَلَّ اَلَمْ يَكُنْ لَكَ لَيْسَ لَكَ شَيْءٌ مِّنْهُ وَكَرِهْتَ دَوْمًا لِّمَنْ يَجْعَلُكَ
 نَارًا وَرَأَى اَلَمْ يَكُنْ لَكَ لَيْسَ لَكَ شَيْءٌ مِّنْهُ وَكَرِهْتَ دَوْمًا لِّمَنْ يَجْعَلُكَ
 كَبَارًا وَرَأَى اَلَمْ يَكُنْ لَكَ لَيْسَ لَكَ شَيْءٌ مِّنْهُ وَكَرِهْتَ دَوْمًا لِّمَنْ يَجْعَلُكَ

در شبته این رحمت ناید و شب آن بیکس نماند بخداست **در هر کس**
نار شام بخشن و شب بخشنه دو حرکت ناز بکند در هر کس نواز را طهارت کوی
و حق اینها کافرون و حق نواز احد و مو دین هر یک را بخرید بخواند و بوز
چیز ده مرتبه استغفار کند و نامش را بوالدین خود ده بار بگوید و بگوید
بیا آورده باشد **در هر کس** که در وقت خوابیدن وضو کند چنانست که
تا وقت بیدار شدن در عبادت باشد پس اگر در آنای شب بیزد و ذکر
خدا کند خطا باشد هر ریزد و اگر در شب بیزد و دو رکعت نماز کند
پس حمد و ثنای خدا کند و صلوات بر پیغمبر و آلش فرستد پنج بار خدا
سوال کند که مرا که عطا فرماید یا همان را بعینه یا بهتر از آن در شب بخشن
و ده **در هر کس** که در وقت نماز ناز کند در هر رکعت باشد و در هر رکعت شصت
قل خواند احد بخواند میان او و خداست قالی چو کند نماند مگر اگر نوز
شود و در رویت دیگر قل خواند احد در هر رکعت یکبار دارد
شد و بعضی دیگر نمازهای مخصوص هر یک در جای خود نماند و بگوید
فصل نهم در فضیلت قرآن و آداب تلاوت آن مرویت است از اهل بیت
علیهم السلام که هر کس در هر روز در وقت تلاوت **در هر کس**

ایستاده باشد قرآن سوره تین صورتی بخرد آید چون نصف یکبار را دو
پند کند این بصورت و صفت می شناسیم و میدانیم که از فضل و سلوک است
آیا عبادت و طاعتش بیشتر بوده که این نور و جمال او را عطا شده و بار
نصیب نگشته پس بخواهد که نزد کونین این می شناسیم که از فضل و شرف
آید پیش عظیمتر بوده که این نور و جمال که است یافته و چنین نصف دنیا
در سحر که در دل این گفتگو کند پس همه صفات حق که شصت مرتبه حضرت
پیغمبر الله که کونین کیمت که ما ندانیم کفایت فرماید این حق خدا
بر بندگانش پس سلام دهد و از آنجا که نشسته نصف مدام که بصورت مکی
معرب کند و مدام که نیز چنان گفتگو نماید پس از آنجا که نشسته تا غروب
رسید و سجده در آید پس خدای تعالی کویای حق است و ای کلام جامان
ناطق من سر بردار و هر چه خواهی سوال کنی هر که خواهی شفاعت کنی
هر چه طلب کنی با جابت معرفت پس هر چه شسته کوی خدا باشد که تو
بعضی مرا عافیت نمودند و بقدر طاقت خود حضرت من داشته
و حق من رعایت کردند و بعضی حضرت من داشته و حق را از آنجا که
پس خدای تعالی فرماید بفرست و جل جلال خودم که هر کس نماز و راضی باشد

رضای تو باد و رسانم و اورا از تو راضی گردانم و هر کس از راضی نماند
 آنست که تو از او بگشایم پس بود بجای که اسب شتر شانه به پیش شتران آید
 و گوید نعم که شتران طاقت کنی شهابی جوان پیرای گشاید و روزی
 بعضی آب شتر شتران گشاید در دنیا بیست و شش تنه دیده و از شتران
 مصیبتا رسیده پس ایشان را بر دوش شتران می نهاده و گوید خداوند
 ایشان را بکافران تواند و تو ایشان را بهتر شناسی و آنکه در حفاظت
 و رعایت می چاکشید و اندیس فرمایند ایشان را بشت بر دوشهای
 بشت در ایشان را گشاید و جاهای که بشت بر سر ایشان نهاده و بر آن
 نمایند و گویند ازین کارم کار و ایای تو کردیم راضی شدی گوید خدایا
 ما بایمان پیش ازین تو قلع و جهانت خدای تعالی فرماید بفرست
 خدمت که جهان بسیار ایشان کنم و ترا از خود راضی گردانم پس هر یک
 از ایشان دست بپوشش را حمل و امان و وضو آن دست پیش را حمل و
 وضو و در جهان گردانند و اندیش بازای تعلیم قرآن که بفرز
 خود که داند و در آن بشت پوشانند و هم ایشان را هم اسلم مرویت
 هر کس از ایشان قرآن بخواند بعد و هر حرف بر پیش چنانچه نوشته

و چنانچه سینه محو کرده و چنانچه در سینه کند و در او که سینه بخواند بعد و هر
 حرف سینه نویسد و سینه بخواند و ده درجه بلند کرد و ده درجه بلند کرد
 بخواند هر حرف ده سینه نویسد و ده سینه بخواند و ده درجه بلند کرد
 و اگر خود طاقت کند که گوش بپوشد و دیگری دارد و هر حرف سینه بخواند
 فرمایند و یک سینه بخوانند و یک درجه بلند کرد و چون قرآن را تمام کند
 او را دعا بخواند بود و اگر ختم در روز پنجشنبه و اگر در روز شنبه
 تا روز ملائکه بر صلیوات فرستند آن حضرت تمام پس سینه بخواند
 برای کسی که قرآن داند فرمود خدای تعالی که سینه محو کرد و سینه بخواند
 هر که ختم کند خفایت که ختم قرآن کرد و باشد و این فضایل او بخواند
 و هر کس که سینه از سینه و چه یک سینه بیشتر ختم کند و ختم در روز جمعه شود
 از حیوانات دنیا و جهنم آخرت برای او تمام پس سینه بخواند و بخواند
 و یک سینه از سینه آتش آن و هم ایشان را هم اسلم مرویت که هر کس
 سینه ده آیه بخواند او را از جهنم نجاتی نویسد و اگر چنانچه یک سینه از سینه
 در آن روز نوشته شود و اگر صد آیه بخواند از جهنم نجاتی و اگر دویست
 بخواند از جهنم نجاتی و قرآن هر روز در وقت اذان صبح کند و اگر سینه

از غایتی که پند آید بخواند از علم بدین که هرگز آید بخواند یک قطره رویش
 بر پیشانی نریزد و قطره را بزرده بر اطفال است و یک قطره است و چهار قطره
 و یک قطره بر پیشانی که حضرت در کتبش از این آسمان و یک قطره
 پشت باموزد و پیش مصافح شود و در خانه که قرآن خوانند و در
 خانه که ملک حاضر شوند و پیشان در شود و برکت زیاد شود و خانه
 برای اهل آسمان نورانی باشد مثل ستاره برای اهل زمین و خانه که
 قرآن خوانند و در خانه که ملک بیرون رود و پیشانی حاضر شوند
 کم شود و بر جوار اهل خود بجا است که بعدی که در آن خانه که
 و عالمی که در قرآن خواند و قرآن در خانه که تلاوت کنند تا عبادت
 بود بعضی فضائل قرآن هر یک از سوره و آیات را نیز فضلی بی نهایت
 شد که هر صلی این سال اگر چه دست حکایت آن همه را در آما چون
 از همه آن نیز خرم و موان که پشت بر دست بعضی مرقف کردیم
 و گوئیم هر مومن که بسم الله الرحمن الرحیم بگوید بعد هر حرف در هر
 عطا فرماید که هر چند بهتر باشد از تمام دنیا و نعمتها آن و خدا می
 کارش اعیان و عاقم کرد و اندا که گوش کند که دیگری بخواند ملک

خنده

خوانده و هشت باشد **فصل** هر کس از روی قلوب و چشم بخواند
 نعمتها ای حضرت را برای داد اضافه نعمتها ای دنیا کرد و دنیا ای حضرت
 با اضافه دنیا ای دنیا دفع کند و رحمت وافر و عطیه کامل احسان نماید
 و روز قیامت حاجش آسان کند و حاجتش را قبول فرماید و سبب
 محو فرماید و توانی که هر که فرماید که نعمتی بعد از این حضرت برسد و در
 که را مین و دستگیرش باشد و برادر است و طریقه اهل بیت علیهم السلام
 پیشش کند و چنانست که دولت قرآن خوانده و هر مومن مومنه
 صدقه داده باشد **بقره و آل عمران** هر کس بخواند روز قیامت پیش او
 ابراز حرارت آفتاب بر سرش بیاید کند **سوره تین** هر کس بخواند که مثل
 آفریده شود و چنانست که در او هر سوره قرآن ختم کرده باشد که
 کسی روز خواند تا شب محفوظ باشد و هر روزی و اگر شب پیش آنکه بخواند
 بخواند هر ملک بر و مومل شود که از شیعیان آفات دفعش کند و اگر
 در شب میرد هر ملک در پیش حاضر شوند و برای او دستار کنند
 و قبرش را عقیق نمایند و بعد از آن در قبرش ساکن شوند و عبادت خدا
 و توبهش برای او نوشته شود و چشمش که کند قبرش وسیع کند و آفرین

۱۲۱
تبراین شود و روز قیامت نوری از برشش اطراف آسمان درخشان
باشد و چون بر قبر پروان آید ملائکه او را شایسته نماید و مرده خرد و حجت
و چند از زیران و هر که بکند و پس پیش خدای تعالی و تعالی باز دارد
که بچگونگی دیگر از خود را نباشد که ملائکه معصومین اینها و مرسلین از مرگین
و با ایشان باشد و از هر خوفی خزان این باشد پس خدای تعالی گوید ای بنده
من هر چه خواهی سوال کن عطا نمایم و هر که خواهی شفاعت نماید اجابت فرماید
و از نیت تو عطا نماید و بر وجه خطبه علامت بنده آنکه ملائکه سجدات
این بنده خدای تعالی در شش ماه از جمله رتبه حضرت محمد صلی الله علیه و آله باشد
و روایت دیگر آنکه هر که در مدت عمر خود یک مرتبه این سوره بخواند بعد
از طهارت در دنیا و آخرت برایش ده هزار مرتبه نوشته و ده هزار بار
سینه بخواند و از جن و جنات و افات و آلام زمین گردد و کرامت
بر او آسان شود و خدای تعالی خود متوجه قبض روحش شود و وصیتش
و هدیه و روز قیامت خوشحال باشد و آنکه روایات بود که هر کسی که در
پس کعبه ملائکه آسمان و زمین گوید برای این بنده که من استغفار کنم که گناه
راضی شستم **سوره** هر که بخواند خدای تعالی بوزن هر کوهی که بخرد و گدازد

کرده بود و حسانت عطا فرماید و هر کس شب جمعه بخواند آنقدر خیر دنیا و آخرت
باید و هر که بچکس نهد و باشد که بنی مرسل ملک محرب و او را و سرکار او
خواهد از راهش پیش خدای تعالی که چاره غیال اصل شفاعت او باشد
بیشتر **سوره** و آنکه سوره حضرت یونس صلوحت الله علیه و آله است
هر کس هر شب جمعه بخواند از رتبه های محضرت باشد و از آفات و مکاره دنیا
این کرد و هر کس هر شب بخواند پیش از آنکه بخوابد رویش در روز قیامت
مثل بدر تمام باشد **سوره** هر کس بخواند حضرت عیسی او را عطا کند
برایش استغفار نماید و دنیا باشد و روز قیامت رفیع آنحضرت باشد
و هر کس این سوره در فرشتی و فرشتی را دست کند و نصف ملائکه دنیا
مرسل باشد **سوره** هر که هر شب بخواند پیش از خواب و هر شب باشد
و اگر در نماز صبح و شب بخواند از ترس از زمین گردد و اگر صبح و شب
بخواند در خدمت حضرت پیغمبر باشد و مستعد بود چهار مرتبه از ثواب العرس
بهر ملائکه **سوره** هر که هر شب بخواند بعد از هر کس در نماز جمعه یا هر کس نیاید
و در دیار همام و حمله او عطا کند **سوره** هر که هر شب بخواند از رتبه
برای شود **سوره** هر که بخواند بعد از هر حرف که بر حضرت پیغمبر و موسی

که

و بعد از آن که شش خط فرماید و هر کس در این فریضه بخواند و در وقت
 گویند از هر در که خواهد و در شب نشو و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود
 بر شش ماه و چوبی لا زبنت که شب جمعه نماز سوره جمعه و سوره بقره و سوره
 بجمعه و منافقین که نماند و هر کس چنین کند چنانست که عمل رسول الله صلی الله علیه
 و آله باشد و هر کس این شش بیت بود **سوره الفاتحه** برای معالجه حضرت امیر المومنین
 صلوات الله علیه و معادیه آنرا نازل گشته هر کس در این شش بیت و نفیس بسیار بخواند
 ایمان از دست نبرد و **سوره تبارک** هر کس بخواند از خدا بقیه ای نمی شود و اگر در
 نماز حق بخواند و امان خدای تعالی باشد تا تسبیح و در وقت است که در پیش
 بخت شود **سوره الفجر** و **سوره حضرت امین** است هر کس در این دو فصل و نازل
 بخواند با حضرت در یک درجه از بخت و هر کس در ده شب در این
 بخواند کنانش آفریده شود **سوره انزلنا** و **سوره ماعین** است هر کس
 هر کس بخواند چنانست که ماه مبارک رمضان از روزی که گفته و بیدار قدر را
 ایجاد داشته باشد و هر کس بخواند آهسته بخواند چنانست که در راه خدا
 شیراز عاف کشیده باشد و اگر در هر شب بخواند هزار مرتبه آفریده شود و اگر
 در نماز فریضه بخواند معادیه آنرا نازل گشته که اعمال را از سر که کنان است آفریده

کنز

شست و فضايل اين سوره زياده از هشت کرد و حوصله اي ساکن بخواند
 از آنجا که در مباحث سابقه که شش و بعضی نیز از جای خود نشاء آید
سوره الفاتحه هر کس بخواند خدای تعالی در دنیا عافیت و بقیه و آخرت
 بعد و هر کس این سوره را خوانده و شوی یک روز و روز با وعظ فرماید
 و هر کس در این شش و نازل بخواند هر جای بخت که خواهد با وعظ کند **سوره**
و العاديات سوره حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه است هر کس بخواند
 آن را و است کند از رفقای حضرت در پناه او باشد **ایکم انکشاف**
 هر کس بخواند چنانست که هر آیه از قرآن خوانده باشد خدای تعالی بر نعمتهایی
 که در دنیا با او داده او را محاسب فرماید و اگر در فریضه بخواند چنانست که
 با او اقدار کند و اجر صد شصت داشته باشد و اگر در اهل بخواند چنانست
 شنید **سوره محمد** هر کس بخواند چنانست که ربع قرآن خوانده باشد و شیطین
 از او دور شوند و از سرکش بری گردد و از فرغ اکبر ایمین گردد و هر کس
 محمد و توحید و فریضه از فریضه بخواند کنان و دو الدین و او را دین
 همه آفریده شود و اگر شقی باشد از دیوان شقی محو گردد و در دیوان اهل
 بخت گردد و در هر آیه این **سوره توحید** هر کس بخواند

چنانکه گشت قرآن خوانده باشد و بعد از هر موعظه ده حقه عطا کند و چون
سوره بخواند ختم قرآن کرده باشد و هر کس یک مرتبه بخواند خدای تعالی برکت
در حق زیاده کند و اگر دو مرتبه بخواند بر او در اهل بیتش و اگر سه مرتبه بخواند
برایشان و به صاحبانش و اگر ده مرتبه بخواند دوازده قصر در بهشت
عطا فرماید و چون حضرت پیغمبر بعد از نماز رکوع و بعد از نماز
هزار رکعت که هر یک از آن جمله بود بر و نماز رکوع را در نماز هر یک بر یکصد
بجز پیش از هر رکعت که استغفار این که در جمیع احوال مستحب و بر کسی است
و در آن دو سوره پاوه همیشه قبل نماز استخوانه **سوره اذاجاء نصر** که بخواند
چنانکه حضرت پیغمبر در نسخ مکه فرماید و اگر در غیر مکه بخواند
بر هر دشمنان نصرت یابد و نورانی از قبر بر وی آید و از هر جهنم و دوزخ
این که در دنیا آید و در حساب غیر برده منقوع شود که هر کس از این
نمونه شده و از پیش فرشته باشد و چون روز قیامت عثوره شود و بر سر
چرخ کند و مگر او را عثوره نبشت و خبر دهد و فضل نبشت شود **و موعده**
هر کس بخواند چنانکه در جمیع کتابهای که بر اینها نازل شده خوانده باشد
و هر کس که یک مرتبه بخواند خدای تعالی هزار بار کرده و در دنیا که هر یک از این

هزار کرده و در آخرت که ستم بر آن عذاب قبر باشد از وی فرماید
این بود چنانکه از فضل بعضی سوره و آیات قرآن عظیم و بسیار است
در مباحث سابقه که نشسته و بعضی نیز در مباحث مناسب است و الله یأید
اما ذکر هر آن در حوصله این رساله در نیاید **و در هر روز و هر یک از این**
و هر یک از این که بخواند کسی که ای سوره از قرآن میاموزد و یاد کند باید که مداومت
بآن کند تا فراموش نشود و اگر فراموش شود آن سوره یا آیه خود را
در بهشت بصورتی جمیع درجه و رتبه باو نماید و برسد و این که یاد کند
چون به نیت تو جنتی و کسی که شایسته بودی که یکرنگ قرآن سوره و آیه
اگر فراموش نمیکردی این در بهشت میسرانیدم و فضل نماز که این حد
اعت است از یاد کردن کشتن انگشت یا بخاطر گرفتن و هر سه معنی صحیح است
و در هر سه در رفعت عظمت مختلف و هر کلام در هر سه در رفعت نیست
عظمت و هم از اینان علم اتم هر وقت که ممکن را در اداست که روز مخصوص
صبح بعد از فراغ از تعقیب ردی از قرآن تلاوت کند اقل چهار آیه
و فضل اعمال است که کسی این قرآن را ختم کند و باز از هر یک در محبت
کرد ختم قرآن که از این ماه باشد تا به توبه تضرع خوانده شود اما در راه

[illegible]

کچھ

که چون دل را بیخ قهر تو روید پس کز آستان بند را و چرخ دست پیا
ایان در پیش اندازد و گردنفر و خدای قوی عرضه دهی بجای آدم تو
دور از خود مرا و کنی تا من درال خود تریا دکنم و تو در جلال حق زما و کن
تا من در جلال ملک تریا دکنم و خدای که دران ذکر خدای تعالی ملکوت
قرآن کند برکت بسیار شود و ملائکه نزدیک بر پیشین دور شود و خانه
برای اهل آسمان نورانی باشد چنانکه ستاره برای اهل زمین و شیطان
از کینه چون ذکر خدا کند از دور شود و چون رک ذکر کند که پیش کند
و خدا تعالی فرموده مال بسیار کن باز و فراوش کند و رک ذکر کن
مقامت دل آورد و هر کس خدا را در دل باید کند ثواب ترا خدا کند
و هر کس در میان عاشقان مشغولان دنیا ذکر خدا کند خدای تعالی از اجز
بر پیشیند و روز قیامت بیاوردش از سرشتی که خاطر حق پس گذرد
و چنانست که در معرکه که هر کس خدایا باشد ثابت قدم بایستد با اعدای خدا
مقاومت کرده باشد و بهشت او را واجب شود و مؤمن بهر مرتبه باشد شود
مشغول بکار خدا باشد بعبادت مستند شود و هیچ جمعی در مجلس مشغول نکرده شود
که اگر جمعی ملوک یا ایالتی شسته شریف شود و ملوک یا ایالتی بکریمه دعا

این گویند و منادی از آسمان ندا کند که سستی است شما هرگز نید و شد بخیر
 هر گشت و اگر کسی در میان نشان باشد و ذکر کند او نیز سبب حاجت است
 هرگز نید و شد و حضرت موسی سوال نمود که گفت خدایا آیا بر روی من است
 کنم یا در روی او از سر سام فرمود من پیشتم با یکدیگر چون کند و هم
 مناجاة نموده گفت روزی که هیچ کس نباشی باشد در پناه حجت
 که باشد فرمود آنکه ذکر من کند و من ذکرش این کنم و بر این حجت
 کند و من اینان حجت کنم اینها منکر اگر خواهم بر این من عهد نمیشم
 چون ایستاد و آرم عذاب بر کرم و نیز مناجاة نموده گفت خدایا
 مرا در بعضی حال خرم آید که ذکر تو کنم فرمود در هیچ حال نباید ذکر
 من است و ذکر من هر چه بود و بیاید و هست که ذکر بر حجت
 ذکر بادل که بعضی خدایا و کاشین است و باز زبان مثل تپیل است و کلام
 قرآن و نه اگر میسایل بی ایمان و امر معروف نهی منکر و غیر آن هر چه
 خدا را بیا و آرد و با عبادت و ارکان مثل عبادت طاعات ترک مناسبت
 و افضل هر کس که بدست که معنی نیست شجاعت از آن و ذکر بادل غیر ذکر
 و ذکر با زبان و اگر کان نمیرد بکن که چون قول افضل نیست خدایا و او باشد

مثل صورتی باشد بی جان و ازین جهت که اعمال یا و اعراض دنیا و آخرت
 عبادت فی الخلق و غافلین مثل مسان اطفال مقبول نباشد و خدای تعالی
 فرموده من هر کدام حکمت را قبول کنم بکنظر بر دوش کنم که برای من
 و بیا و من کرده و هر دو هم و کره بآن و انکه از من که برای و کرده و حضرت
 پیغمبر فرموده نیت مومن بهتر است از عملش که عمل بی نیت مقبول نبود
 و نیت که عمل مقدر و نباشد همان جریاید چنانکه مریت که وقتی در
 مدینه قطعه شکی روزی در صحرای تنهایی گذشت گفت کاش این کنم
 بودی تا بر دم دادم این خبر حضرت پیغمبر رسید فرمود دهان آید
 و وجود دیگر نیز برای بهتر نیت رویت شد که این مقام ذکر نیت
 و نیز در باب سابق گذشت که هر قدر از نماز که با کمال شد با کمال بر بندگی
 بی آن باشد بر هم چید و بر روی صاحبش نند و نیز در حجت بر حق و تقوی
 گذشت که ذکر خدا ایمن بجان است و الحمد لله نیت بیکه صحت و نیت که در
 افعال و اعمال هر چه رود و خدا را یاد کنی اگر رضای خدا باشد اگر کفر
 که در حجت با نانی و انشائی این خوار و اجابت بسیار است بعضی از آن
 و بعضی نیز در صحت خود نشاء است بیاید و افضل هر کس که نیت که ذکر و آن

پیغمبر فرستاده خدای تعالی را بر اوصاف ملائکه هر یک از اوصاف بر خیزند
 و بعد از آن هیچ خلوتی نماند که بر صلوته فرستد پس هر کس این بیعت
 رغبت کند جاهل معذور باشد و در اول پیش از او بر آید
 و هیچ خبر در میزان قیامت نکین تراصلوت بر حضرت بود چون
 اعمال مومنان را در میزان گذارند که حسنات بسک و سیئات بسک باشد
 آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم هر صلوته که بر او فرستاده باشد بر سر
 گذارد و با برسیات زیادتی کند پس بیستش برده و صلوته بر حضرت است
 که نازد بیشتر بخند که آیتش از او نیز در ولایت که هر کس قادر بر گفته
 کند آن باشد صلوته بر آنحضرت و آتش صلی الله علیه و آله و سلم فرستد که
 بر ایشان کناه را میریزد و صلوته بر ایشان بر ابرار با تکیلی مکسیر
 و هر کس آنحضرت در پیشش مذکور شود و صلوته فرستد راه بهشت بر او
 شود و هر کس اعانده دعایش بخوبی باند و بال زود و صلوته فرستد
 و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود در وقت عامه امش کوزه نماز
 مکر دانند که چون همه بسیار بار کند و بعد از آنکه کوزه را در عقب بار
 آورند مکر مکر کاشته شود و بر او در یک و در آن میان آخر دعا باشد

و نیز فرموده که هر کس بر من صلوته بیشتر فرستد در قیامت بخت
 باشد و هر کس از خدای تعالی حاجتی خواهد اگر بخواست آن صلوته فرستد
 حاجتش اجابت شود و ثواب آن صلوته نیز داشته باشد کسی حضرت
 را چنانچه صدقه گفته چون از خانه بخیزد و آن آدم دعا می بخاطر فرستد
 غیر صلوته بر پیغمبر فرمود و چنانکه بختی تو پیروان نیاید و هر کس صلوته بر حضرت
 آتش ابا و شریک کرد اندر نامی آسمان کشود و شود و کنانش در ک
 از درخت بریزد و در آن صلوته بر او فرستد و خدای تعالی نماید
 اگر شما صلوته بر بنده من فرستادید من صلوته بر او فرستم و که
 بر آتش صلوته فرستد بوی بهشت آید و حال آنکه بوی بهشت را
 از پانصد سال راه توان شنید و میان او و آسمان صلوته دعا و جالب صلوته
 و خدای تعالی فرماید که ای ملائکه دعا می بیند را با لای میاید تا حضرت
 پیغمبر من صلوته فرستد و مرویت که هر کس بگوید صلی الله علیه و آله
 و علیهم السلام صد بار خسته نوشته شود و قضای دیگر برای صلوته بعضی
 صلوته مخصوصه و بیاض تعقیب اعمال جمعه و غیر آن گذشت **در قضای**
و قضای دعا بعضی امور متعلق بآن مرویت را بعد است هر چند هم

که کند و بگویم **دوم** اوقات مخصوصه که دعا را در آن غنیمت باید داشت و حضرت
 بعد از نماز از آنکه وقت زوال رسد و در حضورش در روز جمعه و عید که امام
 از بنده فرموده و اید و ساعت آخر روز جمعه و تمام شب جمعه و از صبح آخر شب
 تا وقت آخر شب درین ساعت و پنج ساعته دعا کند که اگر البته مستجاب شود
 و وقت صبح و طلوع آفتاب درین ساعت در ای آسمان شود و شود وقت
 صبح و طلوع آفتاب درین ساعت در ای آسمان شود و شود و در وقت مردم
 قیامت که در دو حاجتی عظیم مستجاب شود و میان آن دو آنست و بعد از هر
 خصوص بعد از نماز پنج و ظهر و مغرب و در وقت نماز و در بعد از نماز
 قرآن و وقت درین باد و زوایا و غیر آن اوقات که بعضی بگویند
 گذشته بعضی نیز در تمام روز است و البته بایست **سوم** اموری چند که در حال
 اشتغال و بعد از فراغ رعایت باید نمود و از آنکه در خواب و غفلت
 و جاهلای پیکان پوشیدن و بوی خوش بکار بردن حدقه دادن و غیره
 که معتقد و ربا باشد و مکانی مگر که شش مسجد یا غیر آن جنبه را کردن و دوست
 بجانب آسمان بر آید که خدای تعالی کریمتر است و دارد که دست مردم را مالی
 رود و حاجت را بخواهد نمود و بدین که خدا را خوش آید اگر چه حاجت بخواهد که بگوید

و در دعا اجتماع نمودن که هر کس چنین بگوید در دعا اجتماع کند که اگر البته مستجاب
 و اگر چهل کس باشد یکس چهل مرتبه دعا کند و در وقت دیگر آنکه هر کس چهل
 مرتبه در دعا اجتماع کند که اگر بجا است معقول شود و کسی که این گوید
 دعا سر کشاید و از جمله اسباب است و ای روح و شمای خدای تعالی کنی
 حضرت ما چه حاجتی معروض است که خدای تعالی فرموده دعا کنید
 که این حاجت میگویم ما دعا می کنیم و مستجاب نمیشود و فرمود که آن دعا را
 خلاف و حد که گفت فرمود پس چه حاجت میگویم و گفت میگویم فرمود که
 ای عفت امضا کند و از راهی که میباید دعا کند البته مستجاب شود و گفت
 را پیش که هست فرمود اول حدقه او و ذکر نعمتای او کند و خدا را بر آن
 کند پس صلوات بر پیغمبر و آتش فرستد که آن خدا را کند و سازد و او را
 بآن و استغفار از آن کند بعد از آن حاجت بگوید مستجاب شود و سید است
 تو تسبیح حق است حضرت پیغمبر و آتش صلی الله علیه و آله و سلم و تسبیح حق
 و دعا و خیر و در روز پنجشنبه بعد از آن مناجات بخواند که بگوید خدایا
 بجز محمد و آلش پیش که بر منی که پس خدای تعالی جبرئیل افراید که او را
 از آتش ببرد و آرد و گوید بعزت خودم که اگر بخواهی آن حال بگردانی

در پیش میماند ای آمان بخود و جب کرد ایند نام که هر کس حق ایشان بگوید
اجابت فرماید و این سخن در حدیث بسیار آمده و مرویت که هر دعا از
آسمان محبت تا صلوات بر آن حضرت و چشم فرستد و نیز بگوید
صلوة بر ایشان و در نود و پنج چون در اوقات آخر و عاصی و فرستند
خدا را شرم آید که اوقات آخر را قبول فرماید و میان را رد کند و از جمله
ایست که دعا را هم کند و دیگر از او را آنچه می طلبد با خود می کشد و داند
بگوید پس از مقدم دارد که برای ایشان و برای خودش هر چه می خواهد
بعضی از علماء درین معنی گفته اند که ذکر شهادت اینک خدا را
بنده کان خود را نمی فرمود که چون چند چیز را با هم بگوید هر چه کند
بعضی را بگوید و دارند و بعضی را در نهانند و دعا برای مؤمنان بگویند
و البته متجرب است چنانکه بنیاد پس چنان کسی خود را با دیگری در دعای
که لایق بیکدیگر است بختاب بگوید که چیزی که بنده کار را منع کند خود را از بکند
و از جمله بسیار است که در وقت دعا دل خردار در حقیق و محزون باشد
که دعای دل خال و سخت و فرحانی مستجاب نشود و دعای قانی و محزون را
دوست دارد و چشم کرمان باشد و اگر کسی بنیاد می کند و خود را بگوید

دارد و چون است آید دعا غنیت باید و دست که چه بقدر سر می کشد
خدا را تعالی چشم کرمان را دوست دارد و بگوید یک کس بگوید تعالی چشم کرمان را
چون اگر در روزی ادب و انصاف بگوید و شکر رتبه انبیا بگوید و چیزی که
از خود صلوة و رتبه او ببرد و دست طبع کند که مستحق قرآن شود و از جمله اینک طریقی
در حق غنی حاجت دهشت باشد که خدا پیشین بنده مؤمن است هر چه بخواهد
دهشت باشد چنان کند و در دست که چون دعا کردی حاجت را در دهانه
دان و از جمله اینک پیش از وقت و حال غایت و دعا هست عینیه دعا و
باشد تا چون در بلیت و شدت دعا کند مستجاب شود و از آسمان محبوس
نماند و کند ملائکه که بر اجابت دعوات مومنان گویند این چه اوقات
کونی شناسیم و این کجاست و پیش ازین بگوید که بگوید که دعا را هر چه
نمی نمود و از جمله این که در آخر دعا بگوید ما شاء الله لا حول ولا
قوة الا بالله که دعای قانی فرماید ای ملائکه این بنده را در پاید و اوقات
کینه و حاجتش را بر سریم که کارهای خود را بر می خویشی من تسلیم که در خواست
نمود که بگویم غیری حاجت حاجتش نماند و چون از دعا فارغ شود در
دست بر در و در و در دست دیگر بر و وسوسه نالد که دست بدعا بر خاسته

در جهت عالی نباشد و از جهت اینکه در دعا اطلاع که خدا را خوش آید
 و البته اجابت فرماید و نیز در وقت که بسیار باشد که بگذرد و عاقل و خدا
 از دعا عرض کند باز دعا کند و اعراض فرماید پس در مرتبه چهارم و بر وقت دیگر
 در مرتبه پنجم فرماید ای خداوند منی مگر دعا کرد و اعراض نمودم همان
 میکند مگر آنکه کسی را غیر من کسی نیامد و گواه باشد که او را اعراض
 و اگر در اجابت خیر شود و یا یوسف نوید نباشد که خدا ای تقی فرمود و یا نه
 رحمت من نوید نباشد مگر کفار و مکلفان بسیار باشد که بگذرد و عاقل و خدا
 برای آنکه دعا و مناجات از دست دارد و در اجابت خیر فرماید بیشتر
 دعا و تصریح کند و دعای مؤمن است اجابت شود و اگر در دعا پخته نباشد
 مصلحت باشد همانرا عطا کند و اگر بلیه تعدد باشد که رفع آن ضرر تر بود
 و خود اران خیر ندارد و از آن رفع فرماید و اگر هیچ کدام نباشد در وقت
 اضعاف مضاعف عوض دهد و در وقت دیگر آید که اگر در پخته نباشد
 مصلحت نباشد کفاره کن باشد شود و اگر دعا زود و عجب شود شش
 و معذور نشاید که شایسته است براج باشد چنانکه در باب اول گذشت
 و بسیار باشد که بگذرد و عاقل و خدا ای تقی برای این که آواز او را بداند

زود اجابت فرماید و اطلاع او را نبیند بلکه اگر زود شود شک و جهل اگر
 شود صبر و توکل نماید که در هر حال تضرع و انابت و تلقی و اطمینان
فصل ششم در تفسیر دعای توبه و عبادت و عبادت تائبان و توبه
 از این است که هر کس اندک دعا خواند توبه شود و هیچ و عمره دهد
 پس مرتبه اول عیال ایشان بشیّد و سی و پنج ای ایشان نماید و بعضی
 پس از این بخواند و امام عادل و لدیله برای الله بن و لدیله برای الله
 و عیال و قبیله که افکار کند و مؤمنی که برای مؤمنی غایب باشد دعا کند و دست
 بر دعا و عبادت تائبان دعا نیست چون کسی مؤمنی را غایب نداند و خبر دهد
 خدا که گویند چه خوب بردی تو که برادر خود را غایب ندانم و دعا کنی صدای
 و در برابر آن ترا عطا کند و در مثل آن ترا روح فرماید و اگر دعا بدو کند
 گویند چه بد بردی تو بر خود رحم کن و رنگ این کلمه کویر و زیر و دست دعا
 مؤمنی برای خود یک دعا است و چون برای مؤمنی غایب باشد دعا کند از آسمان
 حکم کند که صد مرتبه مثل آن ترا باشد و از آسمان دوم ترا کند که ترا دوت
 ترا مثل آن بود و همچنین آسمان ختم صد مرتبه از زیر زمین بعد از آن صد مرتبه
 فرماید غمی که هرگز نفیر نشوم ترا هزار مرتبه مثل آن دعا فرماید و دعا مظلوم

حدید

حدید

مُتَقِيًا لِحَاجَتِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا كَ باعْطَانِي سُوْلِي قَا
 يَا مَلَايَ حَيٍّ يَلْتَقِيَنَّ ظَنِّي وَتَصْدِيْقًا لِمَا فِيكَ يَا مَلَايَ كَلَا
 وَمَا جَزَاءُ نَبِيِّنَا وَبَعْدَ اَزَانِ نَبِيِّنَا فَمَا لَاطَاقَةُ لِحَاجَتِهِ وَلَا صَبْرُهُ
 وَارْتِكَابُ مَسْئَلَتِهِ وَلَا خُصَاعُفُهُ بِقَبِيحِ اَعْضَالٍ وَتَعَرُّطِهِ
 قَا لَوْ اَحْبَبْنَا لِقَاءَ اللَّهِ تَعَالَى قَا غَنَيْنِي يَا مَلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْكَ عِنْدَ الْكَفِّ وَقَدْ مَسَّ السُّلَّةُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَمْرِي
 وَتَبَلُّوْلِي لَتَفَنِّي وَتَهَامَتِ الْأَعْدَاءُ فِيكَ بِطَلْعِ النُّعْمَةِ
 عَلَيَّ وَاسْأَلِ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصْرًا عَزِيزًا وَفَتْحًا وَبَارِئًا
 فِيهِ بِلَاغُ الْأُمَالِ وَخَيْرُ الْمُبَادِي وَخَاتَمُ الْأَعْمَالِ وَالْأَمْنِ
 مِنَ الْخَوَافِ كُلِّهَا فِي كُلِّ جَالٍ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِي مَالِيًا وَفَعَالًا
 وَهَوَّجِي وَنَعْمًا لَوْ كَيْلَ فِي الْمُبْدَاءِ وَالْمَالِ وَدُرِّ قَتَارِ
 عَرِضِي كِي اَزْمَانِي أَنْ تَحْفَظَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ كَذَرِّ زَمَانٍ غَنِيٍّ صَغِيرِي
 بُوْدُهُ أَنْ كَرْتَمَانِ بْنِ سَعْدِ عَرِيٍّ يَا بَرِّشَ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَانَ يَا حَسِينَ بْنِ عَلِيٍّ
 مُحَمَّدَ بْنَ تَوْسَلِ شَهْ كَبُورِيَا فَا فَا لَانِ بْنِ فَا لَانِ سَلَامٌ عَلَيْكَ اَعْمَلْ
 اِنْ وَفَا نَا لَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَانْتَ كَحِي عِنْدَ اللَّهِ مَرْوِي وَفَا نَا لَكَ

حدید

خَاطِبَتِكَ فِي حَيَاتِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهَذَا رَقْعَتِي وَهَذَا
 اِلَى مَوْلَانَا عَلِيٍّ السَّلَامُ فَسَلِّمْهَا اِلَيْهِ فَانْتَ اَتَقْتُمُ الْأَمِينِ
 وَبَعْدَ اَزَانِ عَرِضِي رَابِعَةً كَرِهْتُ اللَّهُ بَرَّوْدُهُ شَوْدُهُ سَمِمْ رَجَحْتُ
 سَلَامَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَيْتُ كَرِيمِي خَاسِي بِرَأْسِي مُطْلَقِي مَا جَزِي كَرِيمِي
 نَوِيْسِي اَوَّلَ تَقَرُّبِي بِهِ وَبَرِّزَانِي تَبَسُّلِي اِنْ اَكْرَمْتُمُ اللَّهَ اَلْحَقُّ اِلَى الْحَقِّ
 اَللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ اَلْفَايِرِي بِرَأْسِي الْحَقِّ مِثْلًا لِكُرْهُوْنِ وَالْقُرْآنُ مِثْلُ
 لَا يَجْتَبِيُوْنَ جَعَلْنَا اللَّهُ وَاَيُّهَا الَّذِينَ لَا تُحَرِّقُ عَلَيْهِمْ وَلَا يُلْهِمُ
 يَحْرَقُونَ رَاوِي كُوْرِي عَمَّا كَرَامِيْنِ حَبِيْثِ شَيْئِهِمْ كَذَرِّ رَأْيِي مُطْلَقِي نَا لَكَ
 كَرَامَتِيَا بَابَتِ عَمَّا كَرَامَتِيَا وَتَوْبَتِيَا وَتَوْبَتِيَا وَتَوْبَتِيَا
 اَزْمَانِي سَابِيْلِي سَابِيْلِي رُوِيْتُ اَمَّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ دَرِيْنِ بَابِ
 جَنِيْرِي كَرَامَتِيَا اَمَّا بَابَتِيَا وَانْتَ بَابَتِيَا كَرَامَتِيَا كَرَامَتِيَا كَرَامَتِيَا
 سَادِقِي مَعْرُوفِي اَمَّا كَرَامَتِيَا كَرَامَتِيَا كَرَامَتِيَا كَرَامَتِيَا كَرَامَتِيَا
 اَزْمَانِي سَابِيْلِي سَابِيْلِي رُوِيْتُ اَمَّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ دَرِيْنِ بَابِ
 جَنِيْرِي كَرَامَتِيَا اَمَّا بَابَتِيَا وَانْتَ بَابَتِيَا كَرَامَتِيَا كَرَامَتِيَا كَرَامَتِيَا
 سَادِقِي مَعْرُوفِي اَمَّا كَرَامَتِيَا كَرَامَتِيَا كَرَامَتِيَا كَرَامَتِيَا كَرَامَتِيَا

۱۲۸

از جمله اینها که در کتاب مذکور است
که از جمله اینها که در کتاب مذکور است

[illegible]

این دعا نوشته دیدم کس بخواند در ایام آسمان برایش شود و شود
او و الدین و عیالیش آرزیده شود و خانه در پیش زد و رایت
بنا کند و خیر دنیا و آخرت برایش جمع نماید و اگر بکشد و غفران
ببایسد و بر نفس دهنده شفا یابد و اگر اطفال بنده را زمار و عقرب
مضروب باشند و اگر کسی نوشته باشد در آویز این شود و اگر کسی
مطلبی بخواند آسان شود و اگر چن دهنش ملنگ و هراس ایشان
جمع شوند از اول دنیا تا آخر آن تا روز قیامت توان آن نوشته

اللهم انی استسک یا من اقره بالعبودیه کل معبود یا من
یحمل کل محمود یا من یفرج الیه کل محجود یا من یطیب
عنده کل معبود یا من سائله غیره رد و یا من بابیه
عن شواله غیره رد یا من یجیر موصوفی ولا یخدر
یا من عطاؤه غیر موصوفی ولا یتکدر یا من یجیر دعاته
لیس یعبید و یوقیم المقصود یا من یجاء عباده بحیالهم
مشدود یا من ینس بالالی ولا یملک یا من یجده و یصله
غیر معبود یا من کریمه و فضله غیر معبود یا من یجیر

ملاک

لا اله الا انت و یا من لا یوصف بقیاس و لا یقهر یا من لا یخسر
حکمه و لا یخسر ما اقله یا من یا رحیم یا ودود یا ارحم الراحمین
الکبیر یعقوب یا غافر ذین داود یا من لا یخلف الوعد
و یغفر الموعود یا من ردقه و یشتره للعاصین صدق
یا من هو الخیر من کل مفسد یا من ان له جمیع الخیر
یا من لیست علیه حجه و احد مصلود یا من لا یجفا فی حکم
و یحکم علی الظالمین و یرحم عبدا خاطئا لا یؤین بالله
انک تقال یا یارب یا یارب یا و قد وصل علی الخیر و یغفر
الی خیر معبود و علی الی الخیرین الطاهرین اهل الکرم و الطهور

و افعل بنا ما انت اهل له یا ارحم الراحمین و هم **نفسه در وقت**
که هر کس این دعا بخواند اگر ملنگ و هراس آسمان و زمین جمع شوند تا روز قیامت
توان آن نوشته را بخواند و اگر کسی بنده را زمار و عقرب مضروب باشند و اگر کسی
مطلبی بخواند آسان شود و اگر چن دهنش ملنگ و هراس ایشان جمع شوند از اول دنیا تا آخر آن تا روز قیامت توان آن نوشته
نفس و منت خود این کلمات را در دشت جامه هر روز و در شب
بر سر کمر باندند فریاد و نورانی تر شود و چنان شود که در غایت

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ لُغْوًا لَكَ يَا بُولُوكُورِيَامِيذِي الْأُمُورِ
 يَا بَاعِيَتِ مَرْجِي الْغُورِيَصِلْ عَلَى عَقْدِي وَالْمُحَدِّدِ الْجَمَلِ
 وَلِيَسْعَمَ مِنَ الضَّيْقِ وَجَاءَ مِنْهُ فَجْأً وَأَنْبَغَ لَنَا
 الْمُنْجِي وَالطَّيِّبُ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يَنْجِي وَأَفْعَلُ بِنَا مَا أَنْتَ
 أَهْلُهُ يَا أَرْيَمُ وَيَزَارِيْنِ دَعَا جِيْلِي الْقَدْرُ زَيْسُ الْمَرْبُوتِ
 أَنْ جَمَزَتْ مَا جَارَتْ نَا مِنْ مَلَوَاتِ تَطْلِي الْأَكْمُ اذْزَقْنَا وَهَيَّوَتْ
 الطَّاعَةَ وَبَعْدَ الْمُعْصِيَةِ وَصِدْقَ النِّيَّةِ وَغَفَا الْخَيْرِ
 وَأَكْرَمَنَا يَا هُدَى وَالْإِسْتِقَامَةَ وَسَدَّ السَّيِّئَاتِ يَا
 لَصَّابِ وَالْحَكْمَةَ وَمَلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ وَأَهْلَ
 بَطْنِنَا مِنَ الْعِلْمِ وَالنَّجْمَةَ وَكُنَّا يَدِينَا عَنِ الظُّلُمِ الْغَيْرِ
 وَأَغْضَضْنَا بَصَارَنَا عَنِ الْخُبُورِ وَالْخِيَانَةِ وَاسْدَدْنَا نَمَانَا
 عَنْ عَنِ الْغَوَا وَالْفِتْنَةِ وَهَضَلْنَا عَلَى عِلْمِنَا يَا زُهْدِ
 وَالنَّصِيحَةِ وَعَلَى الْمُعْلَمِينَ بِالْمُحَمِّدِ وَالرَّغْبَةِ وَالشَّعْبَانِ
 الْإِتْبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ وَعَلَى مَرْغَوِ الْمُتَمَلِّينَ يَا شَفَاؤَ الْفِتْنَةِ
 وَعَلَى مَوْتَانِهِم بِالْأَفْرِ وَالْخَمْرِ وَعَلَى مَسَاحِينَا يَا قَوَارِي

وَالنَّكَبَةِ وَعَلَى الْبَابِ الْإِنَابَةِ وَالْوَسْبَةِ وَعَلَى النَّبَا
 بِالْمَقْيَا وَالْعَقَّةِ وَعَلَى الْغَنِيَاءِ بِالْمَوَاضِعِ وَالْبَيْعَةِ وَعَلَى
 الْكُنْفَرَاءِ يَا صَبْرَ الْفِتْنَةِ وَعَلَى الْغُرَا بِالْمَضَرِّ وَالْقَلْبَةِ
 وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْمَلَايِكِ وَالرَّحْمَةِ وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْعَدْلِ
 وَالْتَفَقَةِ وَعَلَى الرِّجْوَةِ بِالْإِنْفَاقِ وَخُشْيِ الْبَيْتَةِ وَبَارِكْ
 الْمُنَاجِ وَالزُّوَارِ الْإِرَادَةِ الْتَفَقَةِ وَأَفْضَلُ مَا أَوْجِبَتْ عَلَيْهِمْ
 مِنْ الْحُجِّ وَالْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ يَا أَدْعَى الرَّاحِمِينَ **وَأَخْبَرَنَا بِأَنَّ**
مَرْبُوتِ كَرَامِيْنِ لَعْنَةُ رَقِوَتْ نَحْنُ أَهْلُ دُرْمُودِ هَرَكْسِيْنِ الرَّحْمَانِ
 جَانَتْ كَرْدُغَرُوهُ بِرُوحِيْنِ وَاحِدٍ مَرَارِيزِ مَرْبُوتِ كَرْمِيْنِ نَزْدِ خَدِيشِ
 الْكَلْبِ صِلْ عَلَى عَقْدِي وَالْمُحَدِّدِ وَالْعَقْدِ صَبْرِي قُرْبِي وَ
 جِيْبِي مَا وَظَاغُوتِيهَا وَأَقْلَبِيهَا وَسَيِّئِيهَا لِلدِّينِ خَالِئًا مَرَكِ
 وَأَكْمُرْ وَحْيِكَ وَحُجَّدَا لِيَا مَلِكْ وَأَحْبَا أَعْدَاؤَكَ وَحُجَّدَا
 الْأَنْفَكَ وَعَظَلَا أَسْكَامَكَ وَأَجْلَلَا أَرْجُنِكَ وَالْحَدَا فِي
 أَيَاتِكَ وَخَدَا يَا أَوْثِيَا مَلِكْ وَوَالِيَا أَعْدَاؤَكَ وَخَرَّ يَا بِلَادَكَ
 وَأَمْسَدَا عِيَادَكَ اللَّهُمَّ اغْلِبْهُمَا وَأَبْنِعْهُمَا وَأَوْبِيَاهُمَا

۱۸۸
 یعنی عطا فرماید و دست دارد که آثار آن نعمت از وظایف هر شیوه پس از
 اظهار آن نعمت کند شکر گزارده بود و ذکر آن نعمت کرد و بدین
 با سبب اینست که باس حضرت پیغمبر و اهل بیت است صلوات الله علیهم
 و علی آس که موجب خضوع و تواضع و انقاد و کمال بندگی با سبب آنکه چون
 بگردید بود و در دیت که حضرت امام زین العابدین را روزی جامه ای
 ناز پریشیده از خانه پدرین رفت طاهر کندش بر عتبات
 فرموده از بدن بیرون کرده جامه دیگر پوشیده و فرموده که چون
 در جامه ای بنظرین بودم **و هم آنحضرت** فرموده چون جامه را رنگ
 پوشید سرکش می شود و از حضرت امام موسی خدایت که جامه نو را بآید
 می کشیده تا طراوت نوی زایل شود و بعد از آن می پوشیده که
 جامه برای کبر و شهرت پوشیده روز قیامت خدای تعالی جامه از پیش
 در و پوشانده و در جهنم قرین قاطعان باشد و از حضرت امام جعفر صادق
 پرسیدند که حدیثی که در لباس کهنست فرمود این که چون جامه خوب
 پوشی خواهی که مردم به پند و لباس طاهر بر بر مردان حرمت
 و هر کس در دنیا هر چه بپوشد در آخرت از آن محروم باشد **و حضرت پیغمبر**

حضرت امیر المومنین علی علیه السلام و **امام القاسم بن زین العابدین** هر یک
 که خدای تعالی روز قیامت بدینت را با پیش میوز و بدینت را بکفا
 در لباس سفید است و سیاه لباس نبی العباس است و سیاه لباس
 در موت که در عبادت و موزه و در است و دیگر جامه نیز وارد شده و فرمود
 لباس نبی امیر و قمره لباس شیطان و حضرت لباس اهل بیت که فرمودند
 لباس نیات چشم را قوت دهد و دیگری بر دوش و پیش و خوشی کند
 شود و قوت مبارک شود دهد و کفن سفید سوزگانه باشد که
 خدای تعالی کی کان مالی عطا فرماید و کفن سیاه لباس جبار است
 و چشم را ضعیف کند و مورث غم باشد و مبارک است هر کس که در آن
 لباس اهل بیت نشاید که مؤمنان بپوشند یا آن کار کنند **و در**
 که پاک باشد و کسی که در آن کشته آید باشد و حضرت امام جعفر صادق فرموده
 که حقیق مرغ و زرد و سفید که است در بدست حقیق مرغ شرفست
 بر خانه حضرت پیغمبر و سفید بر خانه امیر المومنین و زرد بر خانه فاطمه
 و خدای پیغمبر و اهل بیت بپوشید و برای دوستان اهل بیت
 می کنند و هر کس از شیعیان که یکی از آن کشته غیر خوبی و دوستی

درست از جمیع انواع جان پند و هاست از سلطان و از جمیع حکام و
 و دفع بر پستی کند و اتفاق را بیل کرد اند و هیچ دوستی به عا بر داشته
 نشود و دوست تریش خدای تعالی از دوستی که با اکثر عقیق بر دارند
 و حاجات با جسته و نایابند و خدای تعالی نظر بر برتری کند و از تو خدای
 خوش عقیق آفرید پس فرمود قسم نبات خودم که خدا بیکم دوستی که با و یاب
 علی اکثر عقیق داشته باشد و دوستی که کرده که چون خدای تعالی
 که سازا آفرید و دوستی است بر پستی عرض فرمود اول عقیق با دوستی
 قبول کرد پس ایشانرا افضل شرف عطا فرمود و دوستی که کرده که
 عقیق سرح اولی که دوستی که اقرار بود دوستی خدا و نبوت حضرت پیغمبر
 و دوستی حضرت امیر المؤمنین اولاد طاهرین صلوات الله علیهم و است
 برای شیعیان و جهنم برای عدا و ایشان نموده و دوستی که ناز
 با عقیق بر ابریت با نزار رکت و کسیکه محمد نبی الله و علی ای الله
 بر عقیق نقش کند و اکثر سازد از دنیا زد و دیگر فطرت اسلام را
 در سحر هرامی زده بود بحدیث حضرت رسول زده شکایت نموده
 فرمود باریت که اکثر عقیق بخت دارد که از دست از جمیع حکام

و دوستی که از دیگران باین حد فضل عز و توفیق گذشت **و از حضرت**
امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود دوست دارم که شیشه باغ اکثر
 داشته باشد **یا قوت** برای زینت و دفع فقر و قسوت که در دنیا با و نماند
 بیشترت **و غیر زده** که مومن را خوش آید و حاجت نموده دوستی که فرود
 در آن باشد چشم و دل را قوت دهد و خدای تعالی شرم دارد که نامش کند
 دوستی را که با یزید زده به عا بر دارد **و حدیثی** همیشه در دست نمکند
 یکبار خود دارد که سر کشان حق و کسب ادا و رکنه و چون بطلانی اثر
 عاقبت نمکند در دست کند که شتر ایشانرا دفع کند **و در کتب**
 که مکتوب است اکثر نمکند نظر که بر آن کند حتی باشد که کوشش مش شود
 انبیا و صلحا بود و اگر نسیب رحمت خدا بر شیعیان شود که بخوانند اینها
 و فقر را رها و معتد و ر باشد قیمت از چنان میکند و هیچ زبانی دعا نمکند
و دوستی که در جبهه یابی که فارسیان و سیدهای کوبیده شیعه و ستمکاران و کشت
 برای صافش باشد و دوستی که ناز با آن بر ابریت با عفا در کتب ناز
تا آرد به پیشانی که دوستی از اهل بیت ظاهرین که در کتب است
 و کند و هر کار که بسم الله گوید شیطان شریک نشود و هر کار

نموشد و نموند و در رکعت نماز کرد و در هر رکعت الحمد و آیه الکرسی
مواظقت دارد و آنرا از نماز بخواند و بگوید لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي كُنَّا فِيهِ
مَا أَوْرَثَ بَعْدَ عَزِّهِ وَجَلَّتْ أَعْيُنُ النَّاسِ عَنْ رَأْيِهِ
و در آنجا بیعت کند و بعد از هر رشته از آن رشته برای او دعا کند
و استغفار نماید و از خدای تعالی طلب رحمت نماید و اگر بگوید الحمد
لله الذي كان من اللبائس ما انجس لهم في الناس اللهم
اجعله قويا عزيزا و ترکه اسمع فيه و طر ضاياه و اعظمها
مساجدك من انفس امرئيه شود و در آن جا بدو می زنند
و اگر کوزه آب می دود و روایت دیگر می فرماید آنرا از نماز بجا آید
و بر آن جا بدو می نشاند تا رشته از آن باقی بود و در وقت و زحمت
باشد و چون جا بدو می نشاند و فارغ شود بگوید اللهم يا ذا الجلال
و الاکرام تو جئت و بک اعصمت و علیک توکل و انت
تفقی و تصافی اللهم ارفع ما اهتمت و لا اهتمت و ما
لا اهتمت و ما انت اعلم بهم مني عن جارک و جوارک
و لا اله الا انت اللهم زدني التقوی و اعظم ذنوبی و تقصیر الخیر

بسم الله الرحمن الرحیم و چون تمام بر سر نهد یا اکثر در وقت کند بگوید اللهم
سوفی یبذلک الایمان یا کما در فضل او ایجاب کند که نشاند و تمام آید
بند و در وقت که هر کس تمام بند و وقت آنکس بند و اگر کسی بند کرد
نموشد باشد عاقبت کند بخود را حضرت امام جعفر صادق فرمود
عجب دارم اگر کسی که تحت آنکس بنده بجا می رود و چون عاقبت بر نیاید
و درین زمانه که بسبب تعبد از انبیا و نبی تحت آنکس برود که گشته
شش کفر شمرند نه اگر در اول نماز بنشیند تحت آنکس بند و چنانکه می بیند
میکنند آسمانی این است بعد از آنکه باشد و چون عاقبت باشد اند
بای راست کند و بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد
و علیک قد فی الدنیا و الاخره و یجفعما علی الصراط المستقیم
و در آنجا بعد از آنکه بگذشت بای چنانکه بگوید اللهم
للمحمد لله الذي رزقني ما اوقى به من الاديء اللهم
علی صراطک و لا ترکهما عن صراطک السوی و بای که می کش
براه رود و اگر کسی یا شری از اجنه دشمن عارض شود و در وقت
معارفت کند و چون بای از بدین بپوشد که تا که تمام کند

معهذا تر باشد و ششانی شود چون عمار از سر برگیرد طاق بالایش را بر داشته
 در این نشخ که کرد تا ششانی بر سر نهند **فصل دوم در قد طعم خوردن و حرکت**
 از اسب است طاهرین که منافق با نفع رود و طعم جزو و مؤمن با یک ده
 و بسیار خوردن در این و غلانی و پریم و از غذا دور و غل کر داند
 وین بی پروا کند و شوت بر این که و نفس را گرسنه و عقل را تیره و شکار
 اعانت و درین را فاسد کند و موجب اندر این باشد که در دنیا تیر و
 قیامت که سست تر باشد و بر سر سیر می چندی خوردن و موزش برش باشد
 و در این ترین حالات در ز خدا است که سگم را باشد و دوست ترین
 که خفیف و سبک بود و یک نفر و در حق زنی خفیف از پست است عباد
 کردی و هر که خدا را بشناسد و می ار نکلام و سگم از طعم من کند و در
 نشود و که سکنی دام مؤمن و عبادی روح و قوت دل و جهت پست
 و در هیچ آثار بکسی سیریت و حرکت که یکی علی بن ابی طالب و علی بن الحسام
 از اهل بیت لعین پرسید که چه صفاتی درین می بینی که ترا خوش آید گفت
 بی این که چون ششانی را کنی چیزی پشته تا اول غائی و باین سبب بعضی
 عبادات و طاعات در شب از تو قوت شود و فرمودی می پدید کردم باشد که

و ک

هر که طعم سیر بخورد و این با وجود است که حرکت که طعم خفیف
 و یکی می بود که حیوانات بخورند و ماکل خود را از ایشان استیاز
 می کند است و حضرت پیغمبر فرموده بعد از این جمعی آیند که در نیت مؤلف
 شوند و در نیت تربیت یابند و ششانی غیر الوان اطعمه و شیر نبود
 و چون در مجلس سخن نیده از هر طرف کسی شوند ششانی بدترین است
 و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که هر کس نیتش همان
 که در مجلس می شود و نیتش همان که بیرون می رود و نیز در نیت
 نیت سگم را برای طعم بگذارد و نیت را برای آب و نیت دیگر را
 نفس خود را فراموش کند چنانکه چون را برای کشتن فراموش کند و نیتش
 طعم و در ایل که نیت آن عقل و شرع را زاید از نیت که در نیت کمال
سوم در اوقات طعم خوردن و آداب و نیت آن حرکت از
 اول نیت طاهرین عظیم التمام که بهترین اوقات برای کل و قوت
 یکی صبح و عزو نیت که هر کس در آن خواب چاشت را روزه بخورد
 بعد از نماز صبح که وقت غشا و انبساط است حرکت که وقت نیت
 البته باید چیزی تناول نمود و خصوصاً پیران را و ترک نماید که در کمال

برکت و فساد و محنت و موجب ضعف مزاج و قوی تپان در برکت
 که عرق غش گویند اگر کسی چربی بخورد آن عرق متسبب نفرت میکند
 و گویند خدا تران را که میگوید چنانکه مرا گرسنه و تشنه کند شستی و درین
 میان چیزی دیگر نشاید خورد که موجب جاذبه و امر من فساد بدن
 باشد روایات بسیار در مذمت تنه خوردن آمده که شیطان
 شرکست طعام بی برکت شود و هلاکت کبر و غفل باشد و گاه باشد که
 با اومت برین مورد غفلت و کبر باشد و دست بسیار و طعام موجب
 زیادتی برکت جمیع بجزرت پیغمبر شکایت کردند که طعام بخوریم و کس
 نمیخورد و من و تنه طعام بخورید با هم جمع شوید و بسبب آنکه گویند بابت
 زیاد شود و در او انی طعام و فقره اکمل شرح است که هر کس چنانکه
 آتش چشم در شکمش جوش زند و دستش تنگ و پهلای طعام و بعد از آن
 وضع پریشانی کند و روزی بغیر آید و عمر در آن کند و چشم جلا و کمال
 مجلس هر در یک لیکن است بشویند و با بر نشود یا به فایده نشود که از برین
 که خفاشان میگویند و همچنین است که در دو در دست شستن شستن
 طعام ابتدا با صابون بکشد و بعد از آن از جانب راست بشویند و بر

و بعد از طعام ابتدا با صابون بکشد و با دست راست ابتدا از جانب راست
 و چنانکه هر کس باشد چنانچه پیش از طعام دست بشویند و شستن کند که
 بر طوبت در دست باشد برکت بسیار و چون حاضر شود گویند فی علم الله
 اللهم اجعلنا من امة مسکونة و تصلي على ائمة الجنة و بعد از آن
 بگوید در وقت طعام حاضر شود پیش از آنکه در وقت شستن و بعد از آن
 گویند صدای تقای برکت بر شما زیاد کند و شیطان جود خود را گویند
 چون روید که شما را نصیحت نیست و اگر بسبب آنکه گویند که زیاد باشد
 که شما نیز نصیحتی دارید پس بپایانید و شریک نشوند اگر بعد از آن بگویند
 بگوید شیطان آنچه خورده باشد حق کند یعنی از شکمش زایل شود
 و هر کس طعام حال جز در دو در اول بسبب آنکه در آخر طعام شستن
 و روز قیامت او را از این طعام سوال نکنند و هر کس چنانکه بپایان
 و الحمد لله رب العالمین مسنون زعم به من رسیده باشد که شستن
 آورده شود و اگر چه نفع طعام باشد و هر یک بسبب آنکه گویند و اگر در پیش
 که در هر یک گویند و راهی که بگوید بسبب آنکه اول آن حضرت امیر المؤمنین
 صلوات الله علیه فرمود بسبب آنکه بگوید و هر چه خواند بخورد ازین نعمت که هر کس

که شیر تان کردی گفتی اللهم باریک لنا فیهِ ویدفاهنه
 و چون ماهی تان کردی گفتی اللهم باریک لنا فیهِ وابدلنا
 خیراً منه و چون خوان بر داند بگوید الحمد لله رب العالمین
 اللهم اجعلنا نعمه مسکوره و صاحب نعم را دعا کند و بگوید
 اللهم باریک لهم فیما رزقهم و اغفر لهم و اقهم اللهم
 اطعم من الطعمتی و اسق من السقانی و بعد از تمام دوت راز
 چربی پاک کند که اگر چربی در دست باشد و بخوابد آنکه در جهت این بود
 و چون بعد از تمام دوت بشود دست راست را بر او مالده و بگوید
 بگوید الحمد لله الحسین المجلد المنعم المفضل و در چشم این کرد
 و اگر دست بر روی او مالده بگوید الحمد لله الذی هدانا لهذا لم كنا لعلنا ننفقا
 و کل بلا و ضلح اولافا و اگر میوه نو بر پند میسند و در چشم کرد
 و بگوید اللهم کننا آریتنا اوهنا فی عافیة قارینا اخرها
 فی عافیة و نیز بگوید اللهم باریک لنا فی عمرنا و باریک لنا
 فی هیتنا و باریک لنا فی صاعنا و باریک لنا فی قدنا
 و چون تان کرد بگوید اللهم کننا اطعمتی و هاتنا طعمتی

نیزها

آخرها و باریک فی هیتنا و باریک فی عمرنا و باریک فی صاعنا و باریک فی قدنا
 که میوه را بشوید که میوه زهر برود و در و بعد از تمام ضلح کشید
 که دست است و در این آغوش شود و در آنجا حکم کند و باریک رزق
 باشد و ملک را از پنج چیز آغوش بدینا که از نعم که در دندان مانده
 و بدینوی شده باشد حضرت پیغمبر فرمود که خدا تعالی حرکت کند
 بر کسی که در وضو و طعم ضلح کند از جهت من و مکی از آسمان کند
 و بگوید اللهم باریک فی لیلنا و لیلین و الحاکمین عدلین آنکه که
 هر که در خانه داند و تفلین آنکه که ضلح کشند و هر چه ضلح از
 دندان بیرون آید باید انداخت و اگر از زبان جدا شود و فرو برد
 و با چوب ریختن و از ضلح کشند که عرق جذام را حرکت آید که
 با ضلح کشند و روز دوشین مستجاب شود و **فصل چهارم در فضائل**
بعضی انواع ماکولات و رویت از اهل بیت طهارت که باوشیدند
 از صد و تفلون کشند ایم از است که صد و تفلون دوت داریم
 و نیز رویت که مؤمن لذت و شیرینیت لذت و شیرین دوت
 دارد و رویت که هر که تفلون دوت و پنج حضرت در رویت و کل

دوای هر علت و هیچ ضرر نکند اما قدر استعمال آن در احادیث یک
 اکت است و سه اکت و ماهی یک مرتبه و شل آن دارد شده نه اینکه هر قدر بیشتر
 و در هر حال خواهند خورد و توقع شفا داشته باشند و نیز عرویت
 که صلی که نیز باشد و بولیش عطسه را در دایقه میزند و کرده باشد
 تمام قاتل و غیر آن نافع و دواست و **مردیت** که ماهی است و فرا
 دوت داریم و شیطان از طیف مخلوق و خدا دوت دارند
 و احدی از طیف آتش مخلوق و دیگر دوت دارند و نیز **مردیت**
 اگر ام کنید و خود را که از بقیه طیف آدم مخلوق شده دیگر کسی روز
 هفت و از بجه که نوعیت از خدا باشد تا بخورد و در آن روز از سر
 و نیز و شیطان این باشد و اگر وقت خوابیدن بخورد و اگر موعده
 بکشد و مردیت که اگر ام کنید نماز که خدای تعالی برکات بخت
 برای و انزال فرموده و برکات است و اگر برون آورده و از غسل
 تا ارض در آن عمل نموده و از جمله اگر پیش اکت که با کار و نبردند
 و زیر پا کنند و چون بر سفره حاضر شود انتظار چیزی دیگر نماند
 و نیز چنان کنند و نیز مردیت که دایان علیه السلام بگشتی بانی نانی

که او را در گشتی نشاند نماز اید و راندخت و گفت این ایچکنیم این پری
 ما در زیر پا افتاده است و اینانی دوت بد عابره داشته گفت خایا
 دیدی که با آن چه کرد و چه گفت نماز اگر ام فرمای پس صدای تنای
 فرمود که باران را آسمان نیاید و یکاه از زمین ترست و خط طایع
 گشت تا صدی که روزی زنی با دیگری گفت بیایا امروز فرزندم را
 با هم بخوریم و فردا فرزند ترا آن طفل را با هم بخورند روز دیگر او را
 طفل دیگر بخورند و فرزند راضی نشد تا یکاه را بخت دایان بر دخت
 کار شما این جا رسیده پس عا که در خدا یا کو که ان و یکاه ان را
 بکند و شعیان مواخذة کنی و بر شانی رحم فرمای پس بران آمد و خط
 زایل گشت و از اینان عییم تمام مردیت که طفلان چو بر سر آید و شعیان
 است بر سر ترانس و دوای هر علت و صاحب این پنج چیز نافع تر از نانی
نیت و رویا بسیار آمده که ماهی است و دوت داریم و بسیار اول
 کنیم و دوت داریم کسی را که گوشت دوت دارد و دستش را که گوشت است
 در دنیا و آخرت و هر کسی چنان گوشت گوشت و دین و خلق شود پس گوشتش
 از آن باید گفت و بخت بر سر روز گوشت خوردن و یک روز و دوت

گوشت نباید خورد و بهترین گوشت که گوشت است و مرویت که اگر بهتر
 از آن بودی خدای تعالی از اخذ آن سبیل گردی که گوشت کبک است
 دفع کند و بهترین اعضای حیوان اعلی بدست و بدووم ترین اعضای
 که بعضی بول از دیگر است و سید عالم گوشت درخت و برنج و پنبه
 قطع کند و مریض را نفع بود و هر سه ماده است که بر حضرت پیغمبر
 نازل گشته و چند روز قوت عبادت افزاید و حدیثی از ائمه است که
 در کشتن روان کردن و با قند و طبع و شستن با قوت و دهن خون
 صلی از آن توله کند و پیغمبر و کدکان هر یک آنها هرگز کند و نافع باشد
 با هم و رویت دیگر آمده که پیغمبر و روزی نفع کند و شنبلیله باشد
مرویت که هر کسی را وانی که پیغمبر و پیغمبر است که در آن ماه دعایش
 رونق شود و خربزه شش رحمت و شیرینش رحمت و یکصد هزار
 مفاوذه را رحمت ثبت شود و مفاوذه را سینه محو کرد و دو نشت
 نباید خورد که مورت غایت و انور از آن فی از میوه های بهشت
 و انور سیاه نم یابلی کند و هر کس هر روز از شنبلیله و یکونیز
 چمن بخورد و از جمیع امراض این که در مریض الموت **مرویت** که نهی

نیز

حد و پست نفع میوه بشمار داده و سید عالم از پست و خرد زهرنگونه
 و اگر کرسنه بخورد و بر سر طعم بخورد مضمم کند و در آن
 دانه از پست است و از این جهت انار را تنها تمام باید خورد و دانه
 بهشت فوت نشود و هر کس یکبار تمام بخورد خدای تعالی چهل روز
 شیطان را از دور کند و اگر دو بار بخورد صد روز و اگر سه بار
 بخورد یک سال هر کس یک سال شیطان از دور شود و گناه کند و بهشت
 رود و رویت دیگر آمده که هر کس یکبار انار بخورد و دل انور
 کند و چهل روز شیطان و سوسه را پمار کند و پنج و است
 شکم مومن نشود و مگر که دای چیل کوفت باشد و سید محمد و سید
 عوارض بلغم دو بار عاف و تب دفع کند **حضرت امام محمد باقر**
 فرموده اصل پست چهاران خود را سبب آب سرد را و ای کیم شما
 نیز چهاران خود را سبب بدید که هیچ چیز نافع تر از آن نیست
 راوی که یاد اصل پست من هم چهار بودند پست را سبب دادم صحت
 یافتند و خورون سبب پست آمده را قوت دهد و زهر طواری
 هیچ چیز نافع تر از آن را سبب پست که بیانش مند و آسانیدن آرد سبب

در عافیت از دایه شده و بعد از آن وقت دهد و کف و در آنست
 کند و بی دل را دلیر کند و اندر فرزند را جیس کند و خضوعی اگر نماند بخود
 و غم بر و چنانکه گشت عرق پشانی را پاک کند و دل چشم را جل و در
 و عقل مغز آید و تحت در دل زیاد کند و هر کس یک به بخور و حدیثی که
 حیدر و زرباش را حکمت جاری کرد و اندو اگر سه روز نماند بخور و در
 صفایا بد و دل را علم و عقل مملو کرد و او را یکدین و خودش محفوظ کرد و
 داند و در دل اوقات دهد و بعد را دایه کند و در دایه از دوی را یک
 دهد و بر طعام نفع ترست و دیگر بی بر و در جوانی علم کرد و اندر و عقلی را
 نفع باشد و محتاج هیچ دوا نباشد و که در دایه را وقت دهد و عقل را نماند
 کند و حضرت پیغمبر چون در دانشش علم چندی فرمودی و که در آن سینه
 و چند بر کار که فرود می رود و بر آن عرق جدام را قلع کند و بر تمام را
 پیچ چنانکه از آن شود و چهار را نفع باشد و موجب خواب و بهتر چنان
 بود و هیچ آلم در آن بود و از پیچ خیزه آخر از بیدار بود که پیچ سودا کند و در آن
 در بر من آلم را نفع بود و آلمی در آن نباشد و در سر ما که کافیه و در آن موافق
 باشد و پانزدهم بر و در خون صاف کند و دین خوشبو کرد و اندر و عقل مغز آید و غم

و بجاست را امانت کند و گوشت و دندان حکم کرد و اندر و دین مردیت که چون
 در چشملبدی شود از پاز آن بخورید که تیسرات دوا را نماند و کند و
 سینه بزیات و سر و زهره و قطره از نیت بران ریزد و در
 قلع کند و دین خوشبو کرد و اندو با دایه بکشد و امانت از غم که
 که با آن دایه است نماید و چون سر و زهره و دایه بران نماند باشد که
 سینه بزیات هر روز قطره از نیت بران ریزد و در
 افشاندن و شستن و بزی حضرت پیغمبر است و او را دایه که بسیار کند و
 که فضل آن بر سایر سبزههاش فضل است بر سایر نام و دایه را
 علق است هر کس قند خوابیدن نفع بر کاران بخور و کشت و قلع
 این باشد و اگر روز چند پیش از نماز نفع بر کاران بخور و نیت شود
 و مسوح کشته که اگر کرم کاهنی را بکارند بعد از آن دو قرصه نیت کنند
 لطیف و شیرین شود و با در و کاهنی را بخور و کوه بزیات
 امیر المؤمنین است و اهل نیت ترین خوان آن فایده دایه است و اهل
 و از هر عطی و حضرت امام موسی فرموده دوست دارم که پیش از طعام از آن نرم
 کس که بشاید بهشت آورده و هر دو چوب پیش از طعام بخورم بعد از آن چوب

برو انهم و اگر بعد از طعام بخورم مضطرب گم کند و دفع شل نماید و بوی خوش
 کند و برگ ترب طعام را مضطرب کند و با وضع نماید و بول براند و خوش
 بنم قطع کند و کسی که در شب جر جر بخورد که بخاری تره تیر که گویند از
 جدام و برین امین باشد و قاعدت بوی آبی ساخته شده گوشت بر و یاند
 و استخوان شکسته برین برده و بنم و صغرا قطع کند و بخا و دفع و دفع نماید
 و اگر بعد از طعام بخورم مضطرب باشد و روایتی آمده که مردان قاعدت
 بشک خوردند که بشاید مضطرب باشد و اگر وقت غریبه با آب بشویند و بعد از آن
 بقدح و بیکریند تب بر و وقتیت ساق و قدم کند و کسی که مضطرب
 میشود که حضرت امام جعفر صادق فرمود قاعدت جو بسیار باشد
 و در مرتبه پشتر نایاب مید که شفا یافت و قاعدت عدس ششکی
 بنشاند و بعد از قاعدت دهد و چنان خون را ساکن کند و حرارت
 اندرون بنشاند و دای مضطرب بود و **مریض** که زنی را
 حیض غلبه کرد و دوتا آنکه شرف بر موت شده بود حضرت امام
 محمد باقر فرمود قاعدت عدس آشامید بخت یافت و کسی که قاعدت
 مرغ مداومت کند اول و شش بسیار شود و مایه بسیار چون برین

لاغر کند و اگر کسی ششهای بخورد و بر سر آن چند دانه خربایا بخورد
 چمن فای بود و بوی گوشت بر لقمه که در پیش بدن شود و آنقدر که وقت
 پیران کند و در عین دوات و مریت که چون کسی به بنجاه سال از
 شب بخوابد و دروغن بخورد باشد موافق قاعدت **فصل پنجم**
در فصل آب که در وقت استراحت و در وقت از این آب که برین طاهر است
 که سید الشهدا بخت است و هر کس را آن مقلد شود خدا می آید و او را از
 اثره بخت مکرر کند و آنکه بوی مقلد شدن از آب است که قدر اینست
 و فضل آبی در اعطای آن بدانند و یکی از اطا حضرت امام موسی را از خون
 آب شمع که در حضرت فرموده چنان می گویی آب طعام را مضطرب کند و شفا یابند
 و افشاء حرارت کند و غضب بنشاند و عین مغزاید اما افرو بناید کرد
 و نشسته نباید تا شاید مکرر آب بنشان که مادمه و غلبت و بسیار از این
 از آن موله شود و سوزمون شفا یابند و درین است و هر کس سوزمون را
 برای تبرک بنشاند خدا می آید و شفا یابند و طبع کند که برای ایشان
 استغفار نماید تا روز قیامت و آب زعفران دای هر مرض حضرت
 امام جعفر صادق را حوالی بیماری پرسید گفت بخت که نیم فرمود

که من یای شاهی بودم آید ز این نای نادان کجاست منظره باو میدادم راوی
 گوید آید میرزا باو و اویم همانا عقدی یافت و آید بان بدتر از آلام
 پاک کند و بت و وسوسه شیطان دفع نماید و ایازا در دل ثابت
 گرداند و آید زات و نادان از بت بر و میریزد و در روی زمین
 نهری مبارکتر از آن نیست و خرشته هر شب را آسمان آید و شرعاً
 از گشت بت در آن ریزد و آب جوشیده بهر خلقی نافع است هیچ
 چیز ضرر نکند و اگر آب را بجوشانند که بخت جوش بر ندی بطنی دیگر
 کنند و بنوشند تبیر و دساق و قدم را قوت دهد و آبهای گرم
 که بوی کبریت کنند و آبهای تخم بد طعم را و انباید کرد که در طولی
 اجابت حضرت نوح کند پس آنها را لعن فرمود و مردی روزی
 به او افتاد و چنین آبی بود و بجزرات نام منی را هم من میگویم سلام خدا
 نمودند فرمودند که آن نیست که چیز نیر که خدای تعالی لعن فرموده
 شفا در آن کد نشسته باشد زیرا که چند چیز است اجابت حضرت نوح
 کردند و معون گشته و تخم و شور شده و بر دیت و کفر فرمودند
 آبی که هر روز سه مرتبه بخار و دیت نامی کند و او ایان می کند زیرا که

صافی

خدای تعالی و دیت را را با بیا عرض نموده هر کدم که قبول نمودند عظیم
 شده و آنکار که در تخم و شور گشت **تا آید آید شایان آب که در روز**
آید و آید شایان فضل است که برای قوت معده و صحت بدن و ضعیفان
بهتر است و شایسته که بیاورد و در شصت و غرق خدام را بجز که
آید و آید شایان آب باید بخورید که باشد که بغیر آن بافت و بچ که
شود و بر نفس آید شایان فضل است و در دیت و دیگر آن که اگر کسی که
آید و در دیت و بیاورد و بیاورد و بیاورد و بیاورد و بیاورد و بیاورد
آید شایان بسم الله باید گفت تا شیطان شر نکند و اگر چنین بگوید
افضل است الحمد لله من الله و مصر من الامر کیف یفاه فیهم الله
خیر الامم آید و اگر در شب بخورند آید حرکت دهد و در نوبت بگوید
علیک السلام من ماء و نوره و ماء الغزاة من عرش الرحمن شود
و هر کس بر نفس آید بیاورد و در نفس بسم الله بگوید و هنوز نرسیده سر را
و بیاورد بگوید آن آب در گشت باشد برای او تسبیح کند و بت اورا
و بیاورد و از پیش دست و جانب گشته که در نوبت باشد که در دستش
و بیاورد از آب خوردن بگوید الحمد لله الذي سقانی ماء عندی

وَدَعَّيْنَاهُ لَكُمْ اَجْلًا يَوْمَ الْحُكْمِ لِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَلِلسَّعَةِ فَاَنْتُمْ
 قَاعْظَانِ فَاعْظَانِ وَعَاظَانِ وَكُفَّانِ اَللّٰهُمَّ لِحَبْلِكَ مَحْنٌ
 كَسَبُوهُ لَكُمْ وَنَحْنُ حَرَمٌ مَّحْصِلٌ اَللّٰهُ عَلَيْهِ قَالِمٌ وَتَعْدٌ
 بِرُفْقَتِهِ بِحَبْلِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ رویت که حضرت امام جعفر صادق
 روزی آب سارید پس پیشم بردش پراکنش گشت و گفت ای الله علی ق
 الطین پس فرمود هر کس بعد از آب خورون حضرت جبرئیل و اسرافیل را بگوید
 و برآتش آید که خداوند برای او صد هزار حسنه نویسد و صد هزار سینه
 بخشد و صد هزار دره بدهد که داند و چنان باشد که هر روز بگوید اراؤ کند
 و چون روز قیامت شود و بگوش خند باشد و بشکوه حرارت برآید
 و بجهت هر کوزه را پوشیدن که بشلان کوزه هر پوشیده در آن باشد **صلی**
ششم در فضیلت کرب و لکم مثل یان رویت است از علی بن ابی طالب علیه السلام
 که چون ماهی در خنانه شود در زشتی با او آسمان آید و چون ماهی خورد
 کنان اهل آسمان آمدند و شود و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمود که
 پرسید که بشمار آنچه دعوت میکنی گفت پنج وقت طعام بخورم که در دو
 و کمر و پیش از این با هم باشند فرمود فضل ایشان بر تو بیشتر است فضل تو

برایشان گفت من پیش از طعام می خورم و خایه خود می آرم و فضل ایشان بر
 فرمود و می چون در خنانه تو شود با صغرت تو و عیال تو در خنانه
 و چون بیرون روند کنان شمارا بیرون برند و هم از ایشان علیهم السلام
 رویت که هر کس منی را ببرد و بچسباند آن نداند که بکلی تفریق بجز
 بر سر کبر خدای تعالی و مغفرت کند و شش لازم کرد و دو بهشت چوب
 شود و از نعمتهای بهشت عوض یابد و بهر تری آن که یکا فی از دوم
 آرد و کند پرسیدند که اقی چه قدرت فرمود صد هزار یا بیشتر و هر کس
 مومنی را دهن عقیقه شیرین کند قحی روز قیامت نه پند و فضیلت طعام
 مومنین بخصیصه رباب دیگر انشاء الله بیايد و هر کس منی شسته را آید
 خدای تعالی او را از ریح حق خنوم سیراب گرداند و اگر در جانی آب
 راب باشد چنانست که ده بنده از اولاد اسمعیل آرد و کند و نفسی را
 رنده کرده اند و هر کس بکفین ندهد که اند چنانست که تمام نام از نده
 کرده باشد و هر کس بکرتش را از انسان یا حیوان آب دهد و بگوید
 عرش خدا باشد در روزی که بچسباند پناهی بود و هم از ایشان علیهم السلام
 رویت که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت طعام از اکرام نماید چون کفای

کسی دارد شود باید طعام بر عرض کند و اگر میل کند آب عرض کند و اگر
 رغبت نماید آب و صومعه و قیام دارد و نباید که شست که همان توبه
 خدمتی و کاری شود و مرویت که حضرت امام رضا علیه السلام را همان
 شد در شب خواست که خفته چرخ را دستی بزند حضرت منع فرمود
 و خود متوجه آن گشت و فرمود ما اصل بیت مطهر را بخت نکردیم
 مرویت که چون همان دخل شود در آوردن رخت و سبزه
 مدد کند و چون پروان رود مدد میکند و از جمله اکرام نیست که خلایق
 برایش می نمایند و با او طعام خوردن رفاقت باید نمود تا
 دست نکند دست نباید کشید و اگر همان خود دارد شود برایش
 تکلف نباید کرد بلکه هر چه ~~در~~ در خانه باشد اکتفا باید نمود و اگر
 دعوت کرد که باشد تکلفی که مقدور باشد باید کرد و مرویت معلوم
 نیست که کدام عجب تر باشد معانی که میزبانان باید تکلف دارند و این
 که برای همان تکلف کند و نیز مرویت که هر کس شود میزبانی که بچه
 در خانه دارد و برای همان چهره سازد و معانی که آنچه برایش آید حیرت
 انگار دور و ایات بسیار آمده که تحت دوستان بهم این توان است

کلی

که طعام یکدیگر را از روی رغبت و بیضا و شکلی خوردن یا از روی کراهت
 و کفایت از آنچه یکی از صاحب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گوید روزی چند
 حضرت زینم فرمود طعام آوردند قدری خوردند و دست کشیدند فرمود
 بجز کفتم خوردم نسبت فرمود و دیگر بجز نمیدانم که تحت دوستان بهم
 ازین توان است که طعام یکدیگر را از روی رغبت و بیضا خورد
 پس این است مبارک جمع میفرمود و من میخوردم و امثال این روایت
 بسیار آمده و چون مومنی کبیر او عوت کند اجابت باید نمود که
 احادیث بسیار آمده که اجابت دعوت مومن از جمله حقوق و اینها
 که مومن را بر یکدیگر ثابت و حضرت پیغمبر فرمود و صیت میکنم حاضر
 و غایب است خود را که اجابت دعوت مسلم کند اگر چه پنج میل را باید
 رفت که اجابت مسلم از جمله حقوق و نیست اما در جای که معصیت کنند
 و طعامهای حرام و مستهجن طعامی که نمیند دان باشند و نه باشند
 اجابت نباید کرد که درین نیز اخبار بسیار آمده و نهی بلخ شده امثال
 این مجالس جمیعست و دوری از خدا و قساوت قلب و تحت دنیا
 و اگر کسی نطلبد چون بشود که در جانی طعامی است برود و هر چه از آن

بخار و چنانست که باره آتش بخورد و چون کسی الطباعی دعوت کنند
 و دیگر برای دعوت با خود برده و غایب باشد و هر چه جزو حرام باشد
 که جمعی که محبت و خلط و ریلط در میان ایشان می کشد رسیده باشد
 و یکی که از ایشان مرخص شده و مکانی نفعی و ضرری از ایشان
 تمام نباشد که در ضرورت ایشان از آن رسد که بی آن در خانه بگذرد
 خورند و دیگری نیز دهند **فصل سیم در آداب یکی از احکام متعلقان**
 رویت را پس بپوشانند که در شهر و مکانی که عبادت خدا باشد
 باید معذور نباشد و تعلق آنست نباید نمود بلکه سفر نیز چنین موضوعی نماید
 که در خدای تعالی در قرآن مجید فرماید چون روز قیامت یقین کنی
 گویند که چرا در عبادت تقصیر کردید گویند در مکانی که ما بودیم مقهور
 بود پس برپیش عتاب تو فرخ فرماید مگر من خدا شرف بودم که شرف
 نقل نمود پس و ای ایشان جهنم باشد که جمعی که ضعیف و عاجز باشند
 و قادر بر نقل و حرکت نباشند که ایشان معذور نباشند و باینست
 که مردم کوستان و قری و صحرا نشینان و همچنین مردمی که در بلاد
 خالی و بی توطنی هستند و اولاد ایشان و همچنین جمعی که در گوشه نشینند

و باطن و اسرارین تر و پنهانتر از آثار و مظاهر دینی آداب می نامند
 پنهان باشند و جمل محبت دنیا و خلاق و صفات رسایل و حیوانات
 در ایشان غایب باشد و باین سبب است که این همه گفته و امر و زیارت
 و انقیاد و محافظت مومنان و از دست و چاکر شمران در باقی
 گذشته و نیز از یکی از ائمّه طاهرین پرسیدند که بعضی مردم خلوت اختیار
 کنند و ترک تر و میان مردمان گیرند و فرمود پس این خود را چون بپوش
 می کنند و نیز از جای بسیار آمده که چون کسی تنها باشد شیطان برود
 باید و شیطان تنها یان باشد و **سوم از آداب حریت** که از هر چه
 سعادت مرد و مستحق خدای خاندست و خوبی همایه و شرافت خاندست
 فصاحت و بدی همایه و فرمود دادند اول همایه است که کند
 و بعد از آن خانه و بنای که زیاده بر کفاف نباشد روز قیامت
 بر صاحبش مال بود و هر کس زیاده بر کفاف نباشد که برای مایه
 و تفاخر بر همایگان و مومنان روز قیامت آنگاه زانرا از نعمت
 آتش گسته شده و در و طوق کردتش گردانند پس در فقر خویش
 اکتفا کند که آنکه تو بکن و هر کس که ناکه مال و پیرایانی از حرام که بکشد

115f

۱۴۰۰

کنند بگوید اللهم اغفر لنا ذنوبنا الظالمات الى التور و مرويت كحفت
 پنجم در آستان روز پنجشنبه از خانه بیرون میرفته و چون عوارض
 روز جمعه بیرون می آمده و در راه بیت و یکم رود و در شب جمعه وارد
 شده و هر کس با جمعی بخوابد که چهار طاقش بخوابد اگر عارضه رود و در
 غیر خود را امانت کند و بخیر کند از سه وجه باشد و چون کسی خانه
 بخوابد باید در راه را پویند یا پره یا ویزد یا شیطانی و بنوشد
 و تنها در جایی بخوابد که اگر جرات شیطانی و قیامت کاوی نداشته
 چند و مرویت که اگر کسی با دست چرب یا تنها بخوابد یا ایستاده
 بول کند یا ایستاده و در شب آب میاشاید پس رفته از اجنه رود و در
 و زود و زود مغایرت کند و اگر کسی در تنها خوابیدن مضطرب شود
 تا تواند ذکر خدا بسیار کند و وقت خواب خود را از ترسش خلاص
 سازد که بجهت بدلت و جهت بدین و هر کس با وضو بخوابد بجهت
 که تا وقت بیدار شدن نماز گذارده باشد و اگر در میان جای طریقه
 که وضو ندارد و بجای که در رختها باشد تیمم کند بخوابد و وضو بپوشد
 چهار قسم است خواب بیا بر قضا و خواب بزمین بر جانب راست و خواب بکف

باز

بر جانب چپ و خواب شیطانی بر روی اگر کسی بر روی بپوشد باشد بکشد
 سه اگر در خواب در میان نماز شام و صبح و خواب حرمان از وقت بپوشد
 نماز صبح شب نشینی کند و در نموت و خواب حرمان بخیریت بخوابد
 که سکه اول شب بیدار باشد تا صبح و چون صبح شود بخوابد و حیوانات دیگر
 به اول شب خواب کنند و صبح بیدار شوند حتی اگر تجربه شده که در وقت
 به بطق خود باقی نماند اول شب بخوابد و صبح بیدار شوند و چون بیدار
 و رسوم اصل دنیا و باطلان بر آید نصف سکه در آید پس موعان باید
 اول شب بخوابد و نصف شب یا اندکی بیشتر بیدار شوند و در آیت
 بسیار آمده که ضای قالی اول شب را برای استراحت آفریده و آخر
 شب را برای ذکر و عبادت و اول صبح و تسبیح تا طلوع آفتاب ملاک
 از راقی نبی آدم را تمت کند هر کس آنوقت در خواب باشد از غیبیان و در
 خود بخردم باشد و حق و سلوی برین هر شش رین ساعت روز نازل میشد و هر کس
 در خواب می بود از روز قیامت بیدار می بود و خواب این ساعت خوابش می
 و خواب مرگش در گناه روز و در آن روز که او اند و خواب اول روز بیدار
 و بی برکتی و بعد از عصر موت طاقت باشد و خواب قبل و کوشش از ظهر است

و حالت شیرینی کند و شفا را درین خواب نیاید باشد و سبب نزل
 نینان و قوت حافظ باشد و بسیار خواهند دیدن وینا را از دست
 پروردگار و خدای تعالی و همچنین اگر کسی بی آنکه بیدار می شود
 بخوابد و در کس وقت خوابیده است در آن وقت در زیر روی دست که کرد
 و گوید بسم الله و صلی الله علیه و آله و سلم علی من یصلی علی من یتصلی
 و ولایت من الله فی حق الله طاعت ما شاء الله طاق و قاله
 و قاله یکنی از زود و فرو آمدن خازن خود کرد و در آن کبریا
 استغفار کند و اگر گوید بسم الله الرحمن الرحیم الله الله الله الله
 صد بار از چشم برایش می رسد و صد بار می رسد و صد بار از چشم
 گردانند و حضرت امام محمد باقر فرمود چون کسی خوابد باید گوید
 بسم الله اللهم انی اکتلت الیک و وجعت وجهی الیک و وضعت
 امری الیک و اکتلت الیک و وضعت وجهی الیک و وضعت
 منک و رغبته الیک لا ملجأ و لا منجی الا منک و لا اله الا انت
 الیک امنت بکنا ینک الذی اوتکت و یستوی الی الذی استوی
 پس بسم حضرت فاطمه علیها السلام گوید که هر کس وقت خوابد این تسبیح گوید

از جمیع باشد که خدای تعالی مدح فرموده باین که ذکر بسیار کند و سبب
 از ایشان عیدم سلام مرویت که در وقت خواب باین تعویذ را از آن گوید
 اَعُوذُ بِنَفْسِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ وَفِرٍّ كُلِّ
 عَیْنٍ لَا مَلْجَأَ إِلَّا إِلَهُی سُبْحَانَکَ رَبِّی عَزَّ وَجَلَّ وَتَعَالَى عَمَّا یُشْرَکُّونَ
 تَشَاءُ یُعْذَرُکَ وَیُکَلِّمُکَ مَا یُرِیدُ یَعْرِضُکَ حَیَاتٍ کَثِیرَ
 رَکْعَتٍ فَذْکَرُکَ رُوحَهُ بَاشَدُ و اگر سر مرتبه گوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الذِّی
 عَلَا قَهْرُهُ وَفَسَدَ لَهُ الذِّی یُطْنُ خَبَرُ وَفَسَدَ لَهُ الذِّی
 مَلَکَ قَهْرُهُ وَفَسَدَ لَهُ الذِّی یُطْنُ خَبَرُ وَفَسَدَ لَهُ الذِّی
 الْأَحْیَاءُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اگر نه پاک شود و در آن که
 از مادر رسیده شده و اگر آیه الکرسی بخواند از فراق این که در وقت
 بیدار شدن او و چشیدن بایستش محفوظ باشد و در وقت که کسی می خوابد
 حضرت حضرت پیغمبر آنکه ندانند و تعلیمی خوانسته فرمود و وقت خوابیدن تسبیح حضرت
 فاطمه گوید و بعد از آن آیه الکرسی بخواند پس بی از شهر پروان تسبیح
 و در آن هفتاد و پنج که مذکور و در آن فرمود آمدند و در آن غنای را
 با سوسه فرستاده و خبری از ایشان بیاورد و غنم رحمت که در آن کمال

ندیدم و دیواری دیدم هر چند بر دوش شستم راه درون شد باین تم
گفتند رسید و در فرج کجای خود بر خاسته رفتند و نشسته موافق
دید و ایستاد و چون صبح شد دروان پیش بپای آمده تفسه نشسته
نقل کرد و از احوال استغفار نمودند بپایان حکایت خود بیان کردند
و گفتند بیک تعلیم حضرت از شهرت شما این گشتم و دروان نیز قطع امید
نموده بر او خود فرستاد و اگر در وقت خواب از خود سوره کحف بخوانند
تا سحر اطمینان نوری تابان شود که در میان آن نور ملکوت باشد و برای
استغفار کند و اگر تن آید یا اگر خن و قتل هوا شده باشد بخواند از سرش
بری شود و حضرت پیغمبر کجاست ظاهر فرمود وقت خود بدین و چو کار
کنی خوابی ختم و آن در اوج بسیار اشخ خود کردانی همه مردان
از خود راضی سازنی حج و عمره کراری گفتان همه را و کساعت چون
کنم فرمود و مرتبه قتل هوا شده بخوان ختم و آن کرد و باشی و صلوة بکن
و بر این بفرست هم شیخ تو باشیم و در روز قیامت برای و زمان استغفار
کن همه از تو راضی شوند سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله
والله اکبر بگو حج و عمره کرار و باشی و اگر قتل هوا شده بخوان و در وقت

هر یک سه مرتبه بخواند ختم قرآن کرده باشد و بعد در آیه از فرقان تو بسمی
 ای و اگر نماند این خوشی شش روزی که از نماز و روزه گذشته و اگر در شب بسمی
 شنید باشد و اگر یازده مرتبه آنرا از آن بخواند نوزی خلق شود از زمین تا
 عرش که غرضش شش صد مرتبه باشد و هر درجه آن هزار ملک باشد و یک
 هزار زبان و بهر زبان هزار گفت برای کوتختار کند تا نصف شب آن
 آن نور را بدینگونه که از نذر و زرقیت و اگر آید شد از بخواند عقاد
 هزار ملک خلق شود که در زرقیت برایش سفار کنند و اگر الیکم الکما
 بخواند از عذاب قبر برین شود و اگر مرتبه کم بود استغفر الله الذي لا اله
 الا هو العلى القیوم و اوتوب الیه و کنت علیه منسلا و کنت علیه
 ائیم دنیا کف و دایره یک عمری کافی باشد و اگر بخواند عارض شود که
 خواب جز و بگوید سبحان الله ذی الشان الذی لا اله الا الله
 البرهان کل یوم یوم فی شان یا مبع الطون الحایة یا نا
 علی المؤمن یا غایب یا سکر العرق الضایة یا منور
 العیون الشاهرة سکر عرق الضایة و اذن لعینی
 فمما حلاله اگر خوابد یا اگر می بخواند کم بود و از غیب کم التعلات

اَمَّةٌ مِنْهُ وَجَعَلْنَا قَوْمَكَ مَبْنًى قَادِرًا عَلَى رَحَابِ سُدُورِ خَوَافِ
 وَمِنْهُمْ كَوْنٌ يَأْتُونَ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَيْرِ عِلْمٍ وَهُمْ يَحْكُمُونَ
 نَسْرَعِيَادِمَ وَمِنْهُمْ مَن لَّا يَشَاءُ لِيُطَاعَ وَإِنَّ يَكْفُرُونَ وَأَرْفَعُ
 مَن يَشَاءُ وَآتِيهِمْ مَن يَكُونُ دُونَكَ وَأَفْزَعُ أَفْزَعُ أَفْزَعُ أَفْزَعُ
 كَمَا يَرَى اللَّهُ الَّذِي يَخْلُقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي مِثْقَةِ
 أَثَرٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُبْشِرُ الَّذِينَ آمَنُوا وَطَلَبَهُ
 حَسَنَاتُهَا وَالْمَنَ شَاءَ وَالْعَمْرُوتُ مَسْرُوعَاتُهَا بِأَمْرِ اللَّهِ الْفَلَقِ
 وَالْأَرْضِ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَكَرَاهَتِهِمْ أَذِيكَ كَرَاهَتِهِ
 اللَّهُ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَالَةِ وَمِنْ سُوءِ الْخِلَافَةِ
 أَنْ يَتَلَوَّعَ فِي الشَّيْطَانِ فِي الْقِطْعَةِ وَالنَّامَةِ وَهُوَ
 أَتَمُّ وَبِأَرِيهِمْ جَمْعُهُمْ نَمُوذًا لِّكَ أَفْزَعُ أَفْزَعُ أَفْزَعُ أَفْزَعُ
 بِأَرِيهِمْ جَمْعُهُمْ نَمُوذًا لِّكَ أَفْزَعُ أَفْزَعُ أَفْزَعُ أَفْزَعُ
 مَن لَّا يَشَاءُ لِيُطَاعَ وَإِنَّ يَكْفُرُونَ وَأَرْفَعُ أَفْزَعُ أَفْزَعُ
 كَمَا يَرَى اللَّهُ الَّذِي يَخْلُقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي مِثْقَةِ
 أَثَرٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُبْشِرُ الَّذِينَ آمَنُوا وَطَلَبَهُ
 حَسَنَاتُهَا وَالْمَنَ شَاءَ وَالْعَمْرُوتُ مَسْرُوعَاتُهَا بِأَمْرِ اللَّهِ الْفَلَقِ
 وَالْأَرْضِ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَكَرَاهَتِهِمْ أَذِيكَ كَرَاهَتِهِ

شکلی مانع شود باطهارت و در پیش و آن یکجا آمد و رفتی با او باشد و
 وقت خواب آنش و التماس کرد که نموتد و بخت بخاند و بعد از آن گوید اَللّهُمَّ
 اجْعَلْ لِي فِي امْرِئِي قَرِيْبًا وَخَرِيْبًا وَرَشِيْدًا وَرَافِعًا وَبَارِعًا وَبَارِعًا وَبَارِعًا
 و خواب منم که در روی از آن برش نماید و او می گوید مرا صلاحتی بود
 که از علی و آن عاجز شسته بودیم این عمل نمودم در شب اول دیدم که در
 آینه و پیش من نشسته یکی از ایشان دست بر سرم میزد و من می گفتم که
 که این کی است آنحضرت را و جانت کردم شفا یافتیم و بسیار می نمودیم هم
 منقطع شد و اینها و اینها و اینها و اینها و اینها و اینها و اینها و اینها
 یا اَمَّةُ عَلِيمِ اَللّهُمَّ رَايَا سَامِعِ اَللّهُمَّ رَايَا سَامِعِ اَللّهُمَّ رَايَا سَامِعِ
 و بعد از صلوات بپوشید و آتش صلی بر منم بفرستد و با وضو بر جانب راست
 بخوابد که هر کس خواهد پنداشت و الله در خواب پند و سوال جوابی که خواهد پرسید
 مذکور شود و در هر وقت که این طریقه را وقت شب یا در هر وقت
 بود از آنجا این دعا خوانده باشد اَللّهُمَّ اَنْتَ اَلْحَيُّ الَّذِي لَا يَؤُودُ
 الْاِيْمَانُ لِيَعْرِضَ مِنْكَ بَدَنُ الْاَشْيَاءِ وَالْمَالِكُ لَعُوْدُ
 قَمَاقِيْلٍ مِنْهَا كُنْتَ مَلْجَاةً وَصَفَاءً وَمَا اَذْرَ مِنْهَا لِيَكُنْ

ملک

لَهُ مُلْكًا وَلَا تَجْأَمُنَا إِلَٰهًا قَا سَلْكَ سُبُلَ الْإِلَٰهَاتِ
 قَا سَلْكَ سُبُلَ الْإِلَٰهَاتِ قَا سَلْكَ سُبُلَ الْإِلَٰهَاتِ
 وَاسْأَلْكَ بِسْمِ اللَّهِ الْخَلْقِ الْحَسْبُ وَبِحَسْبِ سَيِّدِ الْبَيْنِ
 وَبِحَسْبِ عَلِيٍّ خَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَبِحَسْبِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ
 الْعَالَمِينَ وَبِحَسْبِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ جَعَلَهُمُ اللَّهُ
 شُبَّانًا بِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ أَنْصَلِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 وَأَنْ تَرِي قُلُوبَنَا **وَأَيْضًا رَوَيْتُ** أَنَّ كَرِيمًا بَشِيرًا رَوَى
 بَيْنَهُمْ عَارِضًا خَوَانَهُ وَدَارَ شَرِّكَ يَدَانِ تَرِي قُلُوبَهُ فِي الْحَالِ
 الْقِيَمَةِ فِيهَا وَهِيَ رَتَبَةٌ كَرَامَتِي خَوَانًا زَجَلِي سَلَوِي كَرِيمًا
 كَمَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 رَحِيمٌ الْبَيْنِ وَالْمُسْلِمِينَ وَبِحَسْبِ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَرَحِيمٌ الْعَظِيمِ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ
وَأَيْضًا رَوَيْتُ أَنَّ سَوَالَ نَوَافِذَ الْأَنْفُسِ قَالِي مَرَّ فَرَسُهُ وَكَانَ كَارِ
 مَرَّ فَرَسُهُ كَيْسَهُ فَرَسُهُ جَمِي أَنَّهُ قَامَ شَبَابًا مَرَّ فَرَسُهُ كَيْسَهُ كَيْسَهُ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَجَنَ حُزْبِي بِسْمِ اللَّهِ
 أَيْمَنَ الْجَوَارِي لِيُطَاعَ لِيُطَاعَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِجُنَادِهِمُ

مَشَقَّ

سَيِّدًا الْإِلَٰهَاتِ اللَّهُ عَزَّتْ بِمَا عَادَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ
 الْمُقَرَّبُونَ وَآيَاتُهُ الْمُسْلِمُونَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ
 مَا أَرَايْتُ وَمَنْ تَرَى الشَّيْطَانِ الْبَشِيرِ وَارْتَبِلُونِي كَرِيمًا سَلَوِي
 وَكَيْفَ نَعْلُ كَرِيمًا وَجَنَ رَاكِبِي نَعْلُ كَرِيمًا زَنْزَارِي أَيْمَنَ شَدِيدًا وَأَمَّا
 وَهِيَ رَتَبَتَانِ عِلْمُ التَّحْلِيمِ عَرُوسُ كَرِيمًا خَوْشِ الرَّجَاءِ خَدَائِي سَلَوِي
 بِحَسْبِ خَوْشِ خَوْشِ بَشِيرِي كَرِيمًا وَكَيْفَ نَعْلُ كَرِيمًا وَجَنَ رَاكِبِي
 كَرِيمًا زَنْزَارِي عَرُوسُ التَّحْلِيمِ وَبَرُوسُ كَرِيمًا وَجَنَ رَاكِبِي
 بِرَاكِبِي عَرُوسُ التَّحْلِيمِ وَبَرُوسُ كَرِيمًا وَجَنَ رَاكِبِي
 شَدِيدًا وَجَنَ رَاكِبِي قَلَمُ رَاكِبِي بَاكِبِي تَقَرُّبُ خَوْشِ كَرِيمًا وَجَنَ رَاكِبِي
 كَرِيمًا وَوَقْتُ رَاكِبِي بَاكِبِي وَوَقْتُ رَاكِبِي وَوَقْتُ رَاكِبِي
 كَرِيمًا وَوَقْتُ رَاكِبِي رَاكِبِي وَوَقْتُ رَاكِبِي وَوَقْتُ رَاكِبِي
 شَدِيدًا وَوَقْتُ رَاكِبِي وَوَقْتُ رَاكِبِي وَوَقْتُ رَاكِبِي
 وَوَقْتُ رَاكِبِي وَوَقْتُ رَاكِبِي وَوَقْتُ رَاكِبِي
بِكَلَامِ الرَّسُولِ عَزَّ وَجَلَّ وَوَقْتُ رَاكِبِي
 مَيْمَنَ وَوَقْتُ رَاكِبِي وَوَقْتُ رَاكِبِي وَوَقْتُ رَاكِبِي

چه ملکوت سوات خلق گشته و بسبب قدرت معاش تحویل از دعا و الهی
 و آشنائی با بدن و قوی و اعضای بدن گرفته و شغل تدبیر نظام ملکوت
 و همچنین شغال احوال حیوة دنیا از دیدن و شنیدن و خوردن و ساز دادن
 حواس قوی مانع توبه و انصاف او بعلیه خود شده و بسبب غلبت دین
 عالم دنیوی و دامن کبر و حجب ملکوت سما و ملائکه علی که وطن اصلی
 اوست گشته و هرگاه که اندک فرصتی بسبب تحفیف این عین بقی و موافق
 او حاصل شود رجوع بعلیه خود نموده با انبیا و جنس خویش از ملائکه
 و اهل ملایه اهل الفتح کبر و مومنت نماید و از رشحات علوم و کرامت
 نهستانی که از فضل خود و رحمت الهی بر اهل آن عالم در بر باب پدید
 رنجیده بقدر استعداد خود استغاضه نماید و بهره مند گردد و با جماعت
 انبی رجوع بعلیه عالم اعلی استغاضه از فضل اهل ملکوت و سما و ادویه و
 خدا را که از شدت متبوت دین قویم و کمال آشنائی احکام شرعی تقیم
 و زهد در دنیا و ترک پروری بوسع هو و ارض خلایق که آتش است
 و عوائق تحفیف فضول و تقولات بدن و اعضای خود را از نقل فضیلت
 ماکمل و مشارب کبیره ساخته و آینه دلشان از رنگ کبر و رت نکری

باطن و خفا پیدا می کند و حاج و مایه بر پاخته و جوهر درخشانی از تیرگی طوبی
 استخوان این دنیا می دانی جلایافته و پر نور آن عالم که تمام نور و شرف
 بر صحنه غایتش یافته و کمال تسلط بر نفس خود و قوی آن بهر سائیده انداز
 حالت همیشه فخر و ریا شده و در خواب و بیداری و خوابا بیداری
 ایشان یکسانست چنانکه حضرت پیغمبر فرموده سأتم غیبتی لایانم غیبتی
 یعنی اگر چه چشمم کامی هر چه جواب می کشد تا دم عیث بخورنده بیدارت
 و از خجسته که انبیا بر آنها خوانند زیرا که همیشه منتظر نزول وحی باشند
 چنانکه در احادیث آمده انما المؤمنون ارجبا خلافاً بقره و ثابت
 و که که و احیاناً که بدن از نقل فضیلت بجزارت غده تحفیف و دل
 از رنگ طاعت خالی می نماید باطن دنیا فانی و روح از شدت شغل تدبیر بدن
 و قوی فارغ گشته و آینه خاطرشان بنور مایه و حد اصلا و صفایافته
 باشد چون بخواب روند و محسوس نیز از مشاغل محسوسات فارغ حاصل شود
 و دلشان از روشنی و ارات عالم فارغ و صافی یافته بحال خود پروراند
 و متوجه عالم باطن ملکوت عالم اعلی است شود روحشان را با اهل عالم
 که مومنان تدبیر حاد ذات مدبران نظام احوال کائنات انداز ارتباط

و خلق را در دین و از ترس حیات معلوم و معارف ایشان که هر صدق و حقیقت
 و از ترس این علم آنی بر ایشان احسان شده بران روح مجرب است مال
 و فاضل کرد و او در آن علم چشم و گوش و قوای روحانی مشاهده
 آن علم و معرفت یا خبری که متعلق با حوال او یا غیر او باشد نماید چون
 هنوز روح را از صاحب بدن و قوای بدن خلعتی تمام نگشته
 بلکه آن روحانی قوای بدنی هنوز در جوهر روح را سرخ و شادمانند
 روحانی را چنان پندارند که بواسطه مرئی بدنی واقع شده و این حالت
 اعتقالات بدنی روحانی و ارتباط با ملکات و افعال و اعتقالات
 از ایشان بعضی مومنان را نیز گاه باشد که از شدت زهد و تقوی و روح
 و طاعت خداوندی عظیم بر ضبط حواس قوی حاصل شده باشد در پنداری
 نیز احوال و اتفاقی افتد آنرا که در آن روح در رنگ تسلیات خیالهای
 باطن و فکرهای فاسد فرو رفته و بظلمت موسها و آرزوهای زایل حاصل شگفتی
 گشته و بکمال در آن غفلت و غارت ماکمل و مشرب سیاه و تیره شده
 باشد هر چند بخواهد هم رود که فرصت بقیه آن ندارد که را می بیند و نور و صفا
 و قربی باطن را و اعلی تواند یافت و چنین اگر برین سبب عقل و قیاس و قیاس

برای آدمی تدریس و صلاح باشد روح را که بر بدانت معلولت آن اندر که
 بنام دیگر تواند برداشت اما اگر بعضی اصطلاحات مشخو و غیر آن
 و عبارات خدا در بدن خاکبسته و پنهان نموده باشد چون بخواهد و آن
 خلط و بجا بصورتی که مناسب آن باشد در نظر روح جلوه کند و چنان پندارند که
 چیزی دیده یا شنیده مشخو و صغیر بصورت تشبیه و تشفافی الی این شود
 و بجا بصورت ابر و غبار و سیاه و غلظتی جلوه کند و چنین اگر پنداری
 کفری و خیالی عاید گشته باشد و تسلط یافته باشد چون بخواهد و در آن
 خیالها در نظرش متمثل گردد و این قسم خواب را که بسبب غلبه خلط و بجا را
 و خیالات باشد اصفا و جلوه کند که مثل مشخو و خشک مورد هم
 زنده ای اصل حیثیت و مستباری و پیغمبری ندارد و قسم اول که در عالم
 ملکات فاضل میشود و حق باشد و محتاج تغییر بود و نیز باید بدست
 هر چون حادثات عالم دنیا و قیمت یکی آنکه در قضایا طی و قشعش جتم
 و جزم شده که خلاف آن واقع نموده شد و این قسم بصورتی که در حال
 غیر آن نیست باشد متمثل گردد و دوم آنکه بسبب خلطی و قشعش و قشعش
 و بکمال سست و جزم نموده بکمال غفلت و در و در حال و در و در این قسم

بصورت کوش خودش مرده و چنان شد متشنج که دو دقیقه نفوس نماند
 و بعد از آن حادثه که کسی ندانست باشد پس از آنکه بیدار شد و متوجه شد
 باشد بصورت مرده و بپیرایه و در میان سینه خود چنان که در جلد است
 شد و چون بگریه و آواز نمود که گویم چنان از خواب بیدار شود و بگوید الحمد لله
 الذي احياني بعد طاماتي واليه المرجع والشكر لله الذي
 رد علي روفي لا محذور واعبد له وحده كذا حضرت پير مرزا
 از خواب بیدار نشده مگر آنکه سجد میکرده و چون بیدار شده بنشیند بگوید
 حسبي الله و حسبي الاكبر الذي هو حسبي من عندك
 حسبي الله و نعم الوكيل حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را از خواب
 بیدار نموده و باز نموده چنانکه هرگاه میبیداد میگوید اللهم انا
 علي هولاء المطيع و موثق على الجميع و اورد في خبر ما قبل
 الموت و اورد في خبر ما بعد الموت و چون نظر را بر آن
 بگوید اللهم اية لا توارى عنك كليل ما لا ولا سماء ذات
 ابراج و لا اقراص ذات منار و لا ظلمات بعضها فوق بعض
 و لا بحر محي قدح بين يديك المديح من خلقتك تعلم حاشية

الذين

الاعين و ما تحصى الصدور غارت النجوم و قامت العيون و
 لم يبق الاخذك سيرة و لا في رجا العالمين و لا في
 الشاهدين و لقد لله رجا العالمين ان في خلق السموات و الارض
 و اختلاف الليل و النهار انك لا تحصى الميعاد و زودك ان
 و چون از تنیده بازماند شود پس بپیشانی خود آمده و بگوید نشسته ام
 و نماز کردم حضرت امام زین العابدین نقشب کرده و در خواب بود و بیدار شد
 الحمد لله الذي احياك و اقامت عبودك فامرك و هذا انما
 عبادك و انعامك و غلقت الملوك عليهما ابوابها و اطاعت
 عليهما خراجهما و اقبلوا عنك ليا لهما حاجة و لتجمع فيهم
 قائله و انت الحمد لله لا تأخذك سيرة و لا يوم و لا
 تخلقك شيء عن شيء و ما تفتن و نموده و اگر وقت پیران
 بگوید اعدو يا غارت يوم ملائكة الله من شر هذا اليوم
 الجدي الذي اذا غابت شمسه لم تعد من شر نفسه و من شر
 غيره من شر الشياطين و من شر من نصب لا وليا و الله و
 من الجن و الانس و من شر السباع و شر كواب الحمار و غيرها

پرسید که او را فتنه را بیان کن گفت یکی از شرعی که در شصت و سه
 سید فرموده اند برای آن گناه دار گفت دوی و یک گیت یعنی که گیت
 دست و پا سید فرموده اند را بد و پیرت یعنی الهام حسن و علی حسن
 به گفته یکی میگوید که دلی نشان است فرموده اند اگر کسی شش و شصت
 عین خود کن بعد از آن فرموده است ایست در پشت که نشانی غیر کند
 خود و شصت باشد و نیز فرمود که هر کس پس از آنکه در پیشش سیدی
 باشد و اگر سیدی کشیده باشد بهتر بود که در دست و پا شش و شصت
 باشد گناه دارد آن ایست در ملک او و در خانه او باشد فقر و ظلم در خانه
 و در پیشش و نیز فرموده است که در پیشش چه حقت ایست بر او
 چوب زنه و داغ کند که روی و ابرو و پیشش ضایع کند و زیاد و زود
 طقت را ند و بار کند و پیشش را بکشد و حجت ندارد و بار و بار گناه
 ندارد و در سفر هر جا که آب رسد آب بر او غرض کند و چون در منزل
 آید اول تعقیب آب و صفا کند و بار بر کوشش کند و دوم دو بار
 یکطرفه بیاورد و بکشد بر یکطرف کند و پیشش خواب کند و چون کم کند
 زنه که اجته در نظر ایشان آید که در نظر ایشان نمی آید و اگر بفرزد و بکشد

راه بی

هر روز و بگوید بسم الله و شصت و سه که او گوید میان می تو سر که ام
 پیشتر که در چنین باشد و لغزش کند که ضایعی تعالی و لغت کند و کس
 و این بگوید و دعا کند که خدا یا مرا صافی شوق و مهربان عطا فرماید
 که مرا بر وسیله بکشد و زیاد و بر طاعت بکشد و مردیست در
 پیشی چهار پای شیطان باشد چون خواهد بایش کند بسم الله
 بگوید و اگر در عالم کردن یا سوار شدن یا غیر آن سرخی یا جانی
 کند این آیه در گوش است و بخواند أَعْلَمُ بِمَا اللَّهُ يَعْلَمُ وَلَهُ
مَقَاتِلُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طُغَاوَا وَكَهْلًا وَلَهُ
تُجَعُّونَ وَبِزَكُونِ اللَّهِ تَعْلَمُ سُبْحَانَ وَبَارِكُ فِيهِ سَائِحُونَ تَعْلَمُ
وَاللَّهُ دَلَّ امْرَأَتَهُ بَخَانَهُ وَكَرِهَتْ سَوَارْتَهُ بَسْمِ اللَّهِ كَبُورِهِ
 فرشته با او رو یافت و در نماز گفت که آیه که فرود آید و اگر
 بسم الله بگوید شیطان را رو یافت و گوید خواندگی و خاک کن اگر بگوید
 میزدیم گوید آیه از نماز جانی که پس شصت و سه بار در نماز جانی اصل باشد و قوی
 که فرود آید و اگر وقت سوار شدن بگوید بِسْمِ اللَّهِ لَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ لَمْ يَسُدَّ اللَّهُ الَّذِي هَذَا نَالَهُ لَنَا وَمَا كُنَّا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا اللَّهُ سُبْحَانَ الَّذِي يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ
وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ و در کتب هر دو محفوظ باشند آنکه فرو
آید و اگر آنرا از قلم بخواند بر کس که از آن باشد و سبقت نکند
آنرا نیز فرو دهد و سواره پیاده را گوید راه بده که از خصال جوهر
و زمان برین سوار نشود که رین برای ایشان معلومت و توجیه نکند
و اگر چاره و دیگر بداند بگوید یا حی یا قیوم یا الله الخیر و اگر نشاید
باید **صلی و سلم و خلیل و ادب و حکام و رویت از اهل بیت**
علیهم السلام که عبادت و خفا و حرمت و فضل از پیش طبعان است و پس
طبعان کنند از مردم متقی باشد و ریاضت احوال همایکان کند و در
قیامت رویش چون ماه شب چهارده باشد و در کس از نمره صلح کند
و تحصیل محبت برای عیال خود نماید ابرش عظیم تر از کسی که در راه
خدا جدا کند و از جمله سعادت هر آنست که قیام عیال خود باشد و عیال
محضرت را و درم فروم و تو خوب بنده اگر کس کنی و از بیت المال
معاشر کنی گفت خدا یکم بنده ایم خدا را و حق آنرا که در دنیا
میباشد و میفرستد آنکه مستغنی گشت و خداوندی و شکر را در دنیا

پکار را و **قیوم و رویت** که خدای تعالی روزی هر کس را از اهل بیت کند
و تقدیر فرموده اند از اهل بیت پس هر کس که بکند و از اهل بیت حساب نماید
خدای تعالی روزی او را از اهل بیت رسیده و آنچه برای او تقدیر فرموده اند
کنند از دنیا زود و اگر سبقت خدمت نماند و هر کس که بکند و هر قدر
از اهل بیت تحصیل کند آنقدر از اهل بیت کم کند و در قیامت مایه و مواضع نماید
و امثال این را بخار و فیض اهل بیت که اهل بیت از اهل بیت زیاد نیست
که درین مختصر کجده **رویت** که خبر از رزق در تجارت و دیگر و سایر
کارها و تجارت عقل باده کند و سر آن دولت عقل کم شود و در عت
که در آن کیمیا که کبریت در رزق قیامت اهل بیت از دیگران بزرگتر
بجای خدای تعالی و مقام ایشان بهتر از مقامات و بهتر از کارها و عت
که انسان و جوان منتفع شود و یکجا بدان بهره ببرد اگر یکجا بکند
برای نارض استغفار نماید و اگر بدان بخزند اینها را الفت کند و از آن
اهل بیت کند که تخم آفشانند و نکول بر خند آفشانند و فضل و حرمت
باشند **اما ادب و حکام و رویت** که چون کسی خواهد تجارت کند
اول مسائل و ادب از آن بایموزد و احوال علم شناسد که با او

پکار

فنی تر است از نفس پایی مورد بر سنگ خاره و یکده هم را با عقیقه تر است از خاقه
 زنا که هر باغ مان خوش نشان باشد و با بوی که معطر نماید که در دست
 تا مرق در دهن اراده کنی بهتر است از آنکه با بوی که معطر کنی و اول روز
 برای معاملات و حاجات مبارک است مخصوصاً روز شنبه و پنجشنبه که نعمت
 پیغمبر و عا که دو کف خدا صبح این دو روز را بر پشت من مبارک
 کردن تا پیش از طلوع آفتاب شوی کارهای دنیا باشد که آن آیه
 عبادت و ذکر است و چون دستپان در اطراف برای پهلایان
 متفرق و چون کسی نعل باز شود بگوید لا اله الا الله وحده
لا شریک له که الملك و که له الحمد یومئذ و هو
حی لا یموت و هو الغیر و هو علی کل شیء قدیر هر روز
 ثبت کنند و هر روز سیئه بخوانند و هر روز در جبهه بپند که در هند و کر
 بگوید اشهد ان لا اله الا الله تا فرج کند و فصل دخول حج
 که ثبت را برت با یک سج و یک عمره و چون در محل کان خود شود
 بگوید اللهم انی استسئلتک من خیراتها و خیر اهلها و احوالها
یک من شرفها و شرف اهلها خدای تعالی در شنبه مومن گرداند که

در روز

در روز و در از شرفها مبارک یافت نماید و چون نیت بگوید اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده
و رسوله اللهم انی استسئلتک من فضله و خلا لا طیبها و عقیقه
یک من ان ظلم او ظلم و اعود یک من صفقه خاصه
و یک من کاذبه نیت که بر مومن است که نیت فروده با و ترا که روزی
 هزار یک کلمه مدش تیر از تو باشد که حسانت رو تو آورد و دوستیت
 خود کرد و نصیب تو حال مبارک تو رسد و هر کس در بازار خود کند
 و در معاملات خدارا فراموش نکند و از حکم او تجاوز نماید بعد از این
 و حیوانی که در آن بار باشد گناهان را در آن زید شود و چون ای
 یا چیزی بخرد و بگوید اللهم انی استسئلتک من فیض
من فضلك فصل علی محمد و آله و جعل فی فیضه
و سربه بگوید اللهم انی استسئلتک من فیض من فیضک فا
جعل فی فیضه و رقا و برتاع این کلمه نویسد که آن کارش است
منفع شود و اگر بنده بخرد بگوید اللهم یا لیک فی فیضه و جعله فی
العصر کثیر الرزق و اگر راه فرزند دایم کند سربه بگوید اللهم

ان كانت عظمه البركة فاضيلة المنفعة ميمونة الثنا
 حية فبشر بها وان كان غير ذلك فاصبر في غمها
 الى ان يحوي غمها فانك تعلم ولا اعلم وتقدر
 ولا اقدر وانت علام الغيوب چون بخرد در جانب چاه
 وگامش ابادت راست بگرد واطمئن واصل جوارحه خود وحق وایه
 تو ازین در القرآن تا آخر سوره خمر وایه قل ادعوا الله وادعوا الی
 تا آخر سوره نبي امیر پس ایته الکسی برش بخاند گشت و است
 از آفات ایمن کرد و چون کسی خواهد ز رعت کند او گشت
 از آن تخم در دست گیر دور و بیدار بیدار و سر به بگوید
 تر دعوتی ام کن الی دعوتی بعد از آن سر به بگوید بیل الله
 الی دعوتی بعد از آن بگوید اللهم اجعل من اهل کما و اعدائنا
 فی السلامة بعد از آن بنیانه و هر کس ز رعت کند یا در غنای
 بر مردان یا بر نهال بگوید سبحان الی بنیانه نوارش بچند از آن
 کند از حضرت پیغمبر ویت که فرمود در درم عیسی بر سر می نشاند
 اهل ان شهر گشت نموده که میوه های مار همیشه که میزدند کف بپشت

که شاه چون در قیام نشاند اول دروغ و رفت تا که برزید و بعد از آن
 آب میدید چنین میکند بگو اول آب بریزید و بعد از آن کانی بچاند
 از آن عت فجات یا نشاند که در زیر عری یا بستان بهم آفت کرم
 باشد این فو نه از چهار پار که کاغذ نمویسد در میان چهار پی
 بگذارد و در چهار جانب مرز عری یا بستان جا و میدار فترت
 جانوران این می شود پاشد الله تعالی انما الدواب والوحام
 والحيوانات اخبرنا من هذه الارض والورع والخراب
 کما خرج ابن مقي من بطن الحوت وان لم يخرجوا رسل
 علیکم سلطان من نار و فحاشی فلا تمصران الله الی
 الذین خرجوا من ديارهم وهم الو و حدک الموت فقال
 لهم الله موتوا فقاموا اخرج منها فاك رجيم فخرج
 منها خائفان قرب سبحان الذی امری بعباده بالامین
 المحمد المکرم الی المحمد الاقصی کما هم يوم برفق ماله
 یلیقوا الی عتیه او یحبها فافرجنا من جنات جحیم
 و ذر فوج و مقام کریم و نفع کما فافرجنا فاهلین منها

و هر کس در حاجتی برای مریض می کند خواه بر آورد و شود و خواه ناز
 کند بپای نود و شش و زنی که متولد شده کسی پسید یا رسول الله اگر
 مریض از این بت ایکن باشد فرمود و ثوابش عظیم تر باشد **اما معالجات**
امریض حر ویت که از این بت ظاهرین بجهت سلام و وقت یکی کند
 تا تیرش از راه توکل اطفال بخدا و اطفال بجهت لطف او و توکل بولایت
 و شفق اهل بیت علیهم السلام است و اثر طیف و مزاج را درین و علی
 نیست و اگر در بعضی از آن اندک دخل هم باشد بی قدر هم و بقیه تیرش
 شش سائر اذویه باشد و سر کس را این جمله بی یقین و البته بحقیقت باشد
 ازین قسم معالجات البته منتفع شود چنانکه در زمان حضور حضرت ایشان
 جمعی که بابت خنده یا باندک واسطه می شنیدند و عمل می نمودند از این
 عظیمه مرضی نمی بود که منتفع میشدند و درین از آنکه که بسبب فور
 معاصی و شیوع و ضایعی و غلبه حرص و تشویش دنیا در دلها چنان
 مشوب بزرگ و بقیه مغشوش بکشتگی شده نداشتند اگر مومنی از روی خلوص
 و یقین عالمی کند یا معالجه عمل نماید و با ثبات است و تداوم نماید و صدق نماید
 گفته شد از این معالجات بسیاری احادیثی که ذکر آنها موجب اطراف و خرج دارند

بابت و از آن جمله این حدیثی که مذکور شد ظاهر و باریت حضرت صادق
 فرمود و زنی یکتایی با یکی از اعضای بدنش فرزندش برانگیخته می فرستد بدین
 رسیدند عینی از روی یقین بسم الله گفته بر روی آب روان کشت
 اند و نیز بسم الله گفته بر روی آب روان کشت تا با حضرت علی باشد
 بیرون طهرش رسیده که چه گفته و دست میان من و پنجه نه پس نگاه
 بآید و در وقت حضرت عیسی نگاه کرد و فرمود و از آنجا که حضرت رسیده
 است گفتا که این گفتار که در میان بر روی آب روان شسته و دم اندک
 تاثیرش از راه مزاج و طبیعت است و این قسم را می باید با اختلاف اندیش
 و از هر دو امکان و از منزه مختلف شود و بسیاری مردم بیایند که فرق
 میان این دو قسم نگردانند و در راه را در امر مختلف از هر دو است
 استعمال کرده اند و موجب فساد و بیکار گشته و باین سبب درین مقام
 گفتا که بیک قسم از آن غایم اما ازین جهت که این رساله از شرف رتبه
 قسم دوم محروم نباشد چنانچه در از آن هم بر صغیر و است کما یرحمه الله
 بلا حفظ حرمت و احتیاط را هر یک که میسر باشد گفته که در **قسم اول**
 دو نوع است **نوع اول** حدقه و ادویه و دیت که بپار آن خود را تصدق نماید

کند که صد بار ارض و بیا را وضع کند و تحت است که چهار بدست خود
 دهد و بیا بیل بگوید تا او را و احاطه کند که دهای سایل را بی خطی متجارب
 و تقصیل فیصل حدود نهش، است بجا این باید و اما اذیه و انکار است
 بجز شطری از آن تقصیر کنیم **بجهت اراضی اوجاع** بگوید و نیز گفته
 القرآن ما هو شیء الا قد زعموا انهم یومنون و دست بر این موضع باید
 و در دست که چنان از دوی ضلالت چنین کند که انکار نماید از انکار هر
 و علت صفا و مرتبه احوال اندر دست که اگر بریت بخواند و روح بیدار
 عود کند بجای نباشد و مرضی که با طر شفا نیاید بهر چه شفا نیاید بصیرت
 بعد از فارغ چوین مرتبه بگوید **بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله**
رب العالمین حسبنا الله و نعم الوکیل تبارک الله العظیم
لغا فین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و دست
 بر آن موضع باید راوی گوید مرا کوئی در حق حاضر است که این از معجزات
 اعتراف بجز خود را نداند و اما بر سر گشته پس من از حق عزای اندو
 که بی برویتم که مرا که کنم و در شتاب آن بیان را دیدم چون کار بروج
 گزارم باین عمل نمودم و نوز نشسته بودم که آن وقت صحت یافت و می رسیدم

که با دانه خود کند سر و در هر یک دوم و باین عمل نمودم بعد از آن بخود را
 خبر کردم که منو و طبیعتی صادق بودی را آورد و حکایت قضیه با و
 نقل کرد چون من خط نمودم آن ساعت ایام آورد و دست چپ را بید
 بر این بکشاید و سر بر روی کرپای برده و آن وقت که بگویند
 مرتبه احوال اندر راوی گوید من تب و شستم چون چینی کردم که با از بند زانی
 یا فم **طریق دیگر** اول سجده شبا تا که باکی حرف زدن وقت مرتبه احوال اندر
 صحت نیاید روز دیگر صفا و مرتبه بخواند حضرت صادق علیه السلام و می بخواند
 شمس شفا یوم **طریق دیگر** که بگوید که بوزن تبر خیمه یکین است
 اندکی بیشتر بگوید و بر ریت بخواند و کندم را بر روی سینه بریزد و هر که
 ریت شود گوید **اللهم انی استسئلتک باسمک اللطیف اذا استسئلتک**
بیده المضطرب کشف ما یم من ضرر و منک لک فی الاخر
عقل خلقک علی خلقک ان شکی علی علی و الی علی و ان
 تقاضی من علی من است فیستد کندم را در اطراف من کند و همین بخواند
 پس چهار مرتبه و همین بخواند و هر کسی را میبکشد و هر راوی که چون بگوید
 که از بندای خات یا فم **طریق دیگر** که باور چار و دو رکعت نماز بکند و دو سجده کند

[illegible]

٢٠

يَا مُنْعِمٍ مَن كَانَ كَيْفَ هَذِهِ سَائِرُهُ بُولَكُوبَرُ رَبُّكَ اللَّهُ الَّذِي
فِي السَّمَاءِ هَدَى سَلَامًا لَكُمْ أَنَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَكُمْ
كَمَا رَحِمَكَ فِي السَّمَاءِ أَخْلَصَ رَحْمَتَكَ فِي الْأَرْضِ عَفْوًا لَنَا
وَبِنَا وَخَطَايَا نَا أَنْتَ رَبُّ الْمُسْلِمِينَ أَنْزَلَ رَحْمَتَكَ وَرَحْمَتَكَ
وَرَحْمَتَهُ مِنْ شِفَاؤِكَ عَلَى هَذَا الْوَجْعِ فَلْيَبْرِهِ **هَذَا دُرُودُ**
نَا بُولَكُوبَرِ يَا أَبَدُ مَنْ عَظِيَ يَا حَيُّ مَنْ سَابَلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنْ
جَمَّ رَحِمُهُ صَغِيرٌ فَكَلِّهِ حَيَاتُهُ وَالْعَفْوُ مِنْ وَجْهِ **هَذِهِ دُرُودُ**
مَعْدُودُ يَا مَنْ أَمَلْنَا نَحْنُ يَا مَنْ كَابَرْنَا بِكَ لَا تَسْلُبْ لَنَا
وَلَا تَحْبِسْ دُونَكَ **هَذِهِ دُرُودُ** يَا مَنْ جَاءَنَا
بِكَلَامِكَ **هَذِهِ دُرُودُ** يَا مَنْ كَلَّمَ بَرَاءَتَ بَرَاءَتِ
بِهِمُ اللَّهُ وَاللَّهُ وَمَا قَدَّرَ اللَّهُ حَقَّ قَدَرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا
بِقُدْرَتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَاتٌ بِجَمِيعِهَا
وَسُبْحَانَ عَمَائِكَ **هَذِهِ دُرُودُ** دُرُودُ دُرُودُ دُرُودُ
نَا زَوْجِيهِ وَصُوكُنْدِ بِنَا زَوْجِيهِ نَا زَوْجِيهِ نَا زَوْجِيهِ نَا زَوْجِيهِ
اللَّهُ أَنْ تَأْخُذَ بِهِ **هَذِهِ دُرُودُ** دُرُودُ دُرُودُ دُرُودُ دُرُودُ

وَاللهُ اعُوذُ بِاسْمِهِ الْكَبِيرِ وَاعُوذُ بِاسْمِ اللهِ الْعَظِيمِ
 شَرُّ كُلِّ عَرَقٍ نَقَارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ **جهنم** **سهرتبه** **مگوید** یا
 رَبِّكَ لَا تَدَابِرْ وَبِاسْمِكَ لَا تَدَابِرْ وَيَا إِلَهَ الْأَلْهَةِ وَيَا مَلِكَ
 الْمُلُوكِ وَيَا جَبَّارَ السَّمَلَاتِ وَلَا تَفِرْ أَشَقِيَّيْ عَاقِبِيْنَ
 هَذَا فَإِنَّ عَبْدَكَ اتَّقَى فِي قَضَاكَ وَبِاسْمِكَ يَبْدِيكَ
جهنم **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا
 يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَخَافِيَّيْ عَاقِبِيْنَ
بر **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا
 يَا مَاجِدَ الْأَصْنَافِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرِ يَا مُعْطِيَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 وَقِيَّ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَذْهِبْ عَنِّي مَا أَحْدَثَ عَاقِبِيْنَ
طریق دیگر **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا
 چون **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا
 اَللّٰهُمَّ لَا تُخَيِّرْ بَيْنَ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ الْآخِرَةِ
 بران **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا
 اَللّٰهُمَّ لَا تُخَيِّرْ بَيْنَ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ الْآخِرَةِ
 اَللّٰهُمَّ لَا تُخَيِّرْ بَيْنَ شَرِّ الدُّنْيَا وَشَرِّ الْآخِرَةِ

بران **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا
 تَوَضُّعِيْ اَمَّا زَوْجِيْ فَهِيَ رَكْبَةٌ **طریق دیگر** **مگوید** یا
 هَذَا وَهَذَا **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا
 اَمَّا بَيْنَ يَدَيْكَ وَبَيْنَ آيَةِ رَاكَ وَبَيْنَ لَوْ أَنَّكَ عَمِلْتَ بِهَا
 رَبِّكَ تَقَاتِيْدُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى فِيْهَا عِوَجًا وَلَا
 انْخِشًا وَجَدَارَانِ يَكِلِيَانِ جُودًا رَابِعًا لَا يَدْرِيْنَ رَابِعًا
 سَبْعَةً يَسْتَلُ بِنَدْوٍ وَدَرْجًا وَجَانَّةً أَمَّا زَوْجِيْ كَوَيْحِيْ كَرِيمٍ
 رُزْزَقْتُمْ بِشَيْءٍ مِّثْلَ كَفِّ دَسَدَةٍ بُوْدُودٍ **طریق دیگر** **مگوید** یا
 بران **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا
طریق دیگر **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا
 عَلَيَّ طَالِبِيْ وَرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَآلِهِ الصِّفَاءِ قَالِبًا أَوْ آطَاعُوا أَمَّا أَجَبِيْ وَأَطَعْتِ
 عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ **طریق دیگر** **مگوید** یا
 سَهْرَتَبَهْ **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا
 بران **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا **سهرتبه** **مگوید** یا

وَأَنْ يُتِمَّ فِي قَلْبِي بَصَرِي وَأَنْ تُخَالِطَ لِقَاءَ الْمُسْلِمِينَ فِي عَمَلِي
 وَمَنْ يَنْتَقِلْ بِهَا إِلَيَّ وَتَحَارِي بِحُكْمِكَ وَقَدْ نَزَلَ فَاتَكَ لَحْوُكَ
 وَلَا تُؤْخَذُ إِلَّا بِكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ طَرِيقُكَ دُرٌّ جَبَرْتُ حَافِظُكَ زَوَالُ
 نَبِيٍّ وَرَأْسُكَ مَسِيحُكَ وَأَنْ تَرْتَبِنَا لَا تَوَاقُفْنَا إِلَّا بِسَيِّدِنَا وَأَوْفَاكَ نَارُكَ
 يَا مَنْ مَرَّةً بَعْدَ مَرَّةٍ نَادِي وَبَعْدَ رَأْيٍ كَوْنُكَ لَا تُشْفِي مَا أَهْلُكَ
 يَوْجِي هَذَا فَاتَكَ قُلْتُ سَتَقْدِرُكَ فَلَا تُشْفِي طَرِيقُكَ يَكُونُ نَارُكَ
 سُبْحَانَ مَنْ لَا يَشْفِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْلُقُ
 أَهْلَ الْأَرْضِ إِلَّا بِالْعَذَابِ سُبْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ
 اجْعَلْ فِي قَلْبِي بُرْهَانًا وَبَصَرًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ طَرِيقُكَ دُرٌّ رُوحُكَ نَارُكَ وَجْهُكَ كَمِثْرُكَ بَكْوِي يَا
 يَا قَيُّوْمُ فَلَا يُعْوَبُ سَيِّدَا عِلْمِهِ وَلَا يُؤْخَذُ رُوحُهُ دَوْمٌ فَرَسٌ
 كَرَمُهُ نَارُ شَمَانٍ نَارُ نَارِجٍ وَبُحْبُوحَةٍ وَكِرَامَةٍ وَبَعْضُ رَأْيٍ نَارُ نَارِجٍ
 وَهَشْتَبَاشٍ وَنَارُ جَلَدٍ وَدَوَاكِرُ نَارِجٍ أَوَّلُ رُبِّكَ مَحْضٌ حَقِيقَتُهُ
 جَمِيعٌ مَرُوتٌ وَارِزٌ أَسْلَمٌ بِهَرَمٍ عِلْمٌ لَدِيمٌ كَيْفَ تَرْتَبِنَا
 دَوَائِي كِبَرْتُ وَبَرَجَ رُوحِي كُنْتُ زَكَاةً كُنْتُ آتَا وَفَعَلْتُ دَوَائِي

مَعْنَى

و آنکه در قلبم بصیرت دهی و آنکه خالطه ای با مسلمانان در عمل
 و منی و منتقلی با ایلی و تحاری به حکمت و قدره که فاتحه لحوه
 و لاخذه الا بک یا حی یا قیوم طریقه دُر جبروت حافظه زوال
 نبی و در مسیح خواندن آیه ترتیب ما خواند ما ای سید ما و اوفای ما و رتبا
 تا در صورتی که مرافقت ناید و بعد از آن بگوید اللهم لا تشفی ما اهملک
 یعنی هذا فاتک قلت ستقدرک فلا تشفی طریقه یکی به نازک
 سبحان من لا یشفی علی اهل مملکتیه سبحان من لا یخلق
 اهل الارض الا بالعداب سبحان الرؤوف الرحیم اللهم
 اجعل فی قلبی برهاناً و بصراً و فهماً و علماً انک علی کل شیء
 قدیر طریقه دُر رُوحه ناره و وجهه کمثره بکوی یا
 یا قیوم فلا یعوب سید علمه و لا یؤخذ روحه دوم فرس
 کره و نیر شامان ناز نازج و بویح و کرامه و بعضی رانی نازج نیر شامانی
 هشت باشد از جلد چند دوا و ذکر نایم اول رب مخلص حضرت
 جمیع مروت و از اسلیمت بهرین عیلم لایم که این رب مخلص
 دوائی کبرت و بر ج روحی کنده زکات کنده آتای وضع کنده دوائی

194

وفد

اگر بر عقیق باشد و اگر عقیق باشد عاقبت باید و اگر زنی بجهت پدر بخورد
 و دوا به سبب امر حضرت در غنیمت که باشد حتی گوری و لای و شلی
 و دیوانگی و دلاست از خود بکاره و از زنی اینچشم و از و ساس
 اجته و شیشه این چشم بر نور و روشن کرد و دوا را طی در شش راه
 باید و حکمت از دل برایش جاری شود و مرار رحمت مر از حضرت
 برو فرستند و غش حد و خیانت و غیبت و کبر و غل و عرص و غف
 و عداوت و ظلم از دلش برود **و پنجم آب یار** مر باران که باشد پیش از آنکه
 برین رسید بکند و الحمد و حق و حق میر کبر احفا و مرتبه بران بخواند
 و یک قلع صبح و یکی شام بیاورد و حضرت پیغمبر و نمود بخواند
 مرا بنوت اخفا صر خود که برای هر غلب و الم که بیا شد از
 از بدن و استخوان عروق بیرون بر **دستم دوم** او **و یک که اثر**
شان از جبهه و راج و طبعیت و بجهت اشتغال امر جبه و بلا و فصول
 قلع شود پس در استعمال آنها در خط و سبب باید نمود تا مؤدی
 بنسب و حضرت نشود و از آنجمله دوا ذکر کنیم **اول سنا** مر
 که اگر چیزی دفع و ک تواند کرد و سنا باشد و اگر مردم به پخته که چغندر

در وقت که اشتغال از ابر و متعال علی بن محمد است از بنی و بر و خدام
 و جنون و فاق و لغو و سنا بر سرخ بی دانه و میل زرد و سیاه کجی
 اجرا و مساه و ی عجری ساخته شده از مردم نشسته از دوسه و قدرت
 خواب تا آنکه **دوم بر قطونا** اگر صاحب است مقدار دوم در وقت
 تا آنکه کلمه مران گفته از عرض بر سام این باشد **سوم سیاه** و **دو**
 که دوا هر وقت که در کمالی پسید که چون استعمال کنیم فرموده
 هر شب پت و یکدانه و با پل بسته در آب بنیاده و روز اول در میان
 دماغ یک قطره بچکانند و روز دوم در جانب راست و قطره و در جانب
 چپ یک قطره و روز سوم در راست یک قطره و در چپ دو قطره **چهارم ارضی**
 مر دیت که از حضرت صادق که موسی بن عمران از رطوبت و لغم
 تبای تعالی شکایت کرد فرمود و میل و میل و آمد و اجزاء مساوی
 بار و عن که در چوب کنی با عسل عجری ساخته استعمال نمای بر حضرت
 صادق صلوات الله علیه فرمود این عجربخت که شما اطریق **پنجم** که
 و شقای هر وقت که مروت **پنجم** کسی شکایت کرد از تب راج حضرت جیم
 صادق فرمود و قدی قد صلیه کنی در آب ریزد بر هم زنی تا خوب

196

١٠

ماه از حاجت آفران کند که هر روز مورت علقی در مری باشد و از روز
 شانزدهم تا آخر ماه حاجت کند که هر روز سقایی و فحشی باشد که شنبه
 و چهارشنبه که مورت برص است و رویت دیگر آمده که اگر حاجت
 روز شنبه مقدم یا نوزدهم یا بیست یکم ماه اتفاق افتد دوا می
 اید و غرض باشد تا یک **نیز در رویت** که آیه انکه نمی خوانید و هر روز بخوانید
 حاجت کند که ضرر نکند **نیز در رویت** که چون طلع چهار ماه شود ماه
 یکم به جای قش کند که برای تحسین بهتر است و فصد نیز در اکثر احکام
 حیاتی و چون حاجت کند و خون پرودن آید سوزنازع شده
 بگوید **بسم الله الرحمن الرحیم** اعوذ بالله الکریم فی حاجتی بنده کن
 العین فی لدم و کن کلمه سوعاین بود اندکی از او بی طبعی که در
 دوا ویت مذکور است و بسیاری خذیه و دوائیه نیز در فصل فصل کلام
 گذشت **و از حضرت امام محمد** رویت که فرمود پنج دوائی است که ترجیح
 مریض کند و پنج دوائی در بدن مضار نیست که دست از خوردن باز دارد
 مگر بعد ضرورت هم از حضرت امرویت که تا بدین آید مریض می آرد
 استعمال و میکند فصل دوازدهم در **سائر خیرات عباد** در رویت از

امیر مپطط طهرین چهارم ابداء کار با بسم الله بگوید تا آخر کشتن
 این شود و در کارهای عظیم و غریز است ابدت و دعا و دعا شده
 کند که اگر ضرری در آن باشد دفع کند و شروع در کاره اول و در سبت
 که اوست متحد و وارد شده که اول روز مبارک **مرویت** حضرت
 امیر المومنین صلوات الله علیه که در ماه دوم و در حضرت که اگر کسی
 شروع شود با تمام برسد و اگر طفلی متولد شود نماند و اگر کسی بخت کند
 نظریه بدو اگر و ختی بنشیند و کند باین تفصیل **محمّد** یازدهم و چهارم
صفر اول بیستم **ربیع الاول** دهم و بیستم **ربیع الثانی** اول و یازدهم **حاجی**
اول اول دهم و یازدهم **حاجی** **ربیع الثانی** اول و یازدهم **رجب** یازدهم و بیستم
شعبان چهاردهم و بیستم **ماه رمضان** سوم و بیستم **شوال** ششم و بیستم **ذو**
الحجه ششم و بیستم **ذو الحجه** ششم و بیستم **و از حضرت امام محمد** رویت
 که در هر ماه یک روز حضرت که هر کس از اینها بنسب کند این باشد
 و هر کس را نماند که ری کند از کمر و می این باشد باین تفصیل **محمّد** و بیستم
صفر و بیستم **ربیع الاول** چهارم **ربیع الثانی** و **حاجی** **اول** بیستم **حاجی**
در جبهه دوازدهم **شعبان** بیست و ششم **ماه رمضان** بیست و چهارم **شوال**

دوم و القصد بهت و شتم و الذی یستمر و اینجا از حضرت امام جعفر صادق
مدایت که در ماه مغفره روز بخیریت چنانکه مشهور است این حدیث را
قدیمت که ظاهر اول سلسله روز نوروز است و هر ماه مدعی روز تمام
می شمردند تا آخر سال احادیث بسیار نیز در بخیریت روز عاشورا
و دوشنبه چهارشنبه آمده چنانکه بعد از این باشد و الله اعلم بکونش
در روایت دیگر آمده که باروز دوشمنی گینده آفتابا شما دشمنی گینده
و از حضرت پیغمبر مدایت که هر یک در روز یکشنبه جای بر دیوار کنند
و در آنجا به عکس شود و روز دوشنبه مبارک باشد و روز سهشنبه
روز دیده شود یا بسوزد یا در آب غایب گردد و چهارشنبه در آنجا به
روزی ماید و مکر و حیله بیند و بخوشحالی گذرانند و پنجشنبه در آنجا به
علی او را روز می شود و در پیش مردم کرم باشد و روز جمعه عمره کرده
نزداد شود و شنبه در آنجا به بیمار شود مگر آنکه او را کسی دید اما چنانکه
از بسیار احادیث معلومت است که در هر کاری چون توکل بر خدا کند
و متوسل بقصد و دعا شوند از همه ضررهای آن شوند و در بیان مست
تحقیق علی بن حنبل و آن چنانست که احادیث بسیار که ذکر نموده اند درین

رساله نجد و بر این تعلیه نیز حضرت درین که خدای تعالی بقضای حکمت
کامل مصلحت نماید در کارخانه صفت خود مکرری را بکار فرماید و هر چه
برای نظم و امرای میری تعیین فرموده و از آنجه حیوان و درخت است عالم
کون و فساد از اجزای و مشتمل بر ملکات آسمانها که آفتاب مادی و کون و مجسم
موجود و اجسام و خدمت نمایند هر چه که داند و بیشتر از بشر و نظام نشا
و نیاز مقرر نموده و هیچ جزئی از جزئیات درین عالم حادث نشود
مگر بآمر و در بیان ما باین الله تعالی العزیز العظیم اما بچند مسائل است حکمت
است را از تعظیم و پیروی آن منع فرموده **ما** **اول** چنانکه تحقیق نیز غیر قیده
باین حکام تأثیرات که اکبر حرکات اندک و خصوص بسبب اوضاع آنهاست
معا و حکمت کنند و باید که مقاومت نمایند چنان باشد که نظری و وضعی
خاص تحقیقی اثری باشد و نظری و وضعی دیگر تحقیقی خلاف آن باشد و اما
مقاومت کند بیکه بر وزیادتی نماید و در میان کواکب احرار و عدد و
تأثیرات احکام بنیاد از انسان غیر اهل بیت نبوت و دیگری نداند
و اطلاع بر حقایق همه آنها غیر ایشان کسی نتواند و آنچه ازین جمله در مجرم
مقبول است عددی و مخصوص است و آن نیز از عدد رساله و ترجیح بر صفت

مطرب و کتبت تقویم از سه و خط مصونیت پس با وجود این
 هم تصور بر وی آن سوا حیرت و تعجب عمر حاصل ندهد و مؤید نیست
 آنکه کسی از حضرت امام پرسیده که من میگویم مردم من میکنند اگر
 برین من دارد ترک کنم فرمود هر زبانی ندارد اما علمیت که بسیار است
 ندانید و کس نفی ندارد و بعد از آن که بگوید سینه نام را سوال نمود و از
 بعضی احوال استفسار نموده فرمود نام این کوکب را هرگز نشنیده بود
 گمانی دیده گفت نه فرمود و است که اگر این حساب را بدانی توانی دانست
 کافی در میان فی را رسته که است و در هر طرفش چند عدد دانی دارد
 تا آنکه یکدانی از علم تو برین نرود و **بعضی** ادویت که حضرت بگوید
 فرمود که شما باطل قریب میکنید چه قدر حساب این توان استناد
 نمود و مثال این اخبار بسیار است **دوم** آنکه تا اثر حرکات فلالک
 و کواکب بحسب اختلاف طالع مولود و سنس مختلف شود زیرا که نظر خاص طالع
 خاصی اثر کند و باطل دیگر تاثیر دیگر کند و گرنه لازم آید که چون چند
 کس یک ساعه کاری کنند برای همه یک تاثیر داشته باشد و حال کند
 تجربه خلاف نیست و مؤید نیست که حضرت امام یک یکی از نجوم سوال کرد و

فرمود

فرمود و بگوید چون دوست شما هم ملاقات کند و هر کدام یکی داشته
 برای پیشانی خیار ساعه سعدی کند و چون کار میکنند یکی منصور دیگری
 منصور گردد و پیشانی را وقت یکی بود بعد از آن فرموده این کسی اندک
 مراد خلق را دادند **سوم** و این هم از آن دو است که مقتصد و صلی ازین
 پیشانی است که روی دل خلق را از هر چه غیضات بجا بازگرداند
 و کمال اعتماد و رجحان احوال بخدا داشته باشد و چون آدمی در عبادی
 احوال از سعد و محسن ساعات خبر داشته باشد یا جاهت از محاسب
 کسسته مثبت رحمت خدا شود و از هر چه نوبیکشته و اعتماد بر
 توکل بر کند و دم بدم و محله بمرقد فضل و منظر رحمت باشد و از
 هیچ کس غمراه نمید و تو قوی تر باشد و با وجود این که غرض اصلی
 محسن نصیحتات و ادعیه و ادعیه و ذکر و معرفت بقصود و ذنوب و استغفار
 شود و بعضی این دو ثواب آنها را ترک کرد پس اگر آنست در واقع سعد
 و شری که در آن مرکز مقتصد و اوست معذور باشد با وجود آن بعضی
 کارش نیز بسیاران بلکه بسیاران توصلت با ما تر و سعادتش بیشتر باشد
 و اگر آنست که در واقع محسن است داشته باشد پس آن محنت که از هر محنت

و البته اگر کند به سایل ترست فائز کرده و دوشتری که از خوشتر است
 زود و بد موجب زیادی حسنت و جویست و در فرج و بخت کرد و
 چنانکه در ولایت که خاری پای مومنی زود و مکر آنکه برای اینست شب
 شود و یا سینه خود کرد و مثال این روایات بسیار است بخلاف آنکه بقیان
 اگر اقلع برسد و محسن ساعده شست باشد و همای بران کرده بقدر آنکه
 کند توکل و آتش بخوابی بقیان باید و قصور پذیرد و که باشد
 بسیار عتاد بر سعادته ساعده از غفلت صدقه و دعا و سائر وسایل تکلیف
 یا از بعضی از آنها فروم کرده و اگر خوشتر در ساعده چند از غفلت
 محروم گشته از مطلب و اگر کمالات از وی بر تقدیر تاثیر خوشتر است
 ماند و چو بیچاره دهنده شد به آنکه خوشتر بعضی ایام و ساعات که در
 احادیث وارد شده که بعضی از آنها در بیعتام مذکور شده و بعضی در باب
 کفاح و بیهوشی است و آنکه مذکور شود و وقت یکی که تا شش روزه
 طبع و حیات آنوقت است بکرب و قالیبت که در آنوقت شده
 مثل روزها سورا و روز دوشنبه یا سبب کمال تقطیع آنروز است عمل
 آنروز مثل روز جمعه و این قسم در خوشتر نظیر تربیت متدین است

چنانکه گذشت و قسم دوم آنکه خوشتر از جویست و حیات مثل غیر آن
 و تاثیر این قسم مثل تاثیر اول و طبیعت است و بعضی گفته اند که این وجود که
 برای این عمل انجام مذکور در این قسم ساعات نیز جاریست چه بود
 بود که روز چهارشنبه مثل طبیعت خود بخوابد اگر با سعادته
 دعا و صدقه یا سعادته و نماز و زود و چند نماز یا با سعادته طلوع
 جمع شود مساوی شوند بلکه گاه باشد که سعادته این غایت در این
 بسیار است که هر اهل بیت طاهرین هم وقت را از این اوقات منحصر نمی
 نمودند و این مقام در اجتناب از آنها فرموده اند بلکه در امر عبادت
 و صدقه و سبب است و توکل بر خدا فرموده و فرموده اند با روزها
 عبادت میکنند تا روزها با شما عبادت کنند و مثال آن آنکه خوشتر باشد
 برکت این وسایل زینع کرد و ذکر ساعات زیاد شود و جرح لازم
 نیاید **نموده کار دشوار که بود** **لا حول ولا قوة الا بالله العظیم**
 که هر چند چون از بر پیش عرش حاضر بود و در حلقه گفته بود در پیش
 آسمان گذشت و چون کاری که میگویم یا بگوید بر فوق بیت الهی ساخته
 ان شاء الله بگوید و در آنکه از حضرت پیغمبر مکرر پرسیده اند فرموده اند

چه بگویم و نه شایسته گفت ده روز بیشتر و چه از حضرت مجرب شد که
 کند یا حضرت کردند و غار طلال از پنجه بر نظرش نشست پس از روی
 توبه و تقسیم این آیه نازل شد و لا تقولن لشيء إني فاعل ذلك غدا
 إلا أن ينشأ الله وحشرت **بیمانی** گفت با خدا و زن با شرت کنم
 و خدا و پسر متولد شود که در راه خدا جهاد کند و پشت و اندک گفت
 پنج کلام خدا نشدند یکی که نصف غلغلی آورد و در ویت که اگر گفته شود
 به جوانان سبب و نه جهاد کند و در حکایت بقرة بنی اسرائیل که در حجر
 گفته اند که اگر پشت و اندک گفته شود ای بقیعنه ایشان محوم نشد و حضرت
با جمیع صادق با صاحب فرموده که حق برای طالب چه کسی نوشته بود
 بعضی از حضرت رسید و فرمود پشت و اندک نوشته اند چون تو می سازی
 که رفته و این پس فرمود و در مطهری است و اندک نوشته است **استخاره** چون کار
 مقرر و باشد استخاره کند و در استخاره طرق متعدده و در دست شده اند
 چه در طریقه ذکر کنیم اول استخاره با تسبیح دو مرتبه یا سه مرتبه یا کمتر
 بعد و ده بار از قرآن بخواند و سر ته بگوید اللهم استخیرک بعملک
 یعاقبة الأمور و استخیرک لحسن ظنک فی المأمول

اللهم انی کان الامر للملایم میثاقی بطلت بالبرکة الحجاز
 و بوا دیو و حقت بالکرامه اقامه و کیا یوحی فی فیض
 شمس و ذلک لا یقصر اقامه سرور و اللهم ایضا استخیر
 فی اشیای علی کانتی اللهم انی استخیرک بحسنه خیرة فی عیالک
 و حاجتک و در دل کند از این کیفیت تسبیح بگوید و بهتر و اگر زوج باشد
 کند و اگر فرد باشد ترک نماید و اگر یکس این نیز می کند و تواند **و تسبیح**
اقوان مجی الحمد و آیه الکرسی آیه و غنمه مع حق العیال استخواند و در هر
 صلوات بخیرستد و بگوید اللهم انی توکل علیک و تقالک یکتا
 فی قاری ما هم لیکون فی سرک الخ و فی غیبک اللهم انی
 التوکل حق الحق و اری الباطل باطل الحق لیجبه حیلک
 یا ارحم الراحمین بعد از آن مصحف بشاید و از تسبیح هر سه مرتبه بود
 علاوه از جانب چپ و رقی سه مرتبه پس آن عدد و طریقه تسبیح یا تسبیح و بعد از
 سطر آخر مضمون این آیه هر چه باشد عمل نماید **سوم استخاره** در دست آفاق
 بخشش یا چه کند بگوید بسم الله خیرة فیما فی الغیر از کلام سلمان بن
 عبدان بر سر پاره که نه افضل بر سر که نه افضل بنویسد و گفته اند که اگر

سجاده کند و در رکعت نماز کند و بعد از آن سجده کند و در سجده دوم
 بگوید استغفر الله و رحمة خیرة فی فیه پس بنشیند و بگوید اللهم خیر فی
و آخر فی جمیع الامور فی فیه بکنه عافیه بکنه عافیه را بر هم زند و بگوید
 تا سه کلاه پروان آورد پس اگر هر فصل باشد یا هر سه فصل باشد یا
 آن عمل کند و اگر غفلت باشد پنج کلاه پروان آورد پس فصل باشد یا
 پتیه باشد چنان کند چهارم دعا کند و از خدای تعالی درگاه طلب
 نماید بگو کل بخود مشروط در آن کند اگر کاری پس باشد مثل
 خریدن و فروختن و امثال آن ختم کند کافی بود و اگر کار عظیم باشد
 سه مرتبه هر عبارت که خواهد و اگر یکی از دو عبارت که در سجده دوم
 از قاع گذشت بگوید حق باشد مرویت که هر کس این دعا بخواند در تن
 دعا کند البته آنچه خیرت خدای تعالی برای او خیر کند یا انصر لکنا
طریق و یا اسمع الشاکیین و یا اشرح الخاسرین و یا ارحم
الراحمین و یا احکم الحاکمین و یا اهل بیت
 و غیر اینها گذاشت حضرت صادق علیه السلام هر کس از خدای تعالی که بطلب
 خیر کند و استخاره فرماید و آنچه خدای تعالی برای او خیرست فرماید و در

باشد البته آنچه خیرت خدای تعالی برای او خیرست فرماید هم
 چنان استخاره کند بجاویت و سلامت طلب کند چه بسیار باشد که خیر کسی قطع
 یابد یا موت و لد یا عیة دیگر باشد پنجم مشورت با عاقل مرویت که با عاقل
 دیگر در مشورت کند و آنچه او خیر کند خدا فی آن میکند که هر چه بدست
مرویت که پنج جمع مشورت کند که کسی که با احمد یا عابد یا یحیی و نام داشته
 باشد با ایشان حاضر شود و مکر اندیز برای ایشان افتاد شود چشم زخم
 مرویت که این مانترا را از چشم زخم بر جود و بر دیگری که از چشم
 حشت و اگر چیزی بر قدر آلتی پیش بستی تواند کرد چشم زدنست و چنان
 از کسی چیزی بپند که بظرف خوش آید مبارک کند و رویت یک کلاه که بگوید
 ماشاء الله لا قوة الا بالله از هر چشم این شود و رویت یک کلاه که چون
 از چشم زخم بر رسید و آن یکا بخواند یا سه مرتبه بگوید ماشاء الله لا قوة
 الا بالله از قدرت آن این شود و نیز مرویت که چون باده نوی شود
 که از آن خوش آید وقت پروان آمدن از خانه متوذن بخوابد و زنت و او
 از چشم زخم این شود و حضرت امام زکریا کسی فرمود که خایه برای او
 ساخت چون بظرف مبارک رسید از آن خوش آید و فرمود الحمد لله و صلوات

۱۰

و گفت هر چند کم باشد خدا را زاجاب خدا و خواهر و اندر دم چو یک شکر او بخوانی
موجب زیادی می شود و اگر تفریق شمار دوش کنی که اگر موجب جرمانه ای
شود و بپای خط و عیب کرده و چون **توبه عید** به **فرز** بگوید **استغفر**
خاک نشو و دو دیگر نشو و **لَا تَحْمَدُ اللَّهَ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاهُ**
بِهِ وَلَوْ شَاءَ لَفَعَلَ بِي كَرِهَ أَنْ تَتَوَنَّهُ و اگر خواهر و چنین بگوید **لَا تَحْمَدُ**
اللَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَفَضَّلَكَ عَلَيْكَ وَهِيَ كَرِهَ
مِقَرَّنَ خَلْقَ چون **بیه** و **خاف** یعنی **و دین** **بگوید** **لَا تَحْمَدُ اللَّهَ الَّذِي**
فَضَّلَكَ عَلَيْكَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِالْفَرَقِ كِتَابًا وَبِالْعَمَلِ إِمَامًا
و بِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَانًا وَبِالْكَفَّةِ وَتَلَا عَمَّا قَالِي که اگر نیاز را با هم
در روز پنج کند **خاف** **بگوید** چو می بیند که کفایل خوب ندانه تو کفایل
کند و دل را از توشش آن خالی سازد و حواله بگوید **بگوید** **انظر** از پیش
رویت که کفایل بد جان شود که کسی بخود بگوید که **رویت** شود و اگر
مسئله بگوید **مسئله** شود و اگر هیچ بگوید **بگوید** **خاف** **بگوید** **خاف**
چون عیب استولی شود بر بزمی بنشیند و بر بخیزد رخص شود و از شیطان
استاده کند و صلوات فرستد و بگوید **وَعَلَيْهِمْ عِصْمَةٌ فَلَوْ لَمْ يَكُنْ**

اغفر لي ذنبي ولا تحيط قلبه ولا يحرف من ان يطاير الجحيم
والاحول ولا قوة الا بالله العلي العظيم واكره ان يدين دونه
اللهم اغفر عني عني قلبا واعف عني ذنبي واجعل من مضلا
سائلا فتن استلك رضاك واعوذ بك من محطك استلك
جنتك واعوذ من نارك واستلك لغير كلمة واعوذ بك من
الشرك اللهم تبيخ على الهدي والصلوات واجعلني من
مرفي غير ضال ولا مضل **چون در سجده و سجدت بگویند**
سبح لله الذي لا اله الا هو الملك القدوس العظيم
لا اله الا انت وحدك لا شريك لك عمنك سوء وقلبت
تسبح واغفر لي والحق انه لا يعفو الذنوب الا انت **چون**
صدای الله و سجدت بگویند در سجده و چون خدعه
کنند بگویند اللهم لا تعف عني چون عطف کند و دست بردارد بگویند
الحمد لله رب العالمين الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مطهرا
وصلى الله على محمد وآله وسلم طاری کو چقدر از رخ و زکرت
از کس از دماغ جبین چون آمده ناز بر عرش پر واز کند و در روز

در

قیامت برایش استغفار کند و رویت دیگر آمده که چون کسی خطی کند بگوید
اللهم تبيخ علي ذنبي واجعل من مضلا سائلا فتن استلك رضاك واعوذ بك من محطك استلك
جنتك واعوذ من نارك واستلك لغير كلمة واعوذ بك من
الشرك اللهم تبيخ على الهدي والصلوات واجعلني من
مرفي غير ضال ولا مضل **چون در سجده و سجدت بگویند**
سبح لله الذي لا اله الا هو الملك القدوس العظيم
لا اله الا انت وحدك لا شريك لك عمنك سوء وقلبت
تسبح واغفر لي والحق انه لا يعفو الذنوب الا انت **چون**
صدای الله و سجدت بگویند در سجده و چون خدعه
کنند بگویند اللهم لا تعف عني چون عطف کند و دست بردارد بگویند
الحمد لله رب العالمين الحمد لله حمدا كثيرا طيبا مطهرا
وصلى الله على محمد وآله وسلم طاری کو چقدر از رخ و زکرت
از کس از دماغ جبین چون آمده ناز بر عرش پر واز کند و در روز

4.4

مرکز

صَافَتْ بِكَ الْغَوَالُ بَوَّاهُ فَيَقُولُ بِالْوَحْدِ الْمَرْجُوعِ **مِنْهُ**
تَرْثِيهِ فِي مَرْكَبِهِ قَوَّلْتُ عَلَى الْحَيَاةِ لَا يَمُوتُ وَلَمْ يَلِدْ
 اللَّهُ فِي سَجْدَةٍ وَلَا يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ
 لَهُ كُفُوًا مِنْ دُونِهِ وَلَكِنَّ كَثِيرًا حَضَرْتَ مِنْهُمْ كَمِ صَاحِبِ
 وَتَرْضَى رَأْيَ رَأْيِهِ فِي حَالِ دِيَارِ فِي حَاطَرِ كُنْهَاتِ كَرْدِ
 بَابِ وَدَعِيمِ قَوْمِ وَانْدَكْ زَمَانِ بِشِ مَدَّتْ كَمَاشِ بِرِ
 وَجِيتِ حَاطَرِ مَبْدَلِ كُنْ **هَدَتْ نَبِيَّ بِي وَدَعِيمِ**
 دَارِ وَتِ نَابِ **يُحْيِي حَارَاتِ دَرِ كَارِ بِي كُوبِ** عَسَى رَبُّنَا أَنْ
 يُبَدِّلَ لَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ **مَرْدِ كَرِيمِ**
 سَبْتَانِ كَرْتَفِ شَدَنْ سَبَانِ مَبْدَلِ شَدَنْ چُونِ بِنِ كَفْتِ
 اَرَانِ خَدَايِ قَالِ عَوْضِ اَرَادِ چُونِ **كُوشِ صَدَا كُوبِ** اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَرَّمَ اللَّهُ مِنْ دَرِ كَرِيمِ **دَرِ مَرِ چُونِ بِي وَدَعِيمِ**
مَرِ مَكِينِ اَسْتَعِذُّ بِكَ يَا اَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي وَرَبِّ اَعْلَمُ
 مِنْ نَفْسِي اللَّهُمَّ لَا تُؤَخِّرْ بِي مَا يَقُولُونَ وَاجْعَلْ لِي أَفْضَلَ
 مِمَّا يَشْتَوْنَ وَاعْفُ عَنِّي يَكُونُ **چُونِ مَرِ چُونِ** اَلَسَدِ كُوبِ رَسَدِ

در

أَوْ يَعْزِي أَنْ شَكَرَ نِعْمَتَكَ أَلَمْ تَأْتِ عَلَى وَجْهِكَ وَاللَّهُ
 اَعْلَمُ بِمَا تَصْنَعُ وَاصْلِحْ لِي ذَنْبِي إِنَّ مَثَلَ إِلَهِكَ وَأَنْ
 مِنْ الْمُتَكَلِّمِينَ كَذَبَ قَالِي قَرْنَاهُ دَرِ زَمَرُهُ مِنْ مَثَلِ مَثَلِ
 نَابِ وَارِسَتِ تَرْتِ قَاوَزِ قَرْنَاهُ دَرِ زَمَرُهُ هَادِ قَتِ كَرِ بَابِ
 بِي كَمِ **بِي شَدَنْ كَمِ** چُونِ چَرِي كَمِ شُودِ وَرَكُوتِ نَاوَزِ كَمِ
 اَسْتَعِذُّ بِكَ يَا اَعْلَمُ بِالْعُيُوبِ وَالسَّائِرِ يَا مَطْعَانَ
 يَا عَظِيمَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا هَادِي الْأَحْمَارِ يَا مُحَمَّدَ صَلِّ
 يَا كَايِلَ دَعِيمِ بِي اَرَا مَعْنِي عِلْمِي بِي اَبْدِي اَطْلَعْتَ يَا خَلِ
 قُومِ مَرِ نَوْجِ مَرِ اَعَزِّ لِي اَحْمَدُ عَبْرَةَ يَقُوبِ يَا كَا شَعْفِ
 اَوْتِ يَا مَعْنِي دِي اَوْتِ مَرِ اَطْلَعْتَ يَا ثَلَاثِ يَا فَايِلَ كُلِ
 خَيْرِ يَا هَادِي يَا اَبِي كُلِّ خَيْرٍ يَا اَعْلَى كُلِّ خَيْرٍ يَا خَالِي الْخَيْرِ
 يَا اَهْلَ كُلِّ خَيْرٍ اَنْتَ اللَّهُ فَرَعْتَ اَيْتِكَ مَخَافَتِمْ
 وَانْتَ عَلَامَةُ الْعُيُوبِ اَسْأَلُكَ اَنْ تَهْدِيَ عَلَيَّ سَبِيلَ اَلِ
 وَأَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ صَافَتِي وَارْزُقْ بِي يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ
 كُفْرُهُ وَلَا يَشُدُّ عَلَيْهِ مَعْلُومُهُ وَلَا يَغَالِبُهُ مَسْئَعُهُ وَلَا يَطْوِي لَهُ

رتبع اودد بقدر ذلك على ما في قبضتك اياك اهل الميزان
 يا آية وعنه وعلو العيب بخانه وبعار ان كويد اللهم اناك هذا
 من الفضائل التي تجي من العفو ورد الضالة صل على محمد
 وآله ورد ضالتي وصل على محمد وآله وسلم يا سوره مبرك
 والادبيت بخانه **امانت** چون خبري بمانت در جاني كند امان
 از تنه بران بخايم محفوظ ماند است و الله تعالى **جواب** و قد ورد
 اللهم اني استسلك خيرا ما احب اليك و خيرا ما احب اليك
 و اعود بك من شرها و شر ما يحبها اللهم اجعلها علينا رحمة
 و على انكاف من عذابنا و صلى الله على محمد وآله و كبريا
 بيه كويد نشاء الله تكبير يا **درا** و الله تعالى **موت** و من بخانه **دور**
رحمة و ما علم كويد **سبحان** من يسبح الله عز وجل و لا اله الا الله
 من حقيقته و نيك كويد اللهم لا تشكنا بعصيتك و لا هلكنا
 بعذابك و ما فينا قاتل لك وقت باران كويد صبا هنيئا و
 ذخران چون زود برودن خانه و غلبه كويد ربي اذ خلقتني
 صديقي و اخرجني من رحمك صديقي و جعل من لدنك سلطانا

نصيبا و چون در غلبه نشين شود كويد بسم الله و بالله استعذك
 لا اله الا الله و حده لا شريك له و استعذك محمد عبدك
 و رسولك پس كودر خانه كسي باشد برودن كودر كسي باشد كويد
 استعذك على محمد بن عبد الله صاحب البيت لا اله الا الله
 الا ايشه الهادين استعذك علينا و على عباد الله الصالحين
و تفهم نام خدا اگر كاه خدای كرامی از انما می خدای قالی بران نوشته
 باشد در سر راسی و جانی چهر می افتاده باشد خدای قالی چهار
 فرشته بران موكمل كرده اند كبرياهای خود از انما فطنت كند اوك
 كبر از دوستان خدای از بار و در خدای قالی نام او در سينت
 فرمايد و خدا باز و الله تبارك و تعالی خفيف دهد اگر چه كافر باشد **نوشته**
حق سوال و در **نیت احوال عیال** و این مجموع نهاده است در فصل
 بیان شود **فصل اول در جود و غلبه خدای قالی** در قرآن مجید فرموده
 همی كرازد از دست نرسند ایشان رسك را و من غلبه و نیز
 فرموده كبريا كرازد از راه خدا صرف كند مشرمانیت كراخت و
 خسته اودان برود و در خوشه صده اند باشد و خدا برای هر كدام

بسم الله

مضافه کند و اندوخته است تا هر یک مرده است که سخن در استماع این
محبوب و ارضیت پاک و آب چشمش از کوه خلوت و بخیل در آسمان زمین
مغوش و ارضیت شود و آب چشمش از غار خلوت و سخن در پناه حجت
خدا باشد تا آنکه در اصل ثبت شود و کسی که خدا می تواند همه چیز را
ذره و بخیل متنا کر و اندوخته سخن زدیکت بخدا و نزدیکت بهشت
و سخاوت و رحمت و در بهشت هر کس بنا سخن اران در آورده و در اصل
بهشت شود و بخدا نزدیک از آتشش دور کرد و در بخیل و رحمت و در
هر کس بنا سخن اران در آورده و در سخن بکشد و هر کس با سخاوت
بیشتر آید سخن بهتر بود و در وقت سخن را بیاورد و گویند اگر حاجتی
و حاجتی داری بگوئی که خدا را آفریدی و بهشت نمودی و بهشت
عط فرمودی من نیز نعمت را بر عباد تو منتظر ساختم تا بیاورد
امروز بر من نثار رحمت فرماید پس خدا می تواند فرماید من
راست میگوید او را در اصل بهشت کند و جوان سخن معطر در گناه
بیشتر خدا می تواند دوت ترست از هر عاقل و بهرین مردم است
بهترین مردم عاقل و اهل علم ایمان ترا احاطه می دهد و رحمت حق

در احاطه موی حجت و محبت و رحمت خداوند و دوری از نیرانی سخن
جانت و سخن حق که تصدیق باین کند که خدا می تواند همه را معجز گرداند
عرض میدوید و هیچ چیزی را راه نمیکند که خدا می تواند همه چیز را
در هر کس بخت فانی باشد و هیچ شری را راه نمیکند که خدا می تواند همه چیز را
قیامت در دوزخ مقام کند و هر کس در صرف لربخای خدا بخت کند
میتواند بهرین صفات آن و بصیرت خدا و از حضرت امام جمعه فاضل
آنکه کلام ربیم الله اعلم بحکم حرارت سوال کرد و فرمود که یکساعت سخن در
در طاعت خدا صرف کند و بگوید تا بعد از او دیگران صرف میکنند
چون اگر در طاعت صرف کند حرارت بر او ثواب است و در آخر آن
و خدا را حمد و مدح کند و اگر بصیرت صرف کند حرارت بر او ثواب است
آن مردم که شسته و احاطت بصیرت دیگری کرده و روزی **خبر از حضرت**
شده که در یکساعت بخیل و خند و ترست از عالم فرمود و در حق میگوید
عالم که با باشد که تو بهر دستت بخاز کند و در عالم ناید و نجات یابد و بخیل
نسخه و حقه و رحم و صیافت و سالار و جود و حقیق کند و در حق
که بخیل و در اصل بهشت شود و **مصلح دوم و فاضل از کوه و معصیت سر آن**

مرویت را من است **پیغمبر** علیهم السلام که هر کس رکوة مال خود از روی
 طوع و رغبت بدهد خدای تعالی در بهشت بعد از هر دانه یک قهرطی و یک
 نقره و یکی لؤلؤ و یکی زبرجد و یکی زعفران و یکی کوبه و یکی از نور و زعفران
 عطا فرماید و بیکس رکوة ندهد مگر آنکه مالش زیاد شود و مرویت که
 بیکس از طوبی رسیدن شود مگر آنکه در آن هیچ تغییر کرده باشد و پنج
 مای لغت شود مگر آنکه در آنست تغییر زده باشد و عوفت مای که رکوة آن
 ندهد و خدای تعالی فرض رکوة را فرضی از رکوة دینده و چنان
 رکوة ندهد تا زینش قبول نشود و هر کس یک قرأت که در رکوة
 ربع صد مرتبه یا رکوة از رکوة منع کند نمومن باشد و در مسلم و چون
 بمیرد بیود جای باشد یا نصرانی و در زینت ارده فی ارتش طای
 که پیش باشد و عدلش کند تا و تیکه از حساب خارج شود و هر کس رکوة
 طایفه از من کند خدای تعالی روز قیامت او را در میان بانی بک
 سازد و مار عظیم که از بسیاری زهر موی مرش نخیده باشد بران
 مستطکر دینده و چون مرچد که زینت نیابد ناچار است خود را
 با و دهد تا بدن او را پاره پاره کند پس بر کوشش بجد و عجلش کند که

رکوة که سفند و غیر آن از حیوان منع کند در میان بی جھوس کرد که در
 حیوان صاحب جسم او را پامال کند و هر حیوان دندان درازا دندان بپ
 بار پیش کند و هر کس رکوة غل و خرما و شل از آن منع کند زین
 ملکش تا هفت طبقه طوق کردنش شود و مرویت که در زینت
 جوی از قبر پروان آیند دستها بر کردن بسته و ملائکه چند برایشان
 مکتبی باشند و اینها را زینش کند و گویند اینانند که حق خدا را
 از مال خود ندادند و پیزی قییل از غیر کثیر محمد و کشته شدند و چون
 مردم منع رکوة اموال خود گشتند زین هم با دین خدا برکات
 و غیرت خود منع کند و موجب قسط و مکنی شود و ادای رکوة و سائر
 فرض و واجبات عمل نماید و صدقات و سائر مستحبات پنهانی
 و غفلت و ثواب تجات چنانی معاف و بار عیال نیست **فصل سوم**
و جلال من است پیغمبر در تفسیر طایفه از انبیا و ائمه و اولاد
علیهم السلام مرویت از حضرت پیغمبر فرمود که هر کس یکی از اسامی بی حاکم
 من در روز قیامت آنرا مکافات کند و فرمود من در روز قیامت
 شفاعت کنم که هر چه با کناه تمام من فرمایند یکسکه نصرت ریت می باشد

کسیکه مال خود را در وقت سستی بپایان نموده و کسیکه با دل بران
محبت ایشان داشته باشد و کسی که در خالچ ایشان سعی کرده باشد حضرت
صادق علیه السلام در روز قیامت مادی ندانند که ای خدایا این محبتش
باشد که حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله با شما گفتگوی کند این محبت
بر خاسته گوید ای معشر خدایا این محبتش که پیش من نعمتی و جانی و مانی باشد
بر خیزد تا آن مقامی کنم که گویند پیر و مادر مادی تو باد که خدا آن
که نعمت و نعت و احسان و شفقت همه خدا و رسول خدا است بر خیزد این
پس آنحضرت گوید ای هر کس یکی از این است یا پناه داده یا بایشان سکنی
کرده یا بر مند ایشانرا پوشیده یا کرده ایشانرا سر کرده یا پناه گرفته
آن کم پس صبی که این کار کرده باشد بر خیزد پس از جانب حق بپایان آید
ای حبیب من مکان تا ایشانرا بتو رجوع دهم در جای بهشت که خوشی
ایشانرا جای ده پس ایشانرا در رسید که درجه است مخصوص آنحضرت
و اهل بیتش صابی دهد تا در حضرت ایشان باشند و در میان آن اهل بیت
و انعمی نباشد و هم آنحضرت صلوات الله علیه فرمود که هر کس تا در صلوات
ماند باشد صلی الله علیه و آله صلوات بر او باد و ثواب صلوات داشته باشد **فصل**

چهارم در فضایل معروف و احسان مردیت از این است احسان که در شب
در ریت که آنرا معروف است و از آن در دخل نشوید که اهل معروف
در دنیا و اول کسیکه دخل بهشت دارد و خوشی که نشوید معروف
و اهل معروف اند و سه چیز است که موجب زیادتى معروف بقیامت است
یکی طول رکوع و سجود دوم طول جلوس بر سفره سوم طهارت معروف
و احسان و صاحب معروف اند و از نماز که در طهارت طهارت باشد و چون اهل
دخل بهشت شوند خدای تعالی بادی خوشبختی را امر فرماید که با محبت
و امانت شود که هر یک از ایشان که جمعی از اهل بهشت گذرند از پیش
بشناسند که صاحب معروف است و هر یک از این احسان معروفی کند
خدای تعالی روز قیامت آن مومن فرماید برو که هر کس تا تو خوشی
بجا آورده اگر در روز قیامت باشد پیر آن آری برو و پیر آن آید
و دوست ترین بنده کان فیض خدا کسی است که معروف و دوست دارد
و هیچ چیز بهتر از معروف نیست مگر **توبه** و **توبه** که هر کس باشد
مطهر معروف کند که اگر اهل دنیا باشد ثواب اهل آن باشد
و اگر کسی در جانب رحمت شمارا داشته نام دهد و بجانب چپانه خدیر

خواهی کند قبول کند و در برابر احسان که به نفع ارحام کنی تلقی
 کرد باشی و اگر زیاد کنی شکر آن یا آورده باشی و چون
 شکر بجای آری کریم باشی و هر کس بداند که چون کسی نیکی جهان
 کند در واقع با خود کرده توقع هیچ شکر و زیاده ای نیست از
 نهشته و چه جای توقع که با احسان حفظ عرض خود و تحصیل ثواب
 و فضایل برای خود نموده و کسی که امانت و سعی برای خیری کند
 مثل فاعل آن خیریت و مروت که برای یکدیگر پدید بخت
 که بخت و صلاح و بخشش و عداوت شود و کاری که ضررش
 باین کس نباشد از نفع دیگر باشد نباید کرد و چون کسی احسان کند
 اگر تواند مانی کند و کرده هیچ شکر کند و کرده کفران کرده باشد
 و حضرت صادق علیه السلام فرمودند ای تقی یعنی کرده فایده بسیار است
 پرسیدند که گیت او فرمود و کسی که با معروفی کند و کفران کند
 که بسیار شود که دیگر معروفی کند و نباید دانست که هر حسابی
 و زمان غیر مال و اصل مروت **فصل نهم در فضایل صدقه مروت**
 از اسب پست تا برین که خدای تعالی فرماید می بر هر چه کسی مروت فرمود

بفرض صدقه که از خود بکیرم حتی آنکه اگر کسی فرمائی یا نصفه فرمائی صدقه
 دهد از برای او تربیت کند و زیاده که فرمود و زینت مثل چوبه
 یا زینت باشد و عفا و نوع بلا از بلاهای دنیا دفع کند بفرمائی که
 در آخرت میاست و صدقه از چنان عقده شیطان بیرون آید که هر
 دفعه باشند و هیچ چیز بر شیطان کران را بر تر از صدقه نیست و کس
 اول روز صدقه دهد بخیر شود و آن روز از او دفع شود و اگر
 اول شب دهد خیرت و شرف و آفت از او دفع کرد و روزی بفرمائی
 بجزرت پیغمبر گذشت حضرت فرمود امر و زاری سیاهی بر خدای
 این بودی بزند و او را بکشد پس بفرمائی که نشسته میهمان
 دوش بسته مراجعت کرد حضرت فرمود و میهمان را بر زمین گذشت
 زاری سیاه بر چو می چسبده بود پرسید که ای یهودی امروز
 چه کرده گفت دو نان دهم شتم بکیر امروز و بکیر نقدی که در میان
 حضرت فرمود و بکیرت این نقدی شتر این مار را از او دفع شده
 و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود میان من و منجی قریب نیستی بود او
 میخواست که من در ساقی بنشینم خود در ساعتی صد پون مدوم بفرمائی

و تقسیم کردیم و قیمت خوبه بنیافته و بخت بدست رفته از روی حیرت
 و لذت گفت هر کس چنین چیزی ندیده نامش کفتم بنیافته و بخت بدست
 آمدن تصدیق کردم و آن بهتر از خودم بود و هم از ایشان هم بدست
 که در زمان بنی امیه شیل چنان خطی عظیم شد روزی زنی لغوی نامی
 در دهی گذشت که بخود سالی سوال کرد آن لغوی را از دهی بنی
 آورده بایل داد اتفاقاً آن زن را طاعتی بود و در صحرای کربلا
 ربه و طفل فریاد کرد مادرش خرابه و در پای روان کشت بخت
 آمد و طفل از زمین که کز کفر باو داد و گفت این لغوی عرض آن لغمت
 و هم از ایشان مرودیت که مردی از بنی امیه شیل پیری دشت کی
 از او بیاض افتد باو خبر داد که پیرت ریشخوردی خواهد وفات
 کرد چون بشعر و سی رسید پیر پیر عاجری را دید و بروم کرد
 طاعتی او پیر گفت مرا زن ده که می خد ترا زن ده دار و پس کسی
 در جواب بآمر گفت که خدای تعالی بپایان تصدیق مرا که پیرت دفع
 فرمود و نیز مرودیت که یکصدقه را در دنیا خوب کند که خدای تعالی
 بعد از وفات او لا ریشخوردی خوب کند و مرودیت که هر چه تصدیق شود

تصدق

تصدق کند اگر چه نصف فرمائی باشد و از او دان کم شرم میکند که هیچ
 که از کثرت و چون بنده با آنچه تصدیق و شش باشد و کند بشخص عظیم
 بود و اگر هیچ نباشد بیک خوش و زبان سلام جواب گوید و روزی
 خدای تعالی فرماید من بشما انعام و احسان فرمودم و من فرزند ندادم
 و کوشش عطا نکردم گویند بنی امیه که پیر پیر پیر پیر پیر پیر پیر پیر
 پس هر چند با طرف نظر کند چیزی نیابد که شش را از ایشان دفع کند
 و زمین قیامت تمام نبشت که سائیمون که صدقه شش بر شش بایکند
 و شش از شش کند و کسی که صدقه را برای محتاجی ببرد شش آب کشی از دکان
 صدقه را داده و مرودیت که آنقدر صدقه میداد که گویند پیر پیر پیر پیر
 اسراف نکند و بایشه و نیز مرودیت که تا تواند صدقه بدهد و از پیر پیر
 مرودیت که هر کسی از صدقه دادن پیر پیر نشود و صدقه مان یا کند و پیر
 او را نگیرد و کسی که بخت نام موسی کاظم سکایت کرد که پیر پیر پیر پیر
 که خدای دو عالم از بدن خود پیر و نکرده و بفرموده و روزی که
 و تصدیق کن گفت از آنچه مردم می بینند بدیم فرمود و هر چه تصدیق
 میشود و بده اگر چه خود بان حاجت داشته باشی و هر صائی و صبر با

یکم کسی که صدقه باشد حتی اگر با کسی سخن گوئی و هر قدر با او بیشتر
 بکنی و او را زنجانی و فضل صدقات است که پنهان باشد که صدقه
 پنهان آتش غضب خدا را بنشاند و صدقه است شکر عفتا لای الهی اماکن
 کند و کما عظیم را محو کند و اند و حساب قیمت را آن کند و صدقه
 روز مال عمر زیاد کند و عطفای عظیم را بکند از دنیا کتاب بکند
 و حضرت عیسیٰ بکند و در یکدشت قرصانی در آب انداخته و آن
 گفته یار و روح الله اینان قوت تو بود و فرمود حیوانات آب بخورند
 و آبش پیش از عظیم است و فضل صدقات است که در وقت سکنی
 و پریشانی باشد و دیگر را بر خود چسباند و اگر عیال نباشد آن
 و بعد از آن همایکان محتاج باشد صدقه بگیرد ثناید و او هر چند
 کسی نزدیکتر و خوشتر پیشتر صدقه بر فضل باشد و ریت که فضل
 صدقات است که بخوشی و منه که عداوت ایشان در دل داشته
 باشد و صدقه یکی به عوض باید و صدقه و دستانی یکی به ریت و صدقه
 خوششان یکی به ریت چهار و در صدقه منت نباید که منت و سائل را
 نباید بگایند که تو پیش اهل من و دیگر خوش جو بکنید بهتر است

صدقه دهند و بر تانند و فضل است که آنچه مقدور شود بدهد و منت قدر
 خواهی آن هم که گویان صدقه دیکت فضل از صدقه اول و چنان است
 و بگایند که باشد که بکند چیزی که از مال نیای دنی و منه مانع بسیار
 و عاقبت از دنیا و ثواب عظیم در ریت برای خود بکند و حضرت زکریا
 علیه السلام عیسیٰ زود حق فقر آید و یکشنبه سیه که اگر پیش از نبودند
 صدقه بکند و دید و فقیل و ثوب صدقه چون می یافت و ریت و ریت و ریت
 بکند و دید و چون چیزی برای خود او برای صدقه جدا کنند از دیگران
 و آن صدقه خود نباید که اگر کسی سائل زنده باشد یا قبل کند بکری
 باید و او **فصل ششم در صدقات سائلان** در ریت و ریت و ریت و ریت
 عظیم قسم که سائلان را دیکند اگر چه بر آب سوار باشد که اگر آن می بود
 که سائلان در هر کجای یافت می کنند بسیار را که در چیزی
 مقدور نشود و این است عذر باید خست که بسیار باشد که ملاک برای سائلان
 بصورت نهان سائلان نشند و هر چه پیش از سوال بر میدهند همان است که
 اول بیان و اعضای لرزان و تپش میان این امیداب روی خود بر
 و سائلان که هر چه در عوض آب رود و تپش او باشد و سبیل است

از خدا پیش نهان هر کس آنرا پنهان دارد تو بآن مایه عبادت
 کرده باشد و اگر انشای آن کند هر کس بشود دوازده مرتبه خواند کند
 و اگر در دم بپوشد که عطا شود خیر و برکت هرگز در سوال کند و اگر بپوشد
 که سوال چه قدر بدست هرگز سوال نکند و نیز مرویت که از سوال
 چنان بپوشد که بدست است در دنیا و فقریت دنیا و طول است
 در فقریت و هر کس بی استیلاج سوال کند خدای تعالی او را محتاج کند
 تا مضطر سوال شود و هر کس قوت سرزده دهشت باشد و طول
 کند روز قیامت گوشت در رویش باشد روزی جمعی از حضرت پیغمبر
 اتمس کردند که برای ایشان ضامن بهشت شود فرمود ضامن شدیم
 بشرط آنکه شما هر کسی سوال کنید بپایان هرگز سوال کرد تا حدی که
 در انشای طعام اگر آب یکی نزدیکتر می بود نمی طلبیدند و خود بر نیافتند
 و اگر در سوار می تازیدانه ز دست شان می افتاد فرمود می آمدند و بر نیافتند
 و سوال نمیکردند **فصل ششم در رعایت حال عیال** مرویت که از اهل بیت
 علی هربین علیهم السلام که چون خدای تعالی کسی بیعت دهد و جهت بود که
 بر عیال خود تو سعه کند و عیال اسپران و یند پس اگر صاحب بیت بر آن

خود تو سعه کند نزدیک باشد که نعمش را زین شود و چون لطیفی را زین شود و خود
 زود و خود کند و معرفت کسی که عیال خود را بر دیگری مایه کند و بیعت
 کسی که عیال را مضطر کند از دست حاجت دیگری شوند و همین که به است
 مرد را که عیال را محتاج کند از دست و همین مایه چنانکه خدای تعالی او را عیال
 میکند او نیز با عیال معاشرت کند هرگاه خدای تعالی او را است و بدو نیز
 عیال را وقت دهد و هرگاه دست ترکند او نیز چنین کند و بدترین
 صدقه دهان است که بعد از صدقه کفاف عیال باشد هر کس پیش
 و این خود میکند باشد رزقش زیاد شود و حضرت امام زین العابدین فرمود
 و یک عیال می رفت بگوشت کند تا روز دوم و برای ایشان گوشت بخرم
 است تر دارم که بنده آنرا بگویم و کسی و دنیا طلبان حضرت حضرت پیغمبر
 گفت پیغمبر ما این هر کس بخرم که بر آن سوار شویم خود در راه خدا بگویند
 فرموده الدین واری صرف ایشان کن که افضل است زلف و جان کن
 و دو دنیا را بگو آورد که گفت باین هر کس بخرم فرمود و بخرا تا ما بگویند
 افضل از شماست و مرویت که چون بخراش اهل خود چیزی می خورد باوقی
 خواش خود **فصل ششم در جهان و زمین و عیال** مرویت از اهل بیت آن

که هر کس بموینی احسان کند چنانست که بجزرت پنجم احسان کرد و باشد و هر کس
 موینی را طعام دهد بهر دست اراده کند و از او کند و در حج گزارد و اگر کسی
 بموینی غنی را طعام دهد چنانست که یک کس از او را در جیل از پنج نجات دهد
 و اگر بموینی فقیر را طعام دهد چنانست که یک کس از او را در جیل از دو کس
 بموینی و به خدای تعالی از سیوهیشت عفو دهد و بهتر از آنست که یک کس
 از او کند و اگر بموینی طعام دهد خدای تعالی او را در ملکوت سبحات از
 سهشت فردوس و طوبی و جنت عدن طعام دهد و از درختی که خدای تعالی
 در بهشت عدن بدست خود نشاند و حضرت امام محمد باقر فرموده
 یک کس از او دست درازم از او که عفو کند و از او که عفو کند و از او که عفو کند
 مسکین را عیال خود کنیم که گرسنه باشند یا سیر کردیم و بر بند بر او شام
 و ایشان را از حاجت مردم بر ما هم دوست دارم از او که عفو کند و از او که عفو کند
 و هر کس بموینی را در محبت اعانت کند یا برهمنش یا پوستانه خدای تعالی
 هفت هزار ملک و کس که از او که عفو کند و از او که عفو کند و از او که عفو کند
 و رویت دیگر عفو هزار ملک آید و هر کس بموینی را عیال بپوشاند خدای تعالی
 او را از جامه های ثوابت بپوشاند و سکه را نموت بر او آسان کند و بجزرت

کسی که از او چنان از قبر بر وی آید ملک و سیبش کند و بجزرت
 و چند و از جامه های ثوابت در او بپوشاند و از او که عفو کند و از او که عفو کند
 ملک بر وی عفو کند و در زمان خدا باشد و نیز رویت که هر کس
 بموینی بر او را جامه بپوشاند در ستر رحمت خدا باشد و از او که عفو کند
 یا در بهشت باشد و رویت که احسان ثوابت کند و هر کس حضرت
 یک کس از او را سیب و خیر انکاری تا در نظر انکس عظیم شود و دوم آنکه
 پنهان داری تا بر او که آرا باشد سوم آنکه در او ای آن پنهان کنی تا
 شود و چون این رحمت مرا عفو شود احسان در پیش خدا عظیم گردد
فصل پنجم در فضایل قرض دادن و احکام متعلق بان رویت از حضرت
 امام علی که گویند آب صدقه یکی بده باشد و ثواب قرض دادن یکی بهیچ
 و هر کس بموینی قرض دهد تا و چنانکه قدرت بر او ای آید یا ملک و کار
 باشد و برای او بعد و حساب شود و نیز رویت که هر کس بموینی قرض
 دهد هر یک را هم مثل گوشت و در سیب و در ضوای که گوشت و در سیب
 حسنت علی فرماید و اگر در مطا به را از او عفو کند بی حساب عذاب
 چون برق خالف از غرط بگذرد و نیز رویت که هر کس مرمانده از قرض

و چه در مطایبه و در انکه ضایعی قلی بهر یکدیگر به هم باز قطار از زینت عطا
 نماید و هر کس عینی قریبن هر دو قصای عاشقین کند و او را سرود گرداند
 چنانست که حضرت پیغمبر امر و کرد و باشد و چون و عدل و بیعی از نورش
 و اگر نقد و درش باشد و نه بهر بی شبت بر و حرام شود و نیز مویست که
 قرض و از آن خیزد و آن و آتش و اشال آن از جمله مکارم اخلاصت و طریقت
 کند و مضافه در آن صورت فقر باشد و هر کس فقر باشد و پیرانی از
 صفت دهد یا چیزی از حق خود باو بخشد و در سایه رحمت خدا باشد و روزی
 به چکلی سایه و پناهی بخشد و از حارث چشم خشم برین باشد و خیانت
 کوسه و روزی مثل آن عقد کند و اگر کتیبه را احلال کند و در وی بدو هم
 ثواب یا فصل **دوم در بیان وجه و ریزه** از حقوق حکومت و حق
 آنست که کسی از مال خود قدری بستاند و بعد و وسع خود مقرر کرد و آنکه که در
 یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال مدتی معینی بفقرا و مسکینان و بهر حال
 در قرآن مجید فرموده روزی و نیت و در آنجا آورده و بجا بخشد
 طلب کند که از راه راست مقرر کرد و اندیشه و حال را به هر چه میخورد و در
 کرده و هر چند عاقلانه ای که در آن خیر حق معلوم مقرر کرده باشد و

و در غیر بنای مساجد است و در وقت احضرت چنانکه که هر کس در دنیا بخواهد
 با یکدهی قنای بقدر هر یکو چنانکه از یک دروازه و توره دارا و است
 باشد و در وقت شتر که چهل نر در راه باشد و نهان و غنچه و در آنوقت
 و نه در روز بربود و در شهری چهل هزار نفر و در هر شهری چهل هزار
 هزار هزار و در هر سر چهل هزار زن خانه و در هر خانه چهل هزار زن از هر
 و در هر سر یک سواری و در هر خانه چهل هزار زن و در هر سر یک زن
 و در هر خان جوانی و خان جوانی و چهل هزار زن جوان و در هر خان جوانی
 و در هر خانه و در هر خانه چهل هزار زن از هر خانه و در هر خانه چهل
 بنای مساجد است و در راهها و در وقت چهل هزار نفر که هر کس در راهها
 پناهی و در هر بنای مساجد که قنای و توره و در هر خانه چهل هزار زن
 و در هر سر یک سواری و در هر خانه چهل هزار زن و در هر سر یک زن
 و در هر خان جوانی و خان جوانی و چهل هزار زن جوان و در هر خان جوانی
 و در هر خانه و در هر خانه چهل هزار زن از هر خانه و در هر خانه چهل
 بنای مساجد است و در راهها و در وقت چهل هزار نفر که هر کس در راهها
 پناهی و در هر بنای مساجد که قنای و توره و در هر خانه چهل هزار زن
 و در هر سر یک سواری و در هر خانه چهل هزار زن و در هر سر یک زن
 و در هر خان جوانی و خان جوانی و چهل هزار زن جوان و در هر خان جوانی
 و در هر خانه و در هر خانه چهل هزار زن از هر خانه و در هر خانه چهل

و بهر عضو از عضوهای بدنش از آن شود که هرگز در آن نشاید که اگر آن
 و اگر طفل را بر عاقریز از آن کند باید بپوشش به بند تا و قیقه خویش
 قدرت بر تخصیص معاش باید و بنده که در حال نزع باشد تا که در آن
اینهمه فصل در روز و یکم **فصل** از آب و فصلی احتکاف و متعلقات آن
 از آب و ثواب این مجموع نشاء است در روز فصلی میان شود **فصل** در فصل
 مطلق در روز و در وقت از فصلی که هر چیز را که گوشت و در گوشت
 بدن روز و است و در روز و در وقت از فصلی که هر چیز را که گوشت و در گوشت
 عبادت اگر چه در جهان باشد و اما که غایت مسلمی کند و ضایع قالی فرمود
 مخصوص نیست یعنی میان ترین عبادت است و از زیاده و درستی پس این
 برکت و بودی و این روز و در این بین بهر وقت از بودی و مشک و یکروز
 روز و که خالص ای خدا باشد بر این است با یکسان هر کس روز و خود را
 پنهان دارد خدای قالی فرماید که ای ملائکه بنده من از پیشش نیا به چو
 پنا بهش چه و ملائکه را فرماید که برای روز و در این عا کمنه و و عا
 ایشان را البته مستجاب فرماید و هر کس که روز و در در شدت که
 داشته شود خدای قالی هزار عا کمنه بر او کمال گرداند که با او ملاطفت

و ملائکه ای کند و بشا نشاء و قیقه را که کند و فرماید چه خوش است
 از بودی قالی که کلاه باشد که کنایه باشد با آن روز و در وقت از فصلی که هر چیز را که گوشت و در گوشت
 روزی فرمود و فرمود تا را چیزی تعظیم کنم که شیطا را از شما دور کند مثل روزی
 مرقی و در وقت که خدای قالی فرمود از روز و در وقت از فصلی که هر چیز را که گوشت و در گوشت
 پیشش بکنند و دوستی برای خدا و عبادت بر که برای خیرش از جا بکند
 و استغفار که پیشش قطع کند و خواب روز و در عبادت و پیشش تعظیمش
 مقبول و در عایش بهجت است و هر کس که روز و در وقت از فصلی که هر چیز را که گوشت و در گوشت
 منزهت کن پیشش بر خدا واجب شود و با باشد که کسی که روز و در وقت از فصلی که هر چیز را که گوشت و در گوشت
 یا در رکعت نماز گزار و خدای قالی فرماید بعد از این هر کس که ترا خدا بکشم
 و بهشت بر او واجب گرداند و چون روز و در این پیشش جمعی و اگر شود که
 چیزی خورند هر موی که در بدن باشد برایش تسبیح کند و ملائکه برایش
 استغفار کند و سه چهره است که بگویم قطع کند و عا کمنه و در روز و
 و ملائکه و عبادت قالی **فصل** **فصل** در روز و در وقت از فصلی که هر چیز را که گوشت و در گوشت
 بت طهرین که در جبهه نام نهیت و در بهشت سفید تر از شیر و شیرین تر از
 عسل هر کس که روز و در میان روز و در آن نهی باشد و پیشش در روز و

مده سال را از دو روز شود و در هفت یک آنگاه که هر کس یک روز در دنیا
 روزه بگیرد و غصه غلبه نماند و میان او و دوزخ مفاد
 خندق خدای تعالی فاصله کند که عرض هر خندق مثل مایه بین آسمان
 باشد و بهشت از راه جب شود و هر از اینان عظیم السلام هر ویت
 هر کس روز اقل اینها روز بگیرد بهشت را واجب شود و اگر
 یک روز در میانش بگیرد شفع که کاران شود و بعد و قبیل رسیده
 که ده قبیل از عظیم قایل عرب اگر یک روز در آخرش بگیرد از آن
 بهشت شود و شفع پیر و مادر و برادر و خواهر و اولاد و علم و غیره
 و خانه و آشنایان و همسایگان خود شود که مستوجب بهشت باشند
 و نیز هر ویت که هر کس در دنیا بگیرد از آن یک روز از میان و یک روز
 از آخر روز بگیرد کنان که نشسته است آفریده شود و اگر روز
 روزه بگیرد کنان که نشسته و آینه آفریده شود و **همه اینها**
 و ویت که هر کس یک روز از اینها روز بگیرد با مادری باشد و ویت
 شام او را ده و مستجاب باشد اگر برای دنیا و حاکم خدای تعالی
 فرماید و کند بهتر از آن که هر کس از او ایستاد و دعا کرد و اندر برای

آخرش و خیره کند و اگر دو روز روزه بگیرد در زمره صالحین
 شود و با ایشان به بهشت رود و بچنان اهل آسمان درین نهمند
 بیان کرد آنچه افضل و کم است و در پیش خدای تعالی برای و حیثیت
 کنان که نشسته است آفریده شود و اگر سه روز روزه بگیرد کنان که نشسته
 و آینه پیش آفریده شود و هر کس از دوستان و آشنایان خود
 شفاعت کند و محبت و حق او بر خدای واجب شود و اگر چهار روز روزه بگیرد
 از جن و جنات و جنات و بر صحن از قفسه و قبال عذاب قبر امان شود و حق
 تو این آفرین برایش بوفسند و نامه عملش از دست رست در
 او اهل عابدین با و دهند و اگر پنج روز روزه بگیرد در زمره اهل
 مثل ماه بهشت چهارده باشد و بعد در یک بیابان عالج خاصند
 و حساب بهشت برسد و گویند هر چه میخواهی از خدا طلب کن اگر شش
 روز روزه بگیرد چون از قبر پیرون آید رویش از آفتاب روشن باشد
 و غیر این نور دیگر با و علی فرماید که تمام محشر از آن نورانی شود
 و از اجال قیامت این باشد و حساب بهشت رود و اگر هفت روز
 بگیرد و هفت در دوزخ از دست شود و آتش بر او گرم گردد و اگر

۲۱۶
یک روز در شب بر کوته شود و اگر روز دیگر در وقت اورا
نوری عطا نماید که این شکر که گشته که از جلا نجات و کمرین و کشته
دینت که چنانچه پیشتر بود و اگر روز دیگر در خدای تعالی ده بال بود
مظلوم بدو و یا وقت که چون برق از هوا بگذرد و دستهایش بخت
مبدل گردد و از جلا نجات شود و چنانست که هر سال عبادت
کرده باشد و اگر یازده روز دیگر در وقت بختش او باشد که یک
آنقدر زیاده پیشتر کرده باشد و اگر روز دیگر در وقت زیاده پیشتر
بخت در پیشتر که اگر کسی از آنها را بدینا آرد و در وقت از مشرق تا مغرب
روشن کند و پیشتر خوشبختی تر از پیشتر که داند و اگر سیزده روز دیگر
در وقت که هر کس بخت و عید که قرار باشد برای او در سال هر شش خدا
خواستی که از انداز اوقات سیزده وقت و سیزده وسیع تر از تمام دنیا و در آن
کاسها و صحنها باشد و از در و یا وقت و در هر کدام معاف و نفع نماید
که هیچکس دیگر پیشتر نبود و او در کنار آن پیشتر تنم شوق باشد و اگر چنانچه
روز دیگر آنقدر فقر و تنوایا با او دهد که هیچ پیشتر ندیده باشد و هیچ
کوشش نکرده و اگر یازده روز دیگر در وقت از حلقه آینه نایب

در هیچ پیشتر و در شش بر مکرر و مکرر که گشته باشد و اگر از جلا نجات
نکرده و روز دیگر در آن جماعتی باشد که بر هر یک از شش سوار باشد و در
بخت سیزده و اگر مکرر روز دیگر در وقت بخت و هر شش از
نور بر هر یک که در شش آینه برده و در هر یک که در شش و شش
شاید شش کند و اگر چنانچه روز دیگر در وقت حلد بر سر در وقت
با هر یک که در شش نماید و اگر روز دیگر در وقت حلد بر سر در وقت
فقری ناکند از نول و در برابر فقر آدم و در هر یک که در شش و شش
صفت دارند و هر یک که روز دیگر در وقت شش هر سال عبادت کرده
باشد و اگر بخت روز دیگر چنانست که پیشتر هر سال عبادت کرده
باشد و اگر بخت و یک روز دیگر بعد و چنانکه در هر یک که در روز
شش باشد و اگر بخت و در روز دیگر در وقت از شش ناکند که
ای روزی در هر یک که با در برابر فقر آدم و در هر یک که در شش و شش
در شش و در شش و اگر بخت و در روز دیگر در وقت از شش ناکند که
خوشتر با که از شش شش شدی و در در اقسام همایون شش و شش
کشتی و اگر بخت و چهار روز دیگر در وقت حلد ملکوت بصورتی

عاجل آید و در یکت حریری سینه مشک افروخته و در دست یک
 قدح طلا محلول از سر آب جنت از آن هر آب باد دهد که سکر است و توت ساق
 و آن حریری قش در حق کند و آن کوکب آسمان سویی است و ساق کند و سیر
 در بر خواجه و سیر ابجد و آن آید تا در حقش کوشد و اگر پیش بخورد
 بگیرد چون از قبر برود آن آید و سقا و نه از ملک است و شش کند با علیا می و تر
 و یا قوت و جاعه در نه های بهشت و در پیشند و گویند ای ای خدا
 بهشت باد پیش خدا و از اول جماعتی باشد که با مقربین و پیش بهشت شود
 و اگر پیش و شش روز بگیرد در سایه عرش خدا بر پیش صد نفر از در
 و یا قوت بنا کند بر سر هر قدر خیمه از بر بهشت و در اینجا نعمت
 بسته است کند و در دم بنور نشوئی حایا باشد و اگر پیش و سقا
 بگیرد و شش البدر چهار صد سال راه و سیر کرد و الله و مرشد
 و غیرت پر کشند و اگر پیش و شش روز بگیرد میان او و در حق
 خدق فاصله کند که غرض هر یک با خدا سال راه باشد و اگر پیش و نه
 روز بگیرد و هر کس با شش آفریند و شود هر چند عظیم باشد و اگر پیش و نه
 تمام بگیرد و خدای تعالی از نور الهی شود و هر که عدلش کند و در شش

چهل هزار از قهر عطا نماید و در هر قصر چهل هزار خانه و در هر خانه
 چهل هزار از جوان و در هر جوان چهل هزار از کاسه و در هر کاسه چهل هزار
 هزار نوع نعمت و در هر خانه چهل هزار از سر بر که طول هر سر بر دو هزار
 ذراع باشد بر سر سر بری حوری شسته هر یک و سیصد هزار که در حق
 و هزار هزار که در حق است و فصل سوم و فیضی روز و ماه و سال
 و رویت از حضرت پیغمبر که فرموده ماه شنبان ماهت و هر کس که در روز شنبان
 روزه بگیرد می شمع او بشم و اگر در روز دیگر دکن آن کند نشسته
 او را آفریند و شود و اگر سه روز بگیرد و یکی ندانند که اعمال از هر که
 کند است و آفریند باشد و جمعی از حضرت از فضل روز و ماه و سال
 که در روز فرموده چرا از شنبان نمی پرسید که فضل است از جمیع ماه و حضرت
 فرمود است که هر کس که در این ماه روزه بگیرد کن با شش آفریند
 شود و نیز فرمود است که روزه شنبان ذخیره فقر است و هر کس که در این ماه
 روزه بسیار کند خدای تعالی معیشتش را اصلاح نماید و ستر انداختن
 کنایت فرماید و کمترین تو با کسی که در این ماه روزه بگیرد و است
 که بهشت او را و چو شود و نیز فرمود است که هر کس که در اول این ماه روزه

کیر و شبته او را و چو شود و خدای تعالی برای او عطا و حسن و نیکو کرد
 حسن و بر یکبار عبادت باشد و اگر در روز یکبار دکن غلطی موجب کشت
 باشد محض شود و در دنیا باشد بر شبانه روز خدای تعالی بر و رحمت کند
 و در شب هر که نظر از او بر خیزد و اگر در روز یکبار در شب هر روز در خدای
 بر عشق زیارت کند و عطا و در جاز در وقت برایش بندگی داند
 و اگر چهار روز یکبار در ترشش را و سب که داند و اگر چهار روز یکبار در خدای تعالی
 تحت او را در دل مردم جا دهد و اگر کشش از یکبار در عطا و فوج بکشد
 شود و اگر وقت روز یکبار از ابله و خوش خلق که دو او کشت از
 یکبار و یکبار در وقت سوال او مهربان کرد و داند و اگر در روز یکبار
 بر شش عطا و در عطا و در عطا و سب که داند و اگر از ده روز یکبار
 یازده و بیستون روز در قرش لب کند و اگر در ده روز یکبار در روز
 در قرع عطا و هر از یکبار در ترشش کند و اگر سیر زده روز یکبار و عطا کند
 عطا آسمان برایش استغفار کند و اگر چهارده روز یکبار و هر از یکبار
 و بیایان و در برایش استغفار کند و اگر یازده روز یکبار و عطا کند
 فرماید بقرت خود قسم که ترا بکشت صد بار کنم و اگر نازده روز یکبار و عطا کند

درای آتش از جوشش شود و اگر عطا و روز یکبار و هر از یکبار در خدای تعالی
 شود و اگر چهارده روز یکبار و عطا و در جاز در وقت برایش بندگی داند
 و اگر چهار روز یکبار در ترشش را و سب که داند و اگر چهار روز یکبار در خدای تعالی
 تحت او را در دل مردم جا دهد و اگر کشش از یکبار در عطا و فوج بکشد
 شود و اگر وقت روز یکبار از ابله و خوش خلق که دو او کشت از
 یکبار و یکبار در وقت سوال او مهربان کرد و داند و اگر در روز یکبار
 بر شش عطا و در عطا و در عطا و سب که داند و اگر از ده روز یکبار
 یازده و بیستون روز در قرش لب کند و اگر در ده روز یکبار در روز
 در قرع عطا و هر از یکبار در ترشش کند و اگر سیر زده روز یکبار و عطا کند
 عطا آسمان برایش استغفار کند و اگر چهارده روز یکبار و هر از یکبار
 و بیایان و در برایش استغفار کند و اگر یازده روز یکبار و عطا کند
 فرماید بقرت خود قسم که ترا بکشت صد بار کنم و اگر نازده روز یکبار و عطا کند

५५.

[illegible]

و چنان که با هر سهری دولت سال عبادت کرده باشد و روز پانزدهم
 جمیع حاجت دنیا و آخرت و مثل آن آداب و عطا فرماید و دعایش مستجاب
 باشد و حمد و تحسین برایش بخواند و روز قیامت چهل نور عطا شود
 در هر جانبش ده نور و در شش ماه چون از قبر برود آن آید و تحفه عظمی
 از بهشت بر او پوشند و بر هر یکی از بهشت سوار شود و ابری بر سرش
 از حرارت آرزو نماید که روز عید هم گناهان پیش آید و عید شود
 و از شدت روز قیامت ایمن گردد و در هر سهر هم دعای تعالی فرماید که
 جبرئیل میکشید و امیر اربعین حمد و تحسین و کبر و یمن برایش بخواند
 تا سال دیگر و روز قیامت ثواب بسیار عطا فرماید و روز نوزدهم
 جمیع ملائکه آسمان و زمین از خدا تعالی اذن خواهند گرفت و روز بیست
 تفریق آینه هر یک با هدیه و شرفی از بهشت و روز بیست و یکم عطا و هر یک
 بر دو موی شوند که از شش پانزدهی فطرتش نمایند و بعد و هر روز که روز
 گرفته ثواب صد ساله روز عطا فرماید و چنان او و دوزخ خدا تعالی
 فاحش کند و ثواب هر کس قرینه و چهل روز و فراق خوانده و بعد
 پری از آن جبرئیل عبادت یکسال و ثواب بیست و یکم عطا شود و هر کس عطا شود

و بعد و هر روزه از دوازده سهری برایش بخواند و روز بیست و یکم دعای تعالی
 هزار و پنجاه و سی که مانده و دست و طاعت بقرآن و بر گفته تحسین و تحسین
 که مانده و تحسین را شش روی بر سرش کند و روز بیست و دوم ملک الموت
 و تمام تحسین و تحسین چنان آید که پیش از نماز رود و بعد از نماز و تحسین
 دنیا و خدا با عزت از نو بخواند و روز بیست و سوم بایستد و تحسین شود
 و بعد از نماز که بگوید و چنانست که هر سهر هم و بر سرش را پوشند
 باشد و روز بیست و چهارم از دنیا رود و جای خود در بهشت بنشیند
 و ثواب هزار مرتبه هر از غریب که بگوید خدا از وطنی قریب باشد
 یا دور چنان باشد که هزار مرتبه از او که در هر سهر از او کند و روز بیست
 و پنجم دعای تعالی و در هر سهر برایش هزار مرتبه از نو بر سرش بنویسد
 یا سر هر مرتبه خیر از نو و فرماید ای سید عالمی در دنیا و آخرت من
 بقیه با یاسای و از نعمتهای بهشت تنعم نمای و از هر سهر مانده و در آن
 با شش هزار آج نور بر سرش نشاند و بر هر یکی از نو بر سرش شود که در کاش
 از نو باشد و بر هر سهر از حلقه از طفل و بر هر حلقه یکی موی بر سرش
 هر کس عطا دی از نو تا دوزخ بهشت شود و او یمن و آخرین از حال او خبر

५५५

24

شش تو و شش منید هم خدای تعالی فرماید نه این بر دوزخ پناه برد و او را
 از آتش پناه و دوم و تیر و هجده که در دوزخ و در شبانه روز و در روز
 مطلقه و در شبانه روز و در مبارک رمضان و کسی که خرم باشد و در
 که بیخود شوق خندان نشاید اگر چه در این اهل بیت باشد و در این
 نیز نه است که شوق بر کذب و حو و طعن یا بر خیالات و اغراض و در
 اهل و غیره واقع و مثال این باشد چنانکه در میان شیعیان است اگر چه
 موضوع حق باشد مثل طرح اهل بیت اگر چه مثال ایشان از نوع اول
 باشد اما اگر معانی حق واقعی باشد و موضوعش نیز حق باشد مثل نبات
 و مرعطه و روح اهل بیت ظاهر و مبین است و دوزخ و اهل بیت
 که منفصله و مستغنی کنند مگر برای ناز و فیه و با حجب ترسوا کنند
 اما اگر حجب خشک باشد و باب ترکند و حرکت دهد تا پیش هم بریزد و
 نثار دوزخ که گشت داشته باشد با لعن و کلمه محسوس شود و چشم
 کشد و جاده تر نشود مگر بعد از فرزان آن اما در آب شستن تصور ندارد
 مگر ناز او و مشک و ریاحین و زعفران هر یک و خوشبو نمیدان این جور را
 ماییم مگر دوزخ اما سابر عطره و کلبه و بخور تصور ندارد و یک قطره و کافور

برای صایم سجده و حریت که روزه دارد و اول روز تعظیم کند
 تعقیب زایل نشود و البته **فصل ششم** در حریت زایل چه چیز
 که در ماه مبارک رمضان فضل اینست که اگر ترک خورد کند و در غیر آن اگر خواهد
 نماز کند و اگر نخواهد کند و هر کس همیشه نماز کند اگر چه آب تنها باشد که فوت
 بر صوم و هر یابد و خدای تعالی بخواهد که آن صلوات و حرمت
 و هر کس در وقت بخورد و افطار تا آنکه بخواند چنانست که در راه خدا
 و چون خود غلبه باشد **فصل هفتم** در حریت زایل چه چیز
 که حضرت پیغمبر اطهار علیهم السلام فرموده و اگر کلبه انیس بود و بقصد یا خود
 و اگر چنانکه نمیدانید باب نیم گرم و افطار باب نیم گرم معده و دیگر را
 که کلبه و بوی دهن خوش کند و دندان حکم کرد و اند و چشم را فواید
 و آن دهن از دل بشوید و در کهای جنبه و رایتین و صغرا بکنند و بغم
 تعظیم کند و حرارت معده و صغرا زایل کرد و اند و فضل اینست که اگر کسی افطار
 کند افطار را بعد از نماز تمام کند که روزه نماز ختم شود و دوزخ و افطار
 مستحب باشد و فضل نماز تا آنکه در وقت افطار بسیار است و در وقت
 افطار که **یا عظیم یا عظیم یا عظیم** ان شاء الله لا اله الا الله

مسجد اطرام و مسجد رسول الله و مسجد کوفه است و در ایام جنگی پیش از رفت
 بیرون نشاید رفت و باز نشت بیرون رفتن برای نماز جمعه یا حضور جماعت
 یا عبادت عریض و مجتهدی از حقوق دین و کارهای دینی و چون برای حاجتی
 بیرون رود در جائی نماند تا آنکه مسجد خود را کند و نماز و غیر آن
 مسجد نماز کند و اگر نماز جمعه در آن منطقه که در هر موضع از آنکه نماز گزارد
 میسر باشد و محرم است و ایام جنگی با شریعت کردن خواه رود خواه
 نشت و در این ایام از بوی خوش و رایسین و عبادت با مردم و پیش ترا
 اصرار نباید نمود و محبت کردن و رفتن با عکافت باشد شریعت کند
 اگر اگر امری مانع شود بیرون رود و چون این شرط کرد باشد هر وقت
 امری عارض شود بیرون تواند رفت و هر چه بیرون باشد خواه پیش از
 روز سوم و چهارم بعد از آن **بیشتر و اعلم الله و یالی و ایام** بمشور
 این باب در روز و فصل است و استنباط شود **فصل** اول در اعمال روز
 نوزده و فصلی از آن مردیت ناهل است و هر چه که بعد از وقت و است
 امر از این صلوات الله علیه در حدیث و درین روز بود و درین روز حضرت
 صاحب الزمان صلوات الله علیه و خاندان فرمود و در کتات درین روز

بهر

بسیار واقع شده است و تحت درین روز و روز دهم شنبه غسل کردن
 بکبره پوشیدن و تعظیم نمودن خواندن هر یک از آیه انکس و این
 بعد و ایام سال **اللهم هذا سنة جدی و انت ملک علی**
استک خیرها و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما
فیها و استکفیک من شئها و شئها یا ذل اللالی و الاکرام
 و هر کس درین روز بعد از نماز عصر چهار رکعت نماز گزارد در رکعت اول
 بعد از اطمینان از نماز و در دوم و در اول یا ایها الکافرون و در سوم
 و در اول و در چهارم و در پنجم و در ششم و بعد از فراغ سجده
 کند و در سجده این دعا بخواند بجا سازد تا پیش از زنده شود **اللهم**
صل علی محمد و آل محمد و علی الاوصیاء المصطفین و علی جمیع
انبیاءک و رسلک یا فضل صلواتک و باریک علیهم یا فضل
و کافک و صل علی آله و احوالهم و احبا و هم اللهم یا باریک علی
محمد و آل محمد و باریک لنا فی و مننا هذا الذی فصلت
و کرمته و شرفته و عظمت قدره اللهم باریک و فیما
انعمت علی عوالمنا و لا تشکوا احدنا منک و وسیع علی فی رزقی

يَا ذَلِّلْ لِي وَلَا كِرًا اللَّهُ مَا غَابَ عَنْ قَلْبِي بِقَدْرٍ عَنِ عَوْنِكَ
وَحَقِّقْكَ وَمَا قَدَّرْتَ مِنْ شَيْءٍ فَلَا يَمُوتُ ذِي عَوْنِكَ عَلَيْهِ
حَقِّي لَا أَكْثَرُ إِلَّا اخْتِاجُ إِلَيْكَ يَا ذَلِّلْ لِي وَلَا كِرًا مِنْ عَوْنِكَ
مَنْتَ سَمِيعٌ بَارِكٌ وَغَفُورٌ وَكَانَ فِي آيَاتِكَ أَنْ مَانَتْ تَانُورُ دُرِّكَ
أَنْ تَمُوتَ مِنْ أَمْرٍ جَانِبٍ مَشُورٍ دُرِّكَ مِنْ عَيْنِ نَظَرٍ رَسِيدٍ مَرُورٍ
حَضْرَتِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَخَوَانِ يَا خَيْرَ الْخَوَالِقِ
الْأَوَّلِ الْخَوَالِقِ الْآخِرِ الْفَالِ بَعْدَ دِيَامِ سَالِ مَشُورٍ
وَأَمَّا فِي نَظَرِ رَسِيدٍ **فصل دوم در اعمال ماه که مخصوص ماهی است**
مَرُورٍ تَارِ مَسِيَّتِ طَائِفَةٍ مِنْ حَضْرَتِ عَمْرِو بْنِ نُومَيْرٍ مَكْنِيَّةٍ
إِنَّمَا الْمَطْبُوعُ الذَّائِبُ السَّرِيعُ الْمُنْتَصِرُ فِي مَكُونِ الْخَبَرِ وَبِ
يَا تَعْدِيدُكَ وَذَكَرَكَ اللَّهُ أَلَهُمْ أَهْلُهُ عَلَيْهِ يَا أَلَمِينَ
وَالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِحْسَانِ وَكُنَّا لَقِينَا
أَوَّلَهُ فَبَلَّغْنَا آخِرَهُ وَلَجَعَلَهُ تَعْمَرًا مَبَارَكًا تَحْوِيهِ الْبَلَاءِ
وَتَنْبِيْهُ لَنَا فِيهِ الْمَسَائِدِ وَتَقَرُّعُ لَنَا فِيهِ الْمَطَائِدِ يَا عَظِيمَ
الْمَغْنَمَاتِ وَكَرْخَاهِدِ عَائِي حَيْثُ كَامِلٌ رَاغِبٌ كَامِلٌ وَكَامِلٌ دَهْرٌ

وقت دیدن ماه محرم توبه بفرموده خداوند در آن ماه چهل و شش روز در آن ماه توبه کرد
اول ماه منتهی بخروج دایم است که در آن ماه دعا و عقیقه را نشود و اول ماه
در رکعت نماز بخواند در رکعت اول بعد از اطمینان هر چه حق بوده باشد
و در دوم سه مرتبه آنا آفریند بخواند و آنچه معذور شود و اعتقاد کند که
آن ماه را از عذاب الهی نجات بخرد و هر کس در هر ماه حضرت امام حسین را توبه
کند توبه هر روز توبه از عذاب الهی بدو بیاید و شصت و سه روز
روزه و شش نیت اول و آخر ماه و چهارشنبه ماه که باریست
با صوم و هر دو سوسه خاطر را دفع کند از آنکه طاهرین از سبایی
روزه سوال نموده فرموده پنجشنبه برای آنکه اعمال پنجشنبه جلای
عرض شود و غایت بار و روز و عرض شود و چهارشنبه میان ماه روزه
عذاب است و اگر آن آتش در چهارشنبه آفریده شده و عذاب الهی
جمع اعم سابقه را در چهارشنبه میان ماه عذاب کرده و روزه آن است
از عذاب و اگر در اول ماه و پنجشنبه باشد اول فضل است و اگر در
آخر و پنجشنبه باشد آخر فضل است و اگر بیابانی یا شقی روز و روزه
دشوار باشد تفصیلا کند یا یکدستم که تخمینا عذاب دنیا بهت یا یکدستم

ای چنانچه از نظم ایشان روزی با عرضی که بچهرت گشته یا برای یکی از شیعیان
 یکجفت در شربت باشد و جفت را بشناسد و سال پیشتر نیز تفرقه کرده اند و گریه
 برای حضرت حسین کفایت عظیم را بریزد و هر کس این حضرت را گریه کند
 بر او بیش از آن شود که در شربت صغیر و بزرگ و قلیل و کثیر آفریده شود
 و اگر مرثیه در شأن آنحضرت بخواند و بگوید و دیگر را بگوید و اگر گریه
 نیاورد و اگر گریه نکند و از دست او را و جفت شود و هر کس زیارت
 آنحضرت کند روز قیامت پنج کلاه بر او باشد و هر کس تا شش بار
 بگوید در غنای بهشت با اهل بیت طهرین باشد هر کس هر کلاه
 آنحضرت کند بگوید یا لیتنی کنت منهم یا نور کور یا عظیم یا حیانت کور
 حضرت آنحضرت شهید شده باشد و هر کس بفرج ایشان فرحان و بخون
 ایشان محزون باشد ایشان در درجات علی بهشت باشد و هر کس
 عا شود و پیش قبر منور آنحضرت بگذراند چنانست که در غرضه کربلا
 در خدمت آنحضرت شهید شده باشد و در خون خود غلطیده و اگر
 روز عاشورا زیارت قرمتماس آنحضرت کند چنانست که خداوند
 بر عرض زیارت کند و بهشت او را واجب شود و حضرت امام محمد باقر علیه السلام

هر کس روز عاشورا اگر این زیارت قبر آنحضرت کند ثواب هزار حج و دو
 هزار عمره دهد و هزار غزوه که در خدمت حضرت پیغمبر و ائمه طهارین کرده باشد
 برایش ثبت شود و اگر از آن مکان دور باشد و نتواند آنجا حاضر شدن
 روزی چنان بلند شود پیش از زوال صبح و بیرون رود و یا برای بلند کردن
 حضرت سلام کند و گریه و نوحه کند و در رکعت نماز کند و بسیار بر
 او نعت و اهل بیت خود را بگریه دارد و در خانه خود وصیت برایی
 کرده که بگوید یا نعیم کنه و بگوید اعظم الله اجرنا یا یحیی یا
 یا حسین علیه السلام و جعلنا و آتانا که منظر الطاهرین
 باشد و مع ولیه الامام المهدی علیه السلام و آتانا که منظر الطاهرین
 و ثواب بهشت هر نبی و رسول و وصی و هدایت و شهید را و اول و ثانی و اول
 قیامت برای ایشان نوشته شود و او را پی رسید که طریق تقییم کن
 حاکم درین روز از ده روز دیگر زیارت کند فرموده با هر طریقه زیارت
 کن اول بزرگوبی و بعد از آن چنین سلام کن که مکنو میشو بعد از آن
 دو رکعت نماز بکند که خدای تعالی صد هزار مرتبه در جبهت نویسد چنان
 باشد که در خدمت آنحضرت شهید گشته باشی و باشد او در بهشت

12.

دقيق

حَتَّى شَفِيعَ فِي طَاعَتِكَ دَمَهُ وَأَسْتَجِبْ حَرِيَّةَ الْكَلِمِ فَإِذَا
 نَعَّمْتُمْ لَنَا وَسَيِّدًا وَعَدْتُمْ عَدَا بَابِهَا السَّلَامَ عَلَيْكَ
 يَا بَنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ
 عِشَّةٌ سَعِيدًا وَمَضِيَّةٌ حَمِيدًا وَمَيِّتٌ فَتِيدًا مَطْلُومًا
 نَحْسِيْدًا وَأَنَا أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُخَيَّرٌ مَا وَعَدَكَ وَمُعْتَلِكٌ
 مَنْ خَذَلَكَ وَمُعْتَدِبٌ مَنْ قَذَلَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفِيَتْ
 بِعَمَلِ اللَّهِ وَجَاهَدَتْ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَيْتَ الْيَقِينَ
 قَلْعُكَ اللَّهُ مَنْ قَذَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ طَلَعَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً
 سَمِعَتْ بِكَ إِلَّا قَضَيْتَ بِهَا اللَّهُ إِلَى أَشْهَدُكَ أَنْتَ وَلِيٌّ
 لِي وَلِأَلِ الْأَوْعَدِ وَلِمَنْ عَادَاكَ وَأَبَى أَنْتَ وَأُحْيَى يَا رَسُولَ اللَّهِ
 أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ قَوْلًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّاهِدَةَ وَالْأَزْ
 حَامِيَا الطَّاهِرَةَ لَمْ تَخْنُكْ لِلْجَاهِلِيَّةِ بِأَنْجَاهَا وَلَمْ
 تُلْهِكْ الْمَدْحَ حَمَاتٍ مِنْ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ
 الدِّينِ وَأَنَّكَ يَا مُسْلِمِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ الْبَرُّ الْبَرُّ
 الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمُنَادِي الْمُنَادِي وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمُنَادِي

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْبَرُّ الْبَرُّ الْبَرُّ الْبَرُّ الْبَرُّ الْبَرُّ الْبَرُّ الْبَرُّ
 عَلَى أَهْلِ الدِّينِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ بَرٌّ مُؤْمِنٌ وَبَابُكَ مُؤْمِنٌ
 بِبَنِي وَعَاقِبَتِهِمْ عَلَى قَلْبِي بِقَلْبِكَ سَلَامٌ وَأَمْرِي لَا يَزِيدُكَ مَنَافِعَ
 وَلَا يُضَرُّكَ لَكَ مَعْدَةٌ حَقٌّ يَا ذَا اللَّهِ لَكُمْ مَعَكُمْ مَعَكُمْ لَكُمْ لَكُمْ
 عَدُوٌّ لَكُمْ صُلُواتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى آبَائِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ
 وَشَاهِدِكُمْ وَعَاقِبَتِكُمْ وَطَائِفَتِكُمْ وَأَمِينُ رَبِّ الْعَالَمِينَ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ **وَعَلَى آلِهِ وَسَلَّمَ** كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ قُلُوبَ عَرَبٍ وَنَحْبِ
 لَعَنَ اللَّهُ وَاقْعَدَهُ وَهَلْ تَوَارَعَ وَبَعْضُ الْأَهْلِ يَشِيرُ فِيهِمْ صُلُوفَ
 كَرَّمَ اللَّهُ وَاقْعَدَهُ وَهَلْ تَوَارَعَ وَبَعْضُ الْأَهْلِ يَشِيرُ فِيهِمْ صُلُوفَ
 چانت که دو کس از شیعیان گویند که روز نهم ربیع الاول بود که
 رفیق بن حماد بن محمد بن اسحق قمی که از ائمّه اصحاب امام علی نقی بود و محمد بن
 که در خانه پدری آمد و سنوز از آن گشته بود و بعضی از
 حکم میکرد و ما را از وضع او تعجب رو داد و گفت نه چانت که شما
 که در خانه پدری آمد و سنوز از آن گشته بود و بعضی از
 رفیق بن حماد بن محمد بن اسحق قمی که از ائمّه اصحاب امام علی نقی بود و محمد بن

بر دستیم بخت من با جاعی شیعیان در همین روز که منم بر سر لافان
 رفتم بخت من ای خود امام علی الهی تو آنقدرت هر یک از منم
 فرمود جاعیهای تو پوشیده بودند و مجرّه و پیش آنقدرت بود و بخت منم
 ما کفتم بدو و مادر اندای تو مادر ما اهل بیت را فتح و عیدی تازه
 شده فرمود کدام روز در نزد اهل بیت حرمش عظیمتر است از روز
 که خدیجه بن ابی طالب در همین روز بخت جدم رسول الله رفت
 به امر امیر حسین و حسین علیهم السلام تمام میفرمودند و آنقدرت
 در روی ایشان بسم و شکلی میفرمود و حسین میفرمود و بخود نشان
 با و برکت امر و روزگاری در روز خدای تعالی دشمن خود و دشمن خود را
 هر که میکند و دعای مادر شما را اجابت می نماید و اعمال شما را
 و دوستان شما را قبول میفرماید بخود که امر و زنت که سرگشت
 دشمن شما شکسته میشود و بخود که امر و زنت که فرعونی اهل بیت
 من و علم ایشان و دعا صبح ایشان هر که میگوید خدیجه گوید من
 کفتم یا رسول الله در میان است تو کسی است که این بی ادبی تواند کرد
 فرمود بی کیافه خاتون که دعوی ریاست و عنایت کند مردم

بخود و عورت نماید و از راه خدا برود اندک بخت خدا را تحریف کند و بخت
 مرا تضرع و در بخت فرزند مرا عیب کند و خود را امام و معتمدی مردم کرد
 و اموال خدا را از حرام کرد و در وصیت صرف کند و بار آور و وزیر و امکنه
 کند و آخر را از حق خود منع کند و در حرم او را فرزند کند و خدای تعالی
 اجابت فرماید خدیجه گوید من کفتم چرا خدا میخواهی که او را در حیوة
 تو بکشد کند فرمود و میخواهم که خلاف قضای خدا کنم اما از خودمستم که
 روزی که او را بکشد میکند بر سائر آیات تقضی دیده دوستان من
 و شیعیان و دوستان اهل بیت من آن روز را عید کند و عید می
 فرمود که من ملائکه عفت اسما را امر کردم که آن روز را عید کنند
 برای شیعیان و دوستان شما و فرمود که هر کسی که بخت را در این
 روز در برابر بیت المعمور نصیب کند و مرا شکویند و بر شیعیان
 و دوستان شما استغفار کند و کرامت آن بخت را فرموده ام که از روز
 تا سه روز دیگر قلم از خلق بردارند و هیچ خطیبی بر ایشان نشیند
 و این روز را برای تو و برای اهل بیت تو و شیعیان شما عید
 گردانیدم و بعزت و جلال خودم که هر کس امر و روز را عید کند او را

و در خورشید و انوار جن و انس عطا فرماید و هر کس امروز بخود و بر خدای
 خود توسل کند کاشان از یاد کنم و هر سال درین روز صد هزار کس شیطان
 و موبایلان شمار از آتش آید که در آن وقت شایسته و نوبت هم و آن چنان
 شان بیاورم و اعمال شان قبول غایم خدیجه کو یاسر آن حضرت بر جسته
 غایب آمدم که تشریف از رانی فرمود و من چکشت ششم درین کائنات
 عربین الخطاب خواهد بود و آنکه بعد از حضرت پیغمبر آن ملعون کرد
 آنچه کرد و عقب صد کند و حضرت فاطمه بر و نفرین کرد و فدای قالی
 اجابت فرمود و در روز نهم ربیع الاول گشته شد پس من بجزیت
 حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرستم و فدای خدیجه بیاورم که
 آن روز که بجزیت حضرت پیغمبر آمدی و فضایل آنروز را بیان نمود
 که هم ملی و الله که امروز همان روز است و نموده است عادت دیگر
 که در فضل این روز رویت شده مثل آنکه هر کس درین روز روزه
 و احسانی کند آمرزیده شود و نیز بعضی عمل نقل کرده اند که بجزیت
 درین روز اطعام مومنان و احسان بوی خوشنیشان و توسل
 در نطق و پوشیدن جامه های نو و شکوه عبادت کردن آثار روز

درین روز روزه و روزه و الله هم **مقدم** **ایامه** مولد حضرت پیغمبر است
 و روزه این روز برابر یک سال روزه است و بجزیت درین روز
 تقدیر کردن و زیارت مشایخ و معتمدین نمودن **نهم** **ششم** **و اعمال**
 و رویت را من بجزیت امیر المومنین صلوات الله علیه و جانشینان عظیم القدر و
 و منسوب بجزیت امیر المومنین صلوات الله علیه و جانشینان عظیم القدر و
 حسانت مضاعف کند و سیئات محو کند و آنکه بجزیت ایامه است
 شب اول ایامه و عزویت که هر کس کیش در ایامه ایجا دارد شفقت او
 برای معافه هزار کس از گناه کاران قبول باشد و رویت حضرت
 پیغمبر بمقره میکند که توقف فرمود پس از آنکه گشت کاتب
 توقف سوال نمودند فرمود اهل این مقبره مضرب بودند برین
 ترجم کردند و از فدای قالی خودم که عذابا بر ایشان تخفیف دهد
 و اگر ایشان بیک روز از ماه رجب روزه میدهند و کیش عبادت
 بر میخوانند این عذاب این می بودند و هر مومن و مومنه که کرد
 درین ماه روزه دارد و بجزیت عبادت کند خدای تعالی تو کسب
 روزه و عبادت و هزار حج و هزار عمره و هزار جاده و هزار عشق رقبه

از اول و پس از آن دعا فرماید و چنانست که سیر
 است در آن روز و آنرا کند و هزار مرتبه بگوید و از عذاب قبر و محنت
 دیگران برآید و کسی که بگوید و گفته این هر نوبت برای کسی است
 که بگوید و در روز کبر و کثرت عبادت بر خیزد و دنیا و فرمودی برای
 کسی که آنقدر قدرت خدا کند برین که اینقدر عبادت را این هر نوبت
 تواند داد و فرمود اگر کسی که در بر خیزد و نباشد بعد از غروب
 قبل از زنی و در رکعت نماز کند و در هر سوره که خواهد بخواند از خدا
 امید دارم که این هر نوبت با دعا فرماید و نیز مرویت که در نماز
 در جیش است که هر کس در آن شب خواب بر خود حرام کند و بخواند
 عبادت باشد خداوندی جیشش را بر پیش حرام کند و معناه هزار
 ملک او صاف نماید و بر پیش استغفار کند تا آنکه شب آن سال بگوید
 و در وقت دیگر آنکه هر کس که شب ریشهای بر جایداده
 صدای تعالی او را آتش از آتش کند و شقیع معاد و هزار کس که گاه
 کرد اند و هر کس دنیا و تقوی کند برای خدا و امید و استغفار
 در بهشت آنقدر نوبت دعا فرماید که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوش

نموده

نشیده و در هر یک مرتبه باشد و تسبیح است شاد و ایام خواندن
 این دعا بعد از نماز است اللهم انی استسئلك بآلائک ملک و انک علی
سکرتی قد یومئذ و انک ما تشاء من امر یومئذ اللهم انی استسئلك
بآلائک یومئذ اللهم صل علی عالم یا محمد یا
سؤل اللهم انی استسئلك بآلائک اللهم صل علی عالم یا محمد یا
سؤل اللهم صل علی عالم یا محمد یا سؤل اللهم صل علی عالم یا محمد یا
 حاجی که خواهد بخواند و هر کس روزی که این دعا زیارت تمام کند که
 دانش آموز و شوق و البته و نیز مرویت که هر کس که در آن میان فر
 این دعا صل کند از آنجا پاک شود مثل روزی که نماز در وقت شده
 و از همان فارسی رحمه الله علیه مرویت که در وقت کند از حضرت
 پیغمبر که فرمود هر کس در این دعا رکعت نماز کند و در هر رکعت
 بعد از الحمد مرتبه قل هو الله احد و مرتبه قل یا ایها الله فاعلم انی
 ده رکعت در اول ماه و بعد از فراغ دست بر پشت بگوید لا اله الا الله
وحد لا شریک له لا اله الا الله وحد لا شریک له لا اله الا الله
وحد لا شریک له لا اله الا الله وحد لا شریک له لا اله الا الله
وحد لا شریک له لا اله الا الله وحد لا شریک له لا اله الا الله

يا ربنا انت الله العظيم وانت العلي العظيم وانت عبدك الباقين
 القبيح انت العلي العظيم وانت العبد الذي لا اله الا انت
 على كل شيء قدير وانت من بيننا على قدرتك على كل شيء
 وتقولون على كل شيء يا ربنا يا ربنا الله العظيم على كل شيء
 قاله الاوصياء المصطفين واكفى ما اهتمنى من امر الدنيا
 والآخرة يا انجما الارضين فيزروا رزقا وباركوا ما جاوركم
 رويت عن حضرت صاحب الزمان عليه السلام ان الله تعالى
 في كل يوم ما يدعوه اليه ولا اله الا هو لا اله الا هو
 المستبشرون يا ربنا الواضعون لقد تدرك المخلوقون عظمتك
 اشك يا ربنا انهم من شمسك فعملهم معادون لك يا ربنا
 وادراكنا لتوحيدك ويا ربنا وعظمتك التي لا تقبل
 في كل مكان يعرفها من عرفك لا اله الا انت يا ربنا
 اقم عبادك وحلفاءك مقربا ورغبتا بيدك يدعها
 منك وعظمتها التي لا تضاد ولا شهادا ولا مناداة ولا
 وحفظه ودوا فيهم ملائكة سماواتك وارضتك حتى ظن

والله

ان لا اله الا انت قد انت الله العظيم وانت عبدك الباقين
 وعظمتك وعظمتك وعظمتك على كل شيء قدير وانت
 ايماننا ونسبنا يا باطنا في نورهم وظاهرا في بطونهم
 مكنهم يا ربنا بين النور واليخود يا موصفا بغير كنه
 وسع رقابهم شيئا خادك كل عبدك يا شاهد كل شئ
 معجذ كل عجز وفخصي كل معدود وفوق كل مقدر
 ليس دونك من يعجز اهل الكبرياء والخوريا من لا
 كيف كيف ولا يورين باين يا صعبا عن كل عين
 يا ربنا يا قومه وعالم كل يقين يصل على محمد وآله
 وعلى عبادك المتحبين وبيرك المحبين وملائكته
 المقربين والبعث الصائين ابارك لنا في شهرنا هذا
 المرجب وما بعد من الايام والارواح والنفوس على ما فيه
 التيم والجل لنا فيه التيم والبر لنا فيه القسط منك
 الاعظم الاحل الاكرما الذي وضعته على القمار فاما
 وعلى الليل قاطم واعوذ لنا ما تعلم منا ولا تعلم واعصينا

مِنَ الْقُتُوبِ خَيْرَ الْعَصَمِ وَكَفَيْتُنَا مَا فِي قَدْرِكَ وَآمَنَ عَلَيْنَا دُونَكَ
 نَفْثِكَ وَلَا تَكُنْ لَنَا اِلَّا اَعْوَجَ وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ وَارْزُقْنَا فِيهَا
 كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ عَارِفَانَا وَاصْلِحْ خَبْرَةَ اَسْرَارِنَا وَاعْظِنَا نَيْتَكَ
 الْاَمَانِ وَاسْتَعْمِلْنَا بَحْنَ الْاِيْمَانِ وَبَلِّغْنَا شَمْرَ الصِّيَابِ
 وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْاَبَامِ وَالْاَحْوَامِ يَا ذَا الْمَلَكِ وَالْاَكْوَامِ
 وَفِيهِ رُزْقَانَا وَمَا بَعْدَهُ الْاَلَمِ اِنَّكَ اَسْئَلُكَ بِالْمَلَكِ وَدُونَ فِي الصَّبْرِ
 مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنُهُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُتَجَبِّ وَالْقَرِيبُ جَمِيعًا
 اِيَّاكَ خَيْرَ الْغُرَبَاءِ يَا مَنْ اَتَتْهُ الْمَقْرُوفُ وَطَلِبُ وَفِيهَا لَدَيْكَ
 رُحْبًا اَسْئَلُكَ سَوَالِ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ وَفَّقْتَهُ ذُنُوبَهُ
 فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا ذُنُوبُهُ وَمِنَ الْاَزْدَايَا خَطُوبُهُ يَسْئَلُكَ
 التَّوْبَةَ وَالْتِمُذْنَ عَمَّ الْخَوْبَةَ وَمِنَ التَّارِكَاكَ رَقَبَتِهِ
 وَالْقَمْعَ عَقْلَهُ رَقَبَتِهِ قَائِلًا يَا مَوْلَايَ اَعْظَمُ اَمْرًا لِي
 وَنَقِيتَهُ اَللّهُمَّ مَا اَسْئَلُكَ بِمَا اِيْلَكَ الشَّرِيعَةُ وَمَا اِيْلَكَ
 الْحَقِيقَةُ اَنْ تَنْجُوْنِي فِي هَذَا الْبَلَاءِ بِخَيْرَتِكَ تَالِعَةِ
 قَتْمَةٍ وَارِزَعَةٍ وَتَقْضِي بِمَا رَزَقْتَنَا قَانِعَةً اِلَى تَرْوِيلِ

خبر

لِمَا فَرَّقَ بَيْنَ الْاَخَوَيْنِ مَا حَيَّا اِلَيْنَا صِلَاؤُهُ وَكَرَمَ مَهْرُهُ وَجَبَّ وَجْهُهُ
 رُوِيَ عَنْهُ رُوِيَ عَنْهُ رُوِيَ عَنْهُ رُوِيَ عَنْهُ رُوِيَ عَنْهُ رُوِيَ عَنْهُ رُوِيَ عَنْهُ رُوِيَ عَنْهُ رُوِيَ عَنْهُ
 اَللّهُمَّ وَاللّهُ اَكْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ وَالْحَمْدُ لِلّهِ
 سُبْحَانَكَ يَا مَنْ اَتَتْهُ الْمَقْرُوفُ وَطَلِبُ وَفِيهَا لَدَيْكَ
 رُحْبًا اَسْئَلُكَ سَوَالِ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ وَفَّقْتَهُ ذُنُوبَهُ
 فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا ذُنُوبُهُ وَمِنَ الْاَزْدَايَا خَطُوبُهُ يَسْئَلُكَ
 التَّوْبَةَ وَالْتِمُذْنَ عَمَّ الْخَوْبَةَ وَمِنَ التَّارِكَاكَ رَقَبَتِهِ
 وَالْقَمْعَ عَقْلَهُ رَقَبَتِهِ قَائِلًا يَا مَوْلَايَ اَعْظَمُ اَمْرًا لِي
 وَنَقِيتَهُ اَللّهُمَّ مَا اَسْئَلُكَ بِمَا اِيْلَكَ الشَّرِيعَةُ وَمَا اِيْلَكَ
 الْحَقِيقَةُ اَنْ تَنْجُوْنِي فِي هَذَا الْبَلَاءِ بِخَيْرَتِكَ تَالِعَةِ
 قَتْمَةٍ وَارِزَعَةٍ وَتَقْضِي بِمَا رَزَقْتَنَا قَانِعَةً اِلَى تَرْوِيلِ

ش کف دریا باشد و درین کوها و برکن و خقان و ریکیا باین باشد
 و پیش از غنچه کس از این پتاقه باشد که در مستوحش باشد **در این روز**
 هر کس بایم بخواند روزی یکبار و شبها پیش عبادت بخیزد و شبها بایم
 صد رکعت نماز گزارد و در هر رکعت ده مرتبه قل هو الله حسنه بخواند و چون
 فارغ شود دعا و مرتبه استغفار کند شریف ال اسمان و زمین شریفین
 و خدوش نعم الله از وضع شود و اگر در آما بیدار باشد و شبها
 حاجتش برآورده شود یا الله در دنیا و یا الله در آخرت و نیز بگوید
 که هر کس درین شب دوازده رکعت نماز گزارد و در هر رکعت بعد از
 الحمد سی مرتبه قل هو الله بخواند و بعد از هر صد مرتبه استغفار
 و پنج و یکبار گوید و اگر باین عبارت بگوید بخیر می بود که استغفار کند
 و آنجا که بگوید یا الله از سال یک خطبه نویسد و بعد در قطره
 که در آب از آسمان آید حسنه نویسد و بعد در کوچ و جو که کرده
 در پشت صغری از زیر بسبزه و بعد در هر حرف قرآن که خواند
 از بابت نزع عطا فرماید و آنجاست که هر کس بخواند و تحببت
 در روز پانزدهم این ماه زیارت حضرت امام سید

کون

بکفیت این عمل هر کس او عید با نیا و غنچه مذکور است و شبها بچهار نوا
 در احوال و شیت و احتیاج او در کمال از رحمت الله اعمال دیگر که
 هر کدام عید برای روز پانزدهم رویت شده باشد با عمل استغفار و
 و اگر کرده باشند و سبب اختلاف و تشویش گشته باشد آنکس که بخواند
 که در حدیث رویت شده است که فاطمه نام زنی بود از زویرت حضرت
 امام حسن و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود و پسر او را در انصاف
 خلیفه عباسی محسوس کرده را او قتل او دشت روزی فاطمه بجزیت
 صادق علیه السلام مخفی رفت حضرت فرمود ماه رجبه و یک
 ایام پیش آن ماه روز یکبار روز پانزدهم اول ظهر چهار رکعت نماز
 بخواند و در رکعت اول بعد از الحمد اتم شش و در دوم قل یا ایها الکافران
 و در سوم یا ایها الضالین و در چهارم یا ایها الزالجان و بعد از نماز ظهر چهار
 رکعت بخواند و در اول بعد از الحمد قل هو الله و در دوم قل اعوذ برب
 الناس و در چهارم یا ایها الضالین یا ایها الضالین و بعد از آن ذکر تسبیح
 یکبار و باقی وقت عصر و فصل شود پس نماز عصر را خواند و یکبار
 و چون مسلم و یحیی بن جابر و سید و الله و آیه الکرسی قل هو الله صلوات

५६.

三

وَلَا تَحْقِيقُ

وَالْقَوِي عَلَى الرِّكَّةِ وَالطَّاعِي فِي مَوَائِدِكَ وَنَحَالِكَ كَمَا مَأْنَى الْمُحْتَمِلِ
 كَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لَانِيَاكَ الْمَدِينِ لِعَدَاؤِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلِّمْ عَلَى مَنْ خَلَقَ لَكَ الْخَلْقَ وَأَرْفَكَ الْمُسْتَفِيهِ الْمَعِينِ
 لِأَهْلِ طَاعَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ هَامِلِ عَرْشِكَ وَنَحْوِ
 الصُّورِ الْمُسْتَظِلِّ لَمَرْكَ الْوَجَلِ الْمُسْتَوْفِي مِنْ حَقِّكَ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى أَحْمَدَ الْعَمْرُ الطَّاهِرِ بْنِ وَمَعْلَى مَلَأَ نِكَاحَ الْأَيْدِي الْأَهْلِ
 الْقَاتِمِينَ عَلَى دَعَاؤِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَعْلَى السُّفَرَاءِ الْكِرَامِ الْمُرْدَةِ
 الطَّيِّبِينَ وَمَعْلَى مَلَأَ نِكَاحَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَمَعْلَى مَلَأَ نِكَاحَ
 الْخِيَانَةِ وَخَفَقَةِ الشِّرَارِ وَمَلَأَ الْحَزْنَ وَالْأَحْزَانَ يَا ذَا الْجَلَالِ
 وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ أَدَمَ بَدَلِ بَيْعِ فِطْرَتِكَ الذِّكْرِ
 يُجْزِي مَلَأَ نِكَاحَ الْبَحْثِ حَبْلَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ
 الْمُطَهَّرِ وَمِنْ الرِّجْلِ الْمُصْفَاةِ مِنْ الدَّنَسِ الْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْإِنْسِ
 الْمُرْتَدَّةِ بَيْنَ نَحَالِ الْقُدْسِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى هَامِلِ وَشِيَةِ
 قَارِئِ دَرِيْسٍ وَنُوحٍ وَهُودٍ وَصَالِحٍ وَآلِهِمْ قَائِمِينَ وَنَحْوِ
 يُعْقَبُ وَيُؤْتَى وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْوُحْيُ وَالْعُقُوبُ وَالْوُحْيُ وَالْوُحْيُ

وَنُوحٍ وَمُوسَى وَالْحَصِيَّةُ ذِي الْقُرْبَيْنِ وَيُؤْتَى وَالْوُحْيُ
 وَالْبَيْعُ وَذِي الْكَيْفِ وَالْوُحْيُ وَذِي الْوُحْيِ وَالْوُحْيُ
 وَمُعَاوِيَةَ وَنَحْوِ وَنَحْوِ وَنَحْوِ وَنَحْوِ وَنَحْوِ
 وَنَحْوِ وَنَحْوِ وَنَحْوِ وَنَحْوِ وَنَحْوِ وَنَحْوِ
 خَالِدٍ وَنَحْوِ وَنَحْوِ وَنَحْوِ وَنَحْوِ وَنَحْوِ
 مُحَمَّدًا وَآلَهُمْ بِأَرْكَانِ الْحَقِّ وَالْحَقِّ كَمَا صَلَّيْتَ وَنَحْوِ
 وَبَارَكْتَ وَنَحْوِ وَنَحْوِ وَنَحْوِ وَنَحْوِ وَنَحْوِ
 مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ
 الْعَدْلَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَأَيُّمَةَ الْهُدَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ
 وَالْأَوْصِيَاءِ وَالشُّهَدَاءِ وَالْعَبَادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَالْأَهْلِيَّةِ
 الْحَقِّ وَالْإِحْتِمَادِ وَالْخُصُوصِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ
 صَلَوَاتِكَ فَاجْعَلْ كَرَامَاتِكَ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَبَدُ نَفْسِي
 بِحَبْلَةِ سَلَامٍ وَزِدْهُ فَضْلًا وَثَرًا وَكَرَامَةً حَقَّقْ لِقَائَهُ
 أَهْلِي دَعَايَاتِ أَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ الْبَيْنِ وَالْمُتَكَلِّمِينَ وَالْأَفَا
 صَلِّ الْمُقَرَّبِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مَنْ قَبِلَتْ مِنْهُمْ وَعَلَى مَنْ

دوس

أَسْمُ مِنْ مَلَا لَكَ لَكَ وَأَيْنَا لَكَ وَرُكْبِكَ وَأَهْلِكَ طَائِفَةٍ
أَوْصِلْ صِلَاكَ إِلَيْهِمْ وَإِلَى أَوْلَادِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْكَ
تَاخِرُونَ عَلَى دَعَايِكَ أَلَمْ يَكُنْ لَكَ اسْتِغْنَاءُ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ
إِلَّا كَرَمُكَ يَجُودُكَ الْإِجْدَادُ وَبِحَسْبِكَ إِلَى تَحْتِكَ وَيَأْخُذُ
طَائِفَتِكَ أَيْنَاكَ وَأَسْمَاكَ أَلَمْ يَكُنْ لَكَ بِمَنْ أَحَدٌ مَعَهُمْ
مِنْ مَسْئَلَةٍ شَرِيفَةٍ عِزٍّ مَرْدَةٍ وَمَا دَعَاكَ بِهِمْ مِنْ دَعْوَةٍ
تُجَابِ بِغَيْرِ حُجَّةٍ يَا أَفْطَحُ يَا بَاحِيئُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ
يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُبِيلُ يَا مُجِيلُ يَا أَكْبَلُ يَا أَكْبَلُ يَا
مُفِيلُ يَا مُجِيلُ يَا جَابِرُ يَا مُزِيرُ يَا مُسَبِّحُ يَا مُدْبِلُ يَا
مُجِيلُ يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ يَا بَصِيرُ يَا شَكُورُ يَا زِيَادُ يَا طَاهِرُ
يَا قَاهِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا سَائِرُ يَا حَاطِطُ يَا مُقْتَدِرُ يَا
حَاطِطُ يَا مُعِيرُ يَا مُرَبِّ يَا قَادِرُ يَا مُجِيدُ يَا مُجِيدُ يَا مُدِيرُ
يَا مُعِيدُ يَا مُهْدِيُ يَا مُعَسِّرُ يَا مُجِيلُ يَا مُسَمِّعُ يَا مُفْضِلُ
يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ يَا هَادِيُ يَا مُرْشِدُ يَا مُضِلُ يَا مُدِيرُ
يَا مُغْطِيُ يَا مُنْغِصُ يَا رَافِعُ يَا رَافِعُ يَا بَاقِي يَا وَاقِي يَا خَالِقُ يَا بَالِقُ

همه و آیه انکار می قیل و می شود احد و توحید و قیل و قیل آنها که فروان تا از آنها
 هر یک عفت مرتبه بگوید و عقیده مرتبه بگوید لا اله الا الله و الله و الله اکبر
 و سبحان الله و لا حول الا بالله و نعم مرتبه بگوید الله الله و الله
 لا اشرک لیه شیئا و هر چه خواهد و عاکنه **فضل عظم در اعمال شریفه العظم**
 رویت از اهل بیت است هر یک اگر اینها منسوب به حضرت پیغمبر و در بیان
 اعمال عباد را با نبرد و حسنات عباد را برضا عفت شود و نسبت
 محو کرد و گویند آن که نشسته او همه آفریده شود چنانکه در ماه رمضان
 و بهشت را زیارت کند و خدای تعالی از عرشش نظر بر عبادان و روزی
 که این بی ماهه با ایشان مبارک کند و فضایل روزی اینها به فضیلت
 سابق که گشت و هر کس در این ماه صدقه دهد خدای تعالی آنرا تربیت
 فرماید و زیاده کرد و اندک روز قیامت شکل که احد باشد و در وقت
 دیگر آمده که هر کس در این ماه صدقه دهد اگر چه نصف خرما می باشد چنان
 برایش حرام شود و هر کس هر روز در این ماه صدقه مرتبه استغفار کند
 کن دانش آفریده شود اگر چه بعد و ستاره آسمان باشد و در غرضه
 حضرت پیغمبر و ائمه شش محشور شود و هر کس در این ماه هر روز عبادت مرتبه بگوید

استغفر الله و استغفر الله التوبه خدای تعالی برایت از آن روزگار برآ
 و دخول دارالقرعطا فرماید و هر کس هر روز در این ماه صدقه مرتبه بگوید
 استغفر الله الذي لا اله الا هو الرحمن الرحيم الرحمن الرحيم
 و انوشا لیس خدای تعالی آنرا در افاق بین ثبت کرد و اندر پیوسته
 رافق بین که است حضرت امام فرمود و هر کس در این ماه صدقه مرتبه بگوید
 نه جابریست از بهشت و بهشت در هر روز اینها و وقت ظهر و در
 نصف ماه نیز خواندن این صلوة الله صل على محمد و آل محمد
 تحفه النبوة و موضع الرسالة و تحفنا الملائكة و معك
 العليم و اهل بيتي اجمعين اللهم صل على محمد و آل محمد اجمعين
 اللهم صل على الخائفة و يا من من ربكم و يا من ربكم
 المستغفرة لهم مفارقت و المناخلة عنهم زلزلهم و لا اله الا الله
 اللهم صل على محمد و آل محمد اللهم صل على محمد و آل محمد
 المصطفى المصطفى و صل على اهل البيت و صل على اهل البيت
 اللهم صل على محمد و آل محمد صلواتك كثيرة تكون لهم مضاعفة
 و تحفه اذا و قدما بحولك و قوة يارب العالمين

و تعالوا يا اهل البيت
 طيبة

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الْأَبْرَارِ الْأَخْيَارِ الَّذِينَ
 أَنْجَبْتَ خَلْقَهُمْ وَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَوَلَّيْتَهُمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَمْرًا قَلْبًا بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخَيِّرْ بَعْضُكَ وَلَا تَفْزِ
 مُوَسَّاةً مَنْ قَرَّبَتْ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ مَا وَصَفَتْ عَلَى مَنْ
 فَضْلِكَ وَتَمَرَّتْ عَلَى مَنْ عَذْلِكَ وَأَخْبَتْ عَلَى ظِلِّكَ وَهَذَا
 شَهْرُ نَيْفِكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ شَهْرُ الْإِسْلَامِ حَقَّقْتَ مِنْكَ بِالْأَمْرِ
 وَالْوَعْدِ وَالْإِنْكَارِ رَسُولًا شَهِدَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْإِلَهَ يَدَابُ
 فِي حَيَاتِهِ وَبَيَاتِهِ فِي آيَاتِهِ وَأَيَّامِهِ مُحَمَّدًا عَبْدًا كَرِيمًا
 فَأَعْطَاهُ إِلَى الْخَلْقِ حَاكِمَهُ اللَّهُمَّ فَأَعِنَّا عَلَى الْأَمْرِ بِمَا نُسَبِّحُ
 فِيهِ وَبِئْسَ الشَّفَاعَةُ لَدَيْكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُ لَنَا شَفَاعَةً
 طَرِيقًا إِلَيْكَ مُعِينًا وَاجْعَلْهُ لَنَا سُبْعًا حَقًّا مَا عَلَى إِيضًا
 وَمَنْ دُوْرِي غَاضِبًا فَأَنْجِبْ لِي مِنْكَ الْعَمَلُ الرِّضْوَانِ وَاتَّقِ
 ذَا الْقَلْبِ وَبِحَلِّ الْأَخْيَارِ وَرُزْزُومِهَا وَحَزَنَتِهَا مِنْ رَدِّ
 شَهْرٍ وَتَحَبَّتْ دِينِ رُزْزُومِهَا وَرَدَّ رُزْزُومِهَا وَخَوَانِهَا مِنْهُ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْخَلْقِ فِي هَذَا الْيَوْمِ الْخَيْرَ بِشَاهِدِي قُلْ أَفْعَلًا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَلَا تَفْزِ بِكَتَةِ السَّمَاءِ وَمَنْ فِيهَا وَالْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا وَمَنْ
 عَلَيْهَا لَا يَهْجُرُكَ الْقَبْرُ وَوَسَّيْتُ الْأَمْرَ الْمَقْدُودَ وَالْأَمْرَ
 بِمَا كَرِهَ الْمُعْصِينَ قَبْلَهُ أَنْ الْأَمْرَ مِنْ تَسْلِيمِ وَالْإِسْقَاءِ
 فِي رُتْبَتِهِ وَالْقَوْدُ مَعَهُ فِي أَوْتِيهِ وَالْأَوْضِيَاءُ مِنْ عَمْرٍ بَعْدَ
 فَأَوْفِيهِمْ وَعَيْنِي حَقِّي بِذَلِكَ الْأَوْفَارِ وَبَارِئًا وَرُزْزُومًا
 لِحَبَابِهَا وَكَوْنُهَا خَيْرًا أَضَاءَ صَلَّيْتُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَعَ الْخَيْرِ
 الْبَلِيلِ وَالْأَمْرَ اللَّهُمَّ فَحَقِّقْ إِلَيْكَ أَوْفَرًا وَأَسْأَلُ الْخَلْقَ
 مُعْرِضًا إِلَى نَفْسِي مِفَاقَ طَوْفِيهِمْ وَأَسْمِ بِكَ
 الْفِعْمَةَ إِلَى الْخَلْقِ وَالْأَمْرَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 فِي لُزْزُومِهِ وَبِقَوْنِهَا مَعَهُ دَارَ الْكَرَامَةِ وَبِحَلِّ الْأَقَامَةِ اللَّهُمَّ
 وَكُنَّا أَمْرًا نَمُوتُ بِغَيْرِهِ فَكُنَّا أَوْفَرًا وَنُفْسُهُ وَنُزْزُقْنَا لِقَاتِهِ
 وَمُسَابِقَتُهُ وَاجْعَلْنَا مِنْ سَلَامِ الْأَمْرِ وَبِكْرَةِ الصَّلَاةِ
 عَلَيْهِمْ غِنَى ذِكْرِهِ وَبِحَلِّ جَمِيعِ أَوْضِيَاءِهِ وَأَهْلِ أَصْفِيَاءِهِ
 الْمَسْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْأَشْخِشِ عَشْرَ الْخَيْرِ وَالْأَمْرِ الْحِجْ
 عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ اللَّهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ مَوْجِبَةٍ

مَا يَخْلُجُ لَنَا فَيُؤْكِلُ طَلَبَكَ كَمَا وَهَبَ تَلْبَسَ لِي بِحُجَّتِهِ وَمَا دَفَعْتُ
 بِمَعْنَاهُ فَتَحْنُ عَائِدَتُكَ يَغْفِرُ فَمِنْ بَعْدِهِ تَشْتَدُّ لِي سِتْرَةً وَتَنْظُرُ
 أَقْبَتَهُ أَمِينٌ رَتَبًا لِعَالَمِينَ **سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ** مَدُونَتِ كِهْرَس
 اَيَمَ يَفِيضُ شَبَانِ رَوَزَه كِهْرَدَايِ قَالِي بِرَيْشِ مَرَارِخْتِه نَوِي هَرَار
 سِتِيرِه اَز وَجْه كِهْرَدِه رَوَزَه دَر جِه كِهْرَدِه دِه كِهْرَس شَبَانِ
 وَشَبِ عِيدِ نَظَرِ اِيحَا دَارِ وَشَبِ مَزِدِ رَوَزِي كِهْرَدِه دِه مَرْدِه بَاشَد
 نَفْسِ شَبَانِ اَعْدَا شَبِ تَه رَه بَرِي شَبَانِ وَدَرِي شَبِ كِهْرَس
 كِهْرَدِه اَمَرِ زِيَدِه وَجَرِ اَرَاوَرْدِه وَجَا تَجَا بَشُو دِه كِهْرَس دَرِي شَبِ
 زِيَارَتِ حَضَرَتِ حَامِي كِهْرَس كِهْرَس كِهْرَس كِهْرَس كِهْرَس كِهْرَس
 وَنَزِيرِ مَدُونَتِ كِهْرَس شَبَانِ وَشَبِ عِيدِ نَظَرِ وَشَبِ عَرَضِ
 دَر كِهْرَس زِيَارَتِ حَضَرَتِ كِهْرَدَايِ قَالِي بِرَيْشِ مَرَارِخْتِه وَهَرَارِ
 نَوِيَدِه وَهَرَارِ مَحَبَّتِش رَا بَرَاوَرْدِه دَر دِيَا وَهَرَارَتِ كِهْرَس دَرِي شَبِ
 سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 هَرِكِ رَا حَضَرَتِ كِهْرَس كِهْرَس كِهْرَس كِهْرَس كِهْرَس كِهْرَس
 وَهَرَارَتِ اَوَرْدِه وَهَرَارِ اَيَمَ سَوَالِ كِهْرَدِه وَهَرَارِ اَيَمَ سَوَالِ كِهْرَدِه

اَمَامِ مُحَمَّدٍ بِقَوْمِ فَرَمُو دِه كِهْرَس دَرِي شَبِ اَعْدَا نَفْسِش دَوَكِتِ نَاكَرَارِ
 دَر رَكْعَتِ اَوَّلِ اَعْدَا نَفْسِش اَتِيَا اَتَا فَرَوَنِ وَدَر دَوَمِ قُلُوبِ حَضَرَتِ
 نَجَارِدِه اَعْدَا نَفْسِش مَرِي سَمْعِش اَعْدَا نَفْسِش اَعْدَا نَفْسِش وَهَرَارِ
 مَرَسِدِه اَعْدَا كِهْرَس كِهْرَس كِهْرَس كِهْرَس كِهْرَس كِهْرَس
 اَلْهَيْهَاتَ وَالْيَاسُوتُفَعُّ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ لَكَ
 يَامَنُ لَا تَخَفُ عَلَيَّ وَتَحَايَا لَوْ هَا وَتَحَايَا لَوْ هَا وَتَحَايَا لَوْ هَا
 قَا كِهْرَيَاتِ يَامَنُ بِيَدِ مَكْنُونِ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَوَاتِ اِنَّ اللَّهَ
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَمَّا إِلَهِكَ يَا إِلَهَ الْأَنْتَ يَا إِلَهَ الْأَنْتَ
 اَلْجَعَلُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مَوْجِنَ قَطَرَاتِ الْيُسُوفِ حُجَّتِهِ وَبِهِتِ عَالَمِ
 فَاجِبَتِه وَهَلَاكَةِ اِسْتِقَالَتِه فَاقْلَبْتِه وَتَحَايَا لَوْ هَا وَتَحَايَا لَوْ هَا
 حُطْبَتِه وَحُطْبَتِ مَحَبَّتِش قَتْلَا سَجَرَتِ يَامَنُ دَرِي شَبِ وَهَرَارِ
 اَلَيْكَ فِي سِتْرِ عِيُونِ اَللَّهِ قَبْدُ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَحُطْبَتِ
 حُطْبَايَا بِحُطْبَتِكَ وَحُطْبَتِكَ وَتَحَايَا لَوْ هَا وَتَحَايَا لَوْ هَا
 كَوْنَتِكَ وَحُطْبَتِكَ فِيهَا مَوْنِ اَوْلِيَاؤِكَ اَلَّذِينَ اَلْجَبْتَهُمْ لِيظَا
 عَتِكَ وَخَفَرْتَهُمْ لِعِيَادَتِكَ وَجَعَلْتَهُمْ خَاصَّتَكَ وَتَحَايَا لَوْ هَا

५६

وانظر

فِي مَنَاقِبِ الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ الْمَطْفُوفِ مِنْ كُلِّ أَقْصَى
 مِنْ كُلِّ عَيْبٍ الْمَوْجِلِ لِلنَّجَاةِ الْمَرْجَى لِلشَّفَاعَةِ الْمُفَوَّضِ
 إِلَيْهِ دِينَ اللَّهِ اللَّهُمَّ وَتَرَفَ بِنِيَانِهِ وَعَظَمَ بِرُهَاةِ
 وَأَفْلَحَ بِحُجَّتِهِ وَارْفَعَ دَرَجَتَهُ وَأَصَوَّرَ نُورَهُ وَبَيَّضَ
 وَجْهَهُ وَأَعْطَاهُ الْفَضْلَ وَالْفَقِيهَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَ
 الدَّجَّةَ الرَّفِيعَةَ وَأَلْبَسَهُ مَقَامَ الْحَمْدِ لَا يَنْقُطُهُ
 الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ
 الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
 إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ
 وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ
 وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 لِمَنْ وَصَلَّ عَلَى جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ
 الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى مَوْسَى بْنِ

جعفر

جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ
 الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ
 إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ
 وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الْخَلَفَاءِ الْمُهَدِيِّينَ
 إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَئِمَّةِ الْهَادِينَ أَهْلَ الْكَلَامِ
 الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ دُعَاءُ شَرِّ دِيْنِكَ وَارْكَانِ
 قَبْدِكَ وَحُجَّكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخَلَفَاؤَكَ فِي الْأَرْضِ
 الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَأَصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ
 وَارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَجَلَّلْتَهُمْ
 بِكَرَامَتِكَ وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ وَرَبَّيْتَهُمْ بِعِزَّتِكَ وَغَفَّرْتَ
 بِحِكْمَتِكَ وَأَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ وَدَفَعْتَهُمْ فِي مَمْلُوكَتِكَ وَحَقَّقْتَهُمْ

بِإِلَهِكَ وَتَرْفَعُ رُفْعَهُمْ بِبَيْتِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَإِلَهُ اللَّهُ صَلِّ
عَلَيْهِمْ وَعَلَيْهِمْ صَلَواتُ كَثِيرَةٍ دَائِمَةٍ حَتَّى لَا يَخْطُبَ عَلَيْهَا إِلَّا
أَنْتَ وَلَا يَتَعَبَّهَا إِلَّا عَمَلُكَ وَلَا يَحْصِيهَا إِلَّا خَيْرُكَ اللَّهُ صَلِّ
عَلَى وَلِيِّكَ الْهَبِيِّ سُبْحَانَكَ أَفْئِدَةُ بَائِلِكِ الدَّاعِي لِيَاكَ الدَّلِيلُ
عَلَيْكَ حُجْرَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخَلْقَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَشَاهِدِكَ
عَلَى عِبَادِكَ اللَّهُ أَعِزْ نَصْرَهُ وَمُدِّدْ عَمْرَهُ وَزَيِّنْ أَدْرَكَهُ
يَطُولُ بَقَائِهِ اللَّهُ أَكْفِمْ بَنِي السَّيِّدِينَ وَأَعِدْهُ مِنْ شَرِّ
الْكَاذِبِينَ وَأَزْجِرْ عَنْهُ إِيَادَةَ الظَّالِمِينَ وَخَلِّصْهُ مِنْ
أَيِّدِ الْخَبَّارِينَ اللَّهُ أَعْظِمُ فِي نَفْسِهِ وَدَرْجَتِهِ وَتَبِعِهِ
وَرَعِيَّتِهِ وَخَاصَّتِهِ وَغَامَّتِهِ وَمَعْدُومِهِ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا
مَا تَقَرَّبَ عَلَيْهِ وَسَمَّيْهِ نَفْسَهُ وَبَلَّغَهُ أَفْضَلَ مَا
أَقْبَلَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُ جَدُّ
بِهِ مَا آمَنَ مِنْ دِينِكَ وَأَحْمِيهِ مَا بَدَلَ مِنْ كِتَابِكَ وَظَهَرَ
بِهِ مَا غَبَرَ مِنْ حِلْمِكَ حَقِّ لِعَوْدَةِ دِينِكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ عِصْمَةُ
حَبِيدِهَا خَالِصًا لَا شَرَّكَ فِيهِ وَلَا شَفْعَةَ مَعَهُ وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ

وَلَا

وَلَا يَهْدِيكَ لَدَيْهِ اللَّهُ تَوْفِيرُهُ كُلُّ ظُلْمَةٍ وَهَدَى رُفْعَهُ كُلُّ
يَدٍ قَدَرٍ وَهَدَى رُفْعَهُ كُلُّ ضَلَالَةٍ وَأَقْصَمَ بِهِ كُلُّ كَيْبَارٍ
وَلَمْ يَدْرِكْ بِبَيْتِهِ كُلُّ نَارٍ وَأَهْلِكَ بِعَدْلِهِ كُلُّ جَوْرٍ وَخَيْرُكُمْ
عَلَى كُلِّ حَكْمٍ وَأَذَلُّ بِإِطَانِهِ كُلُّ سُلْطَانٍ اللَّهُ أَزَلُّ كُلِّ
مَنْ نَاوَاهُ وَأَهْلِكَ كُلِّ مَنْ عَادَاهُ وَأَمْلَأْ مِنْ أَكَادِهِ
اِسْتَأْصِلْ مِنْ جَدِّ حَقِّهِ وَأَسْأَلُكَ بِأَمْرِهِ وَنَعْيِهِ فِي الْإِفَاءِ
تُورِهِ وَأَرَادَ إِخْرَاجَ ذِكْرِهِ اللَّهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى
أَلْوَيْتِهِ وَقَاطِمَةِ أَرْوَاحِهِ وَالْحَسَنِ الرِّضَا وَالْحُسَيْنِ الْحُطَّافِ
وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ مُصَاحِبِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ الْهُدَى
سَنَارِ النُّجَى وَالْقُرَى الْوُفَى وَالْمُجَلِّ الْمُنِيرِ وَالْأَصْرَارِ
الْمُسْتَعْمِرِ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ وَالْإِمَامَةِ
مِنْ وَلَدِهِ وَمَنْ فِي أَعْمَالِهِمْ وَزِدْ فِي أَعْمَالِهِمْ وَبَلِّغْهُمْ
أَقْصَى مَا لَهْمُ دِينًا وَدُنْيَا وَآخِرَةً أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَأَيْضًا تَحْتَ دَرِينِ بَنِي إِسْرَافِيلَ اللَّهُ حَيُّ قَدِيرٌ لَا يَمُوتُ
وَلَا يَنْوِيهَا وَتَحْتَ نَفْسِكَ وَتَحْتَ وَفَرَّتْ إِلَى فَضْلِهِ أَفْضَلًا

قَدْ كُنْتَ كَلِمَةً صِدْقًا وَعَدًا لَا مَسْكُوتَ لِكَلِمَاتِكَ وَلَا مَقْبُولَ
 لَا يَأْتِيكَ كُودٌ قَالَتَا كَوْضِيَاؤُكَ الْمَشْرِيقِ وَالْمَغْرِبِ أَلَمْ تَكُنْ
 فِي طَحْنَاءِ الْيَجُورِ الْغَائِبِ الْمَشُورِ جَلَّ مَوْجِدُهُ وَكَرَّمَ
 تَحْدِيدُهُ وَالْمَلَأْنِكَةُ تَحْدِيدُهُ وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ أَذَانُ
 مِيعَادُهُ وَالْمَلَأْنِكَةُ أَمْدَادُهُ سَيَعَا لِي الَّذِي لَا يَنْبُتُ وَلَا
 الَّذِي لَا يَجْبُودُ وَاللَّيْلُ الَّذِي لَا يَصْبُو أَمْدَادُ الْأَمْرِ وَتَوَاتُرُ
 مَبِئِ الْعَصْرِ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ وَالْمَنْزِلُ عَلَيْهِمْ مَا يَنْزِلُ فِي الْبَلَدِ
 الْقَدَرُ وَالْحَبَابُ الْمَشْرِيقِ وَالْمَشْرِيقُ وَحَبِيبُهُ وَوَلَاةُ أَمْرِهِ
 وَهَبْنِيهِ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى خَائِفِهِمْ وَقَاتِلْهُمْ الْمُسَوِّدُ عَيْنُ اللَّهِ
 وَأَذْرِكْ بِنَايَا أَمَامَهُ وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ وَجَعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ
 وَأَفْرَاقِ نَادِيَا بَارِهِ وَكَيْتَانِيهِ أَعْوَانِهِ وَخَلَصَانِيهِ
 أَلْحَيْنَانِيهِ دَوْلَتِهِمْ نَاعِيهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ غَائِبِينَ وَحَقَّقْتَهُ
 يُبِينُ وَمِنْ التَّوْفِ سَالِمِينَ يَهْتِكُ يَا أَيْحَهُ الْوَالِدِينَ وَالْمَدِينِ
 إِلَهُ رَحْمَةِ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ
 وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَغَيْرِهِمُ النَّاسِ

طه

أَنَا طَائِفَتِي وَالْعَوْنُ الطَّالِبِينَ وَأَحْكُمُ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْعِلْمِ
 الطَّالِبِينَ وَدُرُورُ رُفْعَايَاهُ الدُّوَالِحِ أَعْيَانُ أَوْنِ حُسْنِ زِيَارَتِ
 قَبْرِ حَقِيقَتِهَا حَسْبُ آيَةٍ كَسْرِيْنِ دُرُورِ زِيَارَتِ قَبْرِ حَقِيقَتِهَا
 مَعْدُومِيَّتِهَا وَجَاهِزِهَا رُفْعَايَاهُ الدُّوَالِحِ أَعْيَانُ أَوْنِ حُسْنِ زِيَارَتِ
 دَاكِرِ سَائِدِ دُرُورِ زِيَارَتِ كُنْدُكَ دَانِ وَأَعْرَازِهِ شُورُورِ رُفْعَايَاهُ
 أَمْدَادُ كُورِ كَسْرِيْنِ دُرُورِ سَائِدِ دُرُورِ زِيَارَتِ كُنْدُكَ دَانِ
 دُرُورِ زِيَارَتِ شُورُورِ زِيَارَتِ شُورُورِ زِيَارَتِ شُورُورِ زِيَارَتِ
 اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ الْمُبَارَكَ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ
 هَدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفَقْرِ فَإِنَّ قَدْ حَضَرَ
 فَكُنَّا فِيهِ وَمَلِكُهُ وَتَسْلَمُهُ مِثْلَانِيهِ يُسْرِعُهُ وَتَعَاوِيهِ
 يَا مَنْ أَحَدًا الْقَلِيلَ وَكَلَّمَ الْكَثِيرَ أَمَّا بَلَى مَعِيَ الْبَيْتُ اللَّهُمَّ
 إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلًا وَمِنْ كُلِّ
 مَا لَا أَحِبُّ مَانِعًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مَنْ عَفَى عَنِّي
 وَعَنْ مَا خَلَقْتُ بِهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ يَا مَنْ لَا يُؤْخِذُ فِي
 يَارِ تَكَايَا لِمَعَاوِي عَفْوَكَ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَا كَرِيمُ الْحَمْدِ

وَعَظَمْتَ لَمْ تَقْطَعْ وَنَجَّيْتُمْ عَنْ عَذَابِكُمْ قَلَمَ أَنْزَحْتُمْ وَمَا
 عَذَرِي فَأَعْفُ عَنِّي يَا رَحِيمَ عَفْرَكَ عَفْرَكَ عَفْرَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ الَّذِي
 فِي عَذَابِكَ عَلَيَّ عَذَابُ النَّارِ وَمِنْ عَذَابِكَ يَا أَهْلَ التَّقْوَى أَهْلُ
 الْغَفْرِ عَفْرَكَ عَفْرَكَ عَفْرَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ
 وَأَبْنُ أَمَتِكَ صَغِيرٌ فَقِيرٌ إِلَى كَهْنِكَ وَأَنْتَ مُزِيلُ الْعُفُوقِ
 أَبْرَكْتَ عَلَى الْعِبَادِ فَأَمَّا هَذَا صَغِيرٌ أَهْلُ الْغَفْرِ عَفْرَكَ
 أَذْنًا قَتَمْتُ وَجَعَلْتُمْ مَخْلُوقَةَ الْبَشَرِ وَالْمَآئِمَةَ مَخْلُوقَاتٍ
 بَعِيدَاتٍ لَا يَعْلَمُ الْعِبَادُ حُكْمَكُمْ وَلَا يَقْدِرُ الْعِبَادُ قُدْرَتَكُمْ
 وَكُنْتُ أَفْقَرُ إِلَى كَهْنِكَ فَلَا تَصْرِفْ عَنِّي بِخَيْرِكَ وَاجْعَلْ لِي
 مِنْ صَالِحِ خَلْقِكَ فِي الْعَمَلِ وَالْأَمَلِ وَالْعَفْوَ وَالْقُدْرَةِ اللَّهُمَّ
 أَبْقِ خَيْرَ الْبَقَايَا عَلَى مَلَائِكَةِ أَوْلِيَاءِكَ وَمُعَاذَةَ أَهْلِ آدَمَ
 قَالَتِ خَيْرُ إِلَهٍ مَا لَا هَبَّةَ مِنْكَ وَالْمُسْتَعِثُّ وَالْوَفَا وَالسَّلَامُ
 لَكَ وَالْقُدْرَةُ بِكُنْزِكَ وَأَتَّبِعْ سُنَّةَ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ مَا كَانَ
 فِي قَلْبِي مِنْ شَيْءٍ أَوْ ذَنْبٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ قُطْبٍ أَوْ فَرْجٍ أَوْ نَجْوَى

أوبى

أَوْ بَطْلٍ أَوْ خَيْرٍ أَوْ رِيَاءٍ أَوْ سَمْعَةٍ أَوْ شَفَاعَةٍ أَوْ نَفَاذٍ أَوْ
 كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ أَوْ عَصْيَانٍ أَوْ نَوِيٍّ أَوْ نَجْوَى أَوْ نَجْوَى فَاسْأَلُكَ
 يَا رَحِيمَ أَنْ تُبَدِّلَ لِي مَكَانَهُ أَيْمَانًا وَبَعْدَكَ وَوَقَاءَ بَعْدَكَ
 وَرَيْحِي بَعْضًا لَكَ وَهَبِي لِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ بِمَا غَدَاكَ
 يَا رَحِيمَ وَطَعْمًا مِنْهُ وَتَوْبَةً مَقْبُولَةً أَسْأَلُكَ ذَلِكَ يَا رَحِيمَ
 الْعَالَمِينَ إِلَهِي أَنْتَ مِنْ جِلْدِكَ تُصْنِئُ وَمِنْ أَرْوَاكِ تَجْعُدُكَ
 نَطَاعًا فَكُنْ لَكَ لِقَاصُ مَا وَمِنْ لِقَاصِكَ سَكَدَ أَجْرُكَ فَكُنْ
 عَلَيْنَا بِالْقَضِيلِ جَوَادًا وَبِالْخَيْرِ عَادًا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتُ الْأَعْلَى وَالْأَعْلَى لَا تَعُدُّ وَلَا تَقْدِرُ
 قُدْرَةَ مَا قُدِّرَ لَكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **نصلى الله على رسوله**
 رَوَيْتُ زَاهِلِيَّتَ طَاهِرِي كَرِيمٍ هَسْتُمْ مَاهِيَاتُ أَوْ شَحِيحَتِ
 وَدِي شَحِيحَتِ مَعْرِفَتِ وَأَمْرُ شَحَابَتِ وَغُورَتِ زَاهِيَّتِ أَوْ شَحِيحَتِ
 بَعِيرٍ وَرَفَائِلِ نِيْمَةٍ خَطْبَةٍ وَفَرْغَةٍ وَبَلِّغْتُمْ شَحِيحَتِ كَرَامَتِ
 مَاهِيَاتِ وَكَيْفَ تَقْرَعُ دَرَسِيَهَا نِيْمَةً مَشْرِعًا وَبَشِيرًا
 لَهَا هَادِيَةً وَبَعِيرَةً وَتَقْدَرُ وَبَارِئَةً لَهَا خَيْرٌ دَرَسِيَهَا شَحِيحَتِ

در غیر اینها و در غیر اینها مثل غدا و غیره است و غیر آن و در اینها که
 علاج و عمار و اوراق مردم نوشته شود و اوراق مومنان در اینها
 کرد و هر کس در اینها مومنی را اظهار نماید چنانست که بنده اگر آید کند
 و گناهان گذشته پیش آید زنده شود کسی که گفت ما همه قادر برین هستیم
 فرمود خود را از آتش نگاه دارد اگر چه نصف عمر یا بیشتر است این باشد
 و هر کس در اینها خدمت و شقت از عادم و تحیف و پنداری الهی
 حساب دارد تحیف دهد و مومنان در اینها همان خدا او را پس گرفت
 اوین نفس شایسته و خواشای عبادت و دعای شایسته
 و عمل شایسته قبول پس در اینها نیتهای صادق و دلایلی که اگر نگاه
 توفیق روزی آن و قنوت قرآن مست کند و بجز و عطر اینها
 جوع و عطش روز قیامت یاد آید و بر فقر تصدق کند و بر کجاست
 ترجم و در بزرگان اگر اکرام و توقیر نماید و عطا ارحام جای آید و زبان
 از پیوده و بی حاصل بریندیده و چشم از حرام پوشیده و گوش از
 بکیرید و برای تمام مردم رحم کند تا بر ایام شمار کند و در اوقات
 صلوات که فضیله او است آنرا ذکر استغفار کند و دستها را ببارد

کتابخانه

که خدای تعالی بر بندگان رحمت نظر کند چون او را بطلبند بیک کبیر چون
 مناجات کند اجابت نماید و چون دعا کند عطا فرماید نفوس را در گردن
 پس استغفار خاص کند و پشیمانیها را که با سبکین است پس بطول
 رکوع و سجود باران دوش خود سبک گرداند و در اینها است در اینها
 کثرت است سوال کند تا بر شانه بنده در اینها و در اینها است سوال
 کند و تقوی نماید تا بر شانه بنده و شایسته مومنان و فرمودند استغفار کند
 و بر شانه بنده نشود و شقی کسی است که در اینها از حضرت خدا خرم ماند
 و کسی که در اینها آفریده نشود و کسی که آفریده نشود و اگر آنکه لغات حاضر
 شود و هر کس در اینها شمرده و از مردم باز کرد خدای تعالی تحیف خود را
 باز کرد و هر کس بطوری جای آید از آتش بری شود و هر کس بی اکرام
 کند خدای تعالی روز قیامت او را اکرام کند و هر کس صلوة برین است
 بر اینها است سبکین کرده اند روزی که میرانها سبک باشد و هر کس یک است
 از قرآن بخواند چنانست که در ماه دیگر ختم قرآن کند و هر کس در اینها
 جمعی بسیار از آتش آزاد شوند که کسی که افکار بر سر کسی کند یا
 رحمت یا صاحب شجر باشد و در شب آخرش از آن در ماه آید

[illegible]

مِنْ جَدِّكَ وَوَقُّوْنَا عَلَیْكَ تَعْلِيمَ شَائِكَ وَتَقْدِيرَ
 أَمْرِكَ وَتَكْلِ الْآثَانِ وَتَقِي الصَّفَاتِ أَنْ تَعْلَمَ مَا لَعَلَّكَ أَنْ
 يَحْطَبُكَ وَأَوْحِي أَنْ يَمُوتَ عَلَيْكَ مَا يَكُنْ أَمْتُمْ كَحِجَابٍ عَلَى
 خَلْقِكَ وَدَلَّ عَلَى خَلْقِكَ وَهَذَا تَكْلِ عَلَى لَرِكَ
 وَهَذَا يَكُنْ عَلَى دِينِكَ وَوَضَحَ مَا أَتَمَّ عَلَى عِبَادِكَ وَتَكْلِ
 لِلْجَنَاتِ الْوَحِيدِ وَتَعْلَامُكَ وَهَذَا مَكْنُ حَبْلِكَ وَ
 تَعْلَامُ الْوَحِيدِ الشَّيْءِ بَيْنَكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ فَاتَتْ
 الْمُفَصَّلِ عَلَيْهِمْ حَيْثُ قَرَأَ لَهُمْ مِنْ مَكْلُوكِ الْوَحِيدِ
 بِيَرْكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ بِوَحِيدِكَ وَأَوْزَعَهُمْ عَلَى وَحِيدِكَ
 وَتَعْلَامُ خَلْقِكَ وَطَقًا بِعِبَادِكَ وَتَعْلَامُ عَلَى بَرِّكَ
 وَتَعْلَامُ تَقْوَى عَلَيْهِ مَا تَرَى مَا تَكُنْ وَمَا يَكُونُ مِنْهَا
 صِفَتِكَ وَتَعْلَامُ لَهُمْ فِي مَنَاسِكِهِمْ وَمُسْتَكْبِهِمْ مِنْ نَفْسِكَ فَا
 فِيهَا إِلَهُكُمْ وَأَدْبَارُكُمْ بِرُهَا تَعْلَامُ عَلَى مَنْ حَرَّمَ سُبُوحَهُمْ
 فَاسْتَجَابُوا لِأَمْرِكَ وَتَعْلَامُوا أَنْفُسَهُمْ بِطَاعَتِكَ وَمَا لَوْ
 أَخْرَجَهُمْ مِنْ دَرَكِكَ وَتَعْلَامُوا أَفَلَهُمْ سَعْيُكُمْ بِمَرِكَ

وَكَلُّوا

وَجَرُّوا أَوْفَاهَهُمْ فِيمَا يَرْضِيكَ وَأَخْلَوْا أَدْعَاءَهُمْ مِنْ
 تَعْلَامُ رِيضِ الْخَطَرِ لَنَا شَاعِلُكَ عَنْكَ تَعْلَامُ قُلُوبِهِمْ مَكْنُ
 لِأَرَادَتِكَ وَتَعْلَامُ مَنَاسِبَ لَأَمْرِكَ وَتَعْلَامُ الْوَحِيدِ
 تَعْلَامُ لَسْتِكَ تَعْلَامُ أَلْفَتَهُمْ بِرِكَ وَتَعْلَامُ أَهْلَتَهُمْ مِنْ بَيْنِ
 أَهْلِ دَعَائِهِمْ وَالْأَمْرِ تَحْصَصَتَهُمْ بِوَحِيدِكَ وَأَتَرَتِ الْعِلْمُ
 لَنَا تَكْلِ وَأَمْرَتَنَا بِالْمَسْكِ بِهِمْ وَالْوَدَّ الْعِلْمُ وَالْإِسْبَاطِ
 نَعْلَامُ الْوَحِيدِ فَاتَتْ تَعْلَامُ لَنَا بِكَ وَتَعْلَامُ نَبِيكَ الَّذِي
 أَمْتُمْ لَنَا دَلِيلًا وَتَعْلَامُ وَأَمْرَتَنَا بِمَا تَعْلَامُ الْوَحِيدِ فَاتَتْ
 قَدْ تَعْلَامُ بِهِمْ فَاتَتْ تَعْلَامُ بِهِمْ حَيْثُ يَقُولُ الْوَحِيدُ
 وَمَا لَنَا مِنْ شَائِعِينَ وَلَا صَدُوحٍ وَلَعَلَّكَ مِنْ
 الشَّادِقِينَ الْمُصْدِقِينَ لَهُمْ الْمُسْطَرِّينَ لِأَنَّا مَكْنُ الْوَحِيدِ
 إِلَى تَعْلَامِهِمْ وَلَا تَعْلَامُ تَعْلَامُ دَعَائِهِمْ وَتَعْلَامُ لَنَا مِنْ
 لَدُنْكَ تَعْلَامُ أَفَكَ أَنْتَا لَوْ هَاتَا مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 أَلَمْ يَكُنْ عَلَى مَكْنُ وَعَلَى الْحَبِيبِ وَتَعْلَامُ أَمِيرِ الْوَحِيدِ
 وَقِيلَ الْعَارِفِينَ وَتَعْلَامُ الْوَحِيدِ وَتَعْلَامُ الْوَحِيدِ

چون بود مصیبت این بنده خدا با شما و چون که طاعت خدا را در شما
 پس ایشان گویند خدا یا این بنده تو چون با ما بود و جد در حق تو کرد
 و سعی در تحصیل غنای تو می نمود و عبادت و طاعت محبت و رحمت
 تو می جست پس از آنکه که برین سه ماه می گذشت سعادت طلبه ایشان
 گویند خدا یا رجب و شعبان و رمضان رست گزیده ما این بنده را
 ندیدیم مگر در طاعت و عبادت و تحصیل غنای تو و برده چنان بایکدن
 تو اینها همه را از روی فرح و تهنیت از روی رحمت و میده حضرت
 تو میکرد و از آنچه تو را در این فرموده بودی امر از می نمود و هر چه
 موجب رحمت و سبب مغفرت تو بود می شتافت و مبادرت میکرد
 و با بطاعت فرج و بصر و سایر عوارض روزنه می داشت و روزگار را به
 روزی نمی گذراند و شبها را بعبادت و روزی می آورد و فقط
 و اگر ام و صدقه و حسان و فقرا و مساکین بسیار میکرد و صحبت ایشان
 حبيب داشت و دواعی ایشان را خوب کرد و بعد از آن نیز بر عبادت
 و عبادت باقی بود و دست رحمت امر و نهی تو نمی نمود پس ای
 آن بنده را اگر محبت فرمایید و ملائکه یا تحفه یا و کرامات بسیار

بخوان

استقامت کند و بر تختی از نورش نشاند و در کجای براق برایش
 متی که دانند و نهجتهای باقی و منازل دائمی برسد که هرگز از این
 نیاید و جوایز را هرگز نگیری بنود و سرورش را هرگز غم نباشد
 و نهش از کسکی ایمن باشد اگر که درت حایم و شوق و شوق عذاب
 مامون باشد و در شانزده شریف و در جات رفیع مگر در شوق باشد
 و هم آنحضرت فرمود چون روز را اول شعبان شود شیطان را که
 خود را در اطراف زمین متفرق سازد و گوید کسی کند و بنده خدای
 بگیرد و از راه خدا بگذراند و خدای قالی ملائکه را در اطراف
 زمین جنبش سازد و فرماید بندگان مرا بدین و پندایت نماید که
 کسی که با و سرگشتی کند و طغیان در زند که او در حال خود طایس
 شود و روز را اول شعبان فرماید و رخت طوبی را که شایسته شما
 او بخیه شود و رخت زقوم را که شایسته پدیا آید و بعد از آن
 ملک از جانب خدا آید که گوید ای بندگان خدا این شایسته
 طوبی است حکم بگیرید و خود را بپوشانید و آویزید تا شما را بهشت رساند
 و این شایسته زقوم است از آنجا که برید تا شما را جهنم بنده و بعد از آن

فروغ دای که در بخت نبوت اختیار کرد هر کس عمل از اعمال نکند بناخی
 از شاه خای زرقم چسپده و هر کس از طوطی کند بناخی از طوطی چسپده هر کس
 مغلذ از کبک چسپده بر شاه چسپده و هر کس وز کبک و بناخی چسپده
 و هر کس صدقه دهد بناخی چسپده و هر کس میان زن و شوهر با والد و ولد
 یا خویش و خویش یا هسایه یا کجانه یا کجانه یا کجانه یا کجانه یا کجانه
 کند بناخی چسپده و هر کس قندار پریشانی را صحت دهد یا چندی
 از حق خود باو بخشد بناخی چسپده و هر کس ادای این کند که کجانی
 از آن مایوس گشته باشد کند بناخی چسپده و هر کس متعلق احوال تنبی
 شود بناخی چسپده و هر کس بغض و جاهلی را از غیبت و غرض دوری
 منع کند بناخی چسپده و هر کس که خداوند گفته است که او کند بناخی
 چسپده و هر کس عیادت پاری کند بناخی چسپده و هر کس شمع
 خانه کند بناخی چسپده و هر کس حاجت پستی را غرض کند بناخی
 چسپده و هر کس بر والدین یا یکی از ایشان یا آرد بناخی چسپده
 یا یکی از ایشان از او آزرده باشند غرض حاجتی کند و فراموشی این
 تحسین نماید بناخی چسپده و همچنین هر کس کاری از کارهای خیر کند

بناخی چسپده و هر کس عملی از اعمال نکند بناخی از شاه خای زرقم چسپده
 باشد و هر کس در نماز و عقیقه تقصیر کند و حق آنرا ضایع کند بناخی چسپده
 و هر کس قیصری پیش او آید که جز از کمالش هشته باشد و قادر بر حجت
 او باشد و او را که در دما مشقت کند و مخط باشد بناخی چسپده
 و هر کس کسی از خود تقصیری و بدی را بگوید و قبول کند بلکه بگوید
 بناخی چسپده و هر کس قرضه اری پریشانی که کمالش او انداخته
 کند بناخی چسپده و هر کس قرضی دهشته باشد و از صاحب
 چیزی کم کند و حشش را برده بناخی چسپده و هر کس متعلق از خانه
 و برود غلم کند بناخی چسپده و هر کس غمای حرامی کند بناخی چسپده
 و هر کس قبیح افعال خود و انواع ظلم خود را نقل کند و بان تقاضا
 کند بناخی چسپده و هر کس از روی بکر بیعت رضی برود
 بناخی چسپده و هر کس از باب آستان رنگ تیش جانور را رنگ
 صاحب پستی کند بناخی چسپده و هر کس حقوق والدین یا یکی از ایشان
 یا ایشان از او آزرده باشند بناخی چسپده و تحسین بر خداوند و خود
 ایشان کند و حال نکند و باشد بناخی چسپده و همچنین هر کس که بخواهد

افعال شود بنا بر این از زقوم چسپیده باشد و او را می کشیده به جیم می کشند
 در تنی نگاه با همان میگرد و اظهار سرور و شادمانی میفرمود بعد از آن توبه
 اصحاب گشته فرمود و بخدائی که مرگش بجهنم اختیار نموده که دیدم
 درخت بلوطی را که جمعی کربش خدای آن آید که آن درخت همیشه می برد
 بعضی می کشید و بعضی بر شاخ و بعضی بچند شاخ هر کس می کشید
 خیر می کرد و دیدم زمین عارضا را که پس خوانده و حضرت بود
 بهر شاخ های بلوطی چسپیده بود و او را از هم کس بالاتر بود و در خطه
 خندان شد و چون نگاه بر زمین کردم دیدم درخت زقوم را که جمعی
 که بنا خدای او چسپیده بودند همه را فرو برد و جیم و بعضی را دیدم
 یک شاخ چسپیده و بعضی بر شاخ چسپیده و بعضی بچند شاخ هر کس
 حب قبا می کرد که ده باشد و بعضی از زمین را دیدم که بهر شاخ های زقوم
 چسپیده بود و او را فرو برد و درخت ککات جیم و این جیم
 کشته بعد از آن بار نگاه با همان که دو خندان شد و نگاه بر زمین کرد
 و دیگر کشت پس فرمود اگر آنچه من دیدم شما میدید روزی را بگوید
 نشانه که سر روزی که را بیدارید و شبها است و بخت عبادت

بر زمین آورد و دید و با همی خود را بعد تمام کرد و دید و با همی خود را در جوار
 می کشید و گفتند پروردگار ما در این روزها نمازهای تو با چه دیده فرمود
 چون شاخ های بلوطی بر پشت رجوع کردند نمازهای از جانب خدا کرد
 که ای ملک که بر منید هر کس که مرگش بنا بر این از بلوطی آید و بخت آنقدر که سایه
 آتش می افتد از هر جانب نماز و قصر و نعمت های بهشت با او میدهد
 پس بعضی از ایشان را از هر جانب نماز سال را در خطه کشید و بعضی را در
 آن و بعضی را در بر شاخ و بعضی را در چهار برابر و بعضی هر کس بقدر تلاش چون
 شاخ های زقوم جیم فرو بردند نمازهای از جانب خدا اند که ای
 قرآن جیم بر منید هر کس که مرگش بنا بر این از زقوم چسپیده بقدر حرارت
 و طاعت آتش از هر جانب برای او آتش خانه و منازل بنا کنند
 و عمارت و فقرها و نخله و غلها و عذابها برایش می آید که در دنیا پس ای
 بعضی کس را راه و برای بعضی ده ساله و برای بعضی صد ساله و بیشتر و کمتر
 و هر کس بقدر تلاش عذاب نمیکشند و بعد از آن بر طرف زمین نگاه میکرد
 و گاهی می سرود و گاهی دیگر میشد پس فرمود و شما آنرا که از این عذاب
 می کشند و بنا بر این از بلوطی آید و بخت آنقدر که سایه آتش می افتد از هر جانب

نظر بر کینه مرده شود و چون فرستی نماید اطاعت کند و چون
از او غایب شود خود را مال او را قنطاریت نماید عطا نماید و نیز
مردیت که بهترین شفاعت است که میان دو کس سعی کنی تا قیام
بهرسد و هر کس این سعی کند هر کس می که بر دارد و هر کس که گوید خدا
برایش عبادت یکسال نویسد که شبهایش تا زود روزهایش
روزه باشد و هر حوری عطا نماید هر کدام و قهری از روزهای
و هر کس غنی را ترقی کند از جمله سعی باشد که خدای تعالی روزی
نظر رحمت بر ایشان دارد و از جمله سعادت مردیت که در مشرق
در خانه نشوهرت یعنی شود و هر کس در مخالفت میان زن نشوهر
سعی کند بخت و لغت خدا گرفتار شود و بدین معنی که در
و هر کس در صلح میان ایشان سعی کند اجر بزرگتر شود باید و هر کس
که بر دارد و هر کس که گوید یکسال عبادت نویسد بار و زود روزها
و نماز شبها **فصل دوم در فضایل خود مرده** مردیت را مصلحت
آنست که هر کس متوجه کند برای رضای خدا و حق گفت مگر این که
که با او تکلیم کند و هر کس که دست بپا او بر در پیش حسن و نیکی

و چون نزدیکی کند کن می از او آید رزیده شود و چون غسل کند بعد از هر
که در پیشش آید برسد که آن از او آید رزیده شود و چون غسل کند
پس بر کینه که خدای تعالی میفرماید هر کس از دست تو متوجه کند که پیش
آید نیمم و کسی که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام از او سوال کرد و فرمود
و دست ندارم که کسی از دنیا برود و سستی از من رسول الله صلی الله علیه
باشد بگویم یا نه و رده باشد و دیگری با حضرت گفت قسم خوردم که
متوجه کنم فرمود که عهد کردی که اطاعت خدا کنی و الله که اگر
اطاعت خدا کنی مصیبت کرده باشی و مردی خدمت حضرت
امام محمد باقر علیه السلام عرض داشت که در قرع تمثال بسیار دارد
و بمن پیغام کرده که میدانی که بسیار مردم مرا خوشنمائی کنی که در
راضی نشدم و بر غیبتی مردان ندارم اما چون شنیدم که خدای تعالی
و رسول او متوجه را حلال کرده اند و عمر آنرا اهرام کرده اند و منم آنست
ایشان و حق گفت که منم و مراست که حضرت فرمود و بدو متوجه کن
که خدای تعالی بر هر دو صلوات رحمت داشته و نیز مردیت که از
غیر آن طلبا و لا و کند که در حرم ایشان خبر در کت و نیز در پیش

Y 234

قصه

وَجَعَلَ الْقُرْآنَ مُتَعَدِّدًا فِي الرِّسَالَةِ فَتَنَّا بِلُغَاتِهِ الْمُتَنَادِلَةِ
 فِيهِ الَّذِي كَانَ فِي عِلْمِ السَّابِقِ وَكَتَابِهِ النَّاظِرِ قِيَانُهُ
 لِصَادِقِ أَنْ لَحْزَ الْأَشْيَاءِ بِإِصْلَاحِ وَالْأَثَرِ وَأَوَّلِي
 الْأُمُورِ بِالْمَحَبَّةِ فِيهِ وَالْقَدِيمِ سَبَبِ أَوْجِبَ تَبَلُّغُهُ
 أَفْعَبَ هُنَّ فَقَالَ جَلَّ وَعَزَّ وَمَا الَّذِي جَعَلَ مِنْ لِسَانِ الْبَشَرِ
 تَجَلُّدُهُ تَبَا وَجَعْلُهُ وَكَانَ رُكْبَانُ قَدِيرًا وَقَالَ الْكَلَامُ الْإِلَهِي
 بِلَاغِيكُمْ وَالضَّالِّينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَأَيُّهَا الَّذِينَ كُفُّوا قُلُوبَهُمْ
 نِعِيمَ اللَّهِ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ وَلَوْ أَنَّ فِي الْمَاءِ
 مَرَّةً وَالْمُسْكَةِ أَيْمَةً مَكَّةَ وَالْأَسَنَةَ مَبْعُودَةً وَلَا أَكْرَ
 مَسْقُورَةً لَكَانَ فِيهَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَرِّ الْقَرَبِ وَفِي الْعَبْدِ
 وَتَالِيفِ الْقُلُوبِ وَتَشْبِيهِ الْمَقُوفِ وَتَكْثِيرِ الْعَدَدِ وَجَعَلَ
 فِيهِ أَوَّلَ لِقَائِهِ الْكَلَامُ فَحَادِثِ الْأُمُورِ مَا يَرْغَبُ
 فِي دُونِهِ الْعَاقِلُ اللَّيِّبُ وَيُنَارُغُ النِّبَا الْمُرَافِقُ الْمُصْطَبُ
 فَجَعَلَ عَلَيْهِ الْأَدَبِي الْأَدَبِي فَأَوَّلِي النَّاسِ بِهِ عَلَى شَيْعِ
 أَمْرُهُ وَأَوَّلِي حَلِّهِ وَأَوَّلِي ضَاوَاهُ وَتَجَرُّدُهُ وَفُلَا

بن فلان من قدر نعم حاله وعباده وادعاه ورضي نفسه
 فاما كل ما اثاراكم واخينا والخطية فلان بنت فلان
 كرميكم وبذل لها من الصداق كذا وكذا فبلغوه يا
 ابياتي واجبيوه بالعبادة والعبادة في امر الله
 لكم رشدي ان شاء الله تعالى ان يلهم ما بينكم
 يا ابي القوي في قوله بالحسنة والهي وخيرها بلما
 والرضا الله جميع الدعاء لطيفنا يشاء **فصل**
در آداب عروست را هر چه در پیش که در شب فاش
 از آنکه و اما و عروس پیش هم آید و اما و دوست نماز کرد
 و بعد از آن حمد کند و صلوة بخواند و بگوید اللهم اذرقني
 القبا وودها ورضاها بي واجمع بيننا يا احسن
 اجتماع وایسر کمالات فانك تحب الحلال وكره الحرام
 جمیع حاضر باشند این بگویند و عروس نیز چنین کند اما اول دعا
 چنین بگوید اللهم اذرقني القبا وودها ورضاها بي وجمع
 و چون پیش هم آید و بعد دست بر میان عروس بگذارد

اللهم قل لنا في رزقنا وادعائنا ما نريد من الله
 انك استحللتها فان قضيت لي في جميع ما سئلك فاجعله
 مني شيئا سويا ولا تجعله مني شيئا الشيطان وادعوه
 بگوید اللهم یا ما تبارک اخذت منا وکلنا انک استحللتنا
 فان قضيت فیمننا وکذا فاجعله مبارکاً نقیاً من
 شیطان الحکم و لا تجعل للشیطان فیہ سرک ولا نصیبا
 و پای عروس را بنویسد آن آبر از رخانه آخر خانه باشد
 و تمام حاجت را خواند و بیرون رود و دعا قسم برکت در پیش
 و دعا در حجت بر سر عروس فرود آید که یک کفش هر کس خانه برسد
 و عروس را بخواند و خدام و بر سر این کرد تا در آن خانه باشد و در
 خانه اول عروس را از خوردن شیر و سرکه و شیرین و سبب برش
 امر از کند که هم را سرد و عقیق کردند و اگر سرکه خورده باشد که حق
 شود هرگز از حقش یک نشود و شیرین و لذات را دشوار کند و سبب
 زنی حق را قطع کند **فصل** **در آداب عروست** و آداب اوقات
 آن مرد است از حضرت اهل بیت ظاهرین که روزی زینب عطاره حضرت

حضرت پیغمبر آمد و از بوج خود شکایت کرد فرمود اگر فحایل با شربت
 براند تفسیر بخاهد که گفت که هست آن فحایل فرمود هرگاه متوجه شود
 چنانست که در راه خدا همیشه کشته باشد چون حاجت کند
 کند آن زور بر دوش برکازد رخت و چون غسل کند از گناه پاک شود
 و هم اران حضرت مرویت که با بود در رحم است فرمود با اصل خود
 معاشرت کن تا ثواب یابی ابو ذر گفت با اصل خود صحبت دارم و شربت
 نیز داشته باشم فرمود بلی همچو که هر گاه که دارد و صلا نیز شویش
 دارد و نیز مرویت که هر کس زبان و کین زبان زبانه آید بکند بایشان
 تواند بیعت کرد و جمع کند و ایشان را نکند گمانشان برود باشد **اما آیه**
مبارک شربت مرویت که در وقت حاجت بسم الله گوید شیطان با او را
 جماع مکن شود و نقطه که بسته شود شیطان در آن سر کشاید و گشت
 شیطان موجب کفر و نفاق و عداوت اصلیت و لا اقل بسبب فوق
 و معاصی و در فرزند باشد و اگر بسم الله گوید از شر و سرکش شیطان
 ایمن کرد و دو اگر باین عبارت که مرویت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
 فضل است بسم الله الرحمن الرحیم اللهم لا اله الا انت یکتب السان

والارض اللهم انی قضیت بیعتی فی هذه الکیلة خلیفة
 فلا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا ولا تصیب بالاحطال الخلد
 مؤمننا بخلصا معنی من الشیطان و یجوز جعلنا الله
 و یزید و یک که اگر گوید بسم الله و قال الله اللهم حینما الشیطان
 و حینما الشیطان لما ردفتی اگر فرزند می شود هرگز مفرق
 از شیطان باو نرسد و اگر خواهد در وقت حاجت بگوید اللهم
 ردفتی قلنا و جعلنا فی ذلک لیس فی خلیفه زاده و لا نقصا
 و جعلنا لهما فی الجنة الخیر و در تمامی بیعت حرف زدن موجب پاک کردن
 زبان فرزند و گناه کردن بفرزند مورث کوری فرزند باشد و اگر
 نمود تر فارغ شود و باید بفرزند از این نیز حاجت خود بآرد که گاه باشد که زن
 باقی از پیش مرد بفرزند که اگر بخندم سیاهی بر چهره او آید و در هر کدام فرقه
 جدا بردار و در هر دو یک فرقه استمال کنند که اگر آید مرد زن بر هم
 افتد مورث عداوت میانشان شود و در آن فایده سیکاسیانشان را بپذیرد
 یا صدای ایشان بشنود و خواه و خواه غیر آن نباشد که بپندد و فرزند
 شود و در وقت بعید باشد و اگر محکم شد باشد غسل کند جمیع کند که

سبب چون در فرزند باشد اما اگر بعد از جماعت مرتبه دیگر خواهد بود
 کافی بود و در وقت جنس جماعت کردن موردت جناب یا بر جنس
 در فرزند و ایضا روایات بسیار آمده که پنج کس یعنی وضو و صلاوت
 اصل بیت ندارد مگر کسی که ولد از نایا شرک سستیان باشد یا در ایام
 جنس نظم نشسته باشد و حضرت امام جعفر صادق فرمود اگر نعمت
 و محبت ما را در دل خود یابید ما در خود را دعائیکند که باید در شماست
 کند و در صورت که سرخیزد بر بسیار ضرر کند و گاه باشد که
 موجب هلاک گردد و شکم پر بجام رفت و شکم پر جاع کردن بازن پر
 جماعت کردن در صورت که ایستاده جماع کردن سبب بول فرشت
 باشد در فرزند و بر بام خانه جماع کند که فرزند مباحی و صاحب
 و مرانی شود و در آفتاب کند که فرزند در تمام عمر پریشان باشد
 و در زیر درخت میوه دار نباشد که فرزند جلا و خونریز شود
 و اگر زن حامله باشد پوضو با او جماعت کند که فرزند کور دل
 و بیخ شود و اگر از زن غیر میوه شویت بکرت آید با آن شهوت بازن
 خود جماع کند که فرزند مخت یا دیوانه شود و اگر در کشتی نشسته

باشند جماعت کند و اگر جنب باشد با زن در میان جامه خواب قرآن خواند
 که بیم آن بود که آتش از آسمان آید و مرد را بسوزد و اگر زن جنب باشد
 در زمانه خود بر خیزد تا آنجا سر نهد و دیگری را نماند و اما اوقات
 جماعت چند وقت است تحت جماعت کردن شب جمعه بعد از نماز جنس
 که فرزند از جمله اعظم و اکابرین شود و در زوجه بعد از عصر که فرزند
 از جمله مشایخ علمای شود و شب دوشنبه که فرزند حافظ قرآن می
 بقیمت خود باشد و شب پرنشینه که فرزند مومنین رحیم دل و سخی شود
 و در شب شنبه و در شبان یکا باشد و شب پنجشنبه که فرزند
 از جمله علمای اکابر شود و در پنجشنبه وقت ظهر فرزند کار ساز
 مردم باشد و دین و دنیا شایسته است بود و شیطان را کوش
 شود تا آنکه پیر شود و شب اول ماه مبارک رمضان نیز تحت
 جماعت کردن و در چند وقت که در دست میانی دان و آلت است
 فرزند بخوبی تربی صریح باشد و میان طلوع صبح صادق و طلوع
 آفتاب و از غروب آفتاب تا دوازده شفق مغرب وقت طلوع غروب
 آفتاب نکرده باشد و روزی که آفتاب کفنه باشد و شب یک ماه

کفر باشد و شبانه روزی که راز از او بماند و یا با دایه سر و سیاه
 وزد که درین اوقات فرزند بی عیبی نباشد و در اول حیای آنرا
 که زن یا فرزند را بچون و جام باشد و در تحت اشغال ماه که فرزند
 ساقط شود و بعد از ظهر که فرزند احوال شود و در شب عید قربان که
 فرزند شش انگشت باشد و در نصف ماه شبان که فرزند شش موی
 باشد و روز آخر شبان که فرزند خیز موی بی نام شود و اول شب
 که فرزند سحر شود و یا در آخرت خستید کند و شبانه
 روز پیش از آنکه بغیر برود و که فرزند موی طالع شود و شبی
 فرزندش بغیر برود که فرزند مال خود را باطل و حرام صرف کند
فصل سیم در طلب فرزند مردیت از اهل بیت علیه السلام که چون کس
 فرزند نشود و هر صبح و شام مفاد مرتبه بگوید سبحان الله و بعد از آن
 دو مرتبه استغفر الله و بعد از آن نه مرتبه سبحان الله و یک مرتبه تسبیح
 راوی گوید و فرزند عیسی بن مریم را باین طریق عمل نمود اول که بسیار
 و بسیار مردم را تعلیم داد و همه فرزندانی بسیار شدند **طریق دیگر**
 مسجد کند و در سجده گوید رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً

عجبت

حَسْبَةً اَتَاكَ سَمِيعٌ الْعَالَمِينَ و در سجده گوید رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً
 الطَّالِبِينَ راوی گوید چنان کردم و پسر روزی شد **طریق دیگر**
 بر آتش فزونی نقش کند که در دست یا گزنی فردا و آنست خیر الوارثین
 راوی گوید چنان کردم که سال گذشت که مرا پیری روزی شد
 و اگر خواهر فرزند پسر شود چون از حمل چهار ماه بگذرد و زرا بگوید
 بنشیند و آیه انکرمی بخواند و دست بر پهلایش گذارند بگوید
 خدایا این را محمد نام کردم خدای قالی آنرا پسر کند پس چنان کند
 شود و اگر بعد از خود خواند و محمد نام کند خدای قالی او را مبارک گرداند
 و اگر نام دیگر کند پس اگر خدای قالی خواهر او را بگذارد و اگر پسر
طریق دیگر در وقت جماعت که میسای آن کار شده باشد دست بر جایت
 رات ناف زن گذارند و بخت مرتبه آنرا از آن بخواهند و بعد از آن
 و بعد از آن صحت دارد و چون حمل ظاهر شود و شبها هر مرتبه که در میان
 چهار حرکت کند دست بر جایت ناف زن گذارند و بخت مرتبه
 آنرا از آن بخواهند راوی گوید چنان کردم و پسر از پی یکدیگر آمدند
 و بسیار مردم را تعلیم کردم و همه را اولاد و کور بسیار شدند و درین

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 بِطَرِيقِ الْاَمَامَةِ مِنْ عِلَّاهِ طَرِيقِ دِيكَ اَنَّا اَنْزَلْنَاهُ رَابِعِيْنَ
 وَزَنَ بِيَا شَدَّ وَاَنَّا اَبَ بَرَفِجِ اَوْزِرَ بِيَا شَدَّ طَرِيقِ دِيكَ بَرَفِجِ
 بِجَا ذِكْرِ بَلَدِ كَيْلِ كَسَنَدِ اَيْنِ مَوْرَثِ بِيَا بُولِيَنَدِ وَنَدَنَ بَرَفِجِ
 مَوْرَثِ بَنِيَنَدِ **مُحَمَّدٌ نَبِيُّنَا وَآلُ مُحَمَّدٍ**
كَلَامُ شَيْخِ عَقِيْقَةِ خُونَدِ مَدِيْتِ اَزَا مِلَّ بِيْتِ طَايِرِ مِيْ كِيْ
 طِفْلِ مَوْتَلَدِ مَوْدِ بِيْتِ اَرَا كَمَدِ نَشْ رَا بِيَرِ نَدِ بَقْدَرِ مَدِ مِيْ بَرَشِيْ
 مَخْلُوْطِ كَسَنَدِ دُو قَطْرَهْ دَرِ دِلِغِ رَهْتِ دِيْ مَخْطَرَهْ دَرِ دِلِغِ كِيْ
 وَدِرْ كُوشِ بَرَهْتِ اَوْنِ دُو چِيَا قَا مَتِ كُوِيْنَدِ اَزِ رَسِيْدَانِ اَوْنِ
 شَرَا مِ قَبِيْلَانِ اَيْنِ مَوْدِ دِيْزِمَرِ مَدِيْتِ كَا اَوَاغِ اَمَتِ كَلْعَنِ
 اَمَتِ اَزْجَوْنِ وَجِيْنِ وَشِيْطَانِ وَكَا مِ طِفْلِ اَبَا تَرَبْتِ اَمَامِ مِيْ
 وَآبِ مَدِيْتِ وَاَكْرَ نَبَا شَدَّ اَيُّ بَرَانِ بَرِ دَارَنَدِ دِيْزِمَرِ مَدِيْتِ كَا
 مَكْمَلِ اَبَا اَبْرَهَاتِ كَا مِ بَرِ دَارَنَدِ دُو مَتَا مِلَّ بِيْتِ بِيَا شَدَّ وَجِيْنِ
 اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ مَرْمُوْدِ اَكْرَ كُوِيْنَدِ كَا مِ طِفْلِ اَزْجَوْدِ بَا اَيُّ مَدِيْتِ
 شِيْخُوْ مَدِيْتِ دِيْزِمَرِ مَدِيْتِ كَا مِ طِفْلِ اَبَا خَرَا مَرِ دَارِيْدِ كَا

حضرت پيغمبر كَا مِ اَمَامِ مِيْ اَبَا خَرَا مَرِ دَارِيْتِ دِيْزِمَرِ مَدِيْتِ
 كَا طِفْلِ سَنُوْزِ مَوْتَلَدِ نَشَدِ هَا شَدَّ كَمَدِ نَشْ كَلَا رِيْدِ كَا اَكْرَ مِيْ
 سَا قَطَا مَوْدِ دُو زِيْقِيْتِ اَزْجَوْدِ مَكْمَلِ كَمَدِ كِيْ اَبَا اَمَامِ مَكْمَلِ مَدِيْتِ
 وَبِيْتِ بِيْتِ كِيْ چُوْنِ طِفْلِ مَوْتَلَدِ مَوْدِ اَمَتِ رُوْزِ اَوْرَا خَرَا مَرِ
 دَرِ مَدِيْتِ فَا طَمَحِ كُوِيْنَدِ وَبَعْدِ اَرَا نِ اَكْرَ خَرَا مَرِ نَامِ دِيْكَ اَرَنَدِ
 وَآوَلِ حَقِ پَرِ بَرِ مَرْمُوْدِ مَدِيْتِ كَا اَبَا اَمَامِ خَوْبِ كَلَا رُوْزِ
 قِيْمَتِ مَكْمَلِ اَبَا اَمَامِ خَوْدِ اَوَا كَسَنَدِ دُو مَدِيْتِ كَا رَا تَرِيْنِ
 نَامِ اَمَتِ كِيْ مَكْمَلِ كُوِيْنَدِ وَوَا شَدَّ شِ عِيْدِ اَللّٰهُ وَعِيْدِ اَلْحَمْدِ وَنَشْ اَلْآنِ
 وَطِفْلِ اَسْمَا سَا مِيْ بِيَا شَدَّ وَآمَدِ دَرِ مَدِيْتِ كَا مِ اَبَا اَمَامِ اَبَا اَمَامِ
 مَدِيْتِ اَللّٰهُ مَسِيْحِ وَنَامِ مَكْمَلِ اَمَتِ اَمَلِ اَمَتِ اَبَا اَمَامِ
 وَبَرِ اَمَتِ اَنِ دَعَا يْ خَرُوْدِ بَرَكْتِ كَمَدِ حَضَرْتِ اَمَامِ مَكْمَلِ اَبَا اَمَامِ
 بَرِ سِيْدِ كِيْ چُوْ نَامِ دَارِيْتِ كَمَدِ مَرْمُوْدِ كَمَدِ مَدِيْتِ كَمَدِ مَدِيْتِ
 اَمَتِ اَمَتِ اَنِ دَرِ بِيَا مِيْ عَقِيْمِ رُوْزِ چُوْنِ شِيْطَانِ مَشُوْدِ كَمَدِ اَمَامِ
 اَوَا كَسَنَدِ كَمَدِ اَزْجَوْدِ مَدِيْتِ دَرِ مَدِيْتِ اَكْرَ مَدِيْتِ كَمَدِ اَمَامِ
 اَوَا كَسَنَدِ بَرِ خَوْدِ اَبَا اَمَامِ مَدِيْتِ دِيْزِمَرِ مَدِيْتِ كَمَدِ مَدِيْتِ اَمَامِ

از آن گوشت نوزند و اگر استخوانهای از آن کشند افضل است و هم درین
روز نام گزارند و در پیش بر تهنند و بوزن مویش طلا و یا نقره تصدق
کنند و افضل است که عقیقه و نام گذشتن و سر تراشیدن هر روز
یک وقت باشد و هم در روز هفتم خسته کند که گوشت برش نرود
میکند و زمین از بول سیکه خسته نشده باشد چهل روز بخس شود بخیر
ستایت کند و در وقت خسته کردن بگوید **اللهم هذا منک**
و سنه نیک محمدی صلی الله علیه و آله و آتباع و ثنائک
و یسئیک و اراذیک و عفتانک لایمرا اذنته و عفا عمنه
و امرا یفقد فادق حرم الحیدریم خانیه و حجامه لایمرا
انت اعز به اللهم طهر من الذنوب و زد فی عمره و دفع
الافات عن بدنه و لا یقطع عن حنیفه و ذمه من العنی
و اذفع عنه الفقر فاکفکم و لا تقم و اگر در وقت گفته
باشند پیش از آنکه ختم شود در وقت باشد و بخندند ضایع
دو را از تیرگی آفتاب و غیر آن محفوظ دارد و بجهت کوشش در وقت
سور که کردن و فصل است که ماه جزو شیر به پدر که شیر مادر بکورت

و در وقت که شیر دهد باید که حاجت خود را بگوید و متقی باشد حتی در وقت
و ناسق باشد که شیر در طفل آرند و در وقت که کتک از دست
شیر داند غلبت بر طفل و نهایت حد شیر دو سال تمام است و بجز
این نشاید **فصل دهم در فضایل اولاد و تربیت ایشان در وقت**
از ماهیست عاقرین به کچون صدای قالی برای بند خود بخند
او را از دنیا ببرد و صفت عاطفی عطا فرماید و غرض از اینست که
از بهشت و کردار اطفال مومنان تا هفت سال تا هیل است و بعد
تا صد طریق استغفار است برای والدین و بعد از آن هر چه کند
والدین در تویش شریک باشند و اگر سینه کند در پیش
بایشان نرسد و وقت اطفال که از ده گناه والدین است و اگر فرزند
میرد والدین را از آن نوب و در حاجت باشد حتی آنکه سقط بر در
بهشت استاده باشد و داخل نشود و دست والدین خود را
کزنده داخل بهشت کند و اگر نماند برای ایشان دعا و استغفار کند
و هر چه کند که کذب و غفرت و در حاجت برای ایشان باشد
و در وقت که حضرت عیسی بر قبری گذشت که حبش معذب بود

سال دیگر بران تبرک نداشت عذاب بر میان برنجسته به مناجات کرده
از بسیار سوال نمود و می گفت که این شخص بر از زندگی صاحب است که
یتی را پناه داده بخواری که غذای او بود و پیشتم و مریت
که پدرش است و ذکر حسنه از گفت سوال کنند و بر حسنه و ثواب حسنه
درست بخیر فرمود و کسی که روزی را به خواهر عایش نشانید نداشت
و او را چوب تنوکی پرسید اگر دو ماه باشد چنین است فرمود بلی اگر
دو ماه باشد چنین است گفت اگر یکی هم باشد فرمود بلی اگر یکی هم باشد
فرمود مریت که هر کس دو فقره یاد و هزار یاد و چهار یاد و ده
عایشان باشد او را روز قیامت بخانه دارنده و هر کس بر از زندگی خود
و هر بانی کند چنانست که بوالدین خود کرده باشد و حضرت سید
فرمود و اطفال را دوست دارید و بریشان رحم کنید و چون ایشان
و حد کنید و ما نایند و هر کس بر از زندگی خود بسیار محبت داشته باشد
خدا ای قاری بر او رحمت کند و اگر فرزند را بوسه برایش نه بوسه
و اگر مردش کند و زنی است که مردش کند و هر کس از ارباب رجری
کنند برای افعال و عیال بیار و چنانست که برای محال صد کرده باشد

و فضل آنست که اقول پیری بدختر آن روزان دهنت هر کس برقرار کند
چنانست گویند که از اولاد و جمعی آراوخته و اگر پیری را برور کند چنانست
که از رشتن خدا گرفت باشد و هر کس از رشتن خدا گرفت باشد از
اهل بیت باشد و هر کس زنی را که با او قرابت و خویشی داشته باشد
مسرور کند حدی قوی روز قیامت او را مسرور کند و چون والدین
فرزند را تعلیم قرآن کنند در شب ایشان را دو علقه پوسانده که پرتو
نور آن روی اهل بیت را روشن کند و در ویت که مردی روزی
در خدمت حضرت پیغمبر کف من هرگز فرزند خود را نبوسید هم بعد از آنکه
او رفت حضرت فرمود این مرد را زل و در خدمت و در ویت که
فضل را لا اله الا الله و آیه آخر بنی اسرائیل قل الله الله الذی لم
یتخذ ولدا آنا آخر سور و تعلیمش کند زبانش فصیح شود و نیز هر که
که چون پسر را سه سال تمام شود اگر کسی دستاخت مرتبه لا اله الا الله
بگوید و چون سه سال وقت تمام و ویت هر روز تمام شود دهنت
مرتبه بگوید محمد رسول الله و چون چهار سال تمام شود دهنت مرتبه
بگوید یا الله علی محمد و آل محمد و چون پنج سال تمام شود دستا

و چنانچه برسد چون بگوید در پیش بکشد و بگوید که بجهت خود و چون سال تمام شود و اگر کسی در سجده و یا در پیش بکشد و چون هفت سال تمام شود بگوید دست در دو بشوید و یک نماز بکنید و چون سال تمام شود وضو نماز بدارش و بعد هر که در تحصیل و یا بکشد برین وضو و نماز بکشد که آن را در پیش آورید و شود و نیز در دست که فضل را هفت سال بکشد از برای کند و هفت سال یک قرآن و کتاب خط بکشد امید و هفت سال دیگر از مردم خود که آید و آن حق بگوید و در دست بکشد و این در حال وضو و در آن پیش کند بعد از آن اگر آنرا وضو و غنیمت بدین را بماند در و باید در صد در پیش بکشد و کند دست از بر دارد

فضل باز دوم در حقوق و عیسی بگوید که در دست از اصل است بگوید که حق نروح بر زوجه نیست که خدمت و اطاعتش کند و صلافت

اگر در ضایعش کند و از خانه او بیرون تصدق کند و کسی چیزی ندهد و اگر دهد گناهی از او و ثواب از شوهرش باشد و بیضا نماز و خط مال او کند اگر زن در خانه شوهر برای غیر مصلحت خانه چیزی از جای بجای دیگر گذارد و ضایع او بیرون نظر رحمت کند و هر کسی

خدا بر او نظر رحمت کند بعد از آن هر که نه پیش کند و از جمله حقوق اینک خود را از ریت خالی ندارد و هر چه مقدور باشد دست را بجای کند و اگر چه همین مالیدن خا بر دست باشد و بی اذن توهر از خانه بیرون نرود و اگر رود ملک آسمان و زمین ملک محرمه و غضب بر او لغت کند تا و قیامت که زنی که در پیش خدمت بنشیند و دستا که شوهرم بفرزقه و مرا که از خانه بیرون نروم تا او بیاید و پدرم بپارشد اگر خدمت فرمائی پدرم عیادت کنم فرمود در خانه پیشین اطاعت شوهر که مرتبه دیگر فرستاد و همین جواب فرمود تا آنکه پدرش خدمت شد فرستاد که اگر خدمت فرمائی باز او حاضر شویم و نمودن پیش و اطاعت شوهر بکن تا آنکه پدرش ادفن کردند و حضرت پیش او فرستاد که صدای قالی ترا و پدرت را آمرزید بباید که اطاعت شوهرت کردی و از جمله حقوق این که بیایان شوهر روزی غیر واجب بکند و نذر کند و قسم بخورد و کسی چیزی ندهد و تصدق نکند و بنده نکند اگر چه از مال خود

باشد و از جمله حقوق این که خود را از او باز ندارد اگر چه بر سر کتف باشد
و حضرت پیغمبر زنی فرمود که گویا تو از جمله مستوفاتی گفت مستوفاتی
یکی نند فرمود زنی که چون شوهران شان ایستاد بخلوت
بطلبند سبانه و مدافعه کنند تا شوهر را خواب بر دوش بیاورند
زن گفت کنند تا آنکه شوهرش بیدار شود و از جمله حقوق آنکه اگر شوهر
از او آزرده باشد خواب کند تا عذر خواهی کند و او را راضی کند اگر
شوهر بر او ظلم کرده باشد و اگر پیش از آنکه او را راضی کند بخوابد بر او
از و قبول نشود و زنی که شوهر کوین می کند هرگز از تو خیزند و اعلای حق
باطل شود و زنی که شوهر را بر بخاند و آزرده کند هیچ حسنه از او قبول
نشد و اگر قصوم در هر کس و وجهی نماز گزارد و بنده آزاد کند و او را
در راه قضا صرف کند آنکه او را از خود راضی کند اگر شوهر
ظلم کند و او را بر بخاند مثل آن که و عذاب بر او ثابت شود و اگر
بر بخاند زنی که شوهر بر او ظلم کند مثل او شب صبر اتوب بپوشد
نویسد و بر زنی که شبانه روز مثل یک صحرای علی کنه نویسد
و اگر زن با شوهر سازگار نکند و او را تکلیف دهد که او را خوش بماند

کند و بر شقت و تب و درد هیچ حسنه از او قبول نشود که او را از شمش
بکند و او را و ما و ایمی که برین حال باشد و غضب خدا می آید تا با شوهر
زن است که شوهر داری خوب کند و بر آزار و شقت او صبر کند
و حضرت پیغمبر فرمود ای زنان اعتدق کنید اگر چه از زینت خود
و اگر چه نصف خرمائی باشد و اطاعت شوهران کنید که اگر شما
پیغمبر و فرخ باشد چون زنان این پیغمبر نشینند همه گریستند یکی
از ایشان بر عیاسته گفت یا رسول الله ما گفتار در دوزخ باشیم
و الله که ما که فرستیم فرمود شما که ان حق شوهران کنید زنی
و دیگر گفت یا رسول الله ما با این مشقت و بر خصل و رنماع و با این
که فرزند این مشق صلا از ما بوجو آید بدوزخ برویم پس حضرت
رفت فرموده فرمود شما با آنچه گفتید شوهران را از بخاند و نماز گزارید
یکی از شما بدوزخ نرود و ایستاد زنی از آن حضرت مسلمی آمد و گفت که
پرسید که منی که بر مرد عظیم زینت فرمود حق پدر پرسید زن
فرمود حق شوهر و اگر غیر خدا سجده کردن جائز می بود و اگر میکردم
که زنان شوهران خود را سجده کنند پرسید حق زن بر مرد چیست

فرمود از صدیکی نیت و رشتی در حضرت آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود
 داشت که شوهرم باین بی التفات بود من چیزی ساختم که او را با خود
 نبردان کنم فرمود ملائکه سموات و ارضی بر تو نعت کردند پس آن زن
 زنده روزی که در میکفت و شبها عبادت میکرد و سر خود را از تشنه
 و پلاس پوشید این خبر آنحضرت رسید فرمود هیچ سود ندارد
 و حتی زوجه بر زوج است که نفقه و کسوه پیش دهد و اگر قصدش
 باشد معیشت را بر او توسعه کند و او را محتاج دیگری نکند و خود را
 برای او بیاراید که سبقتش باشد و چنانکه او آرزیش را نرساند
 دارد زن نیز آرایش او را دوست دارد و جعل تقصیرش
 عقوبت کند و او را بر سر اندکی خطا و تقصیری نکند و عتاب نکند
 و ترساند و زند و ترش و بی و عیبش نکند حضرت پیغمبر فرمود
 سبزه آن مردان کسیت که با زن خوش سلوک باشد و بدترین
 مردان کسیکه زن را بر بخت و زنند و از جمله حقوق این که حلال
 و حرام و آداب و احکام دین تعلیمش کند و در عیادتش آید
 عید و سرور و رقص و مدح و در پیشش فایض و از دهم و بعضی نوادر

در

نمایان باب مرویت از اهل بیت طاهرین که خدای تعالی پیغمبر را
 مردوان عطا فرموده و از این جهت که بر زن زیاد و اگر چه علم
 و زنا ترا غیرت نباشد بکذا غیرت ایشان حد است حد اول
 که نه است و از این جهت که زنان مومن برای متد و زن دیگر
 غیرت نکنند و زنان غیر مومن نه کنند روزی در حضرت آنحضرت
 مروی زن خود را تعریف بسیار کرد فرمود هیچ تمناش کرده
 گفته نه فرمود برو امتحان کن مرد رفت زن دیگر که در زن
 اول همان حال خود ثابت بود و طیش و ناخوشی نکرد و حضرت
 حضرت آنکه حکایت کرد فرمود حال او راست میگوید و نیز فرمود
 که در کارها با زنان مشورت مکنید و اگر کنید ضلالت و اذیتان
 کنید که برکت در مخالفت هیئت است و از بدان هیئت که برین
 و از بیکان بر صدر باشند و در خیر احوالشان مکنند تا در شر
 طبع کنند و ایشان را هر حاجی و عود و سیغرائی رخصت میدید
 و عجله نکند اید که هر وقت بهر جا که خواهند روند که موجب
 عظیم است و مردیکه زن خود را بهر جا رخصت دهد از زیر درختش

افند باین سم و آداب سفر و ایام متعلق بآن و این مجموع است
 در دو فصل بیان شود **فصل اول** در بعضی مقدمات مفروضیت
 از اهل بیت طهرین که عاقل و فاضل و مکرر و مجتهدین
 را و آخرت یا حجت معیشت یا لذت که عاقل باشد و نیز مرویت
 که سفر کند یا محنت یا پدید و چو کند تا غنی شود و نیز مرویت که
 چون ضایع قالی رزق کسی را در جانی تقدیر کرده باشد حاجتی
 برای او در آنجا برانگیزد که بضرورت یا آنجا حرکت کند و نیز
 مرویت که هر کس برای تجارت سفر دریا کند وین خود را در
 معرض تلف آورده و تحصیل معاش حرام می ریزد باشد
فصل دوم در حجت بسیار ساعت برای سفر مرویت است
 طهرین که سفر و سایر مطالب در صبح شب و پنجشنبه بابرکت
 و روز شنبه اگر سکنی بجای خود حرکت کند ضایع قالی آنرا
 باز بجای خود برساند و روز پنجشنبه روز نیت که ضایع قالی
 در رسول او و اهل بیت او و ملائکه آنرا دوست دارند و حجت
 پیغمبر اگر غرض است در روز پنجشنبه متوجه میشد و طهرین یا

در روز شنبه ضایع قالی آهنگ برای حضرت او و نرم گردانند
 که زنده ساخت سفر درین روز یا سانی که زود و احادیث
 بسیار آمده که روز چهارشنبه روزی بخیر است و ضایع قالی
 اکثر احم سابقه را درین روز عذاب کرده و ارکان آتش
 درین روز آفریده اما حدیث دیگر مرویت شده که روز
 چهارشنبه بخیر است که در کتب مذکور تو را سخن میدهند
 فرمود تو بخشی بکافران و سعدی بر مومنان و در وقت دیگر
 آمده که کسی از حضرت امام موسی پرسید که مردم سفر و چار
 آخر را شوم میدانند فرمود هر کس بخالت جمعی که ناله های
 بد میزنند و چیزها را شوم میپارند در چهارشنبه آخر ماه سفر کند
 از آفات و عانات بسلامت و عافیت حرکت کند و نیز
 مرویت که هر کس روز جمعه پیش از نماز صبحه سفر رود ملکی ندا کند که
 خدا ترا باز نکند و خدا را حضرت پیغمبر مرویت که فرمود روز
 دوشنبه برای دشمنان آفریده شده مرگشان طریش درین
 روز بر من بر آید و من درین روز را که هجرت کنم و درین روز

رعت خاتم خود و علی درین روز کشته خواهد شد و حسن و حسین درین روز
 مسوم شود و درین روز رعت کند و نیز مرویت که جمعی درین روز
 غم میگردانند و گفته اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام را در آن روز کشته
 فرمودند و شهادت از او در چون اسید خیزد برکت دارد که در روز رعت
 ابر و زبانه که حضرت پیغمبر درین روز از میان ما رفته و درین روز
 وحی از ما منقطع شده و بروایت دیگر گفته اند که درین روز رعت
 و بروایت دیگر اصل بیت را پنج مصیبتی رو داده مگردانند و درین روز
 امر و روید و در آن روز که شب رعت بروید که آفتن در شبند
 نرم شده و سفاکان که در دهم از حضرت مرویت که فرمود
 در دو شب سفر میکند و از پی کار می رود و شمع کفایت روز
 عاشورا در فصل اعمال ماه محرم کثرت آه و غمت روز یکشنبه چنانکه
 مشهور است در بعضی اکتب علمای مسلم است آن حدیثی بنظر رسیده
 در روایت دیگر آمده که بار و زنا دشمنی میکند تا روز نهم یا شام دهم
 نماند و روایات بسیار آمده که تصدق کنند و هر روز بخوابند
 بفرموده که بعد از نماز صبح بماند و در آن سفر خیر نمیند

و اگر وقت اشغال سفر کند سفر صعب و دشوار کند و تحقیق علم نجوم
 در فصل خیریات عادات کثرت **فصل سوم بحقیق خیریت**
اسباب بعضی مناسبات این باب مرویت را اصل بیت طهرین
 که اولی بحقیق رفیع گویند و بعد از آن غم سفر نمایند و نیز مرویت
 که کسی ملعونه کسی که طعام خود را تنها خورد و کسی که تنها
 خوابد و کسی که تنها بفرزد و چون شیطان ایشان را تنها
 در سفر یا حضر جراتش زیاد شود و مرویت که با یک کس که
 شیطان است و با دو کس و شیطان و سه کس میماند و چهار کس
 رفیعتر و نیز مرویت که بهترین رفقا چهار است و نیز مرویت
 که پنج جمعی زیاد و از رفقت نباشد بلکه قال قیل و غوغا و شایان
 بسیار باشد و اگر کسی در سفر باشد مضطرب نباشد و شود بگوید یا شایان
 یا الله لا حول و لا قوة الا بالله الله اعلم انی حقی و
 اعنی علی و الله اعلم و ادعیتی و از جمله اسباب سفر آنکه شتر
 عقیق و زرب مقدس با خود بیاورید و زنها در شب باشد از درو
 و امان محفوظ باشد چنانکه در باب شتر کثرت و صلاح و مواک

و آینه و شانه و سرمه و موافق با جز و بر دارد و نیز رویت که از جگر شربت
 مرد و زیت که برای سحر قوسه و آذوقه خوب تهیه کند و حضرت امام زین
 العابدین علیه السلام هرگاه که بچه و غره میرفتند و جلویات و امثال آنها بر میشدند
 و حضرت صادق علیه السلام فرمودند از جگر و صیت لعلان با پیرش این
 بود که چون بفر روی شمشیر و موز و حمامه و خیمه و خیمه آب و سوزک
 و ریسمان و ادویه آن چیز که ترا در قمار دارد کار باشد بر دار
 و با رنقا و در کارها موافقت کن که در رویت و نیز رویت که هر کس در
 عصای با دام قح با خود دارد و زمین را پیش می شود و اگر در دست
 بیرون نشستن عصای با دام قح بگیرد و این آیه از سوره قصص بخواند
 وَلَمَّا رَجَعْنَا إِلَى الْمَدْيَنَ ؕ وَانَّا عَلَىٰ مَا قُلْنَا وَكَانَ
 از هر سببی و درنده و حیوانی که نرود و در دهی برده ایمن باشد تا
 اگر باز پیش راجع کند و معاف و معاف و شسته و دقت و رحمت
 با او باشد و برایش استغفار کند و عصا در دست داشته و نفع
 نفع کند و شیفته زاده و در کس اعانت مومن مافری کند
 در حاجتی از حاجات خداوندی قوی و معاف و در سحر و کربت از او بر دارد

و از غنم

و از غنم و صحران و نیا و آخرت نباشد و پدر و کربت روز قیامت
 از او بگیرد و هر کس کابل خود در مانده باشد و پشت حضرت بزرگوار
 نماز است که در رویت دیگر آمده که خدای تعالی بپست و سحر است
 در آخرت از او بگیرد و در رویت که چون سفر کند از دست که در آن
 خبر کند و چون مرخص کند بدینش آید **فصل چهارم در استغفار**
بر عاصی و مکرر رویت از اهل بیت حاضرین که چون کسی غم
 سفر کند بگوید **اللهم خذ سبيلنا و احسن من سبيلنا العظيم**
 غایبنا و در رویت که مافریع با شستن برای اهل خود کند و در
 تیرا از آنکه وقت بیرون رستن و در کتبه نازک دارد و بعد از آن بگوید
اللهم اني استودعك اليوم ديني ونفسي و مالي و اهلي
و اولدي و حبيبي و اهل دارتي الشاهد منا و الغائب
و جميع ما اتقنا يوم علي اللهم احفظنا في كفاك و نفعك
و عبادك و صبر عن جارئك و جعل ثنائك و مسجع عائدك
ولا اله غيرك و تكلت على الحي و لا اله الا انت و لا حول الا لك
و لا ينجي و لا يولد و لا يترك و لا يترك في الملك و لا يملك له

ولا قوة الايمانك يصغوبك من خلقك وخيرتك من ربك
يحيي نبيك وعترته وسالته اللهم صل على محمد عليه
وعليهم والقبض من هذا اليوم وصرة واذر فيهم خير ولا فضل
في نصرنا في حسن العافية وبلغ الحجة والطرف بالانسية
وكناية الطاعة الغيرة وكل ذي قدر على اذنيك اكون
في حجة وعصمة من كل بلاء ونفسي وابلي من الحاق
فيه امنا ومن العار في فيه يسرا حتى لا يصدر صادع
المراد ولا يحل في طاري من اذى العباد اناك على كل شيء
قدير والامور اليك تصير يا من ليس كشيء من خلقك ولا
المصير ايضا وقت يرون ربي بعد ورثته وتصدق كبر
اللهم اني استرئ سلا متوق في سقري هذا هذا اربا
اين كرو وصرحت بجاد من بغير من كراي در كرايت
تدق ديك ميمود وكر سفر وكر وكر وكر وكر وكر وكر
لا اله الا الله العظيم لا اله الا الله العظيم سبحان
الله ربنا انتما انتما وربنا الاضياء السبع وما فيها

وما يخلق وربنا العرش العظيم ولحمد الله ربنا العظيم
وصل على محمد وآله الطاهرين اللهم اني استرئ سلا متوق
كل جبار يعين من كل شيطان مرديد اللهم تحلت
وبسم الله احبب اللهم اني اقل بين يدي نبياني و
عبدك بسم الله وما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله
في سقري هذا ذكرته اوتيتك اللهم انت المستعان على
الامور كلها وانت الصاحب في الشدة واللين في الامل
اللهم هون علينا سفرنا واهولنا الارض وسيرنا فيها
يطاعك وطاعة ربي لك اللهم اصلح لنا طهرنا ونا
ربك لنا فيما رزقنا وقنا عذاب النار اللهم اني اعوذ
بك من وعناء السفر وكأبة المنقلب وسوء المنظر
في الاهل والمال والاولاد اللهم انت عضدي وقاصي
اللهم افطع عني بعدة وسقته واعصني في كل خلق
في اهل بيبي لاجل ولا قوة الا بالله اللهم اني عبدك
وهذا اناك والوجه وجهك والسنة اليك وقد ملكت

عَلَى مَا لَا يَطْلُغُ عَلَيْهِ أَحَدٌ غَيْرُكَ وَاجْعَلْ سَفَرِي هَذَا كَفَّارَةً
 لِمَا قَبْلَهُ مِنْ ذُنُوبِي وَكَفِّرْ عَنِّي مَا لِي وَالْكَفَى عَنِّي عَفْوُكَ وَتَقَبُّلُهُ
 وَكَفِّرْ عَنِّي مِنَ الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ ضَالِكًا فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَوَيْلٌكَ
 وَكَفِّرْ عَنِّي عَفْوُكَ وَتَقَبُّلُهُ وَكَفِّرْ عَنِّي عَفْوُكَ وَتَقَبُّلُهُ
 كَرِيمٌ جَمِيعٌ مَافَرَاوَالِ كَسْبُكَ كَوْنِيهِ دَوْدُكَ اللَّهُ الْقَوِيُّ
 وَتَجَمُّدُكَ لِي كُلِّ خَيْرٍ وَتَقْوَى كَلِّ حَاجَةٍ وَتَكْمُلُ دِينُكَ
 وَدُنْيَاكَ وَدَوْدُكَ سَالِمِينَ إِلَى سَالِمِينَ وَارْحَمْنَا مِنْهُ كَوْنِيهِ الْخَيْرُ
 لَكَ الْحِجَابَةُ وَأَكْلُكَ الْمَعُونَةَ وَتَحْمِلُكَ الْخُرُوفَةُ
 وَتَقَرَّبُكَ الْبُعْدُ وَكَفَالُكَ الْمُهْمُومُ وَحِفْظُكَ لَكَ دِينُكَ
 وَأَمَانَتُكَ وَخَلَّائِمُ عَمَلِكَ وَتَجَمُّدُكَ كُلِّ خَيْرٍ عَلَيْكَ
 يَتَقَرَّى اللَّهُ اسْتَوْذِعْ اللَّهُ فَسْكَ سِرِّكَ عَلَى بَرَكَاتِ اللَّهِ تَحْمِلُ
 وَجُونَ مَافَرَاوَالِ شَوْذَارِ غَيْبِكَ أَيْ الْكَرْسِيِّ وَجُوزِ وَادِائِغِ أَهْلِ
 كَوْنِيهِ وَبَعْدَ أَنْ كَوْنِيهِ اللَّهُمَّ الْطُفْ فِيهِمْ فِي تَسْبِيحِ كُلِّ عَسِيرٍ
 فَإِنَّ تَسْبِيحَ الْعَسِيرِ عَلَيْكَ تَسْبِيحُ اسْتِغْلَاكِ الْبَسْرِ وَالْعَافِيَةِ
 وَالْمَعَالَةِ الدَّائِمَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَجُونَ مَافَرَاوَالِ رَازِ بَا

سود

شَرُّ كَوْنِيهِ اللَّهُمَّ احْتَمِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمُضَيَّاتِ
 الدُّنْيَا فِي الْأَقَامَةِ وَكَفِّرْ عَنِّي مَا لِي وَالْكَفَى عَنِّي عَفْوُكَ وَتَقَبُّلُهُ
 فَصَلِّ شَمَّ وَرَأْسَ رُشْدِنِ وَرَأْسَ رُشْدِنِ مَرُوتِ رَأْسِ رُشْدِنِ
 كَرِيمٌ بَايِ وَرَكَةً بِكَ كَدَرِي كَوْنِيهِ نَسِيمُ اللَّهِ وَالْحَقُّ الْأَبَدِيُّ اللَّهُ
 لِحَسْبِكَ اللَّهُ الَّذِي هَذَا نَالِ الْإِسْلَامِ وَتَكُونُ عَلَيْنَا يَحْمِلُ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سُبْحَانَ الَّذِي تَحْتَلُّ هَذَا وَمَا كُنَّا
 لَهُ مُقَرَّبِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا الْمُسْقِلُونَ وَلَهُمُ الْفَيْدَةُ الْعَالِيَةُ
 اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَامِلُ عَلَى الظُّلْمِ وَالْمُسْتَعَانُ عَلَى الْفَرَسِ اللَّهُمَّ
 بَلِّغْنَا بِلَاغًا يَبْلُغُ بِهِمُ بِلَاغًا يَبْلُغُ بِهِمُ إِلَى حَسْبِكَ وَتَحْمِلُكَ
 وَمَعْفُورَتِكَ اللَّهُمَّ لَا تُخَيِّرْ الْأَطْيَرُ وَلَا الْخَيْرَ الْخَيْرُ وَلَا
 خَافِظَ غَيْرِكَ وَجُونَ مَرَكَبِ رَوَانِهِ شَوْذَارِ كَوْنِيهِ حَجَّتُ حُجُولِ
 وَتَقْوَى يَحْمِلُ حُجُولِ مَيْمَنِي وَقُوَّةً وَلَكِنْ حُجُولِ اللَّهِ وَتَقْوَى
 بَرَكَةِ الْيَاكُ يَلْدِي بِرِ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ
 بَرَكَاتِكَ سَفَرِي هَذَا وَبَرَكَاتِكَ أَهْلِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ
 الْوَاسِعِ رِزْقًا حَالًا لَاطِيًا سَوْفَةً إِلَى آخِرَتَا خَيْرٍ

٢٨٢
عالمية يقول لك وقد ترك اللهم اني سرت في سري هذا لاله
ثقة ورجاء يسالك فاذا رقت في ذلك شكره وعافيتك
ووقفتي وطاعتك وعبادتك حق توفى وبعد الاضار
ارشدك وكرهه اللهم اني استودعك ديني ونفسي فإني
وعدني بالخير وخاتمة عملي فاحفظني من كل افة
وعامة واعصمني من كل ذل ومظالم يا سميع يا
قريب يا حفيظ يا محيي يا كريم يا كريم يا
كريم وبارئ عذر دعاك وكرهه اللهم بك استترت واليك
توجهت وبيك اقتصمت انت تقني ورجائي اللهم كفي
ما اهتمني وما اهتم له وما انت اعلم به مني اللهم
توكل في التقوى واغني في الاغنى وزيكره بسم الله
فخرج ويا ذن حرج وقد علم قبل ان يخرج خرجي
وقد اخصي بعلمه في خرجي بجعق توكلت على الاله
الاكبر توكل مقولن ليه امر متعين به على شئ
مستزيد فضليم مبري كنت من كل قوة الا يخرج

منه

صريح خرج بصره الى من يكشفه وخرج فيه خرج
الى من يكشفه وخرج من ربه اكبر تقوى واعظم رحمة
وافضل امتية الله تقني في جميع اموري كلها به فيها
جميعا استعين ولا اله الا ما شاء الله وعليه استعير
الخرج والمخل لاله الاكبر واليه المصير وزيكره يا اللهم
اني خرجت في وجه هذا لاله انتقم مني برك ولا تقني بقاء
او ياليه الا لك ولا اله الا لك والحيات لاله الاله الا
طلب رضاك وابغوا رحمتك وتغيا ليرزقك وتسووا الحسن
عائديك وانت اعلم بما سبق لي عليك في وجه هذا مصرا
واكره اللهم فاصرف مقادير كل بلاء ومقتضى كل الامور
عليك كما من صحتك ولطفك برحمتك ورحمك من حفظك
ومعة من رزقك وما قاض من نعمك وجماع من عافاك
ووقوت في فيه يارب جميع قضائك على سوا فقير هوى
املق فادفع عني ما اخذك وما اخذك على نفسي وديني والي
سوا انت اعلم به مني ولجعل ذلك خيرا لخرجي ونياتي

اسئلك ان تعلمني مني خلقت ورائي من وُلدي واهلي
 ومالي واخواني وخزائني افضل ما خلقت به عالياً من الملائكة
 في حصن كل عورة وحفظ كل بضيعة ومما وكل نعمتي في
 كل سبيّة وكفّار كل بخذوي وصرف كل مكر ووقاي من الخلق
 لي يوم الرضا والشرف في الدنيا والاخرة ثم اذقني شكر
 وكرامتك وطاعتك وعبادتك حتى رضيت بقدر الرضا اللهم
 اني اسئلك اليوم ديني ونفسي ومالي واهلي وولدي
 وورثتي وجميع اخواني اللهم احفظنا شاهدنا والعامة
 عنا اللهم احفظنا واحفظ ما معنا اللهم اجعلنا في جملة
 ولائيك ولا تقم بنا من نعمتي ونعمتي وقصلي وتركوني
 اللهم اعدنا هذه الحركة وامدنا باليمن والبركة
 في اسرة القدر واكفنا هممنا والسرور وقربنا البعد
 والنوى وحمل لنا النعم والنوى وحمل لنا السرى
 والسرى ووقفنا على المرحل وانزلنا خير لنا زلزالاً
 نجعلنا واجمع بيننا وبينهم يا خير ما لنا وما بيننا وبينهم

عن

طابيت فاطمة ابنتي رحمك يا ارحم الراحمين وكون سرّاً
 رسد همتك وسكن ريزه برادر وهر يك ودر تبكوبه قل من سلك
 بالليل والنهار من القوم بل من عن ذكر ربه مضمون
 رتل هو الله واحد لا اله الا هو لا اله الا هو لا اله الا هو لا اله الا هو
 چیزی نیست که بناجی نباید گوید ایستغثت بك يا رب من شئ
 ما اجد من نفسي فاعصمني من ذلك وهر بندگی که باید گوید
 و چون بزراید تسبیح گوید و چون بر سر بندگی بایزد گوید
 لا اله الا الله والله اكبر و الحمد لله رب العالمين لك
 الشرف على كل شرف هر چه در پست سربا ارض او که در
 تبیل او تسبیح هر چه در پیش رو باشد بگوید و گویند و چون بگوید
 فو فان رسد گوید یا ارض رقت و در کاف الله اعوذ بالله
 من شرک و شر ما فیک و شر ما خلقتک و من شر ما یأبیک
 علیک اعوذ بالله من شر کل اسل و اسود و حیرة و غم
 من ما کون البکد و من شر الدی و ما و کد افعیر من الله
 یغفر و کد اسلم من فی السموات و الارض طوعاً و کرهاً

هَذِهِ الْقُرْآنُ وَخَيْرُ أَهْلِهَا وَأَعْدَاؤُنَا مِنْ شَرِّهَا سِرِّهَا
أَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَلَمْ يَسِّرْ لِي مَا كَانَ مِنْهَا مِنْ خَيْرٍ
وَوَقَّى لِي مَا كَانَ مِنْهَا مِنْ شَرٍّ وَاعْتَمَدَ عَلَى حَاجَتِي وَأَوْفَى
لِحَاجَتِي وَأَلْحَجَّ لِدَعْوَاتِي أَظْلَمَ مِنْ خُلِّ صِدْقِي وَخَفِيَ
مُخْرَجُ صِدْقِي وَأَجْعَلَ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا أَوَدَّ
زُورًا أَيْ كَوَيْدًا رَغْبًا لِي مِنْكَ مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ
وَأَكِيدُ مَا أَنْتَ بِهِ الصَّالِحِينَ وَهَبْ لِي مَا لَكَ مِنَ
الْعَالَمِينَ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَخَيْرِ أَعْوَدٍ يَكِلِي إِلَهُ السَّامِعَاتِ
مِنْ شَرِّهَا خَالِقِ وَدَّارٍ وَرَبِّ عَزَائِ قَالِي خَيْرَ مَنْزِلٍ أَوْفَى
كُنْ وَشَرِّشْ رِزْقِي كُنْ وَحِمْنِ مَكَانِي فَتَسِدْ كُنْ بِيْشْ رِزْقِي
بَشِيْشْ دُرُكِي فَارْزُقْ رِزْقِي وَرَبِّ رِزْقِي وَرَبِّ رِزْقِي
مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ وَبِأَيْكُوْبِ أَلَمْ تَرْزُقْنَا هَذِهِ
الْبَقْعَةَ وَأَعْدَاؤُنَا مِنْ شَرِّهَا أَلَمْ تَطْعِمْنَا مِنْ جَنَائِهَا وَعَدْنَا
مِنْ وَبَائِهَا وَخَيْرِنَا إِلَى أَهْلِهَا وَخَيْرَ صَالِحِي أَهْلِهَا أَلَيْسَا
خَيْرًا تَأْتَلُ رُزْقِي كَشَرِّشْ مَرْغِي تَوَدَّعِي وَحِمْنِ خَوْدِي بَشِيْشْ كَوَيْدِي

بِئَمْرِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَقْضِيهِ مَعَ أَسْمِهِمْ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ
وَكَرِهَ مَنْزِلَ خَوْفِ سَبِيلِهِ بِأَشْكُوبَاءٍ تَنْهَضُكَانَ لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْفَتْحُ وَيَدُهُ مَبْثُورَةٌ
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَلَمْ تَرَ أَنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ
شَيْءٍ وَأَنْ مَزَلْ أَسْأَلُكَ تَرْثِيَانِ إِيْمَانٍ بِأَشْوَكَاتِ خَوْفِ
دَهْشَةٍ بِأَشْكُوبَاءٍ يَأْوُدُ وَكَذَا الْعَذْرُ الْغَنِيْدُ يَا قَالِ
لِيَا يُرِيدُ اسْأَلْكَ بِعَفْوِكَ الْإِلَهَ الْوَاحِدَ وَمُتَكَلِّمِ الَّذِي
لَا يُضَامُ وَيَتَوَكَّلُ الَّذِي سَلَا أَرْكَانَ عَرْشِكَ أَنْ تَكْفِيَنِي
شَرَّ الصُّلُوحِ يَا مُغِيثُ أَعْيُنِي يَا مُغِيثُ أَعْيُنِي وَسَارِ كَذِبِ
وَدَوَائِي بِأَشْوَكَاتِ خَوْفِ دَهْشَةٍ بِأَشْكُوبَاءٍ يَأْوُدُ وَكَذَا
الْعَذْرُ الْغَنِيْدُ يَا قَالِ لِيَا يُرِيدُ اسْأَلْكَ بِعَفْوِكَ الْإِلَهَ الْوَاحِدَ
وَمُتَكَلِّمِ الَّذِي سَلَا أَرْكَانَ عَرْشِكَ أَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ الصُّلُوحِ
يَا مُغِيثُ أَعْيُنِي يَا مُغِيثُ أَعْيُنِي وَسَارِ كَذِبِ وَدَوَائِي بِأَشْوَكَاتِ
خَوْفِ دَهْشَةٍ بِأَشْكُوبَاءٍ يَأْوُدُ وَكَذَا الْعَذْرُ الْغَنِيْدُ يَا قَالِ

از تیره اسباب فارغ شود و چون سوار شود هر کام که میسر کند
 و در راهان حسانت نویسد و سبقت بخشد و چون طوف
 خازد و سی صفا دهد و کند از آن پاک شود چنانکه متولد شده و در سی
 جرات و خیره رود و قیامت باشد و چون خلق کند بهر موی روز
 قیامت نوری عطا فرماید و روایات دیگر آمده که چون بلیه گوید
 بهر تیره و حسنه نویسد و دستیه بخشد و چون هفت مرتبه
 طوف کند خدای تعالی آنرا برایش خیره کند و شرم دارد که هرگز
 بعد از آن عهد پیش کند و چون دو رکعت نماز کند در هر سجده سرش
 نویسد و چون سی صفا دهد و کند چنانست که عطا دهنه و مومن
 آزاد کند و چون و قوت عوفات بجا آورد کنش آفریده شود
 اگر چه مثل یک جلیق و قطره باران و ستاره آسمان باشد و چون
 رحمی جرات کند بهر جبهه و حسنه نویسد و چون قربان کند
 بهر قطره خون حسنه نویسد و چون از همه ناسک فارغ شود
 از همه گناه پاک شود و چهار ماه بعد از آن که برود نمونند
 مگر آنکه کبر کند و علاج و معتمه در جوارند امممانی و باشند و اگر

بمیرد

بمیرد بیشتر روند و اگر باشند از آن پاک باشند و اگر دعا کنند
 اجابت کند و اگر سوال کند عطا فرماید و اگر غرض باشد ابتدا
 نماید و اگر شفاعت کند قبول فرماید و بگوید هم که صحت کند از
 نذر در هم برابر عوض بدو روایت دیگر آمده که اگر در وقت
 رختن بمیرد آمرزیده شود و اگر احرام بسته بمیرد بیک گوان
 حضور شود و اگر در حاجت بمیرد از همه گناه پاک باشند و کس
 درین راه حسنه یا آمدن بمیرد از غنی که قیامت همین باشد
 و نیز روایت که هر مومن که عطا و مرتبه بلیه بگوید خدای تعالی هزار
 ملک را گواهی کند برای نجات و از نفاق و آرایش چون هم
 فرو داده غسل کند و کفش را در دست گرفته از روی نیت
 پا برهنه داخل حرم شود خدای تعالی صد هزار حسنه برایش نویسد
 و صد هزار سیه بخشد و صد هزار درجه بلند گرداند و صد هزار
 حاجتش را برآورد و چون داخل شد شود با خوش و شکیم گناهان
 بیاورد و کفایت مهلتش نماید و چون سی صفا دهد و مرده کند مگر
 برایش شفاعت کند خدای تعالی قبول شفاعت شان فرماید و نیز

مرویت که اصل از حق است و اول آنکه گذشته و آینده پیش هم نریند
 شود دوم آنکه آنکه گذشته از آن نریند و سیم آنکه اصل باقی
 از حوادث محفوظ گردد و این قسم کسی است که حقش مقبول شود
 و هر کس به عرفات حاضر شود و عایش را بپوشاید و خود را بپوشد
 و خواه مخالف مومن را و در دنیا و آخرت و مخالف را و در دنیا و آخرت
 مرویت که چون مومنی و قوف عرفات بجا آرد از هر دو کتبت
 باشد اصل آن ولایت از مومنان همه آید زنده شوند و چون اصل حق
 در منازل خود بمنی نزول کند مادی ندانند که اگر بپایند که بچه
 درگاه آید اید یقین کنید که هر چه درین راه صرف کرده اید بچون
 باید با مغفرت همه کنان و نیز مرویت که یکدم در هیچ
 افضل است از دو هزار هزار درم در غیر آن از وجوه بزرگ کسی از
 حضرت پیغمبر پرسید من مال بسیار دارم عملی بفرمای تا بکنم
 که اجرش یا هم فرمود اگر کوه بوقبل تمام باشد و همه را در راه
 خدا صرف کنی اجرش نیایی و مرویت دیگر آمده که اگر کسی بپوشد
 غیر خالص غفر طیب حج گزار و خدای قانی کنانش را بپوشد

و علی را و را می کردند و اگر به نیت خالص غفر طیب حج گزار و او را
 در ریش حق اعلی در زمره بنیاد و تصدیق شد و صاحبین جادهد
 نیز مرویت که هر کس چهار حج گزار و از فقر برآید شود و چون بهر
 جایی که گزارده باشد بهترین صورتی و مخرج او شوند و آرد و نیت
 ناکرستند و ثواب نماز ایشان هم از او باشد و یکم که آن نماز بکرات
 بهزار رکعت نماز آرد و دیگر حج گزار و خدای قانی هرگز عایش
 نکند و اگر دو حج گزار و هرگز عایش نکند و هر کس حج بسیار گزارد
 بهر شهری در بهشت برای او بپایند و در هر شهری خانه و غرضی
 بسیار که در آنها حور این باشند در حضرت هر یک سیصد
 که بکسی حال ایشان پنج چشمتی نمیده باشد و هر کس پنج از حج
 مرجهت کند و خاطر داشته باشد که بار دیگر حج آید عمرش نماند
 و اگر در خاطر داشته باشد که دیگر نیاید بپوشد نزدیک خداست
 کرد و حضرت امام جعفر صادق هم از کسی پرسید که چرا بهر سال
 پنج نماز نمی آید گفت شغل عیال است فرمود چون تو میری که شغل عیال
 باشد مگر که در نیت قانع گشته و هر سال پنج نماز بپوشد

که اگر کسی در هیچ مانع نمی شود و در دنیا از اقامتی آیین نبود با عقوبتی
 که در آخرت برایش می آید و درودیت که هر کس مستطیع باشد
 و هر چنان که بترج کند محروم باشد و هر کس بی حاجتی از خواجه
 دنیا رکنی که کند اصل حج از ناسک فارغ شوند و هنوز حاجت
 او بر نیاید باشد و چنانکه از حج باز نیاید یک سبب کنایه کرده
 و هر کس حج را تمام کند و پیروز در ت یا مرضی یا مانعی بمیرد و چون
 یا نفرانی محصور شود و کسی بحضرت امام جعفر صادق گفت مردی بن
 مشورت حج کرده من نفتم تو پریشانی و بر تو دستاوردت مانع
 او شدم فرمود مستطیع کیال بیماری پیش کیال بیمار شدم
 اما او کج او عید و ناسک حج چون طوی عظیم دارد و ذکر آن این
 مختصر مناب بود لکن از کتاب آن نمودیم و آنست علم به جواب **فصل**
دوم در زیارت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و آنحضرت مدویت
 فرمود هر کس از زیارت کند روزی یکبار در جوار من باشد و عفت
 من دارد و جب شود و هر کس که بگوید یا مدینه بمیرد از عذاب ایمن باشد
 و هر کس را عبادت و فایز زیارت کند چنانست که بانی هجرت کرده باشد اگر

و هر کس از عبادت یا عبادت زیارت

استقامت آید و نه خسته باشد سم من بفرستد که بانی هجرت
 بحضرت امام حسین فرمود ای فرزند هر کس را یا تر یا بدت را زیارت کند بکن
 لازم باشد که روزی یکبار از زیارت کند و اگر نکند پیش که دهم و بدت او را
 و بجا شود و در رویت دیگر فرمود که او را از اعمال آید عیدت من
 کند و در رویت دیگر فرمود که او را از زیارت کند که هر کس از حضرت زیارت
 کند چنانست که خدا را در عرش زیارت کرده باشد **فصل سوم در زیارت**
امام حسن و علی بن ابی طالب و آنحضرت مدویت که امامی را بر کن
 او یا و شیعیان خود عهدی است و از جمله امام آن با نعت زیارت
 قبول می آید پس هر کس زیارت ایشان کند ایشان شفاعت او باشند
 و هر کس یکی از ایشان را زیارت کند چنانست که رسول را زیارت کرده
 باشد و نیز مدویت که هر کس یکی از ایشان را زیارت کند و در رکعت
 نماز در آن روضه گزارد و بگوید یا حسین یا علی یا محمد یا جعفر یا زکریا
 که از این کج و بیکر نوشته شود و حضرت پیغمبر بحضرت امیر المؤمنین
 فرمود یا علی خدا ای قالی قبر تو و اولاد ترا بجهنم بشت که آید
 و دلهای صفای خود را با ایشان مایل کرده که در حجت ایشان تحمل

محل تشنگان کند و تورهان را تعمیر نماید و زیارت پنهان کند یا علی
 اصل شفاعت و اهل جنت هستند و ایشان همگی می مانند در بهشت
 یا علی هر کسی تعمیر تورهان کند چنانست که در باب بیست و هفتم از کتاب
 سیدان کرده باشد و هر کس زیارت تورهان کند بر اوست با هر پنج
 بعد از حج آلوده و اگر نه پاک شود دل آنکه از نادانان متولد شده و نفهم
 بهشت برای او یا و جان شامیت است که پنج چینی ندیده باشد و پنج
 کوشی نشینده و پنج خاطر می رسیده و از حضرت فاطمه عروت
 که فرمود هر کس سه روز بر پدرم در بر می سلام کند در ایام حیات یا
 بعد از وفات ما بهشت او را واجب شود **فصل چهارم در زیارت حضرت**
امیرالمؤمنین علیه السلام هر کس زیارت اهل بیت را هر کس می گوید که زیارت
 آنحضرت کند خدای تعالی برایش اجر بنهد می نویسد و گناهان گذشته
 و آینده اش را بیاورد و در زمره مومنین محسوب شود و حاجتش آسان
 و در وقت رفیق ملائکه استجابش کند و در وقت حاجت شامیت
 کند تا حاجتش برساند و اگر چاره شود عبادتش کند و اگر غیر شامیت
 جاریش نمایند برایش استغفار کند کسی که حضرت امام جعفر صادق ع را گفت

از آنکه

از آنکه زیارت آنحضرت تو آدم و نوارت امیرالمؤمنین کردم فرمود و هر کس که
 از او بیای می بودی گناه بر تو نمیکردم زیارت میکنی کسی اگر خداوند
 و ملائکه و مومنان را برایش نمیکند و ایضا در بیست و هفتم از کتاب
 زیارت آنحضرت رود و هر کس می گوید و میگوید برایش او نیست و اگر نه
 حاجت کند هر کس می گوید و میگوید نویسد و در وقت دیگر آمده
 که هر کس زیارت آنحضرت رود و هر کس می گوید و میگوید برایش
 شود و خدای تعالی بابتش جزا دهد و هر کس که زیارت آنحضرت
 بخاکرت خواند سواره و خواه بپا ده **فصل پنجم در زیارت حضرت**
امام حسین علیه السلام هر کس زیارت اهل بیت را هر کس می گوید که زیارت
 او را امام حسین علیه السلام خواند و آنکه تین یا هر شش است که گناه گذشته
 و آینده اش را بیاورد و زیارت آنحضرت فرزند بر
 مسلم و حضرت صادق ع را کسی پسند که هر کس که گفت بخند فرمود
 اگر بیست و پنج نام کنی مثل کنایات امام حسین است و در وقت دیگر
 آمده که زیارت آنحضرت را بر بیست و پنج و غم و در وقت دیگر
 که بر اوست بیست و پنج و نیز در بیست و هفتم از کتاب حضرت صادق ع فرمود

زیارت آن حضرت مثل حج و عمره است و صفای مصحف آن را و کجی می
 پرسیدم مثل حج و عمره است فرمود و آن شمر که غم قدر فرمود که
 می توانم شمر که غم بزرگتر بعد از آن فرمود و لغت خدا هر چه بخواهد
 تمام نشود و نیز فرمود که زیارت آنحضرت برابر است با یکصد هزار
 بنده آرا و کعبی و هزار سب بارین و جام در راه خدا بجای دهشت و آنست
 از بهر هم و غرق و غرق و بهر آفات و موجب درازی عمر و زیارتی
 رزقت و ایام زیارت آنحضرت مثل ایام عمر است و رکن زیارت
 آنحضرت سبب نقصان عمر و رزق است و حضرت امام فرمود که اگر
 بگویم کسی که زیارت آنحضرت کند سی سال پیش از اجل خود
 میرود راست گفته ایم و اگر کسی زیارت آنحضرت کند به میرد ایشان
 ناقص باشد و اگر بهشت رود در بهشت از نعمان است تر باشد و نیز
 مرویت که کسی زیارت آنحضرت رود نه برای نام و شهرت و غرض
 دنیا از آن ده پاک شود مثل جابیه شسته از کثافت و بهر کام که بگذارد
 یکجای و چون برادر دیگره نوشته شود و شفاعتش برای پناهنس
 از کفره کاران قبول است و هیچ چیز در از و قد از نه انچه هرگز نکند

عقل فرماید و یکدر هم که در پی راه صرف کند نه هزار برابر در بهشت عوض می
 و چهار هزار در شسته و بهر است و دیگر صفای نه هزار در شسته با مویهای ژولیده
 غبار آلوده بر قبر آنحضرت بوی کند و اگر یکمیکند تا روز قیامت چون کسی
 زیارت رود و شمعش کند و اگر پارس شود و صبح و عصر عایش
 نماید و چون بمیرد بر او نماز کند و آرزو قیامت برایش استغفار
 کند و نیز مرویت که هر کسی زیارت آنحضرت رود در هر مکان است
 و چپ با او زناقت کند و خدا ی قالی هزار حج و عمره برایش
 نویسد که با پیغمبری یا وصی پیغمبری کرده باشد و اینها مرویت
 چون کسی توبه زیارت آنحضرت کند اهل آسمان یکدیگر را خنده و
 و چون از خانه بیرون آید خواه سواره و خواه پیاده خدای قالی
 چهل هزار در شسته بوی کند که بر و صلوة فرستند تا بروند
 مقدس در آیند و چون بر رود و رسیدند بگوید سلام علیک
 یا وارث اکرم صفوة الله آخر چنانکه در فضل آدم زیارت است
 باید بعد از آن بجانب قبر مقدس روانه شود و هر کام که بگذارد و دارد
 ثواب آبی دارد که در راه خدا و چون خود غلطیده باشد بعد از آن که

بیداران دست بر قبر مبارک که نشسته بگوید اے علیا ابا عبد الله
تا آخر چنانکه در فضل آداب زیارت باید است اے الله تعالی و بعد از آن
بکنار می رفته مشغول نماز شود صدای قالی و ملائکه بر وضو فرستند
تا و فیکه غایب شود و هر یک گشت نماز که در آن روزه کرا و نوب
رج و نه از عمره او و نماز عقیقه و نه از استیادن در معرکه جادو با پیغمبری
مرسل خط نماید و چون از آنجا بر خیزد ملک ندا کند که ای بنده مومن
خواست با دو گن نان که نشسته است همه آنرا زنده شد و اگر در آن
بمیز صدای قالی خود متوالی قبض رویش شود و چون روانه خانه
شود ملائکه با او رفت کنند و بر وضو و صلوحت فرستند تا بجا نشین
رسد پس در خانه او مقام بنوده تسبیح و تیس و تقییس خدا نمیکرد
باشند تا و فیکه اجلش برسد و نوبت آن هزاره باشد بعد از آن
و تقییس و تیس و نماز بر و حاضر باشند بعد از آن در قبر او می نشینند
و ذکر و تسبیح و تقییس میگردانند تا روز قیامت و نوبت
همه برای او نوشته شود و نیز مرویت که نماز فریضه در پیش قبر
مقدس آنحضرت برابر است با حج و نافله و برابر است با عمره این بود

فضایل زیارت مطلق آنحضرت و فضایل زیارت مخصوصه و با احوال
 شور که شد فصل ششم در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام
 حضرت امام محمد تقی علیه السلام پرسید که زیارت امام حسین علیه السلام
 حضرت امام رضا علیه السلام فرمود زیارت پدرم افضل است که زیارت حضرت
 امام حسین علیه السلام را هر کس زیارت کند و زیارت پدرم مخصوص شیعیان
 و دوستان است و نیز مرویت که هر کس زیارت آنحضرت کند
 و معروف بامت او باشد که نان که نشسته و آید پیش آنحضرت
 شود اگر چه بعد دستاره آسمان و قطره باران و برگ درختان
 باشد و در روز قیامت در برابر آنحضرت پیغمبر نبی را می او
 نصب کنند و و فیکه صدای قالی از حساب خلق خارج شود و آنحضرت
 خود فرموده هر کس مرا در عزیمت زیارت کند نوبت صد هزار شهید
 و صد هزار صدیق و صد هزار حج و صد هزار جهاد و اوعا و فرمایند
 و با ما محشور شود و در درجات سبعین بهشت رفیق ما باشند و آن
 و پدر آن من شفیع او باشیم و هر کس ما شفیع او باشیم جات باید که بر
 مثل کن و چون و پس نهشته باشد و هم آنحضرت فرمود هر کس زیارت

کند روزی که سر وقت او را در ایام و از احوال شده اند غرض کن
 و یکدانه ای حال چپ و دست متفرق باشند و یکدانه
 بر صراط می لغزیده باشد و نیز در وقت که زیارت می برابر است
 با هر نوع و هر عمره راوی گوید که از حضرت امام محمد تقی ام از روی
 تعجب پرسیدم که چنین حدیثی از پدرت روایت کند فرمود بلی
 و آنست که هر نوع را برابر است برای کسی که حق او نباشد و بداند که
 امام متفرق از تقاضای و نیز در وقت که کسی زیارت آنحضرت کند
 و کتب در آن روز بخواند چنانست که خدا را در عرض زیارت
 کند و نیز در وقت که از آن امر طاعتین صلوات الله علیهم در
 پشت پیشانی و صحبت ایشان باشند و از آن حضرت امام فواد در پیش
 از هر بند تر باشد و هر کس آن روز خد شود روزی که آن
 آتش آیین بود و حضرت پیغمبر فرمود فرزند ای مرغان در فراسان
 مدون شود و هیچ نمونی او را زیارت کند مگر اینکه صدای قالی
 برنش بر آتش حرام کند و بهشت برای او و چپ کرده و هیچ مگر
 زیارتش کند مگر اینکه گشتش با فرج دهد و هیچ گناه کاری زیارتش

کند

کند مگر اینکه گشتش با فرج دهد و حضرت امام جعفر صادق فرمود فرزند
 از من در طوسی گشت شود و هر کس او را زیارت کند من در روزی که
 دستش را گرفته و چپ شد گشت اگر چه از آن کس باشد و هر کس از چپ
 باشد غسل کرده زیارت آنحضرت کند و پیش هر مبارک دور گشت نماز
 کرده و در وقت حاجت خود را بطلبه متعجب شود اگر کسیست قطع رحم
 نباشد **فصل نهم در آداب و کیفیت زیارت اهل بیت علیهم السلام**
 برای زیارت هر یک از ایشان غسل کردن و در وقت غسل غسل آنکه
 طهرین و طهر قلبی باشد و هیچ صندلی و چیزی را بر آن نیندازد
 و علی ایضا میخندد و التماس علیه و قائله لا اله الا الله
 و قد علمت ان قوة دینی التسلیم لا اله الا الله و لا اله الا الله
 نیتیک و الشهادة علی جمیع خلقک اللهم اجعل لی فی کل
 و شفاعة آتک علی کل شیء قدیر و صلی الله علی محمد و آله
 و سلم و جمعین و جمعی یک بپوشیدن و طهر نمودن و با وضو و کینه و
 و تسبیح و صلوات بر ایشان متوجه شدن تا در زیارت حضرت امام سین
 مستحبت تطهر نمودن و بنده ای بپوشیدن و از آنکه نهاده شود زیارت

نمون و هیات معیت زوکان متوجه شدن و چون بر در و درخت حضرت
 رسد اول بطریق اذن بطلبه الله ان قد وقف علی باب
 بیت من یوت نیک و قد امرت الناس ان لا یخلوا الا
 باذنک فقلت یا ایها الذین آمنوا لا تخیلوا یوت النبی
 الا ان یؤذن لکم الله و ان اعف عنکم نیک فی
 عینکم کما اعتقد هاج حضرت و اعلم ان رسولک و
 خلفاء ان احیاء عندک یرد فون فیجین بما یتکلم
 من فضلک و یتبشرون بالذین یرتفعوا به من خلقکم
 الا حق علیکم و لا هم یجرون و انهم یروون فی مکات
 و یتسمعون کلامی یردون علی سلامی و انک حجت
 عن کلامهم و سلامهم و تحت سمعی بلذین من اهل ایم
 و ان استاذک و استاذین رسولک و خلفاءک المقصود
 علی طاعتهم و استاذین الملائکة الموحلین هذه البقعة
 السلام علیکم ایها الملائکة الموحلون بهذا المشهد
 الشریف یا ذی الله و ان رسولک و ذین خلفائکم ادخل

هذا

هذا البیت فکونوا ملائکة الله اعوان و انصار و کونوا
 انصار یحیی اذخل و ادعوا الله فیکونوا انصار و یعین
 الله بالعبودية و البیت و الامتعة بالطاعة و در و درخت
 ندن کبیر لیسلم الله و علیه و علی ملة رسول الله یصلی الله
 علیه و آله و انشد ان لا اله الا الله فحدی لاشریک له
 و انشد ان محمد عبده و رسول الله و ان علیا ولی الله من بعث
 مقدس پشت بقیده ایستاده زیارت کند و بعد از آن نازدیت بکارد
 و در و درخت است آن قدر که تواند از برای خود و از برای والدین
 و اقربا و سایر مومنان سینه ناید و در کتب از خشن که آنکه نازد الای
 سر گذارد اما در توقیعات از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه
 کسی پرسید که نازد چه موضع بکاردیم فرمود پیش روی قبر ابای
 و پائین پائین ایستاد که پیش روی امام و پیروی او و حقان ایستاد که
 در پشت بفرمان کند و ذکر زیارت و دعا و استغاثه و تحسین و تحمیل
 این رساله بیرون و کتب از این مشهورت لیکن بجهت آنکه این رساله
 از فضل ذکر آن یکبار هر محروم باشد به بیت مخفی از آن متوقف شود

يا ربي حضرت رسول كرميت حضرت امم **والسلام عليك يا**
رسول الله السلام عليك يا حبيب الله السلام عليك
 يا مفعول الله السلام عليك يا امين الله السلام عليك
 يا حجة الله انهداك قد تحققت لامتك وجاهدت في
 سبيل الله وعبدته مخلصا حتى اذكرك اليقين بخلاف
 الله افضل ما جرى نبيا عن امته **اللهم صل على محمد**
والعالم افضل ما صليت على ابراهيم واسحق اذكرك احمده
 محمد ورويت حضرت موقم كرمي ان كرمي روي
 من مبارك ووشح بغير مقدر واهر وبعيد كرمي انهداك لاله
 الا الله وحده لا شريك له واشهد انك رسول الله
 وانك محمد بن عبد الله واشهد انك قد بلغت رسالات
 ربك ونصحت لامتك وجاهدت في سبيل الله وعبدت
 الله مخلصا حتى اذكرك اليقين بالحكمة والموعظة
 الحسنة واذا نزلت عليك من ملكوت قد وقفت بالمؤمنين
 وغلظت على الكافرين فبسم الله بك افضل رسول محمد

انهداك **اللهم** استغفرك نايك من الشك والاضلال **اللهم**
 فاعمل صلواتك وصلواتك لك من المؤمنين وانبيائك من
 سلكين وعبادك الصالحين واهل السموات والارضين ومن
 سمع لك يا ربي العالمين من الاولين والآخرين على رسلك
 ورسولك ونبوك وامينك وحيبك وحبيبك وصفيك
 وصغورك حبيبك من خلقك **اللهم** واكظمه الدعاء
 الربيعه وايقه اوسيله من الجنة واعنه مقامه
 ينطه به الاقربون والآخرين **اللهم** اذكرك قلت وكلامك
 اذ ظلموا انفسهم جاؤك واستغفروا الله واستغفرهم
 الرسول فاجبه الله قايما حجة الهى فمدايتت نبيك
 مستغفرا ثانيا من دوني فصل على محمد وال محمد
 في يا سيدي اوجه بك ويا لبيبي الى الله تعالى ربك
 وربي ليغفر لي ذنوبي عذابي يا ربي بغير مقدر واهر وبعيد كرمي
 خضوع واهل وهران ونيك كرمي ان ريت بغير مقدر واهر وبعيد كرمي
اللهم اليك الحيات امري ويغفر نبيك استغفرك ظهري

وَقِيلَ لَكَ الْغَيْبُ عَلَيْكَ صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْتَغْفِرُكَ رَحِمِي
 اللَّهُ لَا تَبْدِلْ أَسْمِي وَلَا تَغْيِرْ جِسْمِي وَلَا تَسْتَبْدِلْ لِي غَيْرِي
 أَصْبَحْتُ وَأَمْسَيْتُ لَا أَمْلِكُ لِي غَيْرِي خَيْرَ الْبُحْرَانِ وَلَا أَصْرِفُ
 عَنْهَا شَيْئًا أَهْدُرُ لَكَ وَحَدَّثَكَ لَا تَسْمِكُ لَكَ اللَّهُمَّ رَدِّ بِن
 مِنْكَ جِسْمِي فَإِنَّهُ لَا أَدْرِي لِمَ صَانِكَ اللَّهُمَّ رَدِّ بِنِكَ مَا لِي غَيْرِي
 وَجَعَلَنِي بِالْعَاقِبَةِ أَغْنِيَنِ بِالْبَقِيَّةِ وَأَرْدَفَنِي بِكُلِّ الْعَالَمِ
 أَتَيْتُكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَمَرَجَبُكَ كَرِيمٌ شَدِيدٌ بَشِيرٌ وَرَبُّ مَوْضِعِ بَيْتِكَ
 كَرِيمٌ وَارْتَبِنَ بَيْنَ بَابَيْكَ مَكَانَتٌ **وَسَيِّدٌ حَضَرُ الْمَلَكِينَ**
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهُ فِي الرَّحْمَةِ وَكَرِيمٌ
 عَلَى عِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَتَمَّ اللَّهُ لَكَ
 جَاهِدَتُ فِي اللَّهِ حَوَاجِي لَمْ وَوَعَلْتُ لِي كَلَامَهُ وَابْتَعْتُ سَائِنَ
 نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى الْبُحْرَانِ وَ
 قَبَضَكَ إِلَيْهِ بِإِحْتِيَارِهِ وَأَلَزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ
 مِنْ الْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ لِي مَوْضِعَ
 بَيْتِكَ رَاضِيَةً بِفَضْلِكَ مُوَلَّاةً بِذِكْرِكَ وَدُعَاؤِكَ بِحُجَّتِكَ

لحمية

لِيُغْفِرَ أَوْلِيَاءَكَ بِمَنْحُوْرِهِ فِي أَرْضِكَ وَمَا لَكَ صَابِرٌ عَلَى زَوْجِ
 بِلَاؤِكَ مُتَنَادَةً إِلَى فَجْهِ لِقَائِكَ سُرُودَةً لِقَائِكَ لِيُغْفِرَ لَكَ
 مَسْنَةً بِسَيِّئَاتِكَ مُفَارِقَةً لِخَلْقِكَ أَهْلًا بِكَ مُغْفِرَةً
 عَنْ لَدُنَّا بِإِحْدَاثِكَ وَتَنَاوُلِكَ بِمِيزَانٍ رَافِعٍ مَسْكُورٍ شَرِّهِ كَبِيرُ اللَّهُمَّ
 إِنَّ قُلُوبَ الْخَائِبِينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّةُ وَسُبُلُ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ وَمَا
 وَأَهْدَى الْعَارِضِينَ مِنْكَ فَانْجِعْهُ وَأَصْلِحْ لَدُنَّا بِكَ إِلَيْكَ
 صَاعِدَةً وَأَوْبَابَ السَّمَاءِ لِلْإِبْرَةِ لَهُمْ مُغْفِرَةً وَدَعْوَةً
 فَاجْأكَ مُسْتَجَابَةً وَقَوِيَّةً مِنْ أُنَابَاتِكَ مُغْفِرَةً وَجَعَلْتَ مِنْ
 بَلَدِكَ خَوْفَكَ مَرْجُومَةً وَالْإِغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَغَاثَكَ بِكَ مُبْدِيَةً
 وَقَدْ لَكَ لِيْعَادِلَكَ مُتَجَرِّدَةً وَزَلْزَلَتْ أَسْفَالَ بَيْتِكَ مُغَالَةً
 وَأَعْمَلُ الْعَالَمِينَ لَدُنْكَ تَحْفَظُهُ وَأَكْرَأَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ
 مِنْ لَدُنْكَ مَا لَكَ وَجَوَابُ لَدُنْكَ إِلَيْهِمْ وَأَصْلُهُ وَذَوْبُ
 الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً وَجَوَابُ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْصِيَةً
 وَجَوَابُ السَّالِكِينَ عِنْدَكَ وَمَوْضِعُ جَوَابِكَ لَدُنْكَ مُوَلَّاةً
 وَمَوْضِعُ لَدُنْكَ طَعْمِينَ مَعْدَةً وَمَوْضِعُ الْفُطْرَةِ مَرْجُومَةً اللَّهُمَّ

قَا سَجِدْ دَعَائِي وَاقْبَلْ تَنَائِي لَجَمْعِ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ
 مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ وَأَنْتَ وَلِيُّ الْعَالَمِينَ
 وَتُسَلِّمُ مَنْ دَائِي وَتُجَابِي دُعَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَشَايِ حَضْرَتِي
 بِقَرْنِ قَرْنِهِ وَكَوْكَبِ كَوْكَبِيهِ كَحَضْرَتِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا بَكِي وَكَوْكَبَ رَأْسِهِ
 يَا مُنِيرِي زَيْدَتِ كَنْدِ زِيَارَتِي أَدْرُجُهُ زَوْكَرَةً وَخُدَائِي قِيَامِي
 بِخَاتَمِ خَاتَمِ جِبْرَانِ مُحَمَّدٍ مُحَمَّدٍ مَارُودِ حَضْرَتِي بِمَسَارِدَةِ وَصِيَّةِ
 بِحَقِّ كَرَمَتِ وَبَارَتِ بَعْدِ جَنَّتِ رَسَاذِ وَبَيَادِ دَهْتِ كَرَامَتِ
 كِي اَرَا مَرُورَ زَيْدَتِ كَنْدِ جَاهِي لَقَطِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْ مَامَ رَا بِكَ
 وَدِهِي نَزْهَتِ حَضْرَتِ آدَمَ وَنُوحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رَا زِيَارَتِ كَنْدِ
 وَ زِيَارَتِ حَضْرَتِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا حَبِيبَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا أَمِيرَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا أَبَا الْبَشِيرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى رَحْمَتِهِ
 وَعَلَى بَدَنِكَ وَعَلَى الظَّاهِرِ مِنْ مَنْ وَلَدِكَ وَذُرِّيَّتِكَ صَلَوَاتُ
 لَا يُحْصِيهَا إِلَّا هُوَ وَحَمْدُهُ اللَّهُ وَرِكَائِهِ **وَزِيَارَتِ حَضْرَتِ نُوْحٍ عَلَيْهِ**

السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ
 عَلَى رُفْحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَى الظَّاهِرِ مِنْ مَنْ وَلَدِكَ وَتَحَمُّدِ اللَّهِ
 وَرِكَائِهِ **وَزِيَارَتِ حَضْرَتِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ**
 يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بَنِي حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي خَلِيلِ اللَّهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي أَمِيرِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي خَيْرِ
 خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَصِيُّ الْمَطْلُوعُ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ أَيُّهَا الْخَدْنَةُ الْعَلِيَّةُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَرِكَائِهِ **وَزِيَارَتِ حَضْرَتِ**
اللَّهُ وَرَسُولِهِ وَمَلَائِكَتِهِ عَلَى رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ
سَاطِطٍ عَلَى مَنْ عَطِطَ عَلَيْهِ مُتَبَرِّئِينَ مِنْ بَرِيَّتِ مَنْ مَوْلَى
لِي وَالْبَيْتِ مُعَادِلِينَ عَادِيَّتِ مُبْغِضِينَ ابْغِضَتِ حَبِيبِ
لِي أَحَبِّتِ وَكَفَى بِاللَّهِ تَحِيَّةً وَحَسْبِيَ وَجَارِي وَنَبِيًّا
وَزِيَارَتِ حَضْرَتِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيْهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَرِيثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا نَارُ تَوَخَّجْ فِيَّ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارُ تَوَخَّجْ
فِيَّ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارُ تَوَخَّجْ فِيَّ اللَّهُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارُ تَوَخَّجْ فِيَّ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا نَارُ تَوَخَّجْ فِيَّ رُسُلِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارُ
عَلَيْكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَخَيْرِ الْوَحِيدِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
نَارُ تَوَخَّجْ فِيَّ الْأَوَّلِ الْأَخِيرِ الْأَوَّلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْأَمِينِ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ مَا أَتَى الصَّلَاةَ
وَأَتَى الزَّوَالَ وَأَمَرْتُ بِالْمَعْرِفَةِ وَنَهَيْتُ عَنِ الْكَوْفَرِ وَعَبَدَ
اللَّهُ خَالِصًا خَالِصًا خَلْقَ آيَاتِكَ الْيَقِينُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ
وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِإِذْنِ بَيْتِ عَمْرٍاءَ حَسَنِ وَدُرِّ دُرِّ
كَدَشْتِ كُوبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَجَّةَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَ
اتُهُ بِإِذْنِ كُوبِ لَعْنِ اللَّهِ أُمَّةً قَتَلْتَنِي وَلَعْنِ اللَّهِ أُمَّةً ظَلَمْتَنِي وَ
لَعْنِ اللَّهِ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَصَبَّتْ بِعِيسَى أَمْلَى يَا أَبَا جَدِّ اللَّهِ
أُمُّهُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَآؤُهُ وَرُسُلُهُ أَتَى بِكُمْ مُؤْمِنٌ
وَبِإِيَّاكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِشَرِّعٍ وَبِغَايَةِ عَمَلٍ فَصَلِّ عَلَى اللَّهِ

عَلَيْكُمْ وَعَلَى الْاَنْوَالِمْ وَعَلَى الْجَاْدِمْ وَعَلَى شَاهِدِمْ
وَعَلَى قَائِمِمْ وَظَاهِرِمْ وَبَاطِنِمْ وَنَحْمُ اللهَ وَكَبِّرُ اللهَ
وَمِنْ اِي مَبَارَكِمْ اَنْ هَضَمَتْ عَلَى كِبَرِ رِزَارِتِ كَنْدُ وَكَبُوِي اَتَاْلَامِ
عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ الله اَتَاْلَامِ عَلَيْكَ يَا بَنَ امِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ
اَتَاْلَامِ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُجَيْنِ اَتَاْلَامِ عَلَيْكَ يَا اَهْلَ
اَلْشَيْبِ اَلْمُظَلْمِ وَلَعَنَ الله اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ الله اُمَّةً
قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ الله اُمَّةً سَمِعَتْ مِنْكَ فَحَضَّتْ بِهَ بِمَدْرِكِ
شَدَارِ رِزَارِتِ كَنْدُ وَكَبُوِي اَتَاْلَامِ عَلَيْكَ يَا اَوْلِيَاءَ الله
وَاجْبَاءِ اَتَاْلَامِ عَلَيْكُمْ يَا اَصْفِيَاءَ الله وَوِدَّاءِ
اَتَاْلَامِ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَادِ دِينِ الله وَانْصَادِ نَبِيِّهِ
اَنْصَادِ امِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَانْصَادِ لِحُجَيْنِ وَلِامِيْرِ طَيْفِمْ
وَقَطَابِ الْاَرْضِ اَتَاْلَامِ عَلَيْكُمْ وَفَرَمُوْهُ فَوْدَا عَطِيْمَا
قِيَا لَتَقِيْ كُنْتُمْ مَعَكُمْ فَاَوْفَرُوْهُ اَعْظَمَا جَوْنِ زَمَارُوْ
فَارَعُ شَوْرِيَّتِ عَابَسُ تَكَبُوِي اَتَاْلَامِ عَلَيْكَ يَا اَهْلَ الْعَدَلِ
الطَّالِحِ الْمُطْعِمْ لِهَ وَرَسُولِهِ وَالْعَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْحُجَيْنِ

وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَعَلَى رُوحِكَ وَ
بَدَنِكَ أَتَعَدُّ أَتَكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى عَلَيْكَ الْبُزْجُونَ
الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الْمُتَاصِحُونَ لَهُ فِي جِهَادِهِ الْعَدُو
الْمُتَالِفُونَ فِي نُصْرَةِ أَوْلِيَائِهِمْ تَجْرَأُ اللَّهُ أَفْضَلُ وَأَكْوَفُ
جَرَأُ الْوَاحِدِ وَفِي بَيْعَتِهِ وَاسْتِجَابَ لَهُ دَعْوَتِهِ وَخَرَفَ مَعَ
النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالتَّمِيمَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَ
حَسَنَ أَوْلِيَائِكَ رَفِيعًا مَدِينَتِ كَرُحْتِ مَا جَمَعَ فَاوَقَّ عَارِضِي
يَسِيدِ كَرُحْتِ زِيَارَتِ حَضْرَتِ اَلْجَمِينِ مَكِينِي كَفْتُ فَرَمُو دِي جِهَانِ مَكِينِي
بِأَحْفَظْتِ بَعْدَ اَزَانِ فَرَمُو دِي مَكِينِي كَفْتُ فَرَمُو دِي مَكِينِي
كَفْتُ كَا مِي شُو دِي بَارِ فَرَمُو دِي جِهَانِ مَكِينِي بِأَحْفَظْتِ بِشُو دَا كَرُحْتِ
يَكُمْتِ زِيَارَتِ أَتَحْفَظْتِ كَيْفَ كَفْتُ فَاوَقَّ بِيَارِ دِي مَدِينَةِ مَدِينَتِ
فَرَمُو دِي بَارِ فَاوَقَّ بِيَارِ دِي جِهَانِ مَكِينِي وَبَعْدَ اَزَانِ بِيَارِ دِي
وَبَعْدَ اَزَانِ سَرِ اَسْمَانِ بَا لَكُنْ وَبَعْدَ اَزَانِ تَوَقُّرِ وَفَرَمُو دِي مَدِينَةِ مَدِينَتِ
عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
بِكُحِّ وَكُمَرِ رَايِ تَوَدُّشْتِ تَوَدُّ زِيَارَتِ مَا جَمَعَ كَرُحْتِ بِرِ مَدِينَتِ

مَدِينَتِ رَضَتْ مَا مَدِينَتِ السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ وَاللَّهُ وَصَفِيائِهِ
السَّلَامُ عَلَى أَمَنَاءِ اللَّهِ وَأَحِبَّائِهِ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ اللَّهِ
وَحُلَفَائِهِ السَّلَامُ عَلَى تَحَالِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى
مَعَادِينِ حِكْمَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى سَائِرِ ذُرِّيَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى
عِبَادِ اللَّهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْتَعِينُونَ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرٍ
يَعْمَلُونَ السَّلَامُ عَلَى مَظَاهِرِ إِبْرَاهِيمَ وَنَحْيِهِ السَّلَامُ عَلَى
الْأَدِلَاءِ عَلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الْمُتَقَرِّبِينَ فِي مَرْضَاةِ اللَّهِ السَّلَامُ
عَلَى الْمُخَصَّصِينَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مَنَى اَللَّهُ
فَقَدْ دَالَى اللَّهُ وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَمَنْ عَزَمَهُ
فَقَدْ عَزَمَ اللَّهُ وَمَنْ جَهَلَهُمْ فَقَدْ جَحَلَ اللَّهُ وَمَنْ عَصَمَ
بِأَلِيهِ وَمَنْ تَحَلَّى نَهْمَهُ فَقَدْ تَحَلَّى مِنَ اللَّهِ أَتَعَدُّ اللَّهُ اَلِ
حَرْبِ لِيْنِ خَارِيكُمْ وَبِسْمِ لِيْنِ سَالِمِكُمْ مَوْحِينَ بِمَا أَسْتَمُّ بِكُمْ
بِمَا أَكْرَمْتُمْ بِهِ مُحَقِّقُونَ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلُونَ لِمَا أَتَبَلَّتُمْ مَوْحِينَ
بِسْمِ كُحْمَرِ مَوْحِينَ فَمِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ اَلَيْكُمُ اَلْعَنَ اَللَّهُ عَدُوَّكُمْ
مَوْحِينَ وَالْأَنَسِ وَصَفَقَ عَلَيْهِمُ اَلْعَدَاةَ اَلْأَكْبَرُ وَأَبْرَأَ اَللَّهُ مِنْكُمْ

در

قیمت این باشد و اگر ریاضی حرم میرد و دیوان تجلیش شود و شود
 و اگر در حرم کعبه میرد از فرقه اکبر این باشد و یکسایان است که حق و کبر
 بفضل است از خراج تمام عراق که در راه خدا صرف کنند و هر کس در رکعت
 ختم قرآن کند از دنیا رزق و تا جای خود در بهشت نرسد و چه چیز خود
 در رکعتش روزه است و ریاضی دیگر و دیگر روزه در اینجا مثل کمال و در بهشت
 و ریاضی دیگر و خواب کردن در اینجا مثل عبادت و ریاضی دیگر و کس
 عبادت کند تا باشد که آن را واصل می شود و هر کس اینجا است بخاک کرده باشد
 و قبکیش و همایکانش آفریده شود و هر کس در اینجا سجده کند چنانچه
 که در راه خدا و خون خود غلطیده باشد و کلمات در اینجا برابر است
 با صد هزار نماز و یکدهم صدقه برابر است با صد هزار درهم و هر کس نماز
 خرافیه در اینجا گزارد نمازهای گذشته و آئینه هفتاد و یک مرتبه
 مقبول شود و هر چند نماز کعبه نزدیکتر باشد بفضل است و در سجده بی غفقه
 و بر و است و دیگر هزاره از کس در اینجا صد رکعت نماز گزارد برابر است
 با هفتاد سال عبادت و تسبیح در اینجا برابر است با عقیق رقیه و صد تسبیح
 با اشیای گنجد و صد عقیقه با خراج عمرت است که در راه خدا صدقه دهند

و کلمات

و یکم از مسجد رسول است و در مدینه برابر است با صد هزار نماز و یکدهم
 صدقه یا صد هزار درهم و در رکعت نماز در مسجد قبا برابر است با یکم
 و یکم در حرم امیرالمومنین است و قبور ائمه و جبرئیل و اسرافیل و میکائیل
 بسیار است در مسجد اعظم کوفه نماز در این و هزار و سی نماز گزارده و حضرت
 پیغمبر در شب مبعوث در آن مسجد نماز گزارده و یکم از خرافیه در اینجا برابر است
 با هزار نماز و یکم و نافه در اینجا برابر است با نافه نماز یکم و شش
 در اینجا و ذکر و تلاوت عبادت و در مسجد سید با هر سی و دو
 نماز گزارده و خانه حضرت ابراهیم و ادریس در آن مسجد است
 و در آن مسجد سکنت که طیف اینها را از اینجا برداشته اند هر
 تخمینی که در آن مسجد در میان شام و خفتن و در رکعت نماز گزارد و بگوید
 خدای تعالی از آن غم بجا نشود **فصل دوم در فضایل و مستحبین**
و صفای مؤمنین هر دیت از اهل بیت ظاهرین که هر کس نماز کرده
 عبد العظیم را در روی زیارت کند چنانست که امام حسین را زیارت
 کرده باشد و هر کس غم نبوت امام موسی که غم را در قم زیارت کند
 بهشت او را دو چندان شود و هر که از ایشان مر دیت که هر کس در زیارت

مانند شد و شیوه را زیارت کند و ثواب زیارت نماید و نمی تواند که
 بسیار امانت که در فضل زیارت مومن در باب اول این کتاب است
 ائمت را تمام حیات و بعد از وفات و آداب زیارت مومن بعد از این
 است و استر باید باب دوم در احکام متعلق به زیارت
 مومن و زیارت و این محسوب است و است در فصل مانی شود
فصل اول در وصیت و بیعت و وصیت را هر کس بخواهد
 که وصیت خود را به هر مسلم و هر کسی بگوید وصیت کند بخواند
 فم و ج و ضرر و برتره و رساندن چنانست که در حیات خود تصدیق کرده
 باشد و هر کس مانا باشد و برای خویشانی که میراث نمیرند چیزی وصیت
 کند اعمالش محسوس ختم شود و حضرت امام جعفر صادق فرمود که هر که
 پیغمبر فرمود که هر کسی که وقت وفات وصیت را خوب کند مروت
 و عفتش را تقویت نماید و رسیدن که وصیت چنان باید کرد فرمود چون
 حالت موت باشد بگوید و مردم جمع شوند بگوید اللهم فاطمنا الشهاد
 و الاثر علی العقب و الشهادة الیهون الخیم اللهم است
 ائمت الیه فی دار الدنیا الی ائمت الیه الی الله الی الله الی الله الی الله

لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسول الله صلی الله علیه
 و آله و ان الحسن و الحسین و آلنا حق و ان البقیة حق و المناجاة
 حق و القدر حق و المیزان حق و ان الدین کما وصفت
 و ان الایمان کما شرعت و ان القول کما حدثت ان
 القرآن کما انزلت و انک انت الله الحق المبین جزی الله
 محمدا و عتاه خیر لجزاه و حیاه الله محمدا و آل محمد باک الا
 اللهم باعدت عنک عذابی و یا صاحب عنده عذابی و یا ولی
 عندی عذابی الحق الیه انا الی لا یکلفی الی نفس طرفة عین الی الله
 فانک ان یتکلی الی نفس طرفة عین کنت اقرب من الشیر
 و ابعد من الحیر و الشیر فی القبر و حق و یجعل فی عهدنا
 یوم القیام منسوقا اعدان هر وصیت که خواهد بگوید و آنچه در
 شیخ طوسی رحمه الله و مصلح که فرموده که اول آنس بگوید بسم الله
 الهم الهم ائمتنا الی الله الی الله الی الله و حدیث لا اله الا الله
 ائمتنا ان محمدا عبده و رسول الله صلی الله علیه و آله و ان الحسن
 و الحسین و آلنا حق و ان البقیة حق و المناجاة حق و القدر حق و المیزان حق

يَعْتَمِدُ فِي الْقُبُورِ عِدَارَانِ ابْنِ أَبِي سَيْدٍ لَيْسَ اللَّهُ الْعَلِيَّ الرَّحِيمُ
 تَحْمِلُ الشُّرُوحَ الْمَشْكُونَةَ فِي هَذَا الْكِتَابِ أَنْ أَخْلَاهُمْ فِي اللَّهِ
 فَلَانِ بْنِ فَلَانِ تَحْمِلُهُمْ وَأَسْتَوْعِدُّهُمْ وَأَقْرَبَهُمْ أَنَّهُ يَنْتَدِ
 أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنْ عَلِيًّا وَآلَهُ اللَّهُ وَآلِهِ أَمَامُهُ
 وَأَنْ الْأَمَّةَ مِنْ وَلَدِ الْأَمَّةِ وَأَنْ أَوْفَقَهُمُ الْخَيْرُ وَالْخَيْرُ
 وَعَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعَلَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَنُوحٍ
 جَعَلَ وَعَلَى بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلَى بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحُسَيْنِ
 عَلِيٍّ وَالْفَاطِمَةُ الْحُجَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنْ مُحَمَّدٌ خَيْرُ الْأَنْبِيَاءِ
 حَقٌّ وَالشَّاعِرَاتِيَّةُ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنْ اللَّهُ يَبْعَثُ مَنْ فِي
 الْقُبُورِ وَأَنْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَسُولُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ
 وَأَنْ عَلِيًّا وَآلَهُ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَآلِهِ مُحَمَّدٌ بِالْإِثْرِ رَيْبٌ شَارِكٌ وَقَالَ وَأَنْ فَاطِمَةُ بِنْتُ
 رَسُولِ اللَّهِ وَبَيْنَهُمَا الْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ وَالْطَّاهُ
 إِمَامًا الْهَدَى وَقَالَ الْأَمَّةُ وَأَنْ عَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعَلَ أَوْفَقَهُ

وَعَلَى

وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا لَمْ يَكُنْ وَالْحُجَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَمَامُهُ
 فَادَّةٌ وَدُعَاءٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحُجَّةٌ عَلَى عِبَادِهِمْ عِدَارَانِ ابْنِ
 تَحْمِلُ شُهُودًا وَتَحْمِلُ ابْنِ أَبِي سَيْدٍ عِدَارَانِ شُهُودًا وَتَحْمِلُ شُهُودًا
 اللَّهُ وَالشَّهَادَةُ وَالْإِقْرَارُ وَالْأَخَاءُ مَوْدَعَةٌ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقَرُّ عَلَيْكَ الشَّاهِدُ وَتَحْمِلُ اللَّهُ وَتَحْمِلُ
 عِدَارَانِ مُحَمَّدٍ رَاجِدَةً شُهُودًا وَتَحْمِلُ مَوْجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً
 جَرِيدَةً وَتَحْمِلُ رَاجِدَةً كَذَرَةً وَتَحْمِلُ رَاجِدَةً رَاجِدَةً وَتَحْمِلُ رَاجِدَةً
 وَتَحْمِلُ رَاجِدَةً وَتَحْمِلُ رَاجِدَةً وَتَحْمِلُ رَاجِدَةً وَتَحْمِلُ رَاجِدَةً
وَدَعَمَ وَآوَابَ مَا تَحْتَقِرُ رَدِّتِ رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً
 احْتَقَارِ مَيْتِ رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً
 كَرَامَتِ رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً
 يَدُ وَتَحْمِلُ رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً
 رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً رَاجِدَةً
 يَا تَنْ تَقْبِلُ الْيَسِيرَ وَتَعْفُو عَنِ الْكَبِيرِ أَقْبَلُ وَتَقْبِلُ الْيَسِيرَ
 وَتَعْفُو عَنِ الْكَبِيرِ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفْوُ الْعَفْوُ وَرَدِّتِ كَرَامَتِ

این پیش پا بر خیزد بعد از هر هزاران ده ساله نازل شود که برایش استغفار
 کند و شش هزاره پیش نماید و روزگار نراند و چون شش مرتبه پیش
 ارا که بقین رجش شود و بعد از شش ایام باشد چنانکه گفته باقی باشد
 که چون چنین کند خدای تعالی رحمت متوجه او شود و ملائکه متوجه شوند که
 بقین رجش شود و اگر نفع روح دشوار باشد بر جای مانده که در آن
 بسیار میگردانند و بخوابند و در وضو نشود و نیز عرویت که درین حالت
 پیش چاکلن سوره و القافات خوانند که اگر روز نجات یابد و در وقت
 احضار جیب و ماضی حاضر نباشند که ملائکه متوجه شوند و چون بقین
 رجش شود و دستهایش را در گرفته و پیش را به بندند و پیش را بسجده
 و در وقت خیم بکشید که بگوید اللهم اغفر لعلان و اذقم حجتی
فی المهدیین و اخلقه و عقیقه فی العارین و اغفر لنا
و لک یا رب العالمین و باز نامه کاش بگوید اللهم اغفر لعلان و اذقم حجتی
و عقیقه فی عقیقه حجتی و میت را تنها کند از مذکوره شده
 در و تفرق کند فصل سوم در تجزیه میت مرویت از اهل بیت طاهرین
 که اگر میت میت که روز و شبش کند و نظر طلوع و غروب نماید بکشد

و یکی

و هر کس مومن را غسل دهد در آنوقت بگوید اللهم هذا عبدک و رسولک
المؤمن و قد اخرجت لوجه منته و عرفت بیکه ما تعفون
عقوبک بگوید که کاش پیش عیسی که بر اثر مرده شود و اگر خوابدین بگوید
 عفو ک عفو ک خدای تعالی از او عفو نماید و نیز عرویت که هر کس را
 غسل دهد عیوبی که از او پند چنان دارد و بکسی بگوید اگر نه پاک
 چنانکه از مادر متولد شده و بهر موی از او ثواب حق را بجا یابد و بعد
 برایش بند شود و اگر عیوبش اینها ندارد اجرش باطل شود و
 عیوبش در دنیا و آخرت رسوا شود و هر کس مومن را کفن کند چنان
 که روز قیامت او را کسوة داده باشد و هر کس قبر برای مومن
 بکند چنانست که تا روز قیامت او را خانه فاسبی داده باشد و
 خدای تعالی جسدش را بر پیش حرام کند و خانه در پشت عطا نماید
 و کفن هر چه قیمتی تر باشد افضل است و اگر کسی در حیث خود تهنیه
 کفن برای خود کند هر چه که نظر بر آن کند اجر یابد و دو جریده
 از چوبی تر است که از آنرا کفن نماید باشد افضل است و اگر نه چوب نار
 و اگر نه هر چه پاک باشد و مرویت که تا طلوع و در جریده باقی است

عذاب و حجاب ازیت دفع شود و نیز مرویت که عذاب حجاب هر کس باشد
 باشد که میت و من قبر شود و مردم متفرق گردند پس چون حجاب است
 باشد از عذاب بکشد این باشد **صل چهارم در نشستن جردفات**
و دیدن جازیه شیخ و ترسوع آن مرویت را میت را میت طهرین که چون
 جردفات کسی بشوید بگوید ایا شتر و ایا اید را چون اللهم کفنه
 فی الخشبین و اجعل کتبه فی علیین و اخلط علی فیه
 فی الغارین اللهم لا تحرمنا اجره و لا تقبضنا بقد و اعف عنا
 و لا تجرمنا جازه و یند بگوید الله اکبر هذا ما وجدنا الله و
رسوله اللهم زدنا ایمانا و تسلما للحمده الذي
تقرنا بالقدرة و هم العباد طاعت جرح و شسته در آسمان
 نماند که اگر آواز او بگوید و اینا چون جازه یند بگوید اللهم کفنه
 فی الخشبین من السواد المختار و هر کس جازه را از چهار جانب
 بگیرد و چپ کپره از او آرمیده شود و رویت بکشد که هر کس کپاره
 جازه را بگیرد میت پنج کپره آرمیده شود و اگر هر چهار طرف را
 بگیرد از گناه پاک شود و چاکر از ماد و متولد شده و در وقت کز کف می

و صلوات الله علیه

بسم الله و صلوات الله علی محمد و آله و سلم اللهم اغفر للمؤمنین
 و المؤمنات و اولی جانبیپ تابوت را با دوش است خود بگیر و این
 تبر یا زینت تابوت برود و جانب راست تابوت را با دوش چپ بگیرد
 و چون میت و من قبر شود و منکی نماند که اول تخته نوشت است و اول تخته
 جمعی که با جازه تواند ماند مغفرت کن دانی شان و هر کس شیخ جازیه
 چهار قیراط ثواب برایش نویسد یکی برای رفاقت و یکی برای نماز
 و یکی برای نظارت و وقت فارغ شدن و یکی برای تعزیه و رویت دیگر کند
 که هر کس شیخ جازه کند و بکشد و دفن کنند و حاکم بر و زنده بماند
 که آمده باشد یک قیراط ثواب نویسد و هر قیراط مثل کوه احد باشد و خدا
 ملک بر و موکل شود که شیخ کند و برایش استغفار نماید و رویت
صل پنجم در ناییت مرویت را میت طهرین که هر کس برستی نماز کرد
 جبرئیل با هفتاد هزار فرشته برو نماز گزارند و کند که شسته و آید و
 آرمیده شود و طریقه آن چنانست که چپ کپره بگوید میان هر دو کپره شانه بگوید
 و صلوات بفرستد و برای میت دعا کند و غایت کز خصوص عبادتی و حجاب
 بکشد عبادت که باشد عزت و نفس میت که اگر مومن باشد میان هر دو کپره

بنی موبد اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له فان محمد عبده
 ودعوه انا لله وانا اليه راجعون الحمد لله رب العالمين رب
 الموت والحيوة صل على محمد واهل بيته حرما الله محمد اعلمنا
 بحقيقة ما صنع بامته وما بلغ من رسالات ربه اللهم
 عبدك ابن عبدك ابن امتك ناصية محمد وخلاص الدنيا
 واجتباي الى الله كانت عن عبدك محمد انا لا اعلم منه
 الا خبرا وانت اعلم اللهم ان كان محمد اقرب في الحسن
 وقبول منه وان كان شيئا فاعف عنه ذنبه وارحمه وجاهد
 عنه بهنك اللهم الحقة نيتك وتبين بالقول الثاني في
 الحقة الدنيا في الخيرة اللهم اسلك بنا وبيته سبيل الهدى
 واحمدنا وانا صراطك المستقيم عفو عن عقوقك وديت
 چون چهل کس بیت نماز کند وگوید اللهم انا لا اعلم منه
 الا خبرا خدا می تالی فرماید شهادت شمار قبول کردم و آن که
 من میدانم و شما نمیدانید آفریدم و اگر میت مستغفرا باشد بعد از
 شهادتین سلوة بفرستد و برای مؤمنان دعا کند و بعد از آن بگوید

السلام

اللهم اغفر للميت تابوا و اتبعوا سبيلك و عظم عذاب الجحيم
 و اگر محبوب باشد یعنی در پیش معلوم باشد بعد از دعا می خواند بگوید
 اللهم ان هذه النفس اتت احبيها وانت اميتها اللهم
 و لها ما تولك واخترها مع من احببت و اگر طفل باشد بگوید
 اللهم اجعله لا يؤذي و لا يذو و لنا سلفا و خطا و اجرا و فضل
 پشته رشتش را ناز نباید کرد و چون شش سال تمام شود بگوید
 و چون بالغ شود واجب شود و اگر غافل مذمب باشد بگوید اللهم
 عبدك الف لعمرك مؤلفه عتير مختلفه اللهم اخبر
 عبدك و عبادك و بندگانك و احوالهم تا و اوقه اسند
 عذابك فاكد كان يلقي اعداءك و يعادي اولياءك و بعض
 اهل بيت نيتك و دين نماز که چهار کبریا می خواند و چنان حضرت میفرماید نماز
 برنا حقیر چهل کبریه **فصل ششم در بیان قیوم و آیت فی ربه و بیت اهل بیت**
 که امرات خود را از امان می دور کشید و مکان شریف برای قبر خستار کند
 که سائید و بنی چنانکه در مذکر نفع میرساند بعد از آن نیز نفع میرساند و چنان
 که میت را یکم تیر شستاب داخل قبر میکند بگوید و سر فراغ دور تر از قبر باقی

بمذاری که تهنیت جواب سوال بگوید و کسی که درون قبر مردود بدو تهنیت
 نماند و مرد و یا بر سر کند و بنده ای جا بر کشید ویت را اگر در باب
 از جانب ای قبر داخل کند و کسی که در حق مشهود وقت در حق
 شدن بگوید ینم الله و یا الله و علی علیه السلام رسول الله صلی
 علیه و آله و چون میت را بگوید ینم الله و یا الله و علی
 علیه السلام رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم لا تحزنک
 لا اله الا انت اللهم افسح له فی قبره و لفته حجت و بنه
 بالعتل الثابت و قنا و ابا عذاب العبر پس ستاده کند
 و الله و قل هو الله و عودین و آیه الکری خواند و چون در قبر بگذارد
 ینم الله و فی سبیل الله و علی علیه السلام رسول الله صلی الله علیه
 و آله اللهم یا ربی عبدک و ابن عبدک ترک لیک و انت
 خیر منقول یم الله ان کان محسناً فزد فی احسانه
 و ان کان مسیئاً فجاوز عنه و اوفیه بنیه محمد صلی الله
 علیه و آله و سلم شعبه و اهدنا و اباة الی صراط
 مستقیم اللهم عفوا عفوا اللهم اجعلها ارضه من

در ذکر

و یا حی و یا قیوم و لا تجعل الخفرة من حق التبتل ان و ستر برایت
 استغفار کند ویت را در و بعد بر پهلوی راست بخوابد و بنده کنی از سر
 کشید و روی را به پیش را بر سر کرده بر خاک گذارد و قدری ترست متعل
 با او بگذارد و بعد از آن دست چپ را بر روی چپیت که ششم مرتبه کشید
 و هر دو بگوید ای خدا من چون از تو سوال کنم بگو ای الله دینی و محمد نبی
 و الایله و بیخه القرآن الکریم و علی امامی و الحسن و الحسین
 و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن و الحسین و جعفر
 القاسم و الکتبی و غیره و بگو پس اعا و کند و بعد از آن بگوید وستی
 او زبان روح خواهد گفت می پس بگوید یتبتک الله بالقول
 الثابت و هذک الی صراط مستقیم عرف الله یتبتک
 و ین اولیایک فی مستقر من رحمت و بعد از آن بگوید اللهم
 خاف لا ارض عن خبیثه و اضعید بر وجه الیک و لفته
 منک برها تا اللهم عفوا عفوا و در وقت خست چنان
 بگوید اللهم صلی و خذته و ایت و خسته و اسکن
 الیوم من رحمتک رحمة تغنیه بها عن رحمة منک

و چون نماید بر وی بگوید **اِنَّا قَوْلُ وَاِنَّا الْيَوْمَ لَجُوعٌ وَكَلْبٌ**
لَهُ دَعَا الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اَرْفَعْ دَرَجَتَهُ فِي اَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ
وَاخْلُفْ عَلٰى عَقِيْبِهِ فِي الْغَايِبِ يَارَبِّ الْعَالَمِينَ و از طرف
پایین قبر بر وی آید و چون حال بر قبر ریزند هر کس در حق جان در دست
گرفته بگوید **اِيْمَانًا بِكَ وَتَصَدَّقًا بِعَفْوِكَ هَذَا مَا وَعَدَنَا**
اَللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اَللّٰهُ وَرَسُولُهُ و بعد از آن بریزد بر قبر
از آن حسنه برایش و نرسد و توبه است مرتبه و بابت توبه و عین و چون
جان ریزند که موجب توبه است قبش شود و غیر آن جان که از قبر بر وی آمده
و مثل کند که بریت بکشد شود و قبر را بعد از چنانکه از زمین بلند کردند
و مرتبه بماند و آب بر روی ریزند البته از پیش مرز جانب قبله کند و از پیش
رو بگرداند از زیر پاد بر بگذرد و بعد از آن بر میان قبر ریزد که تا می ماند
باقی باشد از عذاب قبر ایمان باشد و بعد از آن دت بر قبر که از چاکه کشان
گشود باشد و در خاک فرو برند و بگویند **اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ خَشَعْتُ لَكَ اَحْسَمُ**
عُرْبَةً وَاَمِنْ دُعَاةٍ وَصَلِّ وَحْدَتَهُ وَاَسْكُنْ اِلَیَّ مِنْ جَنَّتِكَ
وَعَلَّیْ تَسْتَعْفِیَّ عَنِّیَّ عَمَلٍ مِنْ سَوَاکَ وَاَحْسَبُ مَعَّ مَنْ کَانَ

و حضرت با هم مراد می فرمودند و چه شود اگر این بیت عاقبت نکند و نکران
خود دفع کنند کسی برسد چون کند فرمود و بعد از دفن کردیم هم مقرر
شوند کسی که اولی بیت باشد و من پیش مریت برده با و از بلند بگوید که
يَا قَلَانُ بْنُ قَلَانٍ هَلْ اَنْتَ عَلٰی الْعَمْدِ الَّذِي ظَنَرْتَنَا عَلَيْهِ
مِنْ ذَا الدُّنْيَا نَحْنُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اَللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ
وَاَنْتُمْ اَنْتُمْ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ سَيِّدَا النَّبِيِّينَ وَاَنْ عَلَيَّ اَمِيْرُ
الْمُؤْمِنِيْنَ وَصَيِّدَا الْوَصِيَّيْنَ وَاَنْ مَا جَاءَكُمْ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ
وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ وَاَنْ الْمَوْتُ حَقٌّ وَاَنْ الْبَقِيَّةُ حَقٌّ وَاَنْ السَّاعَةِ حَقٌّ اَمِيْرُ
لَا رَيْبَ فِيْهَا وَاَنْ اَللّٰهُ يَغْفِرُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَاَنْ اِيَّاهُ يَكُونُ مَكْرَمٌ
كُلِّ يَوْمٍ يَرُوْهُمُ كَمَا تَقِيْسُ كَرِهَ شَدَّ **فصل نهم در نه بیت مصیبت**
مردیت از این بیت طهرین است که چون کسی مصیبت رسد یا مصیبت
رسان حضرت پیغمبر را یاد کرد که عظیم ترین مصیبت است و صبر کند بر طاعت
کند یعنی بگوید **اِنَّا نَشِيْدُ اِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ** و حمد خدا کند که چون چنین کند
رفا بقضای خدا داده و او پیش بر خدا باشد و اگر صبر کند خدا خود
گذشته باشد و اگر پیش بر او شود و در پیش خدا اندام بود و هر کسی

درین وصیت بفرموده خدای تعالی سید درجه برایش بنماید که در آنکه
 میان هر دو درجه مثل این آسمان و زمین باشد و چون صبر کند و آتیا
 بشود و آنرا آید را چون گوید خدای تعالی فرماید صلوات بر وجهت برو
 فرستم و از زمره هدایت یا حکمتان شمارم و کن شمس را بهر سایه فرستم غیر
 از کن بر و اگر این عبارت را نیز اضافه آن کند اللهم اخرجني من الدنيا
محييتي واخلق لي خيرا فاما خدای تعالی بفرمان عطا فرماید
و هر مرتبه که مصیبتی بیاید آید اگر چه بعد از بدتی باشد بگوید آتیا
و آتیا آید را چون و الحمد لله رب العالمین اللهم اخرجني من الدنيا
و اخلق لي خيرا فمنها ما هو اول مصیبت ده شته باشد و از
مرتبه که بیشتر ازین گفته باشد حال ممکن باشد شود و در وقت
که چون فرزند کسی بفرموده خدای تعالی از ملائکه پرسد که ازنده می فرزند و بگوید
که خدای تعالی فرماید چه گفت گویند استرجاع و چه کرد پس بگوید که در بدت
خاندان برایش نماند و خاندانم نمیکند و نیز در وقت که یک فرزند بگوید
بیشتر از بدت و بدت برای او از خدای تعالی پرسد که بماند و همه مادر را خدا
جدا کند و نیز در وقت که خدای تعالی که بفرمان است که فرزند مومن را از او جدا

بفرمان

و بعد از آن هرگز او را هلاک کند و افعالی بیشتر برونند و الیه ی امان
 و در رخ دور کنند و دست ایشان گرفته و چل بست کنند
 کسی پرسید که اگر کسی از فرزند نباشد ازین فضل محروم خواهد بود
 فرمود و برادران مومن بهر بجای فرزند یکدیگر کند و در وقت که اگر
 مردی در مصیبت است بر زانو زند یا کشتی سکنه نوحه باز کند
 ابرش اعلی شود فصل ششم در توبه و توبه و اگر چه تمام مرتبت
در اهل بیت طاهرین هم که کسی را توبه کردن و تسبی و دان مورت
بشست و هر کس صاحب مصیبتی را توبه کند مثل ابر او باید بی انکار از
چیزی کم شود و هر کس زنی مصیبت رسیده را توبه کند خدای تعالی
او را در سایه عرش خود پناه دهد و روزی که بچکس پایا باشد
و هر کس محرومی را تسبی دهد روز قیامت او را خدا زیارت
پوشاند با زینت و بهجت تمام و در وقت که مردی سیرت حق
کرده بود و خزع و بی تابی میکرد حضرت صادق علیه السلام توبه او رفته
فرمود و خدا در مصیبت رسول الله صلی الله علیه و آله که عظم مصیبت
گفت پسرم پر بود و صاحب بود و خزع می اینچند است فرمود و بفرمان سرخ زدن

دارد شهادت لا اله الا الله ورحمت بی نهایت خدا و شفاعت رسول
 یکی از این سه شهادت است از وفات بخوابد شد و مردیت که هر کس
 متعلق احوال مبتدی شود آنقدر که او مستغنی گرداند بهشت او را
 واجب شود و هر کس از روی ترجم دست بر سریتی بمالد بعد موی
 از آن برایش حسنه نوشته شود و در ذریقت بعد از هر یک از آن مو
 نوزی عطا فرماید و چون نیم گردید عیش برود و پس از آن
 فرمایند که این بنده را که در کوی پیر و مادرش را زود کند نام میگذارد
 بهشت و بعد از ارتقاء مقام که هر مومن که او را تسبیح دهد بهشت برای او
 و جب که دائم **حاصل** **نعم** در هر یک برای **حیث** و **احالی** که با **نفع** **میرساند** **میرسد**
 از این بیت طهری که چرخ بهشت است تراشید اول گذر در پیش
 اول بهشت بعد از دم کند و اگر مقدر نشود و در کفست نازک زاید درشت
 اول بعد از طهر آیه الکرسی بگردد و در دو نماز آنرا ده مرتبه بخواند و بعد از
 سلام بگوید **اللهم صل علی محمد و آل محمد و ابعتنا همما الی قیوم**
 فلان که هفت صدای قنای هزار ملک بقر او فرستد هر کدام باطل از
 بهشت و برتش را و پس کرد و اندام و فریقت و برای کسی که این کار را کرده

چهل درجند کند و بعد در هر یک آفتاب بر و تابد هفت عطا فرماید
 و هر کس بقصد میت تقدیم کند خدای قنای او فرماید که هزار ملک یک
 طبقی از نوز در دست بقر او در آید و بر و سلم کند و کونین
 و نه خطیست که برای تو فرستاده و آنکس را در بهشت هزار شهر قرار
 حازی و هزار ملک عطا فرماید و هزار جانش را برابر او و هر کس برای
 علی خیر نماید مثل نماز و روزه و حج و طواف زیارت و صدقه و
 و عشق رقیه و متن و تفران و غیر آن هر یک که در وقت باشد صدقه
 اجزا را داده برابر یا بیشتر مضاعف گرداند و میت را از آن نفع
 رساند و عهدش تخفیف دهد اگر چه کار فرماید و گاه باشد که میت
 در سنگای عذاب باشد که خدای قنای او را از آن نجات دهد و کونین
 نجات بسبب پدری فلانی است و میت از هدیه و دعا و استغفار که برایش کند
 خوشحال شود و چه کس بلکه در مضایق ادبیک نازاج یا غیر آن هر یک
 توان کرد و هر که ام **توبه** **علی** **عنه** **رسد** و میت خود هر عملی که در این
 حیوة کرده باشد مثل تصنیف و صدقه و کتابت مصحف یا کتابت یا درختی بنام یا
 آنی کند یا کسی تعلیم ضری یا دولت بخیر یا غیر آن از اعمال خیر که اثری از آن

قلب حمت کند از آتش نجات یابد و خندان در حل بهشت شود و اگر
 در مقبره سوره تسبیح بخواند بعد از اهل آن مقبره برایش حسنت بگشاید
 و عزایاران مقبره تخفیف دهند و اگر آنرا کسی بخواند و توپش را
 با مل تسبیح برپا کند بعد از هر حرف از آن ملکی برای او پیش کند
 تا روز قیامت و اگر بایزده مرتبه قل خواند بخواند و توپش را با مل
 مقبره برپا کند بعد از دهستان توپ حسنت یابد و اگر تسبیح قری
 کند شصت و نه مرتبه آنرا از ناله بخواند از فرغ اگر قیامت این باشد
 و او صاحب قبر مرد و آفریننده شود و خدای تعالی ملکی را فرستد
 که در پیش آن قبر عبادت کند و توپش را ای صاحب قبر نوشته
 شود و چون از قبر برود آن آید بر جمع خوف و هولی کند و اگر آنکه
 خدای تعالی از او دفع کند تا آنکه در حل بهشت شود و هر وقت
 از حضرت پیغمبر که فرمود اگر کسی بر سر احقر آتش بنشیند و تا اهل
 سوز تا آتش بدینش رسد دوست تر دارم که بر سر قبر بنشیند
 تا قبر تسبیح را در فریق و پاک آتش تصور ندارد و عرویت که چنان
 داخل مقبره شود بر قبور پاک کند آید که اگر صاحب قبر مؤمن باشد

راحت یابد و کند اهل ملاید تا ظاهر بهشت که قبور اکابر و الدین و علمای اهل
 ادب یابد نموده و در ویت که حرکت مؤمن بعد از مردن مثل حرمت است در
 نزدیکی **فصل در عطف و نفع و ناله مقبره و دیت که حضرت قی**
 فرمود حضرت پیغمبر در شب معراج از جانب یحیی سوال نمود که خدایا کلام علم در
 پیش تو افضل است فرمود **یا** هیچ چیز پیش من افضل از تو کلام و نفع
 یقینت من نیست **یا** و حسب محبت من چیزی را که در عبادت من مایه دوستی
 کند و در مصیبت من از هم دوری نمایند و بر من توکل کند محبت من است
 و غایت و نهایت غار و برای دوستان خود علم عتق و قرب که در
 پیش خود منب کنم علمی باز آن در پیش خلق است که دائم نشاندن جمعی که
 حاجات خود را بخلو من برسد بطور شان از حال خفیت است و لذت
 و نعمت شان در دنیا ذکر محبت و رضای من **یا** اگر خواهی از برای
 باشی در دنیا زاهد و با حضرت راغب باش گفت خدایا در دنیا چون زاهد
 و با حضرت چون رغب باشم فرمود و خود را از طعام و شراب و لباس دنیا
 سبک دار و دل در جمع و ذخیره دنیا مدار و از ذکر و یاد غافل باش
 گفت دلم ذکر ترا چون تحصیل کنم فرمود و بخلت از ناسی بعضی ترش و شیرین

و قانع شوم و خانه را متاعی نماند **یا احمد** بپیران که مانند اطفال هر چه در دست
 برپایی می کنی و هر ترش و شیرین که پیشی فریفته شوی گفت خدا یا تعالی
 فرماتا تو نزدیک شوم فرمودی شبت را باغ از پیران در روزت با هیچ شب از
یا احمد بفرست و جلال خودم که چاکلی ای من جانم چای خور نشود مگر از کمال
 شبتش که در غم زبانش را زینت داده و دلش را زینت های باطن بند
 و پند که من احوال او را می بینم و میدانم دروستی چیست بچای باشد اگر
 لذت و صلاوت که رسد کی و تا موتی خلوت و نیت آرزو را با هیچ
 چیز بران خیار کنی گفت بچه اینها صیبت فرمود ملک و معرفت حفظ
 دل از زینت های باطن نزدیک جدا و زهد در دنیا و خردن دایم و حق
 مؤنت و کلام حق **یا احمد** میدانی چه وقت بنده من نزدیک شود گفت
 فرمود و دید که گرسنه باشد یا در سجده باشد **یا احمد** عجب دارم اگر گرسنگی
 در نماز میدانم که در پیش که استاده و با که در حاجات و با احوال
 خواب آلود می باشد و کسی که وقت بیک روز دارد و فکر فردا میکند و کسی
 میداند که من از روی صمیمیت می خنده می کند **یا احمد** در بخت هرگز از
 لوطی که هیچ محضی ندارد و خوش نباشد که آن نباشد هر روز و بخانه

در تبه برایشان نظر کنم و حکم نایم در هر نظر نهاد و برابر پادشاهی و پادشاهی
 بپیرانم و دید که اصل جنت بطعام و شراب ملته و مستم باشند ایشان
 محو لذت و کرم و بهرانی می باشد گفت ایشان کی اند فرمود آنانند که
 زبان از فضل کلام و شکم از فضل طعام بسته اند **یا احمد** محبت با خدا حق
 با فقرات و نزدیک با ایشان گفت هر که اند فرمود آنانند که از دنیا بطلی
 را نمی باشد در رفت سگوار و در شدت صبور باشند و با کسی شکایت
 نکنند و دروغ نگویند و دنیا و دنیا فرحان و بقدر آن غمناک شوند **یا احمد**
 دوستی با من و دوستی با فقرات اگر خواهی من نزدیک شوی یا نزدیک
 کردن و اگر خواهی از من دور باشی ایشان را از خود دور کن که ایشان دوست
 منند **یا احمد** خود را با لباس های ارک و طعام های لذیذ و با طهای نرم بپار
 که نفس او ای هر شرور و ریشخند هر سوء است که شربط قدیمی آنی ترا بصیبت
 میخواند و طاعت نمی گفت و در مصیبت موقت می کند اگر گرسنه شود بگوید
 کند و اگر سیر کرد و سرگشتی از سر گیرد و اگر فقیر شود و غنی شود و اگر
 مستحق گردد و بیکر شود و اگر از حوائش این که در دافعه اخلاقی شود نفس
 ترین شیطان نفس مثل شتر و غنای بسیار می خورد و بار بر می دارد و مثل

و فنی است و دخی کی میت که بفارسی خزانره گویند کفش کل سحر
 شیه است و زهر قاتل است رکش خوش آئینه و طمش تخت **یا احمد**
 دنیا و اهل دنیا را و شمی آخرت و اهل آخرت را دوست و اکت خدایا
 ایشان بکشته فرمود اهل دنیا کیسکه غضب و خورون و خنده و خفتن
 بسیار باشد و قیمت خود را نمی شود و چون با کسی بد کند عذر خواهی کند
 و چون کسی را عذر خواهد قبول کند در طاعت کامل و ناتوان و در محبت
 و لبر و توانا آتش طویل آتش قریب محبت نفس خود کند و زینده
 که چه میکند قیل العلم کثیر الکلام بر محبت خود نرسد و ارجاع خود
 نیندیشد و زینت سکور و نه در محبت صبور باشد خود را تاب آورده
 ستانید و کالی که نذرند دعوی کند و عیب ناسنجید **یا احمد** عیب
 اهل دنیا بسیار است اهل جهات و حماقت و صاحب کبر و منکلات
 و پیش مردم عهده و در پیش فانیان جلا **یا احمد** اهل آخرت رویشان
 کنند و حیای شان بسیار حق و مکر شان قلیل و غیر و نفع شان کثیر
 مردم از ایشان در رحمت و ایشان از خود در قس کلام شان سنجیده
 و با عقل و همیشه در سبب نفس چشم شان در جواب و دل شان سپیدار

چرخ

چشم شان گریان و دل شان بگر خدایا و در که رو میگردم را از غافلان
 نویسد ایشان را از ذکر ان نویسد و اقول نعمت همه شیوه و در آخر
 سکر پیشه و عاتقان مستجاب و در پیش خدا مرغ و کلام شان مجرب و بی
 و ملک با ایشان جسته و دماغ و کذا از ایشان معفو و عمار اهل طاعت
 پر و کی کنند و جبال را بجهت هدایت نمایند موت هر کس بگریه باشد
 و ایشان از شدت جاده نفس می خفت و او موس و وزی عفا و
 مرتبه میرند از ضعف و ناتوانی بر باد می بلرزند و در وقت عبادت چون
 ستون محکم بایستند و دل شان خالی از هر شغلی غیر خدا نیست و اهل
 خدمت که چون روحش معارف کند زندگی خوشی زندگی شکر و انعم
 و حکاموت را بر و مستطع کند بلکه خود متولی بقض روحش شود و درگاه
 آسمان برای روحش بگشایم و جابجا از پیش خود و او بر دارم و شتاب
 امر فرمایم زینت کنند و حواله عین را میثاق تا تانت کنند و ملک را تا
 بر ایشان صلوات فرستند و در خاتمه تا بیاوند و میوند را تا خود را
 بیاوند و باد می از باد می زیر غوش را میایم که کوبهای مشک کافور
 برای او بی آتش بخور کنند و در میان من و آن روح هیچ پرده و مانعی

نباشد و از روی مطلق و اکرام و رحمت و صفای پیش خود خوانم ای
 کاش به پی که ملاک چون او را بدست میکشد اند **یا احمد** اهل آخرت
 طعام کو را نبار شده خدای خود را شناخته اند و از نصیب محزون
 نشوند تا سیاحت خود را دانسته اند و همیشه بر کاه خود گریان باشند
 و از عبادت فرصت استرجحت نیابند و بسیار از دنیا راحتی بود
 و چون میرند بر جنت رسند مونس ایشان اسگ چشم شانت که
 در شبها بروی شان روان شود و همیشه ان ملاک باشند
 و هر زمان شان خدای بزرگ شان در شان در سینه از غایت حق
 و الم مجروح همیشه مشتاق آخرت **یا احمد** میدانی که راهدان
 در پیش من چه رتبه دارند گفت نه فرمود روز قیامت که خدای
 هم که رفتار حساب باشند ایشان را ان ایمن باشند و کمترین عطیه
 که بایشان عطا کنم اینست که کلید های بهشت هم را بایشان دهم
 تا از هر در که خواهند درون روند و ایشان را در مقام خوشی
 در پیش خود بنشانم و انوار لدت را تکامله خود بایشان عطا کنم
 و چهار در بر ایشان بگشایم یکی آنکه همیشه کرامات و عطا باشد

لی ایشان

من بر ایشان و اصل شود یکی آنکه هر وقت خواهند بیشت و تب
 تا شای می کنند یکی آنکه هر العین خدام بر ایشان و اصل شود گفت
 خدا یا این راهدان کی نند فرموده آنکه دل نیستند بجای که از
 خرابیش غمگین شوند و بهر زندی که از دستش محزون گردند نه مایه
 از نفس مهموم و نه با کسی تشنه اند که یک لقمه ایشان مانع شود از خدا
 و نه زیاده قوتی دارند که ایشان مواکفند و نه بجای که از غم می آرند
یا احمد روی راهدان رز دست از تعب عبادت است و روزی روزی روان
 شان کنند مگر در گذرادهای شان در سینه از کثرت محافت
 از دوا پاره پاره و بدن شان از کثرت مجاهده زار و زار و در کمال
 سعی در عبادت بی آرام و بی قرار یکی نه از شوق حجت و نه از خوف نارنگ
 چون خدا را شناخته و اهل عبادت یافته سیر عبادت کرده اند
 از بهشت من کسی این مرتبه عطا فرموده **یا احمد** این در جوار کمال است
 از بهشت تو و غیرت تو گفت خدایا زنده کدام است بیشترند فرمودند و بسیار
 که در میان زنده آنکه مثل کوی سیاحت در کاه و سفید حضرت پیغمبر فرمودند از
 خدا را احمد و شکر بسیار نمودم و بسیار از او کار کرده کفتم خدایا بر ایشان رحمت کن

[illegible]

۳۸
مشاهده کند و قبرش را متور کند و نام و شدت موت و قیامت بر او یاد کند
قیامت زبند و نصب میران و نشر دیوان برایش کنم بعد از آن کجایی
می افتد و کجایی بر بخیزد تا آنکه از راه بگذرد و ملک این بنده خود را
بالاتر از همه ملک کرد و نام و نسبت و نعمت برایت را برای او مقیاس کنم و کشتی
مستغرق معرفت خود کرد و نام و چون ملک الموت بر او نازل شود
گوید خوشنت باد که خدای تعالی مشتاق مت است ای دوست خدا
در دای آسمان که احوال تو از آن بالا میرفت و محراب معصای تو همه
بر تو گریه میکنند و ملائکه بر سرش ایستاده باشند هر یک جای گرفته
و جایی از شراب بهشت در دست چون روحش از بدن بر آید
از آن آب شراب با و دهند تا سکر است و تخم موت نایل شود و خردانی
و دهند پس از دست ملائکه بردارند و بر پیش خدا رود و کمر خیزم
بر هم زدنی و میان او و خدا هیچ حجابی و مانعی نباشد پس در رطاب
رست عرش بنشیند پس خدای تعالی از او سوال کند که دنیا را چنان کنش
گوید بعزت و جلال تو که از بس جعفر تو دهمم از دنیا خبر ندانم
پس خدای تعالی گوید راست میگوئی اگر چه هرگز در دنیا بود اما هرگز

عیشه پیش با بود و من از نظر هر دو بافت خبر دارم هر چه خواهی بگو کن
تا عطا کنم در چهار می یکی این در حقیقت می بخیر پس آن روح گوید تو
معرفت خود بمن عطا فرمودی که با آن از همه چیز مستغنی شدم بعزت
و جلال تو که اگر مرا بنده از بند جدایی کردی یا نخواهد بود بر می گشتند
بسیج تری گشتی که رفقای تو پیش من از همه چیز بهتر بود و می خویش
مغز و ریاشتم که هر چه دارم از تو دارم اگر تو مرا اگر کم کنی و بی نیل
می بودم و اگر تو نصرت نمیدادی مغلوب می بودم و اگر تو تقویت
نمیشد و بی نصیحت می بودم و اگر تو مرا زنده نگذاشتی و میکشیدی
می بودم و اگر تو مرا بر حمت نمی پوشیدی اول مرتبه که معصیت میکردم
رسوای می شد چون رفقای تو بخوانم که عقل مرا تمام کردی که ترا شایسته
و حق از اجل استم و از تهی و علم از جمل و نور از ظلمت تیر کردم
پس خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که میان من و تو هیچ
حجاب نباشد تا هر وقت که خواهی پیش من آئی و با دوستان خود چنین
کنم **یا احمد** میدانی که کدام زندگی کو اراتر و کدام حیوة باقی تر است
گفت خدایا نمیدانم فرمود زندگی کو اراتر است که صاحبش از تو گزیند یا حیات

نشود و نعمت را فراموش نکند و از غفلت بگریزد و حق را بشناسد و شکر
 در روزی بر راضی می باشد و اما حیوة باقی کسی را در کفایت می کند
 تا دنیا در نظرش خیل شود و آخرت عظیم گردد و خواهش را برخواست
 خود چنان کند و پیروی راضی من نماید و از چنانکه عظیم است عظیم کند
 و به آنکه کسی را غفلت نیست و در روز را در نظر داشته باشد و معرفت
 می گزینان باشد و در شش اوصاف و سیم و خدای باطنی که تائید
 در دلش آید و سبط را دشمن دارد و او را می کشد و چون این طریق
 عمل نماید دلش را از حجت خود بریزد که اقامت پیوسته را برین اختیار کند و هر چه
 کند و گوید برای من کند و چشم و گوش و دلش را بکلی تمام تا چشم دل جلال غفلت
 را پند و بگوشش از سر از من شنیده و دنیا را بر و تنگ گردانم و نه های
 دنیا را از دلش بزدن کنم و از دنیا و مافیها او را بر تمام چنانکه نشان گذار
 از همه کما و موطوع کرکی ترسد و چون چنین شود از مردم گریزان گردد و از دنیا
 فانی که غایت شیطانت دل بر دارد و مشتاق آخرت که در خانه رحمت
 و بخت و سبب او را زینت کنم اینست زندگی که او را حیوة باقی **یا محمد** کیست عقل
 ناز و غمی نیست و کسی که جمل ندارد و غیر نیست **یا محمد** میانی که ترا به غیر فضل

اینکه مردم گفتند نیکو فرمود و بسبب حق و سخاوت و رحم بر خلق
 و چنین مومنانی که دنیا با ایشان محکم است باین صفات این ربنا یاد کند
یا محمد خلق قوت را برای من کن و بدست را متواضع گردان تا
 مرا که از من غافل نشوی که هر کس از من غافل شود از پروا کنم هر چه
 بود که شود **یا محمد** نعت را پیش از آنکه از دست رود کار فرمای که هر کس
 عقلت را کار فرمای خط نکند و بعدیکه ترا عطا کردم عمل غایتی علم
 اولین و آخرین برای تو جمع شود و چون چنین کنی آنقدر معرفت
 در دولت اندازم که بچشم و صف آن نتواند و بر او خیر ترا هدایت
 کنم و نور عبادت بهم و عبادت را در چشم و دولت سرین گردم
 تا پیوسته خیر را از آن دوست تر نداری **یا محمد** اگر خواهی جلاوت ایمان
 در یابی که سکنی را پیشه خود و خوشی را پیشه زبان و خوف را
 ملازم دل گردان اگر چنین کنی نجات یابی و گرنه هلاک نشوی **یا محمد**
 بعزت و جلال خودم که اول عبادت عابدین و توبه ایشان بنیست
 مگر برونه و کرسکی و خوشی و تنهایی از اهل دنیا و اول محبت
 سیری و پیاده کوئی و خلط اهل دنیا **یا محمد** چون بنده که سکنی خوشی

در صورتیکه در این دنیا
و آخرت شادمانی

پیش کند محنت او را عطا کنیم اگر چه که فریاد کند که فرشته آن محنت برود
خجسته باشد و ببال شود پس آنچه نمیدانست بداند و آنچه نمیدید بدیند
اول آنچه بیند عیوب خودش باشد تا بان مشغول شود و از عیوب مردم
فارغ گردد و در دقایق علم و حیل های شیطان و حیل های نفسش
میگردد تا نفس شیطان را بر و راهی نباشد **یا محمد** هیچ عبادتی پیش من بهتر
از کسی که خوشی نیست پس کسی که روزه گیرد و زبان از پیو ده
نبرد مثل کسی است که نماز است و قنوت کند **یا محمد** میدانی بنده
چه وقت عبادت باشد گفت نمیدانم فرمود و میگوید وقت صفت درو باشد
دری که او را از حرام باز دارد و خوشی که اگر کلام سبحانه باز دارد
و خوشی که روز بروز گریه اش زیاد شود و حیای که در خلوت
از من جدا کند و کم خوری که بعد ضرورت خورد و دنیا را دشمن دارد که
آزاد شدن دارم و خواهر از دوست دارد که من بهشت را دوست دارم
یا محمد این که کسی گوید که من خدا را دوست دارم مراد دوست خداوند است
از دنیا بقوتی و جاده سهل را می شود و عمر خود را در عبادت من گذراند
و خوشتر از پیش کند و توکل بر من کند و گریه بسیار روزه کند و مخالفت

هر او دوست کند و مسجد خانه اش باشد و علم صاحبش در پیشش
باشد و علماء دوستش و فقر از غایتش باشد و طلب از غایتش
باشد و از غیب من بگریزد و از اهل دنیا و از غایتها بگریزد آن باشد
و خود را مشغول ذکر و تسبیح من دارد و در روزه صادق باشد
و بعد و فکند و دلش از صفات و اراده و فکر های باطل پاک باشد
و نمازش از سرکش و ریاء و مقصود پاک باشد و در فرائض سعی تمام کند
و رغب شود به رب از عذاب من باشد و رستخیز و خشنود
من باشد **یا محمد** اگر بنده مثل تمام اهل آسمان درین روز گیرد و مثل
ایشان ناز کند و مثل ملائکه بپارده دست از نظم بکشد و مثل عابدین لباسهای
درشت و نایل پوشد و با این همه در دلش بقدر ذره حب دنیا بجا ریاست
یا نام یا آوازه یا زینت دنیا باشد و چرا من راه نیاید و محبت خود را در پیش
بر دارم و دلش با کسی که تمام عمر او را فراموش کند و صلوات بخت خود را بخواهد
و مگر بر تو باد سلام و رحمت من و ایضا از حضرت پیغمبر و است که خدای تعالی
فرموده ای آدمی را که تو انصاف نمی آری و ششم می آری همیشه من با تو نیست
و حق و شفقت و دوستی مرا با تو میکنم و تو با من با تو نیستی مخالف و دشمنی

میکنی خیر و رحمتی بر تو نازل شود و در دفع تو پیش من می آید بهشت
 در روز قیامت که من از تو عمل تسبیح نزد من می آرد اگر تو و صف خود را کنی
 بشوی و ندانی که ترا می گویند و من خود شوی و در وقت غیبت یا کنی تا
 در وقت غیبت یا دکنم و هم از آن حضرت مرویست که منادی از پیش عیسی ندا کند که
 ای بنی آدم خدای تعالی شما را سلام می رساند و میگوید من شما را شتاق خود کنم
 و شما مشتاق من نباشید و شما را از خودی رسانم و نیز سید شهابی فرمود
 در روز قیامت که زینب پس این راه دور و دراز را طی می کند
حضرت امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود و یا علی ترا وصیتی چند می کنم مادام که در
 حافظ کنی میشه در غیر باشی **یا** بهترین جا بهشت که چون کسی بر غیر می ظلم
 کسی در فاطمه شسته باشی هر کس مردم از زبانش ترسند از اهل و عیال و خویش
 باشد بدترین مردم است که از ترس شتر و زبانش اگر کم کند **یا علی**
 بدترین مردم است که کمتر از دنیا فروخته باشد **یا علی** بهشت حرمت بر
 هر نفسی و هر زه کوفی که از هر چه گوید و بگوید بگوید **یا علی** فلاح
 بسیار کن که قیمت برود و در دفع مگوی که نورت برود و زنتا ملال
 و کاهنی بخور راه مده که چون ملال غیبی میسر بر می کنی و چون کاهشی

و ای حق توانایی **یا علی** هر گاه را تو بهت مکر سو و خلق را که در حبس و
 خلق از سر گناه که بتوبه پروان آید در گناه دیگر افتد بگو تو آن برکت
 است **یا علی** خدای تعالی بهشت را خشتی از فضل و خشتی از نقره آفرید و گوشت
 از مایه قوت و سقش را از بر جود و یکش از زلف و یکش از زعفران
 و مشک از فکر و سینه و بعد از آن فرمود که حکم کن گفت لا اله الا الله
 القیوم سعادت یافت هر کس من شد فرمود بعزت و جلالت خود کم
 و من تو نشود شریعت و پیروی و بیعت و اعوان شد و خفت و تابش
 و فشار و قاطع رحم **یا علی** چنانکه از بهشت که که فرستاده از حقین
 و کسی که جستجوی اسرار مردم کند و بیوت و کسی که زنی را بچشم بازی
 محرم یا حیوانی را نکاح کند و کسی که در فتنه سعی کند و کسی که سلاح
 جنگ با صلح حرب مسلمین فروخته و مانع رکوعه و تسلیم کوچ کند و غیره
یا علی سر پیزار نکاح از اهل وقت در دنیا و آخرت عفو کردن از
 کسی که بر تو ظلم کند و مسکه کردن با کسی که از تو ظلم کند و حکم درین
 با کسی که با تو ناخوش کند **یا علی** نماز چنانکه مقبول نشود بنده که از
 جنبش مگریزد و زنی که شوهرش را بر بخت و وار و دوری کند یا باغ

ای علی هر کس هفت شصت هشتاد و نه مرتبه بگوید یا ایان بر پیشانی او در روز
 بخت بر پیشانی او نشود و شود و ضرر را بر آن سازد و نافرمانی و قوت
 با حقوق خود گذارد و در کوفه مال بد و غضب خود را حفظ کند و زبان
 گناه دارد و از گناهان استغفار کند و چیزی را بهی علی بپوشد هرگز نکند
ای علی ای است سید طاعت دل را بهی انداخته و از دل و زبان **ای علی** بگوید
 از حقیقت ایمان صدقه در وقت پریشانی و احوال بخیر و بدی و غم و شادی
ای علی هر چه بگوید که هر کس هشتاد و نه مرتبه بخواند و در روزی که از او
 گناهش دارد و غمی که بر او آمده و هر چه خواهد از آن بگذرد **ای علی** و در سال
 بر او برای برادران و دیگران بگوید و هر چه بگوید و در روزی که از او
 خازنه و در سبیل حاجت دعوت و چهار سبیل برایت مومن پنج سبیل بد و دوزخ
 و شش سبیل باغی است مظلوم و در استغفار و تعصیر مکن **ای علی** چون کسی بگوید و در روزی که
 چه که نشت و مملکت گویند چه آور **ای علی** هر چه بگوید و در روزی که نشت
 نخواهد که در آن بگوید و بد و خانه سلطانی **ای علی** هر کس خاشاک نیکوتر
 عملش نماید و در برشتن او با تبره و نشتش بیشتر از هر کس بگوید
و هم آن حضرت یا ایزد فرموده یا ایزد و میستند و میستند و میستند و میستند

نجات یابی خدا را چنان عبادت کنی که او را می بینی که اگر تو او را بر پیشانی
 او را می بینی **یا ایزد** اصل پست کسی شستی نوحه که با ایشان پناه برد
 نجات یابد و هر کس از ایشان بازماند مملکت شود **یا ایزد** پنج خبر را پیشانی
 از پنج خبر غنیمت دان و جوانی را پیش از پیری و وقت را پیش از بختاری
 و غنا پیش از فقر و عزت پیش از ذلت و صحتی و زندگی پیش از حرکت **یا ایزد**
 چون کار خیری را طاعت رسد تا خیر مکن که غنیمتی که بعد از این شوی
 اگر بعد از این بانی کار دیگر توان کرد که ازین کار محروم نباشی
 بسا که یک روز را بپوشد و بعد از آن رسد **یا ایزد** خود را در
 دنیا غریب بنماید مثل مسافر که روز از جمل مردم کان پیدا چون هیچ
 بر خیزد در حکم شام باشد و چون بشام رسمی خالی بسیار **یا ایزد**
عمر از غنیمت دان و بر غنیمت ترا دردم و دنیا را بشی **ای علی** هر کس
 خدا پیش از نشت که توان داشت و نعمتها را و پیش از آنکه توان شمرد
 و غیر این چاره نیست که در صبح و شام در استغفار و توبه باشی
یا ایزد مومن از خطیه که ارتکاب کند که صید از دام **یا ایزد** آدمی که کند
 و باین بسیار روزی محروم شود **یا ایزد** کار که نفع ندارد مکن

و صحنی که فاده ندارد و گوی در برابر پیش ران حفظ کن که مال حفظ
می کنی **ایا** جمعی در پشت نگاه کنند و جمعی را با لای ترا خنوبند
گویند خدا یا ما و ایشان در دنیا یا هم می بودیم چرا ایستادیم را بر ما
تفضل فرمودی فرماید سیما ت ایشان گرسنه و تشنه می بودند شما
سیر و سیرابی بودید ایشان عبادت میکردند و شما می خوردید
ایشان شت می کشیدند و شما رحمت میکردید **ایا** چه من نماز
روشت چنانکه چشم گرسنه و تشنه بطعام و آب آنگاه گرسنه و تشنه
از طعام و آب سیر شوند من از نماز سیر نشوم **ایا** در خوشا جمعی که در
قیامت علمای شاهی او نهشته بهشت بشت بخت گشته باشند که
در سحر و غیر آن بمساجد بخت کنند **ایا** گویا زندان مومن در بهشت
که فرات مومن در دنیا نباشد مگر مخرق و چون مخرق نباشد که کز
از جلا فارغ نیست و چون از دنیا برود رات رسد **ایا** در هیچ عبادت
مثل آن نیست که همیشه مخرق باشی اگر توانی که بیه کن و اگر نتوانی دل را
نگه کنی از وجود پاک بیه اگر که دل تحت از خدا در است **ایا** در هر کس حرکت
و تکیه بر آن کرد از نصیحت ایمن شود و مستوجب عذاب خدا شود **ایا** در

و تا کسی است که خود را بر شت دارد و کار آخرت کند و ناوان کسی
بر هوای نفس باشد و خود را با آرزو و غریب دهد **ایا** در دنیا و هر چه
در دنیا است طاعت مگر آنچه برای خدا باشد **ایا** در خدای تعالی که برکن
اراده خیر دارد او را در دین دانا و در دنیا زاهد که دانه بود
نفس خود پنا کند **ایا** در چون کسی را پنی که در دنیا که ده نمی او را
بشنو که دلش از حرکت برت **ایا** در منی عا که دم کند از نرق در
و دوستان مرا قدر کفایت کند و اعدای ناانال بسیار **ایا** در
از خدا بر هر چیز و بجز دم شما که از خدا می ترسی و دولت را خیر نباشد
ایا در هر چه میکنی حتی خوردن و خوابیدن نیت رضای خدا کن
تا از آن تو بسای **ایا** در بشت میوهایی آرزوی دنیا از دل بدر کن
و همیشه مستطعم باش و از خدا چنانکه ما همه از خدا می کنیم فرموده چا
این نیت چنانست که مقابله و مکر را فراموش کنی و در خوردن و پوشیدن
از حال حرام می پرور و انباشی هر کس که است آخرت خواهد برگزینت دنیا
کن چون چنین باشی از اهل دوستی خدا باشی **ایا** در اگر یکی از زمان بشت
در شبی تا یک نگاه بر زمین کند از نور جلاله و قدام روی زمین بوی عطر آید

و اگر عاید از جامهای شربت را در دنیا بکشاید هیچ کس تاب دیدنش ندارد
 و هر چه پیش برفتند **ایاد** جوانی که برای لذت جستی بگذشت و شربت
 دنیا کند و جوانی را در طاعت به پیری رساند اجدها و دو و صدین داشته
 باشد **ایاد** کسی که چون دامن غارت شود اجابت کند و مساجد را خوب نگاه
 کند **ایاد** شربت باشد گفت عمارت مسجد که هست فرمود آنکه در مسجد
 آواز بلند کنی و مشغول لغو و باطل و بی فایده و ترا نشوی و اگر چنین کنی در حق
 حرمت و عهده هستی **ایاد** در مسجد باشی ملائکه بر تو صلوة فرستند
 و هر نفسی که گشتی در صلوة کنند و در سجده بویند و در سجدت بگویند
 کسی که شربت نباشد در اکل و شرب و لباس غیر محال و حرام کند و حقانی
 نفس خود نکند مثل کسی که با کمال دقت حساب بر کشد و بگوید که کند
ایاد در خدای تعالی فرموده بعزت و جلال خودم که هیچ بنده
 رمای مرا بر خای خود نیست که بگوید که آنکه نفس او را غنی کردم
 و قصه و کفرش را صرف آخرت کردم و آسمان و زمین را فغان
 زدنش کردم و من برای او جای مرگبارت تا بخرم **ایاد**
 اگر آدمی از رزق خود بگوید چنانکه انچه میگوید در زشت باو میرسد

چنانکه گشت باو میرسد **ایاد** خدای تعالی نظر عال جمال کند بلکه نظر
 بدل اعمال کند **ایاد** کسی که فرج و ریز از خط کند و من شربت شود
 گفت ما را بخرنی که گوئیم موحشته کند فرمود مکر و دهم را سر از
 بد و زخ اندازد مکر حاصل بران **ایاد** کسی که خواهد که مردم پیش
 او بر سر پا ایستند جای خود را در آتش مهیا و اند **ایاد** کسی که
 بگذرد زنده بگذرد و دلش باشد بوی شربت نشوید تا بوی کند **ایاد**
 کسی که قاعد باشد اما برای تو آضع خدا اگر گزینت دنیا کند و خدا
 در پیش خدا دلیل حقیر که داند و مال خود را در غیر نصیبت صرف
 کند و بر فقر او مساکین رحم نماید و با اهل علم و دانش مخالفت
 کند بهترین است من باشد خوش کسی که ظاهر و باطنش خوب باشد
 و شربت خود را از مردم باز دارد و بعلوم خود عمل کند و هر چه زیاده از خود است
 عیال باشد در حق صرف کند و حرف بیانده کند و از حضرت امیر
 المؤمنین صلوات الله علیه روایت که فرمود عجب اگر کسی که به کار
 بر میخورد و آزاد میکند چه آزادان را با احسان بنده میکند و عجب اگر کسی
 امید رحمت از بان ترا بخورد و از چون برایش ترا بخورد و رحم کند و عجب اگر کسی

از ترس مرض از هم بر میزند چون از ترس عذاب گریه بر سر کند و حضرت
 امام جعفر علیه السلام میفرمود ای عاشر ششده شمارت ما باشد
 دشمن ما باشد با مردم چون سلوک کند و زبان خود نگاه دارد از
 فضول کلام و قبیح افعال احتراز نماید و هم حضرت ابی عبد الله بن عبد
 که از احباب حضرت بود فرمود **یا عبد الله** ای حسین ای جدی خود را برای
 او یاد دین دار و عزم کن و حال کن که در نظر ایشان خیال بود
 کرده که هیچ چیز از ایشان نیستار کند و بعد از آن فرمود آه بر دلهای
 که از نور الهی محروم شده و دنیا در نظرشان مثل مار آرمیده و می آید
 بخدایان که در راهی دنیا در حیرت کرده و بیای می نهند و حق
 و خدا بایشان رفع هرات و بلا از راهی دنیا نماید **یا جعفر** هرگز از دست نده
 و صفت که در روز و هر شب می سبب نفس خود کند اگر حسنه کرده باشد خدا
 شکر کند و طلب زیاده نماید و اگر ستم کرده باشد استغفار کند و چهره
 تقوی باشد تا روز قیامت نایل باشد خوشبختی که چشم بر ملت اهل دنیا
 و نیکوئی ظاهرشان نداشته بر آن رسک نبرد و خوشبختی که مسئول طلب
 آخرت باشد و بار و دایه اهل دنیا از راه **یا جعفر** اگر شیعیان را بدست

آیند و ای که کند عاقل یا ایشان معاصی کنند و هیچ خبر از خدا طلب کنند که
 عاقل فرماید **یا جعفر** برای کسی که کاران شده و بگویند و غیر از این تو حق نباشد
 تفریح و استراحت کند که هر کس حق پاک کند و از راهی تیر آید و اگر چیزی را بگوید
 و آنچه نداند و بدو مشکلی باشد بماند شود از راهی جنت باشد **یا جعفر** هر کس بگوید
 عاقل شود و اعتقاد بر حجت نموده و جرات بر کند و بگوید که بجات نیاید
 کفتم پس که بجات یابد فرمود که سبک داشت و میان خوف و در مضطرب
 باشد و جای ثواب خوف عذاب مثل بگو تر و بچنگال باز و عذاب
یا جعفر هر کس خواهد که خدای تعالی با او در تجسس کند و باج نور بخش
 کند او خالی و در میان نماید **یا جعفر** شب که خواب کن و روز
 کم حرف بگو که هیچ حسرتی نگذرد از چشم و زبان نیت ما و بلیان
 بن داود بلیان گفت ای فرزندی که خواب کن که هر کس خواب کند
 محتاج شود در روزی که هر کس بعل و محتاج باشد **یا جعفر** شکی
 و امانت که مردم را بآن فریب دهد و بگوید که از آن چه چیز بگوید
 و دلم میارید کفتم یا رسول الله آن کلام است فرمودی
 که هیچ برده ایان بهمان کند دیگر از صلوته و نمازش غافل

کرده اند هیچ عبادی مثل نقل اقام و احسان و بر خوار و زیارت ایشان نیست
 و ای جمعی که نماز را و انوش کنند در شان آن مسایله نمایند تا روزه
 خود بگذرد و صوم و دار کاشش ضایع شود مگر بیایات و احکام خدا
 استیز میکنند و از روزه و نصاب او بر دارند از اینسانند که خدا را
 در قرآن فرموده که در آخرت بهایز و نصیبی باشد و با بیان سخن
 بگویم و از سنت است که بگویم و بعد از این صعب که گویم
 هر کس این سخن را در روز آخرت بشنود و با و عداوت نماید و این سخن را
 در کتب معنوی خدا بر داند پیش از آن که در کتاب بگذارد و این سخن را
 مومن می شنود چنانست که سعی میان خدا و مرده کرده باشد و هر کس قهای
 حاجت مومن کند چنانست که در بر و راه در حق خود غلطیده باشد خدا را
 پنج هجری را عذاب کرده که در وقت حقوت هر هجری است که کرده اند
 بیشینان ما برسان بگو ای کزینا دعا بطل میکند که بولایت او دسترس باشد
 مگر برون و عبادت و عواصات اخوان و مومنان و عیال و عیال که بر دهن
 گفته اند این سخن را پنج هجری است و آن شرافت خدا

پیشانی خود با شکر خیره و شکر دشتان را که بکسی احسان کنی بکشت در حرکت
با مل کردان بکشد بهر از آن بنام کن و خوشی پیش کن اگر عالمی زنت باشد و اگر
با مملی پیده عیب بود **باب پنجم** عیسی بن مریم با صبا خود گفت اگر شما یکدیگر را
پسندید که جلد از خود شکر گوید آیه را بکشاید و یا گوید و یا بپوشید گفته
هم بپوشید و نموده نه بلکه بکشاید عیوب یکدیگر می پسند و نمی پوشید تا روز
شهرت کنید آنچه خواهی دید یا پیدا و صبر بر بکار ده نماید با یکدیگر امید رسید
چشم ز مردم و زنت نهان بپوشید که حاصل آخرت معاشی زنت پیش
ماکان نظر عیوب مردم بکشید بلکه شکر کنی تحمل عیوب خود باشد مردم میگویند
بشد و معافی بر ستاد هم کنید و بر عیبت شکر نماید **باب ششم** چون اعدای و غلبه
مده که دم ترا می کشند که اگر چنین کنی با خود رسید و بشی بلکه اگر با دست
و پای دست چپ را خبر باشد **باب هفتم** خیره و شکر در پیش نیست تمام خیره و شکر نیست
و تمام شکر در دفع که هر دو وقت **باب هشتم** صدای قالی بعضی و حیها و نموده که کارها
قبول کنم که پیش غفلت کنی تو اوضاع کند و خود را برای یکی از شنوات باز دارد و خود را
بیاد کن که از راه و بطنی نمی بگرزند و اگر سندر بگرزند و بر سندر بپوشانند و بر سندر
هم که در جزین باز زد و کسی که چنین باشد شکرش شکر است و آن باشد و طولی زنتی هم

[illegible]

هر جا که بسترین صیبرند اول حمد را ملاوت نمایند و بکبریه این کلام علی عالی قد و را
 لبی اقله الرحمن الرحیم و حیت الحقیت ساعدتی سلامه و یغایق الرحمن
 من کل جانب مضطفا علی ما وعدت من المنی بیف سکرکث فی فنیون الأسالیب
 و از برای محافظت و دفع خوف باید پنج سکن ربیة اوزمین یا کبریا در اول باسم الله
 دویم باسم جبرائیل سیم باسم میکائیل چهارم باسم ابراهیم پنجم باسم محمد با خود
 نکلند ارد تا از هم بگذرد برای حاجت کلی فصلی کعبین قرء فی الاول الفاتحه و الکا و ن
 و الفلق مره و فی الثانیة الفاتحه و الاخلاص و الناس ثم اکتب بعد الفراق منها
 هذا الدعاء فی القرباس و قام علی قدمیه و وضع القرباس علی راسه و صل علی
 مائة مره ثم اطح ذلك القرباس فی الماء جار حقی حاجته

این دعا را در هر جا که بسترین صیبرند اول حمد را ملاوت نمایند و بکبریه این کلام علی عالی قد و را

